

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

سرمدیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

کارشناس اجرایی: مهین زرنگ

مدیر مسؤول: ناصر نبی زاده

مدیر داخلی: محمود رضانی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- | | |
|-------------------------------|--|
| ۱. دکتر محمدباقر آخوندی | استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند |
| ۲. دکتر حبیب‌الله احمدی | استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز |
| ۳. دکتر بی‌بی اقدس اصغری | استادیار مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد |
| ۴. دکتر محمد بهنام‌فر | استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند |
| ۵. دکتر محمدعلی بیدختی | استادیار پژوهش و هنر دانشگاه بیرجند |
| ۶. دکتر هادی پورشافعی | دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند |
| ۷. دکتر الکساندر چولوخادزه | دانشیار زبان و ادبیات فارسی، مطالعات ایران و خاورمیانه دانشگاه گرجستان |
| ۸. دکتر محمدتقی راشد محصل | استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی |
| ۹. دکتر مفید شاطری | دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند |
| ۱۰. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی | دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند |
| ۱۱. دکتر ویلم فلور | استاد ایران‌شناس و پژوهشگر تاریخ ایران دانشگاه لیدن (هلند) |
| ۱۲. دکتر احمد کامیابی مسک | استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران |
| ۱۳. دکتر محمدرضا مجیدی | دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران |
| ۱۴. دکتر جواد میکانیکی | دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند |

ویراستار فنی: سیدنورالله نصراللهی

ویراستار انگلیسی: شهرزاد دهقانی

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی - هنری افق هزاره سوم کویر

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان شمارگان: ۱۰۰

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

خراسان جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳ دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: pazhoheshkhorasanj@farhangmail.ir

وبگاه: <http://Farhangekhorasan.ir>

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست.

نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند.

نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند.

فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

دوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- دکتر محمدباقر آخوندی استادیار دانشگاه بیرجند
- دکتر مرتضی اسماعیل نژاد دانشیار دانشگاه بیرجند
- دکتر هادی پورشافعی دانشیار دانشگاه بیرجند
- دکتر محمد حجی پور استادیار دانشگاه بیرجند
- دکتر شیرزاد خزاعی استادیار دانشگاه بیرجند
- دکتر محمدحسن شربتیان مربی دانشگاه پیام نور
- دکتر محمدرضا عزیزی استادیار دانشگاه بیرجند
- دکتر زهرا علیزاده بیرجندی دانشیار دانشگاه بیرجند
- دکتر حسین فرزانه پور دانشیار دانشگاه بیرجند
- دکتر جواد میکائیکی دانشیار دانشگاه بیرجند
- دکتر حامد نوروزی دانشیار دانشگاه بیرجند



پیشینه: فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۸۹ با عنوان "فصلنامه فرهنگ خراسان جنوبی" آغاز به کار نمود. در جلسه کارگروه علوم انسانی کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۲ با عنوان "مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" موافقت گردید. به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴ کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه "مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجه علمی - ترویجی گردیده است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

طبق آخرین مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بر اساس آیین‌نامه نشریات علمی مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۰۲ در ارزیابی سال ۱۳۹۸، این فصلنامه موفق به کسب رتبه ب گردیده است.

فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com؛ پایگاه سیویلیکا به آدرس <https://civilica.com/1/60837>؛ پایگاه مرکزی اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی <https://www.sid.ir/fa/journal/JournalList.aspx?ID=8071>؛ پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور به نشانی www.inti@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.

۲. مقاله در محیط واژه‌پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.

۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.

۴. معادل‌های لاتین اسامی غیر فارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح ۳۰۰ dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.

۶. ارجاعات درون‌متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۱-۷- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاو*. تهران: نشر علم.

۲-۷- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۳-۷- مجموعه مقالات همایش

میکانیک، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۴-۷- پایان‌نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۵-۷- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۶-۷- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). «شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی». [پیوسته] قابل دسترس در: <http://www.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html> [۱۳۸۸/۸/۲]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ به دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

فهرست مطالب

- گونه‌شناسی الگوهای معاصر مسکن روستایی و ارتباط آن با اقلیم (مطالعه موردی: روستای گنگ مشهد)

فرزانه بی‌مکر، رضا میرزایی، مهدی مداحی، احمد حیدری ۷

- بررسی ویژگی‌های تاریخ‌نگاری سبک خراسانی در دوره غزنوی

مجتبی خلیفه، ستاره غفاری بیجار ۳۱

- نقش پیش‌بینی‌کننده سرمایه اجتماعی در سلامت اجتماعی کارکنان (مورد مطالعه: اداره‌های پست استان خراسان جنوبی)

فاطمه زین‌الدینی میمند، افسانه عبدلی ۵۷

- بررسی مقایسه‌ی شاخص‌های حکمروایی مطلوب روستایی (مورد مطالعه: شهرستان بیرجند)

محمود فال‌سلیمان، مفید شاطری، نرگس خسروی ۹۵

- مسائل فرهنگ عمومی با تأکید بر موضوع شهروندی و اخلاق اجتماعی شهروندان (شهر سبزوار)

حسین قدرتی، شفیعه قدرتی، مهرداد زیدی ۱۱۹

- تأثیر‌پذیری نظام فعلی گویش عربی در میان از گویش فارسی (بررسی موردی: فعل مرکب) کلثوم قربانی جویباری، زینب صالحی ۱۵۵



گونه‌شناسی الگوهای معاصر مسکن روستایی و ارتباط آن با اقلیم

(مطالعه موردی: روستای کنگ مشهد)^۱

فرزانه بی‌مکر^۲

رضا میرزایی^۳

مهدی مداحی^۴

احمد حیدری^۵

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

شماره صفحه: ۷-۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۴

چکیده

امروزه شناخت معماری مسکن روستاها حائز اهمیت می‌باشد، زیرا الگوهای فضایی معماری آنها در تعامل با اقلیم و محیط شکل گرفته و دارای رابطه تنگاتنگی با خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ساکنین خود می‌باشند. این مطالعه در نظر دارد، به بررسی مسکن روستای کنگ واقع در شهر مشهد، به‌عنوان یک مجموعه آمیخته با طبیعت بپردازد، زیرا تفاوت در خرده اقلیم‌های این منطقه سبب به‌وجود آمدن گونه‌های مختلف مسکن شده است که دارای ساختار ارزشمند معماری در بهینه‌سازی انرژی نیز می‌باشند. روش مطالعه این مقاله به‌صورت کیفی بوده و اطلاعات بر اساس نظریه‌ای برخاسته از داده‌ها، مطالعه موردی و اسنادی، مصاحبه و مشاهده به‌دست آمده

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری فرزانه بی‌مکر با عنوان "بازخوانی مؤلفه‌های مؤثر بر روایت حس مکان در خانه‌های معاصر ایران (مطالعه موردی: خانه‌های دوره پهلوی شهر مشهد)" در گروه هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند در دست انجام می‌باشد.

۲. دانشجوی دکتری گروه هنر و معماری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران

farzanehbimakr@gmail.com

۳. استادیار گروه هنر و معماری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران، نویسنده مسؤول

ucjks@gmail.com

sm.madahi@gmail.com

۴. استادیار دانشکده معماری، مؤسسه آموزش عالی خاوران، مشهد، ایران

ahmadheydari15@gmail.com

۵. استادیار گروه هنر و معماری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران

است. بدین لحاظ این مقاله عوامل متعددی چون اقلیم، مصالح و فنون ساخت و ... را که موجب به وجود آمدن این نوع معماری شده است، مورد بررسی قرار می دهد. نتایج تحقیق نشان می دهد پنج گونه مختلف با توجه به اقلیم سرد منطقه در بافت خانه ها وجود دارد که منتج از تأثیر الگوهای معمارانه سازگار با معیارهای اقلیمی - محیطی می باشند و یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر الگوی مسکن، فضای حیاط است که در پنج الگوی متفاوت ساختاری حیاط سرپوشیده، حیاط مستقل (باز - نیمه باز)، حیاط بام (پلکانی)، حیاط مشترک، بدون حیاط نمایان گردیده است. هم چنین از مشابهت ساختاری خانه ها و نحوه عملکرد عناصر معماری به کار رفته در آنها می توان نتیجه گرفت که اصول ثابت سامانه های حرارتی به کمک بهره گیری از انرژی طبیعی و خورشیدی برای تأمین آسایش حرارتی، بسیار مؤثر بوده اند.

واژگان کلیدی: اقلیم، الگوی سکونت، کنگ (روستا)، سامانه حرارتی، مشهد

مقدمه

مسکن به عنوان عمده ترین عنصر تشکیل دهنده بافت های روستایی است که سازمان فضایی، نحوه ساخت و استقرار آن بیانگر کیفیت استفاده از محیط، تأثیر اقتصاد، سنت ها و هنجارهای حاکم بر جامعه روستایی می باشد (سرتیپی پور، ۱۳۸۴: ۴۴). بافت عمومی سکونتگاه های روستایی بیانگر شکل و الگوی حاصل از تأثیرگذاری عوامل گوناگون در عرصه روستا و نحوه ارتباط و کنش متقابل این عناصر و ویژگی ها است (سعیدی، ۱۳۷۸: ۵۲). با توجه به این که، شرایط اقلیمی هر منطقه متأثر از شرایط جغرافیایی و جوی محل می باشد و معماری بومی نیز متأثر از شرایط اقلیمی همان منطقه است، شناسایی ویژگی های اقلیمی و شناخت عوامل تأثیرگذار در شکل گیری گونه و الگوی مسکن روستایی از ضروریات مطالعه می باشد. سازندگان معماری روستایی در هر منطقه، شرایط اقلیمی و سازه ای را در نظر گرفته و بر اساس شناخت و تلفیق متناسب آنها با یکدیگر، به ساخت مسکن اقدام نموده اند. همان گونه که سرتیپی پور (۱۳۸۸: ۵۳) معتقد است که استفاده از امکانات محیطی و هماهنگی با طبیعت به صورت بارزی در معماری بومی نمایان است.

در این میان، «شناخت الگوهای محیط و فرهنگ هر منطقه، کیفیت زندگی افراد را نیز تعیین می‌کند» (خاک‌زند، ۱۳۸۸: ۲۵)، چرا که الگو دلالت بر نوعی نظم دارد و فرهنگ به‌عنوان معمار و ناظم آن محسوب می‌شود (مظفر، عبدمجیری و سادات هاشمیان، ۱۳۹۵: ۶۱) و شکل، سازمان و نظم فضایی مسکن شدیداً متأثر از محیط و فرهنگی است که مسکن به آن تعلق دارد (راپاپورت، ۱۳۸۴: ۲۸) و استفاده از الگوهای معماری غیر بومی تضعیف هویت مکانی این سکونتگاه‌ها، را به‌دنبال خواهد داشت (علی‌الحسابی، ۱۳۸۱: ۱۴).

نکته قابل توجه دیگر این است که «خانه‌های روستایی، به‌دلیل پیوند با طبیعت مبتنی بر اصول و ارزش‌هایی هستند که همزیستی با محیط زیست نامیده می‌شود» (مرادی اسطخ‌زیر، ۱۳۹۴: ۳۸۳). به نحوی که هر مکان جزئی از منظره و طبیعت است و برعکس هر منظره بخشی از مکان است. ارتباط تنگاتنگ ساکنین و شرایط محیطی منطقه به مرور زمان، باعث همسازی محیط و معماری بومی به صورت الگوهای ساختاری شده است (Soini, Vaarala & Pouta, 2012: 125). متأسفانه آمارها نشان می‌دهد که در طی سه دهه اخیر، ساخت‌وسازهای روستایی از رشدی شتابان برخوردار بوده‌اند که هیچ انسجامی از رنگ، بافت و مصالح با محیط خود ندارند و در حال تخریب بافت‌های منسجم قبل از خود نیز می‌باشند. در حال حاضر، روستای کنگ از این قاعده مستثنی نمی‌باشد و متأسفانه در بخش‌هایی از بافت جدید خود دچار نوعی دوگانگی بین ساختار معماری جدید و قدیم خود شده که هیچ توجهی به دوستی با طبیعت و بهره‌گیری از منابع انرژی تجدیدپذیر در تأمین نیازهای حرارتی ساختمان را ندارد. بدین منظور این پژوهش به‌دنبال مطالعه معماری مسکن روستایی کنگ و گونه‌بندی آن است و یکی از مهمترین اهداف، بررسی عوامل تأثیرگذار در شکل‌دهی سازه مسکن روستایی آن می‌باشد. فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از این‌که، اقلیم به‌واسطه مداخله عواملی مختلف هم‌چون اقتصاد، فرهنگ و عوامل اجتماعی بر الگوی مسکن و شکل معماری خانه‌ها تأثیر گذاشته که شامل مواردی هم‌چون چگونگی ساختار فضایی خانه، جهت استقرار بنا، چگونگی استقرار ساختمان نسبت به کف زمین و چگونگی شیب سقف

خانه است و شرایط آسایش را برای ساکنین ایجاد می نماید (جدول ۱). توجه به چند نکته مهم در این مطالعه، به ساخت فرضیه تحقیق کمک نموده است:

۱. ارتباط تنگاتنگ ساکنین و شرایط محیطی منطقه به مرور زمان، باعث همسازی محیط و معماری بومی به صورت الگوهای ساختاری ارزشمند شده است.

۲. شناخت راهکارهای مناسب طراحی و وضعیت اقلیمی منطقه می تواند به تدوین دستورالعمل هایی در طراحی مسکن با دیدگاه صرفه جویی در مصرف انرژی کمک نماید.

جدول ۱) روابط میان متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته	متغیر مداخله گر	متغیر مستقل
الگوی مسکن	عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی	اقلیم

مأخذ: نگارندگان

پیشینه تحقیق

تاکنون مطالعات متعددی در باب مسکن و روستا به منظور شناسایی عوامل تأثیرگذار بر معماری مساکن روستایی انجام شده است، از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

زرگر (۱۳۸۸: ۳۱) معتقد است که ساختار روستا تحت تأثیر عوامل گوناگون جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که هیچ کدام از این عوامل به طور مستقل عمل نکرده و در رابطه تأثیر و تأثر متقابل نسبت به یکدیگر قرار دارند. درثو^۱ (۱۳۷۱، ج ۲: ۵۶) در جغرافیای انسانی به تشریح بروز تحول در خانه های روستایی، مصالح و نقشه ها پرداخته است. در کتاب مقدمه ای بر برنامه ریزی سکونتگاه های روستایی (افراخته، ۱۳۹۰: ۱۷) اشاره به ساخت و سازهای روستایی به عنوان بخشی از توسعه روستایی می شود که سازمان فضایی زیستگاه های انسانی را، نتیجه مستقیم فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تشریح می کند. همان گونه که مالون (Malone, 2018: 127) نیز معتقد است معماری باید متناسب با نیروهای فعلی فرهنگی،

اقتصادی و سیاسی شکل بگیرد. از دیگر آثار مطرح در این زمینه می‌توان به مجموعه مقالات و کتاب‌های محسن سرتیپی‌پور (۱۳۸۴-۱۳۸۸: ۴۵) و مجله انجمن اروپا (Sangiorgi, 2008: 5) اشاره نمود که با تأکید بر شیوه‌های معماری مساکن روستایی به‌عنوان میراث فرهنگی و ملی، به مسائل مربوط به مساکن روستایی و عوامل مؤثر در توضیح پراکندگی مساکن پرداخته‌اند. هم‌چنین چند طرح پژوهشی از بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان رضوی (۱۳۸۸) و دو کتاب کنگ کهن‌دژی بر پهنه بین‌الود (نازپرور، ۱۳۸۸) و کنگ یادگاری از گذشته، میراثی برای آینده (ذوالقدری، ۱۳۸۶) به‌طور ویژه به بررسی ویژگی‌های جغرافیایی و بافت روستای کنگ پرداخته‌اند. آنچه که شایان توجه می‌باشد این است که تاکنون مطالعه و بررسی الگوهای ساختاری روستای کنگ به‌صورت هم‌راستا با شناخت راهکارهای تأمین آسایش حرارتی^۱، صورت نگرفته است.

سؤالات تحقیق

پژوهش حاضر بر روی معماری بومی مسکن‌های روستایی به‌عنوان مهم‌ترین عرصه زندگی که تأمین‌کننده سرپناه انسان‌ها هستند، تمرکز کرده است. با این فرض که با شناخت گونه‌های معماری و سازه‌های بومی این خانه‌ها، می‌توان این نوع معماری را مستندسازی کرد و هم‌چنین در آینده می‌توان از این نوع معماری در ساخت خانه‌های مسکونی استفاده کرد. در این مقاله سعی شده به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

۱. چند نوع نقشه مسکونی در منطقه وجود دارد و آیا رابطه معناداری بین آن‌ها در شکل‌گیری الگوی استقرار بنا وجود دارد؟
۲. با توجه به اقلیم سرد و کوهستانی بودن روستا، چه مقوله‌هایی در طراحی مسکن روستایی تأثیرگذارند که همساز با اقلیم نیز می‌باشند؟
۳. در گونه‌های مختلف مسکن چه تمهیدات و راهکارهایی برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی وجود دارد؟

روش تحقیق

این تحقیق بر اساس هدف، از نوع کاربردی می باشد، زیرا تلاش بر آن است که بر پایه منابع، اسناد و مشاهده روش های ساخت، شناخت الگوهای سکونتی تحقق پذیرد و توسعه شرایط آسایش بر مبنای اقلیم نیز فراهم گردد. لذا روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش به صورت میدانی بوده که با برداشت نمونه های قابل قبول (بیش از ۵۰ سال قدمت) و به تعداد مناسب، اطلاعات جمع آوری و با مقایسه نمونه ها در حوزه معماری و سازه بر اساس شباهت ها و تفاوت ها نتایج حاصل می گردد.

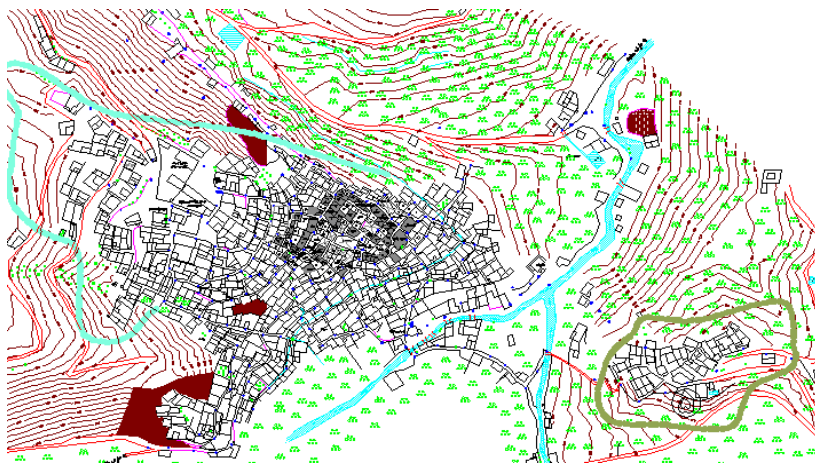
معرفی محدوده پژوهش و شرایط اقلیمی آن

روستای کنگ یکی از روستاهای تاریخی استان خراسان رضوی از شهرستان طرقبه- شاندیز است که با قدمتی بیش از سه هزار سال، از قدیمی ترین روستاهای این شهرستان است و دارای جمعیتی نزدیک به ۱۴۷۲ نفر می باشد که متشکل از ۳۵۴ خانوار است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹: ۸۹). از ویژگی های واجد ارزش این روستا، استقرار بر دامنه پرشیب، چگونگی چیدمان خانه ها در ترکیب با هم و به صورت پلکانی، نحوه نورگیری و میزان سطح بازشوها، عناصر و اجزای متشکله بناها و نحوه استفاده از مصالح بومی می باشد (ذوالقدری، ۱۳۸۶: ۹) که از آن به نام "ماسوله خراسان" یاد می کنند (تصویر ۱).



تصویر (۱) روستای کنگ (نگارندگان)

با توجه به وضعیت قرارگیری روستا در دامنه کوه روخی با ارتفاع بیش از ۲۰۰۰ متر، این روستا در پهنه اقلیمی کوهستانی قرار می‌گیرد (نازپرور، ۱۳۸۸: ۱۲) و از سه جهت، در رشته کوه‌های بینالود محصور است و فقط به سمت شرق روستا چهره تپه‌ماهوری و دره‌ای به خود می‌گیرد (تصویر ۲).



تصویر (۲) نقشه روستای کنگ (مأخذ: بنیاد مسکن ...، ۱۳۸۸)

جدول ۲) مشخصات دمایی، رطوبت و بارش روستای کنگ

فصل		زمستان			پاییز			تابستان			بهار	
ماه	آسفند	تیر	مهر	آذر	مهر	آبان	آذر	مهر	شهریور	مهر	اردیبهشت	فروردین
دمای متوسط بر حسب سیلیوس	۳	۰/۸۶	۲/۵۱	۵/۴۳	۹/۴۹	۱۳/۷	۱۸/۶	۲۱/۲	۲۱/۳	۱۸/۱	۱۳/۴	۸/۵۱
حداکثر درجه حرارت	۷	۴/۶	۶/۵۲	۹/۶۲	۱۴/۴	۱۹/۶	۲۵/۲	۲۷/۵	۲۷/۵	۲۳/۸	۱۸/۵	۱۳/۲
حداقل درجه حرارت	-۱	-۲/۹	-۱/۵	۱/۲۴	۴/۵۶	۷/۸۴	۱۱/۹	۱۴/۹	۱۵/۲	۱۲/۳	۸/۲۶	۳/۹۱
میزان بارش ماهیانه بر حسب	۵۸/۲	۴۷	۳۴/۶	۳۱/۳	۲۰/۴	۱۳	۲/۰۷	۲/۶۷	۴/۶	۲۳/۲	۵۵/۴	۶۱/۵
درصد متوسط رطوبت نسبی	۷۱	۷۸	۷۴	۶۸	۵۸	۵۴	۴۸	۴۸	۴۷	۵۱	۵۹	۶۴

مأخذ: بنیاد مسکن ... ۱۳۸۸: ۶۵-۷۲

از مشخصات اقلیمی منطقه با توجه به آمار ایستگاه هواشناسی زشک که در نزدیکی روستا واقع است، می‌توان گفت که «متوسط درجه حرارت سالیانه روستا در حدود ۱۱/۳ درجه سانتیگراد است که بیشترین میانگین دمایی در تیرماه و کمترین آن در بهمن‌ماه دیده می‌شود. جدول ۲، توزیع کمیت‌های دمایی، میزان بارش و رطوبت نسبی ماهیانه روستا را نشان می‌دهد» (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان رضوی، ۱۳۸۸: ۷۱).

هم‌چنین باد یکی دیگر از عوامل مهم هواشناسی، به‌عنوان یک کمیت بُرداری نقش ویژه‌ای در شکل‌گیری بافت منطقه و شکل خانه‌ها دارد و دارای دو مشخصه است یکی سمت و دیگری سرعت (قیابکلو، ۱۳۹۵: ۵۳). در منطقه مورد نظر حداکثر سرعت باد در حدود ۶/۴۵۱ متر بر ثانیه و حداقل سرعت در حدود ۳/۴۵۷ متر بر ثانیه می‌باشد که بیشترین فراوانی باد در جهت

شمال غربی با سرعتی معادل ۶/۴۵۱ متر بر ثانیه و کمترین فراوانی باد در جهت جنوب با سرعتی معادل ۴/۳۴۳ متر بر ثانیه می‌باشد. بادهایی که در جهت جنوب شرقی می‌وزند نیز با توجه به سرعتی در حدود ۴/۵۴۶ متر بر ثانیه و فراوانی به نسبت زیاد، دارای اهمیت بیشتر هستند (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان رضوی، ۱۳۸۸: ۷۴).

در مقیاس کلان، شرایط شیب زمین، باد و تابش آفتاب برای ایجاد خرداقلیم‌هایی که مشخصه‌های خاص کلان‌اقلیم یک ناحیه را برجسته می‌سازند، با هم ترکیب می‌شوند. این خرداقلیم‌ها در شرایط شیب زمین با در نظر گرفتن کلان‌اقلیم و فصل، موقعیت‌هایی ایجاد می‌کنند که از بقیه مطلوب‌تر هستند. مطلوب‌ترین آنها عبارتند از:

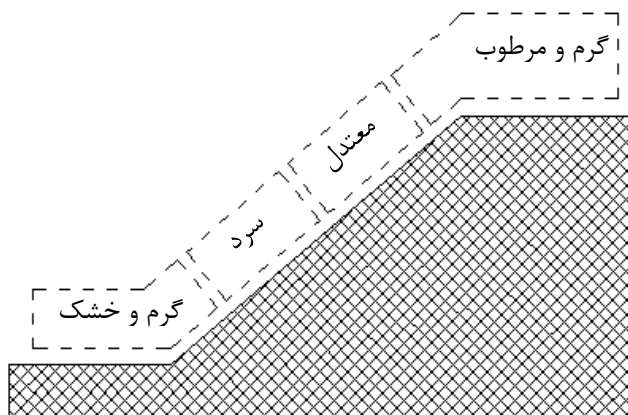
- سرد: در پایین شیب جنوبی برای افزایش تابش نور خورشیدی که باید همان قدر پایین باشد تا از باد در امان باشد و همان قدر بالا باشد که از حوضچه‌های سرد واقع در کف دره مصون بماند.

- معتدل: در وسط و نیمه سمت بالای شیب برای دسترسی هم به گرما و هم به باد اما اجتناب از بادهای شدید.

- گرم و خشک: در پایین شیب برای دسترسی به جریان هوای سرد شبانه و در شیب شرقی برای کاهش مواجهه با نور خورشید در بعدازظهر.

- گرم و مرطوب: در بالای شیب برای در معرض باد بودن و در شیب شرقی برای کاهش مواجهه با نور خورشید در بعدازظهر که در تصویر ۳ نمایش داده می‌شود (براون و دی‌کی، ۱۳۹۳: ۸۶-۸۸).

پس بر اساس خرد اقلیم‌های منطقه، شرایط کالبدی و فیزیکی متفاوتی در ساخت و سازها می‌تواند پاسخگو به اقلیم و شرایط آسایش باشد و باعث تنوع در الگوی شکلی خانه‌ها شود.



تصویر ۳) تعیین موقعیت در شیب بر اساس اقلیم
(Brown & Dekay, 2001 :88)

معرفی الگوهای سکونت‌ی روستا

خانه بیان مادی از سبک‌ها، الگوهای زندگی انسان و شرایط محیطی است (Ng, Kam & Pong, 2005: 349). بر اساس مطالعات و مشاهدات میدانی در روستا، مشاهده گردید که ساختمان‌های موجود با در نظر گرفتن اقلیم و جغرافیای منطقه، دارای خصوصیات مشترک در ساختار کلی معماری خانه‌های بومی هستند و برخی عناصر فضایی در همه آنها به صورت یکسان استفاده می‌شود. اما آنچه قابل توجه است، مکان و جهت قرارگیری فضاها، نوع مصالح مصرفی در ساخت با توجه به زمان بازتابش^۱ آنها و روش انتقال انرژی حرارتی^۲ می‌باشد که به منظور بهبود شرایط آسایش حرارتی جانمایی شده‌اند. به منظور نشان دادن توالی فضا در خانه‌های کنگ از جدول ۳ استفاده گردید. هر یک از فضاها با نمادی مطابق با جدول مربوطه، نشان داده می‌شود. از میان ریزفضاهای خانه‌ها، یکی از مهمترین عناصری که باعث تفاوت در شکل و الگوبندی خانه‌ها شده است، فضای حیاط می‌باشد. به گونه‌ای که در قسمت

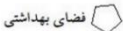
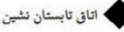
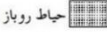
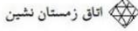
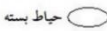
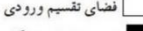
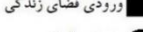
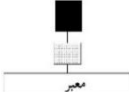
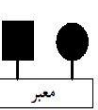
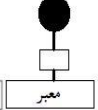
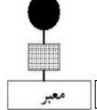
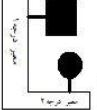
1. Surface Factor Time Lag

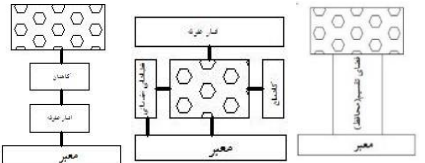
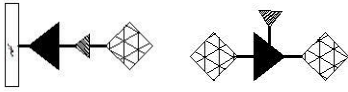
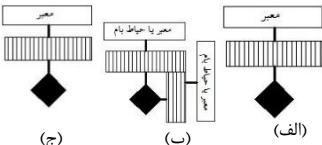
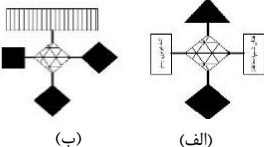
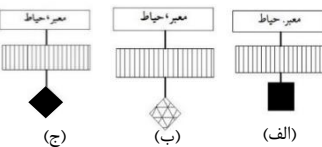
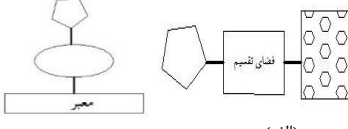
این عامل بیانگر زمان لازم برای انتقال تمامی انرژی از جداره به روش تابش به هوای محیط می باشد.

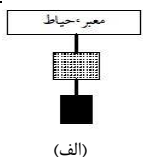
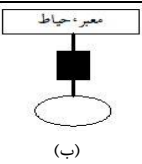
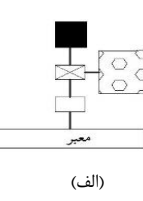
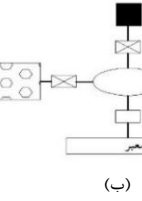
2. Thermal Transmittance

شمال روستا بیشتر با فضاهای سبز برخورد می‌کنیم و حتی این فضاهای سبز را در منازل به صورت باغچه‌هایی می‌بینیم، به طوری که الگوی برون‌گرایی کنار گذاشته می‌شود و با توجه به شیب کم، بافت به سمت درون‌گرایی حرکت می‌کند و حیاط‌های مکرر هویدا می‌گردد (خراسانی، ۱۳۸۵: ۶۲) نکته قابل توجه، مکان قرارگیری، شکل و تناسب فضایی حیاط‌ها است که تنوع الگوهای ساختاری را در جهات مختلف روستا به وجود آورده است. ساختمان‌ها در سمت جنوب روستا متراکم‌تر، درهم پیچیده‌تر و دارای مساحت کمتر می‌باشند. هر چه به سمت شمال روستا حرکت کنیم، بناها بازتر، مسطح‌تر و بیشتر با طبیعت درگیر می‌شوند و کمتر در ارتباط با شیب‌های تند قرار می‌گیرند. از سازماندهی فضاهای موجود در خانه‌های بومی روستای کنگ، به پنج الگوی فضایی مختلف می‌توان دست یافت. به منظور معرفی الگوها، یک نمونه از هر الگو در جدول ۴ تهیه گردیده است که در ادامه راهکارهای پیشنهادی آنها در صرفه‌جویی انرژی نیز بیان می‌شود.

جدول ۴) جزءشناسی فضاهای شکل‌دهنده خانه‌های بومی کنگ

توضیحات:		
		
		
		
		
		
		
		
ویژگی‌های مختلف فضا	نظام فضای مربوطه	فضا
- بالاتر از معبر اصلی یا هم‌تراز با شیب معبر اصلی - مجزا از ورودی دام یا به صورت مشترک با فضای دام از طریق فضای تقسیم - پس از ورود به حیاط (حیاط به عنوان فضای تقسیم)	 (الف)  (ب)  (ج)	ورودی ساختمان
- پایین‌تر و یا همسطح با تراز معبر - مجزا از ورودی اصلی، در صورت اشتراک با ورودی اصلی، دارای فضای تقسیم - دارای دیوارهای قطور سنگی یا خشت به ضخامت ۶۰ سانتیمتر به بالا - پس از ورود به حیاط (حیاط به عنوان فضای تقسیم)	 (الف)  (ب)  (ج)  (د)	ورودی طوبله

- موقعیت قرارگیری در طبقه همکف یا زیرزمین - محصور با اتاق کاهدان و فضاهای مجاور، فاقد بازشوهای رو به بیرون و هوای سرد - کمک به ایجاد زمین گرمایی برای فضای زندگی -محصور با دیوارهای قطور سنگی- خشتی برای کنترل دما	 (الف) (ب) (ج)	طولیه (به همراه فضاهای وابسته)
- کمک به ایجاد فضایی حائل برای اتاق- های زمستانی - عمدتاً همجوار با تنورخانه، مخزن حرارتی برای زمستان - فضایی مانع در برابر نفوذ بادهای نامطلوب به فضای زندگی، عدم تعبیه بازشو رو به بیرون در آشپزخانه	 (الف) (ب)	آشپزخانه و تنورخانه
- دارای پنجره‌های عریض، تهویه در تابستان از هوای آزاد - همجوار با ایوان و حیاط - اکثرأ رو به جبهه شمال و هوای مطلوب - دارای تناسبات بزرگتر نسبت به دیگر اتاق‌ها - محافظت از اتاق زمستان‌نشین در برابر سرما	 (الف) (ب) (ج)	اتاق تابستان‌نشین
- اکثرأ فاقد بازشو - محصور در پلان و فضاهای جانبی - ابعاد و تناسبات حداقل و ارتفاع کوتاه - دارای فضای کرسی‌خانه در زمستان‌های سرد - تعبیه کمد دیواری و وسایل حجیم در دیوارهای سرد	 (الف) (ب)	اتاق زمستان- نشین
- عموماً به صورت مسقف کمک به تهویه در تابستان - استفاده از سقف زیرین به عنوان ایوان - یا به صورت جلوآمده بر معبر - ایجاد فضای گلخانه‌ای در زمستان به کمک پوشش پرده، پلاستیک یا پتو	 (الف) (ب) (ج)	ایوان
- خارج از محدوده زندگی یا تعبیه شده در حیاط - عموماً مجاور انبار و طولیه - نقش فضایی محافظتی در برابر سرما برای فضاهای زندگی - فضای حمام و دستشویی در مجاورت یکدیگر	 (الف) (ب)	فضاهای بهداشتی

حیاط  (الف)  (ب)	راه‌پله  (الف)  (ب)
- دارای تنوع شکلی در خانه‌ها - عنصر سازمان دهنده در خانه - به شکل سرپوشیده یا روباز یا نیمه‌باز - برخی خانه‌ها فاقد حیاط می‌باشند	- اصولاً ۳ پلکان مجزا در هر خانه وجود دارد: پلکان ورودی به ساختمان، راه‌پله به طولیله، راه‌پله به طبقات - پله در فضای باز عموماً به‌صورت سرپوشیده است - سازه پله و ابعاد آن بی‌اهمیت می‌باشد

مأخذ: نگارندگان

پیشنهادهای طراحی الگوهای سکونتی روستا بر مبنای مفهوم آسایش حرارتی

هدف اصلی انسان در بحث آسایش حرارتی، رسیدن به تعادل حرارتی است. انسان برای رسیدن به آسایش حرارتی، به روش‌های مختلف به مقابله با محیط می‌پردازد (پوردیهمی و گسیلی، ۱۳۹۴: ۵۵).

جدول (۴) روش‌های ایجاد آسایش حرارتی

انواع سامانه های حرارتی		
جهت‌گیری، تناسبات ساختمانی، شکل، اندازه بازشو، سایبان‌ها	گرمایش فوق ایستا	گرمایش
جذب مستقیم جذب غیر مستقیم فضای خورشیدی چرخه جابه‌جایی هوا	گرمایش ایستا	
جهت‌گیری، تناسبات ساختمانی، شکل، اندازه بازشو، سایبان‌ها	سرمایش فوق ایستا	سرمایش
سرمایش از طریق تهویه سرمایش تبخیری سرمایش تابشی سرمایش از طریق رطوبت زدایی سرمایش از طریق جرم	سرمایش ایستا	

مأخذ: نگارندگان

یکی از تصمیمات اولیه و اصلی معماران گذشته، استفاده از عناصر معماری در ساختار فضایی ساختمان به گونه‌ای است که منطبق بر اصول طراحی اقلیمی و نیازهای زیستی بوده و مصرف انرژی فسیلی کمتر و کاهش هزینه‌های گرمایش، سرمایش و روشنایی بنا را به دنبال داشته باشد که بسته به توانمندی معمار می‌تواند در قالب طرح معماری به خلق فضاهایی جذاب و زیبا کمک نماید. یکی از روش‌های مورد استفاده جهت تأمین آسایش حرارتی، کاربرد سامانه‌های حرارتی ایستا^۱ و فوق ایستا^۲ می‌باشد (جدول ۴)، به نحوی که گرمایش، سرمایش و روشنایی عمدتاً به کمک انرژی طبیعی و تجدیدپذیر خورشید تأمین می‌گردد (وکیلی نژاد، مهدی‌زاده سراج و مفیدی شمیرانی، ۱۳۹۲: ۱۴۸). می‌توان گفت سامانه‌های حرارتی ایستا و فوق ایستا روش‌هایی می‌باشند که در آن عناصر اصلی بنا، انرژی خورشید را جمع‌آوری، ذخیره و دوباره توزیع می‌کنند. به عبارتی دیگر، گرمایش ایستا بر پایه استفاده از انرژی حرارتی خورشید و سرمایش ایستا بر پایه استفاده از کاهنده‌های گرمایی مختلف استوار است (Brown & Dekay, 2001: 53).

بر این اساس، روش‌های همسازی روستائیان با شرایط اقلیمی سخت در فصول مختلف می‌تواند بهترین محک در صرفه‌جویی انرژی و تأمین شرایط آسایش را فراهم نماید (موحد و فتاحی، ۱۳۹۲: ۳۸). در این روستا، با توجه به هوای مطلوب تابستانی، به کارگیری ترکیب سرمایش فوق ایستا و سرمایش از طریق تهویه به واسطه بازشوها، ایوان و سرمایش از طریق جرم به واسطه ضخامت زیاد جداره‌ها، شرایط آسایش تابستانی فراهم می‌شود، اما یکی از مشکلات اصلی این اقلیم، وجود زمستان‌های سرد همراه با وزش باد می‌باشد که بهترین راه حل، کاهش تبادل حرارتی و به کارگیری اصول سامانه گرمایش ایستا و فوق ایستا در خانه‌ها است که در جدول ۵ ارائه

1. Thermal Passive System

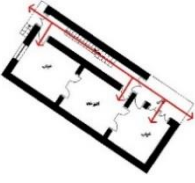
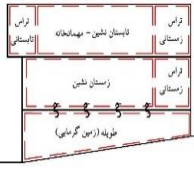
سامانه حرارتی ایستا سیستمی است که در آن عناصر اصلی بنا، انرژی خورشید را جمع‌آوری، ذخیره و دوباره توزیع می‌کنند. به عبارتی، دیگر قسمت عمده منابع انرژی مورد استفاده به صورت تجدیدپذیر و مقدار کمی انرژی تجدیدناپذیر می‌باشد.

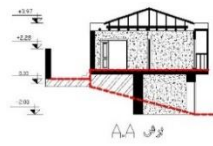
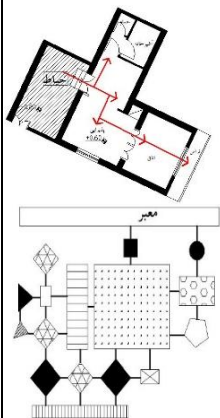
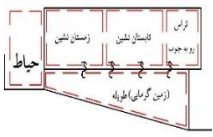
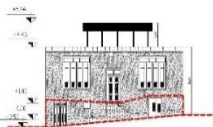
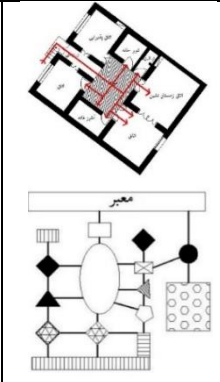
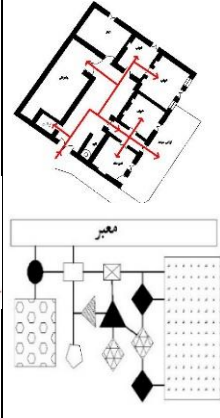
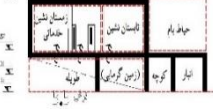
2. Thermal Extra Passive System

در سامانه حرارتی فوق ایستا، تمام منابع انرژی مورد استفاده به صورت تجدیدپذیر می‌باشد که معمار نقشی ویژه در طراحی ساختمان دارد.

می‌گردد. هر چند بسته به شرایط کنونی تغییرات اندکی در آنها صورت گرفته است، اما آنچه مورد توجه در این بافت است، استفاده از شیب زمین، ایجاد مانع فضایی در طراحی نقشه و ساختار فضایی خانه در برابر نفوذ بادهای سرد می‌باشد، نظیر دیوارهای ضخیم خشتی و سنگی، وسایل حجیم، پستو، طاقچه و انبار علوفه. همچنین توجه به روش‌های انتقال انرژی حرارتی و زمان بازتابش مصالح و از همه مهمتر، توجه ساکنین به فضای حیاط قابل اهمیت است. استفاده از حیاط‌های راهرویی، سرپوشیده، روباز، ساباط مانند و پلکانی، تأثیری کارآمد در بهبود شرایط آسایش حرارتی نیز دارا می‌باشد (تصویر ۴).

جدول ۵) راهکارهای پیشنهادی در الگوهای بومی منتخب روستای کنگ

نام خانه	نقشه	مقطع	نظام فضایی افقی	نظام فضایی عمودی
خانه سهیلی (خانه بدون حیاط)	- به صورت فشرده، بسته مثل یک خازن حرارتی - دارای شکل مستطیلی با کشیدگی ۱ به ۲ - عنصر سازمان دهنده، فضایی راهرومانند که حیاط راهرویی نامیده می‌شود. - عمدتاً فشرده از سه جهت محصور در بافت اطراف	- ارتباط توده و زمین به صورت همگون با شیب - استفاده از زمین گرمایی - دیوارهای سنگی در همکف و دیوارهای ضخیم خشتی در طبقات		- مجزاسازی فضای تابستانی و زمستانی در طبقات یا در جبهه‌های شمالی-جنوبی - بستن حجم با دیوارهای قطور خشتی یا سنگی در جهت رو به باد نامطلوب 

نام خانه	نقشه	مقطع	نظام فضایی افقی	نظام فضایی عمودی
خانه کمکی (حیاط آزاد)	- مکان قرارگیری آنها عمدتاً در سمت شمال روستا - قرارگیری توده و حیاط به صورت مجزا (حیاطها رو به جنوب و جنوب غرب) - حیاط عنصر سازمان دهنده خانه - تعبیه ورودی طولیه هم از بیرون و هم از درون حیاط	- ارتباط توده و زمین هم - راستا با شیب زمین - قرارگیری حیاط رو به باد مطلوب - تعبیه سقف شیبدار برای کنترل مناسب تر آسایش حرارتی 		- قرارگیری فضای زمستانی رو به جنوب - قرارگیری فضاهای تابستانی و ایوانها رو به شمال و شمال شرق - استفاده از وسایل حجیم و طاقچه و پستو در جهت رو به باد نامطلوب 
خانه توکل (حیاط مسقف)	- شکل خانهها عمدتاً U شکل - قرارگیری حیاط در مرکز خانه به صورت عنصر سازمان دهنده - حیاط دارای سقف تیرچوبی یا به صورت شبروانی - امکان تهویه از طریق دریچه شیشه‌ای در دیوار یا سقف در تابستان	- ارتباط توده و زمین هم - راستا با شیب زمین - تأمین نیاز به استفاده از حیاط در زمستان سرد و تابستان گرم از طریق بازشوهای مسقف و فضای زیر شیروان 		- تأمین نیاز به استفاده از حیاط در مرکز خانه (در زمستان) - تأمین تهویه مطلوب در تابستان از طریق بازشوی سقفی 
خانه اعظمی (حیاط - بام)	- قرارگیری حیاط در طبقه اول به صورت ساباط بر روی کوچه و یا به صورت پلکانی بر سقف واحد زیرین طبقات همسایگی - طبقه همکف مختص دام و فضاهای خدماتی - طبقه اول مختص زندگی - استفاده از شیب و ناهمواری زمین به عنوان حیاط	- استفاده از شرایط شیب زمین در شکل گیری خانه - همجواری حیاطبام با فضای زندگی در طبقه اول 		- تعبیه حیاط در جبهه پشت به باد نامطلوب - همجواری فضای تابستانی با این حیاطبام 

نام خانه	نقشه	مقطع	نظام فضایی افقی	نظام فضایی عمودی
خانه صدیقی (حیاط مشترک)	- تعبیه حیاط به صورت مشترک بین چند خانواده - حیاط عنصر تقسیم کننده خانه‌ها - ارتباط خانه‌ها به یکدیگر از طریق ایوان، حیاط و ساباط بر روی کوچه	- عموماً حیاط در طبقه همکف و فضای زندگی در طبقات بالا - تعبیه فضاهای مشترک طویله، دام، انبار و خدماتی در یک قسمت و عموماً در همکف		- حیاط به عنوان میدان ارتباطی بین چند خانواده - استفاده از شیب زمین - بافت در شکل‌گیری ارتباطات خانه‌ها

مأخذ: نگارندگان



تصویر ۴) حیاط‌های سرپوشیده روستای کنگ (نگارندگان)

تحلیل الگوهای سکونتی موجود در بافت روستا بر اساس عوامل مداخله‌گر

راپاپورت معتقد است که مسکن فضایی چند ساحتی می‌باشد که از ترکیب عوامل متعدد شکل می‌گیرد (Rapoport, 1969: 28). مهمترین یافته‌های طرح بافت‌شناسی روستایی کشور نیز در زمینه الگوهای معماری روستاها و مساکن در تعامل با نیروهای تسهیل‌گر یا محدودکننده طبیعی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد (مرادی اسطخ‌زیر، ۱۳۹۴: ۳۹۰). تحقیق حاضر به تبعیت از اکثر

قریب به اتفاق تحقیقات ماقبل، عوامل اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، اقلیمی - محیطی را مؤثر در وجوه مسکن روستایی می‌داند. با توجه به شرایط جغرافیایی محل، جهت شناسایی میزان تأثیر این عوامل بر الگوی مسکن از جدول ۶ در بافت روستا استفاده گردید. این جدول، جمع‌بندی اطلاعات منتج از مطالعات میدانی در طی بازدید از الگوهای موجود در بافت روستا و مصاحبه با ساکنین می‌باشد و همان‌طور که دیده می‌شود به ترتیب عوامل اقلیمی - محیطی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی دارای بیشترین میزان تأثیر می‌باشند.

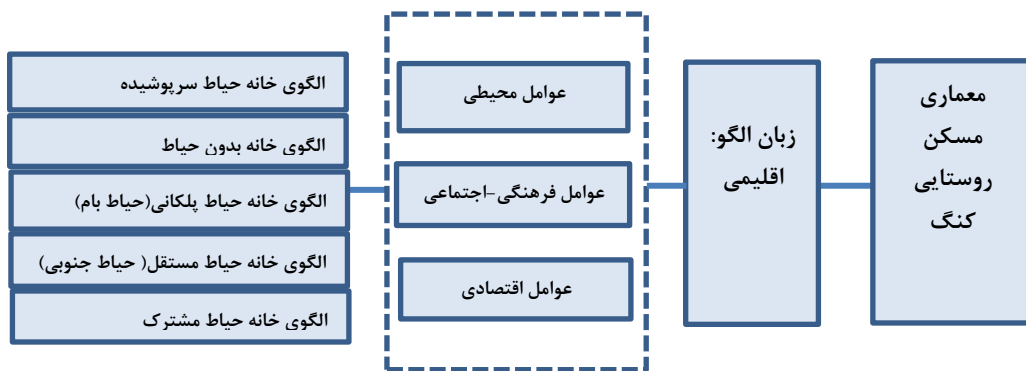
جدول ۶) عوامل تأثیرگذار بر معماری مسکن روستایی کنگ

شاخص‌های مورد ارزیابی	الگوی خانه حیاط سر - پوشیده	الگوی خانه بدون حیاط	الگوی خانه حیاط بام (پلکانی)	الگوی خانه حیاط مستقل	الگوی خانه حیاط مشترک
عوامل اقلیمی - محیطی	جهت‌گیری جنوبی				
	سقف مسطح				
	استفاده از ایوان				
	جابه‌جایی فصلی				
	گسترده‌گی فضایی				
	میزان دو طبقگی				
عوامل اقتصادی	استفاده از مصالح سنتی				
	روش ساخت قدیمی				
	دارای مقیاس خاص				
عوامل فرهنگی - اجتماعی	استفاده از حیاط				
	تزئینات				
	دارای اتاق میهمان				
	مشرفیت دید به برون				
	روابط خویشاوندی				
	سلسله‌مراتب فضایی				

۰ تا ۲۵ درصد تأثیر ۲۵ تا ۵۰ درصد تأثیر ۵۰ تا ۷۵ درصد تأثیر ۷۵ تا ۱۰۰ درصد تأثیر

مأخذ: نگارندگان

بر این اساس در مدل پیشنهادی تحقیق، مطابق با نمودار ذیل می‌توان عامل مؤثر بر الگوی مسکن روستا را اقلیمی دانست که از طریق تأثیر دیگر عوامل، معماری بومی ارزشمندی را در منطقه به وجود آورده است. امید است که در تحقیقات آتی از بسط این مدل بتوان به شکلی گسترده‌تر استفاده نمود و به مقایسه و رتبه‌بندی هر الگوی سکونتی با توجه به زیرمعیارهای هر عامل پرداخت.



نمودار عوامل تأثیرگذار بر مسکن روستای کنگ

نتیجه

در این پژوهش با استفاده از اطلاعات موجود در منابع مکتوب و با استناد به برداشت‌های انجام شده از روستای کنگ، شناسایی الگوهای ساخت مسکن در معماری بومی منطقه انجام پذیرفت و با کمک دیدگاه همسازی معماری با اقلیم و صرفه‌جویی در مصرف انرژی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که از خوانش عوامل محیطی تأثیرگذار بر ساختار فضایی خانه می‌توان به این نتیجه دست یافت که مجموعه‌ای از عوامل در شکل‌گیری معماری روستا قابل شناسایی هستند اما به شکل یک اولویت ثابت در تمامی روستا دیده نمی‌شوند. بلکه بررسی میزان درجه اهمیت عوامل تأثیرگذار بر الگوی سکونت مطابق با تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل اقلیمی-محیطی

دارای درجه اهمیت بالاتری در شکل‌گیری مسکن هستند. به عبارتی، می‌توان گفت، اقلیم به واسطه تأثیرپذیری از فرهنگ سکونت بومی، شرایط اقتصادی خانواده و موقعیت متفاوت خرداقلیمی هر بخش از بافت، بر اولویت شکل‌گیری و سازمان فضایی خانه تأثیرگذارتر می‌باشد. و همان‌طور که یافته‌های دیگر محققین اثبات می‌کند که اساس اندیشه روستائیان کاهش هزینه‌های مربوط به ساختمان، پرهیز از مصالح غیربومی و حمل و نقل بی‌جا، دوام مصالح بومی برای ساختمان سازی است؛ در این تحقیق نیز می‌توان ادعان داشت که بیش از ۷۰٪ ساکنین استفاده از مصالح و روش‌های ساخت سنتی، بهره‌گیری از مقیاس ساخت کوچک را با توجه به شرایط اقتصادی متوسط خود، مطلوب می‌دانند.

بدین ترتیب مطابق با نتایج حاصل از ارزیابی، می‌توان فرضیه تحقیق را تایید نمود، زیرا زبان الگوی منطقه اقلیمی می‌باشد و با تأثیرپذیری بر عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، پنج الگوی سکونت به وجود آمده است. اقلیم سرد منطقه که در شکل‌گیری الگوی فضایی خانه‌ها تأثیرگذار است، باعث انتظام فضای معماری بر مبنای فضای حیاط شده و بر شکل ساختمان، نوع سازمان فضایی و شرایط آسایش تأثیر گذاشته است. اهمیت فضای حیاط به شکل‌های مختلفی در خانه‌های این بافت ایجاد شده و عمدتاً در غالب پنج الگوی متفاوت ساختاری (حیاط سرپوشیده، حیاط مستقل (باز- نیمه باز)، حیاط بام (پلکانی)، حیاط مشترک، بدون حیاط) نمایان گردیده شده است.

از ضروریات طراحی در تمامی الگوهای پیشنهادی، بهره‌گیری از انرژی طبیعی و خورشیدی برای تأمین آسایش حرارتی به واسطه مقابله با شرایط نامطلوب اقلیمی و آلودگی محیط زیست می‌باشد که جابه‌جایی فصلی در فضای زندگی، ایجاد فضای گلخانه‌ای در ایوان‌ها با استفاده از پلاستیک در زمستان، استفاده از مصالح بومی همان منطقه با توجه به اهمیت زمان بازتابش انرژی و استفاده از پارچه‌های ضخیم در زمستان بر روی بازشوها به منظور جلوگیری از ورود سرما، بخشی از راهکارهای پیشنهادی روستائیان می‌باشد. همچنین شیب عمومی روستا که جنوب غربی- شمال شرقی می‌باشد نیز عاملی مهم در جانمایی فضاهای داخلی خانه‌ها و نوع

الگوی مربوطه می‌باشد، به گونه‌ای که در تمامی خانه‌ها، فضای نگهداری دام در طبقه زیرین خانه، فضای زمستان‌نشین در طبقه بالای دام و فضای تابستان‌نشین در جبهه شمالی و یا در بالاترین طبقه خانه قرار می‌گیرد که ابعاد بازشوها و تعبیه ایوان‌های تابستانی یا زمستانی، کمک به تأمین بهتر انرژی طبیعی و شرایط آسایش حرارتی می‌نمایند.

به طور کلی می‌توان اشاره نمود که در بخش عمده‌ای از روستا، الگوی خانه‌های حیاط سرپوشیده دارای درصد فراوانی بیشتری نسبت به خانه‌های بدون حیاط می‌باشند و استفاده از حیاط‌بام‌ها با توجه به شرایط پلکانی بودن روستا، در درجه اهمیت زیادی قرار دارد زیرا از طریق گستردگی ضلع جنوب و جنوب شرق رو به خورشید حداکثر صرفه‌جویی در مصرف انرژی را به وجود می‌آورند.

منابع

- افراخته، حسن (۱۳۹۰). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی*. تهران: پرهام نقش.
- براون، جی. زد؛ دی‌کی، مارک (۱۳۹۳). *خورشید، باد و نور طراحی اقلیمی (استراتژی‌های طراحی اقلیمی در معماری)*. ترجمه سعید آقای. تهران: پرهام نقش.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۸۹). *خانه‌های روستایی ایران*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت بازسازی و مسکن روستایی، دفتر مطالعات و تحقیقات مسکن روستایی.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان رضوی (۱۳۸۸). *طرح هادی روستای کنگ (شهرستان طربقه- شاندیز)*. مشهد: شرکت مشاوره سابطاساز شرق.
- پوردیهی، شهرام؛ گسیلی، بهرام (۱۳۹۴). "بررسی شناسه‌های حرارتی جداره‌های پوسته خارجی بنا". *مسکن و محیط روستا*، دوره ۳۴، ش ۱۵۰ (تابستان): ۵۳-۷۰.
- خاک‌زند، مهدی (۱۳۸۸). *یک زبان الگوی طراحی منظر، دانشکده معماری و شهرسازی*. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- خراسانی، اکرم (۱۳۸۵). *پروژه مستندسازی بافت تاریخی روستای کنگ*. مشهد: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی.
- درئو، ماکس (۱۳۷۱). *جغرافیای انسانی*، ج ۲. ترجمه سیروس سهامی. تهران: رایزن.
- ذوالقدری، حسین (۱۳۸۶). *کنگ، یادگاری از گذشته، میراثی برای آینده*. تهران: پلیکان.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۴). *معنای محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی*. ترجمه فرح حبیب. تهران: پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- زرگر، اکبر (۱۳۸۸). *درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۸۴). "شاخص‌های مسکن روستایی در ایران". *هنرهای زیبا*، دوره ۲۲، ش ۲۲ (تابستان): ۴۳-۵۹.

- — (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی معماری روستایی به سوی سکونتگاه مطلوب*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- سعیدی، عباس (۱۳۷۸). *مبانی جغرافیای روستایی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- علی‌الحسابی، مهران (۱۳۸۱). "لزوم نگرش نوین در توسعه و عمران روستایی". *مسکن و محیط روستا*، پیاپی ۱۰۰ (زمستان): ۱۴-۲۳.
- قیابکلو، زهرا (۱۳۹۵). *تنظیم شرایط محیطی*. تهران: دانشگاه صنعتی امیرکبیر، واحد جهاد دانشگاهی.
- مرادی اسطخ‌زیر، گیتی (۱۳۹۴). "شناخت و اولویت‌بندی الگوهای صحیح مسکن روستایی در توسعه پایدار معماری روستا با استفاده از تکنیک‌های MADM شهرستان ماسال". *مدیریت شهری*، دوره ۱۴، ش ۴۰ (پاییز): ۳۸۱-۳۹۵.
- مظفر، فرهنگ؛ عبدمجیری، امین؛ سادات‌هاشمیان، عاطفه (۱۳۹۵). "مفاهیم در الگوی معماری مسکن روستایی". *مسکن و محیط روستا*، دوره ۳۵، ش ۱۵۴ (تابستان): ۷۴-۵۹.
- موحد، خسرو؛ فتاحی، کاوه (۱۳۹۲). "بررسی نقش اقلیم و محیط در شکل‌دهی فرم سازه مسکن روستایی استان فارس". *مسکن و محیط روستا*، دوره ۳۲، ش ۱۴۱ (بهار): ۳۷-۵۰.
- نازپرور، روح‌الله (۱۳۸۸). *کنگ، کهن‌دژ بر پهنه بینالود*. مشهد: سیمرغ خراسان.
- واتسون، د؛ لیز، ک. (۱۳۷۸). *طراحی اقلیمی*. ترجمه وحید قبادیان و محمدفیض مهدوی. تهران: دانشگاه تهران.
- وکیلی‌نژاد، رزا؛ مهدی‌زاده سراج، فاطمه؛ مفیدی شمیرانی، سیدمجید (۱۳۹۲). "اصول سامانه‌های سرمایه‌گذاری در عناصر معماری سنتی ایران". *انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران*، دوره ۵، ش ۵ (بهار و تابستان): ۱۴۷-۱۶۰.

- Brown, G. Z.; Dekay, M. (2001). *Sun ,Wind and Light Architecture Design Strategies*. New York: Wiley.
- Malone, p. (2018). *Architecture, Mentalities and Meaning*. New York: Routledge.
- Ng, S. H.; Kam, P. K.; Pong, R. W. M. (2005). "People living in Ageing Buildings: Their Quality of Life and Sense of Belonging". *Journal of Environmental Psychology*, Vol. 25, No. 3: 347-360.
- Rapoport, A. (1969). *House form and culture*. New York: prentice- Hall Inc; Englewood cliffs.
- Sangiorgi, F. (2008). The Vernacular RurlHertage: From the past to the Future. Futuropa for a new vision of landscape and territory. *Journal of naturopa (council of Europe Magazine)*.
- Soini, K.; Vaarala, H.; Pouta, E. (2012). "Residents' Sense of Place and Landscape Perceptions at The Rural-Urban Interface". *Journal of Landscape and Urban Planning*, No. 104: 124-134.

بررسی ویژگی‌های تاریخ‌نگاری سبک خراسانی در دوره غزنوی

مجتبی خلیفه^۱

ستاره غفاری بیجار^۲

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

شماره صفحه: ۳۱-۵۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۱

چکیده

تاریخ‌نگاری ایران در دوره اول حکومت غزنوی (۳۵۱-۴۳۱ق.) به دلیل پیدایش مورخان بزرگی که سنت تاریخ‌نویسی و گرایش‌های آن را دگرگون کردند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. طی قرون چهارم و پنجم با برآمدن ادیبان و دبیرانی بزرگ در جامه‌ی تاریخ‌نویس، تاریخ‌نگاری ایرانی و اسلامی از دست محدثان بیرون آمد و در قامت دانشی غیروابسته مطرح گردید. در آن هنگام خراسان به‌عنوان مرکزی علمی - فرهنگی بازیگری بی‌همتا در شکل‌گیری شیوه جدید تاریخ‌نگاری بود و بیش‌تر مورخان چون ثعالبی، بیهقی و گردیزی از اهالی یا مانند عتبی رشدیافته و علم‌آموخته آن دیار قلمداد می‌شدند؛ از این‌رو در این نوشتار از تاریخ‌نگاری غزنوی با سرواژه تاریخ‌نگاری سبک خراسانی یاد شده است. این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی، آثار تاریخ - نگارانه عصر غزنوی را بررسی خواهد کرد، کوشیده است ویژگی‌های تاریخ‌نگاری مورخان خراسانی که بیش‌ترین اثربخشی را بر روند تاریخ‌نگاری این عصر و تاریخ‌نویسان پس از خود داشته‌اند، بررسی نماید. طی این بررسی می‌توان سه ویژگی برجسته را در تاریخ‌نگاری عصر غزنوی یافت: رشد نگرش فرهنگی و اجتماعی در تاریخ‌نگاری؛ ظهور تبیین‌هایی تاریخی که به تاریخ‌نگاری

mkhalifeh@birjand.ac.ir

setare.ghaffaribijar@gmail.com

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند، نویسنده مسئول

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه بیرجند

عقلانی انجامیده و افزایش نگاه نقادانه به منابع تاریخی، اشخاص و عملکردهای سیاسی در روزنه دید مورخان این دوره.

واژگان کلیدی: تاریخ‌نگاری غزنوی، سبک خراسانی، نگرش فرهنگی - اجتماعی، تبیین تاریخی

مقدمه

تاریخ‌نگاری ایران در سده‌های میانی بویژه از میانه سده چهارم هجری دستخوش دگرگونی‌هایی شد. سرآغاز این تحولات ترجمه تاریخ طبری به فارسی یا همان تاریخ بلعمی بود که بیانگر دو تغییر کلیدی است: تغییر زبان تاریخ‌نگاری از عربی به فارسی و افزایش نقش ادیبان و دبیران در نگارش تاریخ.

در هنگامه برآمدن غزنویان، نفوذ ادب و تأثیر طبقه دبیران در امور کشوری بسیار برجسته بود و برای حل پیچیدگی‌های امور اداری ناگزیر بایستی از مهارت‌های دیوانی سامانی استفاده می‌شد؛ از این‌رو غزنویان همراه با فرمانروایی سیاسی سرزمین بویژه در خراسان، میراث‌دار فرهنگ دولت سامانی نیز شدند. به دنبال این دگرگونی‌ها سنت دبیر مورخان و دست‌آوردهای تاریخ‌نویسانی چونان بلعمی به نظام دیوانی غزنوی منتقل شد.

یکی از تفاوت‌های عصر غزنوی حضور پُررنگ مورخان خراسانی در میدان تاریخ‌نگاری غزنوی است؛ یعنی بیش‌تر تاریخ‌نگاران این دوره اهل خراسان بزرگ بوده، یا مراحل رشد و بالندگی خویش را در آن خطه نزد دیوانیان و دانشمندان خراسانی گذرانده‌اند. مورخان خراسانی با سبک ویژه خویش، سرچشمه دگرگونی‌هایی بویژه در محتوا و قالب‌های تاریخ‌نگاری شدند که نه‌تنها ویژگی این عصر شناخته می‌شود؛ که به الگویی برای مورخان بعد از آنان نیز درآمد. این دگرگونی‌ها راه تاریخ‌نگاری ایرانی را از تاریخ‌نگاری اسلامی که تا این سده رواج داشت، جدا ساخت.

مقاله حاضر در پی بررسی ویژگی‌های سبک خراسانی در تاریخ‌نگاری غزنوی و یافتن ویژگی‌های تاریخ‌نگاری خراسانی در عصر غزنوی است. این ویژگی‌ها در چند گفتار قابل بررسی است: رشد

نگرش فرهنگی و اجتماعی در تاریخ‌نگاری؛ ظهور مقایسه‌های تاریخی و افزایش نگاه انتقادی به منابع تاریخی، اشخاص و عملکردهای سیاسی.

از آثاری که به تاریخ‌نگاری غزنوی پرداخته‌اند، مقاله باسورث با عنوان تاریخ‌نگاری در دوره غزنوی است. ترجمه این مقاله که در کتاب *تاریخ‌نگاری در ایران نوشته یعقوب آژند* چاپ شده، اثری کوتاه در کتاب‌شناسی تاریخ غزنوی است. باسورث به منبع‌شناسی تاریخی غزنویان پرداخته و منابعی را که به دست ما نرسیده، برشمرده است. با همه تأکید باسورث بر معرفی آثار بی‌هقی، گردیزی و عتبی، وی هرگز به ویژگی‌های تاریخ‌نگاری غزنویان نپرداخته است.

کتاب دیگر، *تاریخ‌نگاری فارسی نوشته‌ی جولی/سکات میثمی* است. میثمی در این کتاب به بررسی جایگاه منابع تاریخی فارسی در گستره تاریخ‌نگاری اسلامی و نمایش اهمیت آن‌ها پرداخته و نگاهی ویژه به دودمان‌های سامانی، غزنوی و سلجوقی داشته است. او در فصل غزنویان ضمن معرفی منابع، به سبک و شیوه بیان و علت گزینش رویدادها و انگیزه تاریخ‌نویسان، ستایش‌شدگان و مخاطبان آن‌ها پرداخته است.

اینجا نباید از کتاب *غزنویان* تألیف سید/بولقاسم فروزانی غافل شد. وی در فصل اول به بررسی منابع و مآخذ موجود در مورد دودمان غزنوی پرداخته؛ سپس ضمن تقسیم‌بندی همه منابع موجود، کتاب‌شناسی جامع و مفیدی در مورد تاریخ‌های عصر غزنوی و حکومت‌های هم‌زمان ارائه نموده، اما وی نیز تحلیلی علمی از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری این دوره طرح نکرده است.

تاریخ‌نگاری غزنوی

تا قرن چهارم تاریخ‌نگاری اسلامی روشی غیرعلمی در دست محدثان بود؛ روشی که هرگز به تولید حقیقت نمی‌انجامید و همواره فقط بازتاب‌دهنده‌ی آن بود (رابینسن، ۱۳۸۹: ۳۱۸). ناکامی‌های روش اسنادی به آهستگی و با دورشدن از رویدادهای ابتدای پیدایش اسلام و ورود به رویدادهای تازه پدیدار گشت؛ زیرا کارایی این شیوه برای شناخت و بررسی اخبار تاریخی بسیار

کمتر بود (صدقی، ۱۳۹۲: ۱۰۵). روش حدیثی فقط برای روایت‌های محدود، تک‌بعدی و تک‌نگاری‌ها مفید بود؛ با تبدیل مسلمانان به فاتحانی بزرگ، نیاز آنان به داشتن تاریخ‌نویسانی بزرگ نیز نمایان شد. به نظر رابینسن سرانجام آن "سنت کوتاه‌فکرانه حدیثی" و این جهان‌گشایی‌های تازه، به پیدایش "تاریخ‌نگاری کلاسیک" انجامید (رابینسن، ۱۳۸۹: ۱۸۷). با وجود نقدپذیری نگاه منفی رابینسن به روش حدیث‌گرایان در تاریخ‌نویسی، واقعیت این است که مورخان از سده چهارم آرام‌آرام از روش حدیثی کناره گرفتند.

بدین‌گونه نیمه قرن سوم نقطه آغاز گسترش تألیفات تاریخی است؛ لااقل تاریخ دیگر در کناره نبود. ویژگی اصلی این دوره پیدایش تاریخ‌های عمومی در مفهومی غیر از تاریخ جهانی است؛ زیرا با پیدایش اسلام، تاریخ سایر ملت‌ها بی‌اهمیت می‌شد و تاریخ اسلام هدف اصلی تاریخ‌نویسان قرار می‌گرفت. از همین‌زمان بود که رفته‌رفته عناصر تاریخ‌نگاری ایرانی، یهودی و مسیحی به تاریخ‌نویسی اسلامی وارد شد و به گسترش مصالح و موضوعات تاریخی انجامید. گیب (۱۳۶۱: ۲۱-۲۳) اما اعتقاد دارد این امر، تأثیری نامطلوب داشت؛ زیرا افسانه‌ها و بویژه افسانه‌های ایرانی برگرفته از خداینامه‌ها، وارد تاریخ‌نگاری اسلامی شد و نوعی اعتمادگرایی به همه مواد تاریخی شکل گرفت.

آغاز شکوفایی این عصر تاریخ طبری است. طبری به‌عنوان یک محدث، تصویری جامع از سنت حدیثی و تاریخ عمومی نشان‌داد و چون دیگر امکان ادامه این روش وجود نداشت، همان‌اندازه که این شیوه را به اوج رساند، نشانه‌های پایان این‌گونه تاریخ‌نگاری را نیز نمایان کرد. تاریخ طبری مجموعه‌ای ماندگار برای نسل بعدی بود تا تاریخ‌نویسان پس از او را از نگارش آثار همانند دور سازد. تاریخ طبری به پایه و بنیان کارش‌های تاریخی برای مطالعات دو قرن اول اسلامی تبدیل گشت؛ شاید همین امر هم به نابودی بیش‌تر نوشته‌های ابتدایی بعد از وی انجامید (کاهن، ۱۳۷۹: ۱۵۶).

طی قرن سوم، دگرگونی‌هایی در کار محدثان نمایان شد. «نارسابودن بخش متأخر اثر طبری خطاری بود مبنی بر این که برخورد حدیث‌شناسان واقعی با تاریخ، دیگر کافی و رسا نیست» (گیب، ۱۳۶۱: ۲۳-۲۴). تاریخ‌نگاری در قرن چهارم از خود چهره‌ی دگرگونه‌ای نشان داد؛ زیرا مورخان دریافتند که زمان استفاده از اسناد و سنت حدیثی به پایان رسیده است. دیگر این منشیان و دیوان‌سالاران بودند که نگارش تاریخ را برعهده داشتند. این نسل تازه مورخان، شیوه حدیثی را کنار گذاشتند و پیرو توانش و خوشایند زبانی خویش، در تلاش برای طرح موضوعاتی تازه در تاریخ‌نگاری به‌عنوان رویکردی مستقل و حرفه‌ای بودند. گویا پادشاهان هم در رقابت‌های این عصر با پشتیبانی از مورخان یا دبیران، در پی آبروبخشی به دربار خود بر سنت تاریخ‌نگاری تأثیرگذار بوده‌اند (رابینسن، ۱۳۸۹: ۱۷۳، ۱۷۵). اگرچه بسیاری از این تاریخ‌نویسان، مورخانی حرفه‌ای و راستین نبودند، و چونان بلعمی، تنها در دیوان‌های دولتی در جایگاه‌های گوناگون اداری کار می‌کردند (Melville, 2012: 57).

سلطنت غزنویان را به لحاظ گستره، توان و نفوذ سیاسی به دو دوره تقسیم نموده‌اند: دوره نخست، عصر شکوه و بزرگی دولت غزنوی که فاصله زمانی ۳۵۱ تا ۴۳۱ ق. را دربرمی‌گیرد. شکست دندانقان در ۴۳۱ ق. و مرگ سلطان مسعود (۴۳۲ ق.)، پایانی بر قدرت سلسله غزنویان و دوره نخست آن‌ها بود؛ آن‌گاه بخش گسترده‌ای از خراسان بزرگ به‌چنگ سلجوقیان تازه‌نفس افتاد. غزنویان در دوره بعدی، به غزنه و بخشی از شرق خراسان محدود شدند؛ پس تمرکز خویش را به هند معطوف کردند. دوره نخست غزنویان از دیدگاه فرهنگی و ادبی عصری مهم و تأثیرگذار بود؛ زیر سایه پشتیبانی‌های آنان ادیبان و شاعران بزرگی بالیدند و گونه‌ای از ادبیات به‌وجود آمد که بیش‌تر، در دست دبیران دولتی قرار داشت.

نفوذ ادب و تأثیر طبقه‌ی دبیران در امور کشوری بسیار برجسته بود و برای حلّ پیچیدگی‌های کارهای اداری به‌ناچار بایست به مهارت‌های دیوانی سامانی روی آورد؛ از این‌رو غزنویان علاوه بر فرمانروایی سیاسی، میراث‌دار فرهنگی دولت سامانی نیز شدند. بسیاری از دیوان‌سالاران سامانی به دولت نوپای غزنوی پیوستند و در آن‌جا از ایشان به‌خوبی پیشواز شد (باسورث، ۱۳۹۰: ۴۷،

۵۵). به دنبال این دگرگونی‌ها، سنت دبیر مورخان و دست‌آوردهای مورخی چون بلعمی به نظام دیوانی غزنوی منتقل شد. در این عصر انواع مختلف تاریخ‌نگاری ایرانی به دست مورخان خراسانی رشد کرد؛ تاریخ‌هایی محلی یا منطقه‌ای چون *تاریخ نیشابور، فی تحقیق ماللهند، اخبار ولاء خراسان، تاریخ جرجان* و تاریخ‌هایی عمومی مانند *تاریخ ثعالبی، تاریخ محمود وراق* و *زین‌الخبار* و تاریخ‌های رویدادنگار و زنجیرواری چون *الیمینی* و *مجلدات بیهقی*. در این دوره ویژگی‌هایی وارد تاریخ‌نگاری غزنوی شد که می‌توان آن را نوعی سبک خراسانی نامید، زیرا غالب مورخان بزرگ این عصر، مانند سلامی، عتبی، بیهقی، گردیزی و ثعالبی خراسانی بودند. به این ویژگی‌های در ادامه پرداخته خواهد شد.

۱- رشد نگرش فرهنگی و اجتماعی در تاریخ‌نگاری

مسائل اجتماعی و فرهنگی، موضوعاتی چون بیان انواع مراسم، اعیاد، شیوه و وضعیت زندگی و طبقات اجتماعی، روابط فرمانروایان با مردم و تأثیر مالیات بر معیشت و شورش‌های مردمی را دربرمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر زندگی توده‌های مردم، انسان‌شناسی، قوم‌شناسی، فرهنگ عامیانه یا آداب و رسوم جوامع و تاریخ اقتصادی در این حوزه است.

تاریخ‌نویسان عصر غزنوی توجه بیش‌تری به این موضوعات نشان داده‌اند و هریک در بخش‌هایی از آثار خویش به جنبه‌های مختلف حیات اجتماعی و فرهنگی آن عصر پرداخته، تا حد زیادی مسائل اجتماعی را در کنار رویدادهای سیاسی بازتاب داده‌اند. هرچند روزنه و ژرفای نگاه هریک از آنان متفاوت بوده و هر یک به مضامین متفاوت اجتماعی و فرهنگی پرداخته‌اند.

از جستارهای پررنگ تاریخ‌نگاری غزنوی بررسی وضعیت زندگی و معیشت مردم و روابط آن‌ها با فرمانروایان است. ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی (ف. ۴۲۷ق)، دارنده کتاب *الیمینی*، از خاندانی شریف و دبیرپیشه بود که در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری می‌زیست. ریشه این خاندان را به عتبه بن غزوان منسوب می‌دانند (الصفدی، ۲۰۰۰م: ۱۷۸)، گرچه ثعالبی (۱۹۸۳م، ج ۴: ۴۵۸) به ریشه عرب وی اشاره‌ای نمی‌کند و خود عتبی نیز اصالت خود را خراسانی

ذکر کرده است (عتبی، ۲۰۰۴م: ۴۷۸؛ جرفاذقانی، ۱۳۷۴: ۴۷۶). وی با جابه‌جایی‌های قدرت در خراسان به خدمت غزنویان درآمد و مدتی هم دوباره در نیشابور نزد نصر بن ناصرالدین سبکتگین به سر برد (ثعالبی، ۱۹۸۳م، ج ۴: ۵۸۴). مهم‌ترین و تنها اثر بازمانده از عتبی، تاریخ یمینی دربردارنده‌ی رویدادهای شرق ایران در آخر عهد سامانی و ابتدای غزنویان است.

در نگاه نخست اثری چون تاریخ یمینی کتابی سراسر سیاسی می‌نماید، ولی چنین اثری نیز از موضوعات اجتماعی و فرهنگی خالی نیست. عتبی در موارد بسیار به بازگویی زندگی مردم پرداخته؛ بویژه در حوادثی که خود گواه و ناظر آن‌ها بوده است. او از قحطی بزرگ و جان‌گداز خراسان و نیشابور به سال ۴۰۱ق. می‌گوید. گویا عتبی، چنان از این قحطی و نابودی مردم شگفت‌زده شده، که لحظه‌ای از سیاست دور می‌شود و به بیان وضعیت زندگی در شهر می‌پردازد. عتبی روایتی تکان‌دهنده از مرگ ارائه می‌دهد؛ این‌که شمار مردگان آن اندازه زیاد بوده که جنازه‌های آنان را بدون غسل و مراسم دفن می‌کردند؛ مادر گوشت فرزند می‌خورد و برادر، برادر را. در ادامه عتبی از زبان استادش ابی‌سعید عبدالملک‌واعظ می‌نویسد که وی تنها در یک روز بر ۴۰۰ مرده نماز خوانده است. در این میان سلطان محمود کاری شایسته می‌کند و دستور پخش مقداری غله را بین مردم می‌دهد (عتبی، ۱۳۸۷: ۴۹۵-۴۹۸).

ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود گردیزی نویسنده کتاب *زین‌الأخبار* نیز از جمله تاریخ‌نویسانی است که چونان عتبی، در کتاب خویش رنج‌های مردم را تصویر می‌کند. گردیزی احتمالاً زاده‌ی نزدیک ۴۰۰ق. و گواه بسیاری رخدادهای عصر محمودی بوده است؛ پس می‌توان گفت عصر فتوحات سلطان محمود دست‌کم ۲۰ سالی ادامه داشته است. درگذشت گردیزی کمی پیش از ۴۴۴ق. یعنی سال فتنه‌ی طغرل (کافر نعمت) و سقوط عبدالرشید روی داده است. گویا *زین‌الأخبار* بین سال‌های ۴۴۱ تا ۴۴۳ق. نوشته شده باشد (گردیزی، ۱۳۶۳، مقدمه: ۱۹-۲۰)؛ زیرا حبیبی معتقد به برگرفتن نام *زین‌الأخبار*، از لقب سلطان عبدالرشید یعنی *زین‌المله* است (همان، مقدمه: ۲۰). گردیزی در کتاب خویش به موضوعات متعددی پرداخته، ولی بیش‌ترین تمرکز وی بر تاریخ خراسان بوده است. او از همه‌گیری وبا در بغداد به روزگار خلیفه متقی‌بالله

می‌نویسد: «مردمان بسیار بمردند و کار به آن جا رسید که از کفن کردن مردگان عاجز شدند؛ پس متقی بفرمود تا هرروز دویست‌دینار اندر بهای کفن مردگان بدادندی» (همان: ۱۹۶). یا زلزله فرغانه به سال ۲۲۴ق. که به نابودی خانه‌ها و قنات زیادی انجامید. مردم هر روز به دادخواهی نزد عبدالله می‌آمدند، زیرا در باب کاریز در فقه و سنت مطلبی وجود نداشت؛ پس عبدالله، علمای خراسان و برخی دانشمندان عراق را برای نگاشتن کتابی در احکام قنات جمع کرد و این‌گونه، مشکلات مردم حل شد (همان: ۳۰۱-۳۰۲).

ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ثعالبی نیشابوری (ف. ۴۲۹ق.)، ادیب و مورخ پرکار و نامدار سده چهارم و اوایل پنجم هجری است. ثعالبی از شهرتی فراوان برخوردار بود و در بین نویسندگان دوره سلطان محمود غزنوی (حک: ۳۸۷-۴۲۱ق.) برجسته بود. مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین آثار ثعالبی عبارت‌اند از: *یتیمه‌الدهر و تتمه‌ی آن، فقه‌اللغة، التمثیل والمحاضرة، ثمارالقلوب، غررالاحبار ملوک‌الفرس و سیرهم، الاعجاز والایجاز و لباب‌الآداب*^۱. از این میان، *غررالاحبارملوک‌الفرس و سیرهم* (مشهور به *تاریخ ثعالبی*) و *یتیمه‌الدهر*، از متون تاریخ‌نگارانه ثعالبی قلمداد می‌شوند. در این آثار وضع زندگی مردم جایگاه ویژه‌ای دارد.

زندگی مردم در *تاریخ ثعالبی*، تحت تأثیر روابط شاه با مردم قرار دارد؛ روابط دوسویه‌ای چون رضایت یا نارضایتی عمومی از پادشاه، و رفتار نیکوی فرمانروایان در حق مردم بویژه در قحطی‌ها و بلاها و بازسازی شهرها. او در جایی از ستم ضحاک سخن می‌گوید و بی‌اعتنایی او به دادخواهی مردم؛ یا زمانی که به پاسخ عدالت‌طلبی کاوه اهمیت می‌نهد و مردم علیه وی شوریدند (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۲۳-۲۷). منوچهر در سخنرانی روز تاج‌گذاری‌اش با بیان حقوق ملت، امنیت و آسایش را حق آنان می‌داند و از وظیفه شاه در یاری‌رساندن به مردم با کاهش مالیات و جبران زیان آنان در هنگامه خشکسالی و قحطی می‌گوید. ثعالبی در ادامه می‌فزاید این منوچهر بود که بر هر دهستانی دهخدایی گماشت و مردم را به کشاورزی و دامداری تشویق نمود (همان: ۵۰). سپس قحطی

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: ثعالبی، ۱۹۹۴م.، مقدمه الجنان: ۶-۱۵.

بزرگ بعد از حملات افراسیاب را شرح می‌دهد که بی‌توجهی افراسیاب، زندگی را بر همگان سخت کرد و بارانی که پس از عقب‌نشینی افراسیاب فروبارید و "بی‌نویان به نوا رسیدند" و بهای کالاها ارزان شد و نیز شاه، مالیات هفت‌سال را بخشید (همان: ۸۴-۹۲). مردم در نامه‌ای از استخر به اردشیر (حک: ۲۲۴-۲۴۱م.) از بیچارگی و قحطی نزد شاه گلایه می‌کنند و اردشیر ساسانی در پاسخ بدانان، نیازشان را برطرف می‌سازد (همان: ۳۰۶).

بیهقی نیز نسبت به دیگر مورخان این عصر اطلاعات متنوعی از زندگی مردم به دست می‌دهد. خواجه ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی دبیر (ف. ۴۷۰ق.) در ۴۱۲ق. به دیوان غزنویان وارد شد و ۱۹ سال شاگرد بونصر مشکان (ف. ۴۳۱ق.) دارنده دیوان رسالت در عصر سلطان محمود و مسعود بود (بیهقی، ۱۳۸۳: ۱۳). بیهقی از پایین‌ترین درجات دیوان رسالت تا ریاست آن رسیده بود؛ بنابراین هنگام نگارش تاریخش باتجربه‌ترین دبیر دیوان رسایل غزنویان بوده است. او آثار بسیاری نوشته بود که از میان همه، تنها تاریخ مسعودی برجای مانده است. امانت‌داری و توجه بیهقی به جزئیات، به رویکرد اجتماعی وی کمک کرده است؛ داستان‌هایی از بخشودگی و مجازات‌های مالیاتی، ورزش‌های رایج آن هنگام چون «سنگ گران برداشتن و کشتی گرفتن» (بیهقی، ۱۳۷۵: ۱۷۶)، روش سنگسار و حتی پرورش طاووس در زمین‌داور^۱ از این دست اطلاعات هستند. این داده‌ها اغلب کوتاه و از زبان گواهان عینی بیان می‌شود. بیهقی از زبان عبدالغفار زمین‌دآوری داستان زندگی با پدربزرگ و مادربرگش و چگونگی تحصیل او را بیان می‌کند: «و جدّه‌ای بود مرا؛ زنی پارسا و خویشان‌دار و قرآن‌خوان، که نبشتن دانست و تفسیر قرآن، و تعبیر و اخبار پیغامبر نیز بسیار یاد داشت. و با این، چیزهای پاکیزه بساختی از خوردنی‌ها و شربت‌های به غایت نیکو، و اندر آن آیتی بود. پس جدّ و جدّه‌ی من هرروز به خدمت آن خداوندزادگان (مسعود و محمد) مشغول گشتند که ایشان را آن‌جا فرود آورده بودند و از آن پیرزن حلوها و خوردنی‌ها و آرزوها خواستندی... و من سخت بزرگ بودم به دبیرستان قرآن‌خواندن رفتمی و خدمت کردم،

۱. ناحیه‌ای تاریخی میان سجستان و غور. این ناحیه عبارت بوده است از دره‌ی وسیعی که رود هیرمند از جبال هندوکش تا بُست در آن جاری است (دهخدا، ذیل "زمین‌داور").

چنان که کودکان کنند و بازگشتی» (همان: ۱۶۴). در این روایت می توان بخش هایی از زندگی عادی در عصر غزنوی را درک نمود. پیرزنی که قرآن و حدیث می دانست و برای شاهزادگان آشپزی می نمود و داستان جوانی که به تحصیل مشغول بوده است. همین روایت ذهن خواننده را از صحنه های سیاسی تاریخ بیهقی دور می سازد.

بیهقی می نویسد: «در آن ایام مردم زمین داور در خانه هایشان به پرورش طاووس مشغول بودند. و این بایتگین زمین دآوری بدان وقت که امیر محمود سیستان بستد و خلف برافتاد، با خویشان صدوسی طاووس نر و ماده آورده بود. گفتندی که خانه زادند به زمین داور و در خانه های ما از آن بودی بیش تر در گنبدها بچه می آوردندی و امیر مسعود ایشان را دوست داشتی...» (همان: ۱۶۶). بیهقی در بحث مالیات می نویسد: «پس از فتح مکران سلطان مسعود صد هزار درهم از خراج را بخشید؛ که این نمونه ای از بخشودگی مالیاتی بود که سبب خشنودی خاص و عام شد و مردم بسیار دعا کردند» (همان: ۲۸۶-۲۸۷). ولی عملکرد مسعود در فتح آمل درست برخلاف واگوبه ی پیش بود؛ او درخواست خراج داشت و لشکریان «آتش در شهر زدند و هرچه خواستند همی کردند ... و بدنامی ای سخت بزرگ حاصل شد» (همان: ۲۸۴). پس می توان از تاریخ بیهقی به عنوان منبعی مهم و مستند جهت مطالعه ی وضعیت مالی و اقتصادی غزنویان نیز بهره برد.

مبحث مهم دیگر در این بخش، افزایش چشم گیر موضوعات فرهنگی در تاریخ نگاری غزنوی است. چنان که مورخانی مانند بیرونی، گردیزی و ثعالبی بخشی از تاریخ نگاری خویش را به این موضوع اختصاص داده اند. رویکرد فرهنگی ثعالبی در یتیمه ی او متبلور است؛ آن سان که می توان فضای فرهنگ و ادب عربی را به خوبی در گوشه و کنار سرزمین های اسلامی قرن چهارم درک کرد (آذرنوش، ۱۳۸۷: ۱۶۳). ثعالبی با بیان زندگی و آثار ادبا و شعرا، روابط آن ها با یکدیگر، مدح و هجو، تاریخ ادبیات و فرهنگ را می نگارد. او سه مرکز اصلی ادب پروری را برمی شمارد. ابتدا دربار دولت حمدانی، دربار آل بویه و سپس خراسان بزرگ و بویژه نیشابور و بخارا به عنوان تخت گاه سامانیان. ثعالبی ویژگی این عصر را برتری شمار دبیران و منشیان، و وزیران ادیب و کاتبان شاعر یاد کرده است. او نخست زندگی نامه ای کوتاه از هرکس بیان می دارد و سپس به دو مقوله

می‌پردازد: یکم روابط ادیبان با دستگاه حکومتی و میزان توجه حاکمان به ادبیات و دوم روابط درونی ادیبان با یکدیگر و برگزاری مجالس.

هرچه ثعالبی از غرب رو به شرق می‌گذارد، به گونه‌ای طبیعی داده‌های او روندی افزایشی می‌یابد و جزییات بیش‌تری در اختیار خواننده قرار می‌دهد. بخارا و نیشابور به‌عنوان دو قطب اصلی در شرق محفل‌های ادبی پر از شاعران و ادیبان است. زمانی کسی به نام ابوجعفر موسوی برای ثعالبی از ضیافت پدرش در بخارا نقل می‌کند که تمامی دانشمندان و ادیبان را گرد هم جمع کرده و از فرزند خواسته بود این رویداد را بنگارد تا در روزگاران جاودانه شود؛ پس او نیز برای ثعالبی بازگو می‌کند (ثعالبی، ۱۹۸۳، ج ۴: ۱۱۵). این روایت نشان‌دهنده فضای پرحرارت و شورانگیز فرهنگی خراسان و ماوراءالنهر در سده چهارم هجری است.

ابوریحان محمدبن احمد بیرونی‌خوارزمی (ف. ۴۴۰ ق.)، مدتی در دربار ابوالعباس مامون‌بن مأمون خوارزمشاه، خدمت می‌کرد. با پیروزی لشکر غزنوی و انقراض مأمونیان در ۴۰۸ ق. ابوریحان در صف اسیران رهسپار غزنه شد و تا پایان عمر در آن زیست. مهم‌ترین نتیجه این انتقال، همراهی او با لشکر محمودی در غزوات هند و آشنایی با زبان سانسکریت، علوم، عقاید و فرهنگ هند بود که به نگارش تحقیق *ماللهند* در سال ۴۲۲ ق. انجامید (حموی، ۱۹۹۳، ج ۲: ۲۳۳۴؛ نظامی عروضی، ۱۳۲۷: ۸۹-۹۱؛ صفا، ۱۳۵۲: ۵۲-۵۳).

با آن‌که بیهقی تنها بخش کوتاهی از کتاب *المسامره فی اخبار خوارزم* با موضوع تاریخ خوارزم را در تاریخ مسعودی ذکر کرده (بیهقی، ۱۳۸۳: ۶۳۹)؛ همچنان این اثر و دو کتاب دیگر بیرونی، *آثارالباقیه* و تحقیق *ماللهند* گونه‌ای از تاریخ‌نگاری این دوره محسوب می‌شوند. ابوریحان در *آثارالباقیه* از حوزه‌ی مطالعات تاریخی به محدوده مطالعات مردم‌شناختی وارد شده؛ چنان‌که ابن‌خلدون نیز پس از آغاز بحث خود با علم تاریخ، به طراحی علم جدید خود با عنوان "علم جامعه" یا "علم عمران" پرداخته است.^۱ ابوریحان در معرفی هر اقلیت، بسترهای پیدایش و

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: آزاد ارمکی، ۱۳۷۲: ۲۸-۲۹.

شکل‌گیری آیین‌ها، مقدّسات و احکام مذهبی، آداب پیروان و زیست‌گاه‌های آن را مورد توجه قرار می‌دهد. برای نمونه روایت‌های بیرونی درباره حرّانیان و صابئین بی‌نظیر است. به گفته او در ایران پادشاهان پیشدادی تا زمان ظهور زردشت ستارگان و کواکب را مقدس می‌شمردند؛ اما با گرویدن ایرانیان به زردشت، باقی‌مانده صابئین در حرّان سکنی گزیدند. به گفته ابوریحان، صابئین مردمی هستند که به خداوند یگانه اعتقاد دارند ولی تدبیر عالم را به ستارگان نسبت می‌دهند و قبه‌ی بالای محراب جامع دمشق از آثار ایشان است (بیرونی، ۱۳۸۰: ۲۴۴-۲۴۳).

مباحث اصلی جوامع هندی که ابوریحان در تحقیق *ماللهند* بررسی کرده، مجموعه‌ای از نظام خویشاوندی، ازدواج، سنن و لایه‌های اجتماعی و دین‌شناسی است (اشرفی خیرآبادی، ۱۳۸۷: ۸۶-۸۷). برای مثال بیرونی (۱۳۶۲: ۱۶۱-۱۶۴) در مورد مشاهدات خود در کشمیر می‌نویسد: «اهل کشمیر اسب و فیل ندارند و پیاده هستند و بزرگان ایشان بر "کتوت" - نوعی تخت روان که توسط مردانی حمل می‌شود - می‌نشینند. او می‌افزاید در گذشته در این نواحی تعدادی از یهودیان نیز می‌زیسته‌اند ولی اکنون هندیان، دیگر غریبه‌ها را راه نمی‌دهند. جایی دیگر از کُهنکند، مشهور به "جبال بوزینگان" نام می‌برد و آداب مردم این ناحیه؛ که برای میمون‌ها برنج می‌پزند و با ساز و آواز در پیش آنان می‌گذارند. او می‌افزاید که این مردم معتقدند اگر به میمون‌ها رسیدگی نکنند، تمامی این ناحیه نابود خواهد شد».

گردیزی (۱۳۶۳: ۵۴۶-۵۴۷) نیز به تبعیت از ابوریحان به شناخت اقوام و آداب و سنن گوناگون پرداخته است. وی در مطالب مربوط به اغوزها و دیگر تیره‌های ترک، اطلاعات بی‌مانندی ارائه می‌دهد. به عنوان نمونه در مورد مذهب باستانی اغوزها یعنی شمنیسم، با نگاهی به ابن مقفع (کتاب *ربع/لدنیا*)، اطلاعات ارزشمندی نگاشته و داستان باور اغوزها به سنگ باران را به تفصیل بیان کرده است. گردیزی در شرح زندگی و تبار ترکان، علاوه بر ابن مقفع از ابن خردادبه نیز استفاده نموده و می‌افزاید که ترکان از نژاد چینیان هستند؛ نوح ولایت ترکستان را به پسرش یافت بخشید و به خاطر ناباروری ناحیه، آن را ترک نامید. گردیزی ترکان را "تنک‌موی و تنک‌خوی" معرفی می‌کند. خلخ، کیماک، یغمائیان، خرخیزیان، تبتیان، برسخان، غزان،

بجناکیان، خزران، برداس، بلکار، آلان‌ها، چگل و ترکی از اقوامی هستند که گردیزی نام می‌برد. او همچنین به آداب و رسوم شیعیان هم‌عصر خود (نیمه اول سده پنجم هجری) پرداخته و اشاره کرده است که آن‌ها در روز عاشورا در کربلا گرد می‌آمده‌اند و در زیارت مزار حسین (علیه‌السلام) به خواندن دعا، نوحه‌سرایی و دادن صدقه می‌پرداختند (همان: ۴۵۴). بنابراین موضوعات فرهنگی و اجتماعی در آثار تاریخ‌نویسان خراسانی عصر غزنوی جایگاهی ویژه داشته و هر کدام از این تاریخ‌نگاران دیدگاه خویش به این مباحث را نشان داده‌اند.

۲- ظهور تبیین‌های تاریخی و عقل‌گرایی

تبیین به معنای پاسخی به چرایی و چگونگی پیش‌آمدن یک رویداد تاریخی است. به گفته لیتل اصولاً هر تبیین در پاسخ به پرسشی است. این سؤالات در دو حالت مطرح می‌شوند: یکم پرسش‌های "چرا - باید" و دوم سؤالات "چگونه - ممکن است". هدف سؤالات "چرا - باید" نشان‌دادن فرآیندی با نظامی خاص است و «شناسایی فرآیندهای علی و زمینه‌هایی که به نمایان‌شدن مبین می‌انجامند». دسته دوم پرسش‌ها "چگونه - ممکن است"، «این سؤالات به‌صورت ویژه از چگونگی عملکرد سیستم‌های پیچیده‌اند؛ مانند مصنوعات پیچیده، شبکه‌های عصبی، سازمان‌های اجتماعی و نهادهای اقتصادی» (لیتل، ۱۳۷۳: ۶-۷).

به نظر استنفورد (۱۳۸۴: ۲۲۷) نیز تبیین بویژه در تاریخ به دو صورت است: تبیین علی به معنای بیان چرایی و تبیین تفسیری یعنی بیان چگونگی و معنا. هر چند خبرها، زیربنای تاریخ-نگاری است؛ اما آن‌چه نگارش تاریخ را به تاریخ‌نگاری تحلیلی نزدیک می‌کند، تفسیر آن خبرها و برقراری ارتباط میان گذشته و حال و توجه به تأثیرپذیری اخبار از عوامل خارجی و رخدادهای جانبی است (ترکمنی آذر، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

تاریخ‌نویسان غزنوی با گذار از شیوه اسنادی کوشیده‌اند در گزارش‌های خود به تبیین و تحلیلی تاریخی بپردازند. این تبیین‌ها بسته به جایگاه مورخ و موضوع بحث متفاوتند؛ اما حضور گهگاهی مورخ در متن و ارائه تبیین‌های عقلانی در همه متون تاریخی این دوره قابل درنگ است.

نگاه ویژه در تاریخ‌نگاری ثعالبی وجود نشانه‌هایی از عقل‌گرایی و تبیین در برابر عقیده تقدیرگرایی او است؛ اما نه تنها ثعالبی، که بسیاری تاریخ‌نویسان این عصر مانند عتبی، بیهقی و گردیزی، در برزخ جبر و اختیار و عقل‌گرایی در برابر تقدیرگرایی ایستاده و مشیت‌گرایی مطلق و یک‌سویه ندارند. ثعالبی از تبیین علی برای بیان حوادث بزرگ تاریخ ایران استفاده نموده است؛ برای نمونه در داستان دارای کهتر (داریوش سوم) به‌صورتی غیرمستقیم شکست از اسکندر را نشانه جوانی و بی‌تجربگی شاه و ظلم و نارضایتی مردم و فرماندهان سپاه می‌داند و این‌گونه شرح می‌دهد که دارا جوان بود و در کارش لغزش، غفلت و سرمستی‌هایی بود. او شیوه تکبر و ستم، پیشه‌کرد و به قتل و آزار بی‌گناهان پرداخت. «دارا فرماندهان و مردم را از خود بیزار ساخت و به دیگر شاهان ارجی نمی‌نهاد» (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۲۵۱).

تبیین در تاریخ‌نگاری عتبی نیز سرواژه‌ای کلیدی است. اخبار چونان گذشته، دیگر درون‌مایه‌ای جداگانه ندارند؛ که تکمیل‌کننده یکدیگرند و تک‌تک روایت‌ها برای رسیدن به هدف تاریخ‌نویس به‌خط شده‌اند. عتبی در سراسر کتاب یمینی برای توجیه فروپاشی سامانیان و نیز حکومت غزنوی بر سرزمین‌های سامانی، همواره به بررسی دلایل ناتوانی و شکست سامانیان پرداخته است. او تلاش نموده تا دلایل اصلی فروپاشی این دولت را خیانت دست‌نشان‌دگانی چون ابوعلی سیمجوری، بی‌لیاقتی و حيله وزیرانی چون ابن عَزَبَر، چیرگی زنان بر امور و جوانی امیر سامانی مطرح سازد (عتبی، ۱۳۸۷: ۲۵۶-۲۵۷).

تبیین‌های ابوریحان در تاریخ‌نگاری را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: نخست تبیین‌های تاریخی و دیگر، تبیین‌های علمی تحت تأثیر علوم طبیعی. تبیین‌های تاریخی در آثار ابوریحان مجموعه‌ای از بیان علل دوروزدیک و چندوجهی است؛ برای مثال او برای ناروشنی تاریخ اشکانیان سه علت عمده را ذکر می‌کند: نابسامانی جامعه ایرانی پس از حمله اسکندر؛ نابودی و

سوزانده‌شدن کتب ایرانیان توسط وی و سیاست بی‌تمرکز در عصر اشکانی (بیرونی، ۱۳۸۶: ۱۷۱-۱۷۲).

مهم‌ترین نکته در تاریخ‌نگاری غزنوی، عقل‌گرایی و رد افسانه‌ها در تاریخ است. این امر در تاریخ ثعالبی مشهود است. برای نمونه در آغاز داستان زال و سیمرغ و نیز هفت‌خوان اسفندیار می‌نویسد: «من درستی این داستان را بر گردن نمی‌گیرم، هرچند زبانزد همگان باشد». او این داستان‌ها را برای سرگرم کردن شاهان و لذت بی‌خوابان مفید می‌داند و درستی این گونه رویدادهای شگفت را جز برای پیامبران نمی‌پذیرد (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۵۲). ثعالبی عقل‌گرایی خود را در ادامه داستان اسفندیار و لشکرکشی او به شهرهای ترکان در هفت‌خوان اثبات می‌کند: «این داستان تا پایانش بازمانده از داستان رستم است، که نه خود آن را پذیرا است و نه اندیشه درست». او بیان این داستان‌ها را در کتابش، تنها برای شهرت آن‌ها و خوشایند مردم و پادشاهان برمی‌شمرد. او که خود می‌داند هیچ‌یک از این داستان‌ها صددرصد تاریخی نیست، با شرمساری برای واگویی آن‌ها از خواننده‌اش پوزش می‌خواهد و تنها هدف خود را دلپذیر کردن متن خود عنوان می‌نماید (همان: ۱۹۳).

ثعالبی تاریخ را علمی می‌داند برای شناخت اخبار پیشینیان، دین و سنت، و خیر و شر. نگارش تاریخ برای مورخ فرصتی است تا آوازه‌اش به سرزمین‌های دیگر برسد و نامش در طول زمان ماندگار شود. به باور او اگر مورخ فقط دنباله‌رو و پیرو دیگران باشد، تاریخ‌نگاری حقیقی نیست؛ زیرا تنها هدف او کسب درآمد از نگارش تاریخ خواهد بود (ثعالبی، ۱۳۸۷: ۳۵-۳۷؛ ثعالبی، ۱۳۸۵: ۳۵-۳۷).

آن گونه که ابوریحان نیز بیان می‌کند، از راه «استدلال به معقولات و قیاس معقول به محسوس» نمی‌توان به نگاشتن تاریخ پرداخت. او تنها راه را زدودن ذهن از عواملی چون تعصب و هوس و آن‌گاه بازخوانی همه متون و مقایسه آن‌ها برای دستیابی به حقیقت می‌داند (بیرونی، ۱۳۸۶: ج). «پس ما باید هر کدام از این اخبار را که نزدیک‌ترین و مشهورترین است از صاحبان آن بگیریم و تا اندازه‌ای که می‌توانیم آن را اصلاح کنیم» (همان: د). از این حیث بیرونی و دیگر مورخان

غزنوی در نقطه‌ی مقابل تاریخ‌نویسان حدیث‌محور و نقل‌گرایی چون طبری قرار می‌گیرند که به نقش تاریخ‌نویس در تحلیل رویدادها و روایات باور ندارند. طبری در آغاز تاریخ خویش با تأکید بر این نکته می‌نویسد: «بیننده کتاب ما بداند که بنای من در آن‌چه آوردم و گفته‌ام بر راویان بوده است، نه حجت عقول و استنباط نفوس، به جز اندکی، که علم اخبار گذشتگان به خبر و نقل به متأخران تواند رسید، نه استدلال و نظر و خبرهای گذشتگان که در کتاب ما هست و خواننده عجب داند یا شنونده نپذیرد و صحیح نداند، از من نیست؛ بلکه از ناقلان گرفته‌ام و هم‌چنان یاد کرده‌ام» (طبری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۶).

۳- افزایش نگاه انتقادی به منابع تاریخی، اشخاص و عملکردهای سیاسی

جستارهای انتقادی در تاریخ‌نگاری غزنوی، نخست شامل مقوله انتقاد و تفسیر منابع و مورخان؛ سپس دربرگیرنده پالایش افراد و عملکردهای‌شان و ساختارهای سیاسی و اجتماعی است. در عصر غزنوی نقد و رویکرد انتقادی عنصر مهم تاریخ‌نگاری بوده و مورخان این دوره به نقد بویژه نقد عملکرد اشخاص پرداخته‌اند؛ تا جایی که حتی رفتار فرمانروایان نیز از این نگاه خارج نبوده است. آن‌ها با انتقاد از منابع و مورخان پیشین و چالش‌گری در روایات‌شان، از پیروی کورکورانه ایشان دوری گزیده‌اند. البته جز مواردی چند، این نگاه تبیینی به منابع و روایات بسیار کم بوده و گویا دایره تمرکز ایشان بر نقد اشخاص، مورخان و نویسندگان قرار داشته است.

ثعالبی در *غرر/الخبار* گاهی به نقد منابع می‌پردازد. بیش‌ترین گلایه او از اختلافات میان مورخان در سال‌نگاری رویدادهاست. او در جاهایی درستی واگویی‌ای را رد می‌کند؛ در زمان‌هایی خود نظر نهایی را می‌دهد و گاه به روش جامانده از سنت حدیثی، با چشم‌پوشی از هرگونه نتیجه‌گیری، تصمیم‌گیری را به خواننده وامی‌گذارد (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۱۱-۱۳، ۵۲). جایی دیگر در بیان

رویدادهای اشکانیان از آشفستگی داستان‌ها و تواریخ طبری، ابن خردادبه و شاهنامه^۱ انتقاد می‌نماید و به دو گفتار ناهمگون طبری اشاره می‌کند که یک‌بار نخستین پادشاه اشکانی را اشک‌بن اشکان و دگر بار اقفور شاه معرفی کرده است. ثعالبی می‌گوید که خود را از این آشفستگی‌ها دور نگاه داشته و فقط اخبار مورد اعتمادش را ذکر خواهد کرد (همان: ۲۸۵).

در جستار نقد منابع تاریخی، بیش‌ترین انتقاد ابوریحان متوجه تاریخ‌نگاری ایرانیان است. از نظر او تاریخ شاهان ایرانی پُر از حکایت‌ها و افسانه‌هایی غیرعقلانی است (بیرونی، ۱۳۸۶: ۱۴۲) که به‌دست مورخان ایرانی و برای بزرگ‌نمایی آن پادشاهان ساخته شده و "خرافات مضحک" هستند (بیرونی، ۱۳۷۴: ۱۴۵-۱۴۶). برای نمونه یکی از نقدهای بیرونی بویژه متوجه حمزه اصفهانی است؛ زیرا در رساله‌ای درباره نوروژ، به دلیل "تعصب" به خطا رفته است (بیرونی، ۱۳۸۶: ۸۰). از این‌رو بیرونی برای نگارش تاریخ ایران باستان آن‌چه را که موبدان و دانشمندان ایرانی می‌گویند، جمع‌آوری کرده (همان: ۱۴۲)؛ هم‌چنین در نگارش تاریخ اشکانیان از کتاب *شاپورگان* مانی استفاده نموده است. او دلیل برتری این کتاب را علاوه بر نزدیکی زمانی به عصر اشکانی، اعتقاد مانی به حرام‌دانستن دروغ و بی‌نیازی وی به تاریخ‌سازی عنوان می‌کند (همان: ۱۶۱).

در *زین‌الخبار* آغاز رخدادهای دولت غزنوی، زمانی است که گردیزی درباره روش تاریخ‌نگاری و نقد منابع قلم می‌زند؛ چنان‌که گویی تاریخ وی تازه از این قسمت آغاز شده است. گردیزی سلطنت محمود غزنوی را با این جملات آغاز می‌کند: «آغاز کردیم به گفتن اخبار یمین‌الدوله رحمه‌الله علیه، برطبق ایجاز و اختصار از آن‌چه از همه اخبار که خواندیم، هیچ‌چیزی را آن حال نبود که اخبار او را؛ که آن چیزها دیگر به استماع شنیدیم و از کتب خواندیم و شاید بود که مصنفان و راویان اندران تصنیف‌ها و اخبار کم‌وبیش آورده و گفته‌اند از بهر تعجب سخن را و عزیز کردن کتاب را. اما این اخبار بیش‌تر از وی آن بوده است که به رأی‌العین خویش بدیدیم که امیرمحمود اندر هندوستان چه کرد...» (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۷۹). گردیزی در این چند خط روش

۱. آن، شاهنامه منصوری است. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: ثعالبی، ۱۳۶۸، مقدمه فضائی: ۶۴

تاریخ‌نگاری خویش را که مبتنی بر نقل روایات بر پایه اخبار کتبی، شفاهی و عینی است، شرح می‌دهد. وی منابع مورد استفاده‌اش در نگارش وقایع پیش از غزنوی را نقد می‌کند.

بیش‌ترین انتقادات تاریخ‌نویسان این دوره به نخبگان سیاسی و بویژه وزیران است. دلیل این امر در دیوانی بودن مورخان غزنوی است؛ زیرا ایشان با بنیان و ریزه‌کاری‌ها دیوان‌سالاری به‌دقت آشنا بوده‌اند. برای مثال عتبی به‌سختی بر ابن عزیر می‌تازد که به دشمنی با "آل عتبه" شهره بود و سخت می‌کوشید تا این نقصان و زوال دولت را از ناتوانی وزرای پیشین نشان دهد؛ بهانه‌ای که عتبی با آن مخالف بود. ابن عزیر در نخستین گام خویش تاش را از فرماندهی لشکر برکنار و به جای وی ابوالحسین سیمجور را منصوب کرد. سپاهیان با این جابه‌جایی مخالف بودند ولی ابن عزیر بر تصمیم خود پایدار بود. عتبی می‌افزاید همین سرسختی وزیر باعث شد تا «به مکاتبات و مخاطبات او التفات نمودند و جدّ ایشان در عصبیت و طاعت تاش زیادت شد» (عتبی، ۱۳۸۷: ۲۵۱؛ جرفاذقانی، ۱۳۷۴: ۶۷). یکی دیگر از انتقادات عتبی متوجه ابوالعباس فضل‌بن احمدبن فضل است. ابوالعباس در زمان حکومت امیرمحمود بر نیشابور به دستور سبکتکین، به وزارت محمود رسید. عتبی تأکید می‌کند که این، با وجود میل باطنی محمود صورت گرفته؛ زیرا خود امیر به احمدبن حسن میمندی جوان متمایل بوده است. عتبی ابوالعباس را فردی ستمگر و ناعادل معرفی می‌کند. به‌عقیده او با اقدامات ابوالعباس در ضبط اموال مردم خراسان، آبادانی از این ایالت رخت بربست. به‌علت ناتوانی ابن وزیر در اداره قلمرو و سپاه، آسیبی بزرگ در کار دولت پدید آمده بود (عتبی، ۱۳۸۷: ۵۲۰). هم‌چنین انتقاد اصلی عتبی درباره ابوالعباس، به دلیل فارسی‌نمودن مکاتبات دیوان است. عتبی ابوالعباس را وزیری بی‌دانش می‌داند که چون از ادب و قلم نیکو بی‌بهره بود؛ دیوان را به فارسی برگرداند (همان: ۵۲۹).

در میان انتقادات عتبی از نخبگان سیاسی، در موردی خاص به نقد رفتار خود سلطان می‌پردازد. این انتقاد در واقع از زبان ابوالفتح بُستی، شاعر عربی‌سرای دربار محمود در قالب نصیحت به سلطان محمود عنوان می‌شود. آن‌گاه که سلطان از حمله به بهاطیه در هند بازمی‌گشت، در راه بسیاری از سربازان و حیوانات تلف شدند. از این رو بستی همواره سلطان را نصیحت می‌کرده تا

کمی از لشکرکشی‌های خود بکاهد. اما عتبی می‌افزاید در جایی که شمشیر برنده باشد، قلم، نامه و کلام کارایی ندارد و مورد توجه قرار نمی‌گیرد (همان: ۴۵۵). در این جا عتبی استبداد رأی محمود و طمع نظامی گرایانه او را بیان می‌کند. وی در پایان روایت ابیاتی سروده بستی خطاب به سلطان را با این معنی، می‌افزاید:

«هان، از من به سلطان نصیحتی برسان! پندی که به‌دنبال آن، دوستی و رأیی آزموده و استوار است. از اوج خورشید گذشتی در عزّ و بلندی؛ و همه آنان را که حکومت داشتند به قهر مطیع می‌کردی. پس این جنبش‌های رنج‌افزا چیست که به آن‌ها ادامه می‌دهی؟ صبرکن؛ زیرا اوج خورشید حرکت نمی‌کند»^۱ (همان: ۴۵۶؛ جرفاذقانی، ۱۳۷۴: ۲۷۸، پانویس ۲). عتبی این‌گونه سلطان را به خویشتن‌داری دعوت می‌کند.

انتقادات گردیزی نیز بیش‌تر بر نقد بزرگان سیاسی استوار است؛ کسانی چون شاهان و امیران یا خلفا. گردیزی در مقایسه بین امین و مأمون، عدالت‌پروری مأمون را در برابر امین قرار می‌دهد؛ آن‌جا که: «مأمون اندر خراسان عدل بگسترد و رسم‌های نیکو نهاد» و: «محمدامین در بغداد به طرب مشغول شد و کس او را ندیدی از مستی و لهو» (گردیزی، ۱۳۶۳: ۱۶۵). گردیزی این‌گونه انتقادات را جایی دیگر در مورد محمدبن طاهر نیز تکرار می‌کند، عواملی که در نهایت باعث شورش در طبرستان شدند: «[خلیفه] مستعین خراسان مر محمدبن طاهر را داد و محمدبن طاهر غافل و بی‌عاقبت بود. سر فرود برد به شراب خوردن و به طرب و شادی مشغول گشت، تا به سبب غفلت او طبرستان بشورید» (همان: ۳۰۳).

۱. يَشِيعُهَا وَدُّ وَ رَأَى مُحَنِّكَ

و ذَلَّلَتْ قَسْرًا كُلَّ مَنْ قَدْ تَمَلَّكَوْا

تَأَنَّ فَأَوْجُ الشَّمْسِ لَا يَتَحَرَّكُ (عتبی، ۱۳۸۷: ۳۵۶).

۱. إِلَّا أبلغَ السُّلْطَانُ عَنِّي نصيحتَهُ

تَجَاوَزَتْ أَوْجَ الشَّمْسِ عِزًّا وَ رَفْعَةً

فَمَا حَرَكَاتٌ مُتَعَبَاتٌ تَدْبِهُمَا

بیشترین انتقادات بیهقی به رفتار، عملکرد و اخلاق دبیران، وزیران و سلطان مسعود است. بیهقی در بیان انتقادات خویش همواره جانب انصاف را رعایت کرده و سعی نموده گستره نظام و ساختار حکومت را از این انتقادات دور سازد؛ در نتیجه نقد وی به اشخاص بویژه دبیران است. بیهقی به عنوان یک دبیر بر اعمال همکارانش تمرکز نموده است.

یکی از مشهورترین روایت‌های تاریخ بیهقی «ذکر بر دار کردن حسنک وزیر» است. بیهقی در آغاز این داستان، توضیحاتی از بوسهل زوزنی می‌دهد و به روشنی دیدگاه خویش را بیان می‌کند: «مرا از وی بد آمد». بیهقی نخست به منش‌های خوب زوزنی اشاره می‌کند: «این بوسهل مردی امامزاده و محتشم و فاضل و ادیب بود» (بیهقی، ۱۳۷۵: ۲۲۶). گویا هدف بیهقی از گفتن این نیکویی‌ها، دوری از تعصب در تاریخ و تأکید بر بی‌جایگاهی شخصی بی‌فضیلت و ناکارآمد چون بوسهل، در نظام دیوان غزنوی است. سپس بیهقی به جنبه تاریک منش بوسهل، حيله‌ها و فرصت‌طلبی‌های او می‌پردازد و می‌نویسد: «اما شرارت و زعارتی در طبع وی مؤکد شده - لا تبدیل لخلق الله - و با آن شرارت دلسوزی نداشت و همیشه چشم نهاده بودی تا پادشاهی بزرگ و جبار بر چاکری خشم‌گرفتی و آن چاکر را لت‌زدی و فروگرفتی، این مرد از کرانه بجستی و فرصتی جستی و تضریب کردی و المی بزرگ بدین چاکر رسانیدی و آن‌گاه لاف زدی که فلان را من فروگرفتم» (همان: ۲۲۶). بیهقی می‌افزاید که "خردمندان" دروغ‌گویی بوسهل را می‌دانستند و به او می‌خندیدند (همان: ۲۲۷). بیهقی در انتقاد از بوسهل به روشنی جانب انصاف را رعایت کرده و نیک و بد را ذکر کرده است.

یکی دیگر از اشخاص مهم مورد انتقاد بیهقی سوری بن معتز، صاحب دیوان خراسان است. بیهقی شخصیت سوری و اعمال وی را توصیف و نقد می‌کند. او که سوری را مردی "ظالم و متهور" می‌داند، در تحلیل خویش، رفتار و عملکرد سوری با مردم خراسان را عامل اصلی شکست در برابر سلجوقیان می‌داند به عقیده بیهقی «خراسان به حقیقت در سر ظلم و درازدستی وی بشد» (همان: ۶۳۸). سپس در ادامه این واگویه تصویر مثبتی از کارهای عمرانی سوری در نیشابور و

طوس می‌آورد، اما گفتار خویش را با سروده تند ابوالمظفر جُمحی پایان می‌دهد^۱ (همان: ۶۳۹). او، سوری را نخستین شکاف میان مردم و دولت و شکست غزنویان در خراسان می‌داند؛ پس در داستان ورود طغرل و ابراهیم ینال به نیشابور نیز بار دیگر جمله خود را تکرار می‌کند «که خراسان به حقیقت به سر سوری شد» (همان: ۸۸۴).

مجموعه انتقادات ابوریحان شامل نقد نهادها، افراد و پیروان سیاسی و مذهبی است. بیرونی به ساختن اصل و نسب برای خاندان‌های حکومت‌گر منتقد است و این دروغ‌های ساختگی را برای جلوگیری از طعن دشمنان می‌داند؛ مانند رساندن نسب عبدالرزاق طوسی به منوچهر در شاهنامه و یا نسبت دادن آل بویه به بهرام گور که صابی آن را ذکر کرده است (بیرونی، ۱۳۸۶: ۶۱). سپس ابوریحان به نقد رفتار بنی عباس می‌پردازد که با بخشش القاب دروغین به افرادی بی کفایت «فرقی میان دوست و دشمن خود نگذاشتند» و سرانجام «دولت و سلطنت آنان ضایع گشت» (همان: ۲۰۴).

انتقادات ابوریحان درباره اسماعیلیه نیز شایان توجه است. اصلی‌ترین نقد وی بر محاسبات نجومی ایشان در تعیین ماه رمضان است و آن که اسماعیلیان با تکیه بر همین محاسبات، خود را ملزم به استهلال هلال ماه نمی‌کنند (همان: ۹۶) و این عمل مخالف نصّ صریح قرآن است. از همین رو ابوریحان از خاندان رسول و سادات "بسیار در شگفت" است که چرا با این "معاندان" مخالفتی نمی‌کنند و سکوت، پیشه کرده‌اند. ابوریحان در پایان گفت‌وگو با دانشمندی اسماعیلی می‌نویسد: «لیکن گفت‌وگویی با مردمی که از راه عمد در باطل خویش پافشاری می‌کنند و نادانی را مرکب خود ساخته‌اند، بیهوده است» (همان: ۱۰۲).

۱. امیرا، بسوی خراسان نگر
اگر دست شومش بماند دراز
که سوری همی بند و ساز آورد
به پیش تو کاری دراز آورد
چو چوپان بد داغ باز آورد (بیهقی، ۱۳۷۵: ۶۳۹-۶۴۰).

نتیجه

خراسان در دوره نخست حکومت غزنوی، مانند عصر سامانی به عنوان مرکز علمی و فرهنگی زمان مطرح بود؛ پس تاریخ‌نویسان بزرگی در کنار ادیبان و شاعران پرورش یافتند. برخلاف دوره‌های پیشین که تاریخ را محدثان می‌نوشتند، مورخان این دوره بیش‌تر از دبیران بودند. شواهد این مقاله نشان‌دهنده انعکاس مسائل اجتماعی در کنار رویدادهای سیاسی در آثار مورخان غزنوی است. هریک از این مورخان بسته به بسترهای شغلی، مذهبی و فرهنگی خویش، جستارهای گونه‌گونی در موضوعات اجتماعی و فرهنگی ارائه داده‌اند. در نگاهی کلی مورخان عصر غزنوی به مضامین اجتماعی، بویژه موضوع معیشت مردم و قوم‌شناسی توجه بیش‌تری داشته‌اند. انتقادات آنان نیز، هم در نقد شخصیت‌ها و هم نقد تاریخ‌نگارانه منابع پیشین است که رویکردی نوین قلمداد می‌شود.

بیش‌ترین انتقادات متوجه نخبگان سیاسی و دبیران است. آوردن تبیین و تحلیل‌های تاریخی، یکی از نکات برجسته در تاریخ‌نگاری سبک خراسانی عصر غزنوی است؛ شاخصه‌ای که پیش از این، کم‌تر در تاریخ‌نگاری دیده می‌شد. در نتیجه شیوه تاریخ‌نگاری منشیا نه عصر غزنوی نشان می‌دهد که از این دوره، نگارش تاریخ‌های ایرانی از تاریخ‌نگاری طولانی اسنادی و حدیث‌محور عربی جدا شده است.

منابع

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۷). *چالش میان فارسی و عربی*. تهران: نشرنی.
- آزادارمکی، تقی (۱۳۷۲). "اندیشه اجتماعی ابوریحان بیرونی و ابن خلدون". *کیهان فرهنگی*، ش ۱۰۴ (پاییز): ۲۷-۳۱.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۴). *درآمدی بر فلسفه تاریخ*. ترجمه احمد گل محمدی. تهران: نشر نی.
- اشرفی خیرآبادی، حمید (۱۳۸۷). "مردم‌شناسی در آثار ابوریحان بیرونی با تکیه بر کتاب فی تحقیق ماللهند". *کتاب ماه: تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۲۴ (تابستان): ۸۰-۸۹.
- الصفدی، صلاح‌الدین خلیل (۲۰۰۰م.). *الوافی بالوفیات*. تصحیح احمد الارناووط. بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
- باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۹۰). *تاریخ غزنویان*. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۲). *تحقیق ماللهند*. ترجمه منوچهر صدوقی سها. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۴). *الجماهر فی الجواهر*. تصحیح یوسف هادی. تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۰). *الآثار الباقیه عن القرون الخالیه*. تصحیح پرویز اذکایی. تهران: میراث مکتوب.
- _____ (۱۳۸۶). *آثار الباقیه*. ترجمه اکبر داناسرشت. تهران: امیرکبیر.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۷۵). *تاریخ بیهقی*. تصحیح خلیل خطیب رهبر. تهران: مهتاب.
- _____ (۱۳۸۳). *تاریخ بیهقی*. تصحیح علی‌اکبر فیاض. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۹۲). *تاریخ نگاری در ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ثعالبی، ابومنصور (۱۹۸۳م.). *یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر*. تصحیح محمد قمیحه. بیروت: دارالکتب علمیه.

- _____ (۱۹۹۴م.). *خاص الخاص*. تصحیح مامون بن محیی‌الدین الجنان. بیروت: دارالکتب علمیه.
- _____ (۱۳۶۸). *غرر الاخبار ملوک الفرس و سیرهم*. ترجمه محمد فضائی. تهران: نقره.
- _____ (۱۳۸۵). *تحسین و تقبیح*. تصحیح محمد بن ابی‌بکر بن علی ساوی و عارف احمد زغول. تهران: میراث مکتوب.
- _____ (۱۳۸۷). *البواقیت فی بعض المواقیت فی مدح الشیء و ذمه (در گران سنگ‌های ادب)*. ترجمه محمدباقر حسینی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- _____ جرفاذقانی، ابوالشرف ناصح (۱۳۷۴). *ترجمه تاریخ یمینی*. تصحیح جعفر شعار. تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ حموی، یاقوت (۱۹۹۳م.). *معجم‌الادباء*. تصحیح احسان عباس. بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- _____ دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه دهخدا. ذیل واژه "زمین داور".
- _____ رابینسن، چیس اف. (۱۳۸۹). *تاریخ‌نگاری اسلامی*. ترجمه مصطفی سبحانی. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- _____ صدقی، ناصر (۱۳۹۲). "فرآیند تاریخی روش‌شناسی تاریخ‌نگاری اسلامی". *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء، دوره ۱۹، ش ۴ (پاییز و زمستان): ۱۰۱-۱۱۶.
- _____ صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۲). *احوال و آثار ابوریحان بیرونی*. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- _____ طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*، ج ۱. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- _____ عتبی، محمد بن عبدالجبار (۲۰۰۴م.). *الیمینی*. تصحیح احسان ذنون الثامری. بیروت: دارالطلیعه.
- _____ (۱۳۸۷). *الیمینی*. تصحیح یوسف الهادی. تهران: مرکز میراث مکتوب.
- _____ کاهن، کلود (۱۳۷۹). "تاریخ و مورخان اسلامی تا پایان دوران عباسی". ترجمه شهلا بختیاری. *تاریخ اسلام*، دوره ۱، ش ۱ (بهار): ۱۴۱-۱۹۵.

- گردیزی، عبدالحیّ بن ضحاک (۱۳۶۳). *زین‌الأخبار*. تصحیح عبدالحی حبیبی. تهران: دنیای کتاب.

- گیب، ه. آر. (۱۳۶۱). *تطور تاریخ‌نگاری در اسلام در تاریخ‌نگاری در اسلام*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.

- لیتل، دانیل (۱۳۷۳). *تبیین در علوم اجتماعی، درآمدی به فلسفه‌ی علم الاجتماع*. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.

- نظامی عروضی، احمدبن عمر (۱۳۲۷). *چهارمقاله*. تصحیح محمد قزوینی. تهران: ارمغان.

- Melville, Charles (2012). *The historian at work*. In *Persian Historiography*. London: I. B. TAURIS.

نقش پیش‌بینی‌کننده سرمایه اجتماعی در سلامت اجتماعی کارکنان (مورد مطالعه: اداره‌های پست استان خراسان جنوبی)

فاطمه زین‌الدینی میمند^۱

افسانه عبدلی^۲

نوع مقاله: علمی- پژوهشی

شماره صفحه: ۹۴-۵۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۱۸

چکیده

وجود سرمایه اجتماعی، حافظ سلامتی است. افرادی که در شبکه‌ای از حمایت، اعتماد عمومی، اطلاعات و هنجارها زندگی می‌کنند، منابعی در اختیار دارند که بر سلامت آن‌ها اثر می‌گذارد. هدف این مطالعه نقش سرمایه اجتماعی در پیش‌بینی سلامت اجتماعی است که از دیدگاه فوکویاما (سرمایه اجتماعی) و دیدگاه کییز (سلامت اجتماعی) به‌عنوان مبنای نظری استفاده شده است. رویکرد این پژوهش کمی محور و از نوع پیمایش (توصیفی- همبستگی) است. جامعه آماری و حجم نمونه، کلیه کارکنان ادارات پست خراسان جنوبی هستند که به صورت تمام‌شماری، برای حجم نمونه انتخاب شده‌اند. ابزار جمع‌آوری یافته‌ها پرسش‌نامه‌های استاندارد شده سرمایه اجتماعی ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸) و سلامت اجتماعی کییز (۱۹۹۸) است. ضریب آلفای کرونباخ، به ترتیب برای سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی برابر با ۰/۹۵۲ و ۰/۶۴۶ به دست آمده است. تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و پیراست ۲۲ و نرم‌افزار آموس (AMOS)

fatete_z@yahoo.com

abdoli.a@lu.ac.ir

۱. مربی گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام‌نور خراسان جنوبی، نویسنده مسؤول

۲. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه لرستان

ویراست ۲۴ انجام شده‌اند. یافته‌های آمار توصیفی حاکی از آن است که از نظر پاسخگویان، میانگین متغیرهای سلامت اجتماعی ($0.54/2$) و سرمایه اجتماعی ($0.50/8$) متوسط به دست آمده‌است. بر اساس فرضیه‌ها بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (ساختاری، شناختی و ارتباطی)، جهت تحقق و تقویت سلامت اجتماعی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشته است ($p < 0.01$). بر اساس نتایج بتای مدل رگرسیونی مؤلفه‌های ارزش‌ها، همکاری، روابط، شبکه‌ها، اعتماد و تعهد، به ترتیب به بهترین وجه، متغیر ملاک را تبیین کرده‌اند و مقدار ضریب همبستگی (R) سرمایه اجتماعی 0.447 به دست آمده که نشان از مؤلفه‌های متغیر رابطه همبستگی نه چندان قوی با سلامت اجتماعی بوده است. در نهایت نزدیک به 20% از کل تغییرات میزان سلامت اجتماعی، متأثر از نقش پیش‌بینی‌کننده سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های سازمانی آن بوده است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، سلامت اجتماعی، اداره کل پست خراسان جنوبی

مقدمه

امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی و اقتصادی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی^۱ نیز مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی عمدتاً مبتنی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی است و برخلاف سایر سرمایه‌ها، به صورت فیزیکی وجود ندارد؛ بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی است. در واقع به تمام رفتارهای اجتماعی، هنجارها و روابط اجتماعی فرد، اطلاق می‌شود. به‌طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه‌ای نشان‌دهنده میزان اعتماد افراد به یکدیگر است؛ بنابراین، سرمایه اجتماعی، حاصل حس همکاری و اطمینان در میان افراد یک جامعه است. بدین ترتیب وجود میزان قابل قبولی از سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش‌های اجتماعی می‌شود؛ به‌طوری‌که در مواقع بحرانی، می‌توان برای حل مشکلات از سرمایه

اجتماعی به‌عنوان اصلی‌ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرآیندهای موجود، سود برد (شجاع و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۲).

سرمایه اجتماعی از طرق متعدد مانند انتشار اطلاعات بهداشتی، احتمال افزایش هنجارها و رفتارهای سازگار شده با سلامت، کنترل رفتارهای مخاطره‌آمیز سلامت (کارایی جمعی)، افزایش دسترسی به تسهیلات و سرویس‌های محلی و فرایندهای روان‌شناختی مانند حمایت‌های مؤثر، می‌تواند بر روی سلامت تأثیر بگذارد (همان)؛ به‌عنوان مثال از آن‌جاکه شخصیت‌های فردی تحت تأثیر کیفیت و کمیت روابط میان فردی قرار می‌گیرند، فقدان حمایت‌های اجتماعی، ممکن است منابع فردی را برای مقابله با چالش‌ها تقلیل دهد و احتمالاً به اختلالات فراوانی منجر شود؛ زیرا حمایت‌هایی که فرد از خانواده، دوستان و یا جامعه دریافت می‌کند، مستقیماً سلامت اجتماعی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به این اعتبار، حمایت اجتماعی برای سلامت اجتماعی، یک مفهوم کلیدی نیز تلقی می‌شود (شربتیان، ۱۳۹۱: ۱۵۱)؛ بنابراین، ماهیت واقعی انسان، کلیت روابط اجتماعی است. همه افراد در شبکه‌ای از روابط اجتماعی ساکن هستند و شرایط سلامتی آن‌ها می‌تواند به ویژگی‌های ساختاری شبکه وابسته باشد (Song, 2013: 233).

سلامت موضوعی است که در همه فرهنگ‌ها مطرح می‌شود و تعریف آن در هر جامعه‌ای تا اندازه‌ای به حس مشترک مردمان از سلامت، با توجه به فرهنگ آن‌ها، بازمی‌گردد و اگرچه بُعد جسمانی آن بیشتر مورد توجه است؛ اما رشد و تعالی جامعه درگرو سلامت از ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی است (شکرپیگی و محمدی، ۱۳۹۲: ۹۳۶-۹۳۷). بُعد اجتماعی سلامت دربرگیرنده سطوح مهارت‌های اجتماعی، عملکرد اجتماعی و توانایی شناخت هر شخص از خود به‌عنوان عضوی از جامعه بزرگ‌تر است (کریمی و تافته، ۱۳۹۶: ۲). معمولاً سه تلقی از سلامت اجتماعی وجود دارد: ۱). سلامت اجتماعی به مثابه "بُعد اجتماعی سلامت فرد" که در کنار دو بُعد جسمی و روانی سلامت فرد، به رابطه او با جامعه نظر دارد. ۲). جامعه سالم به مثابه "شرایط اجتماعی سلامت‌بخش". ۳). سلامت اجتماعی به مثابه "وضعیت اجتماعی بهتر، به طور کلی" که بسته به اوضاع فعلی هر جامعه یا جماعت، مصادیق و معناهای عینی متفاوتی می‌یابد (امینی

رارانی، موسوی و رفیعی، ۱۳۹۰: ۲۰۵-۲۰۶). براین اساس، یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی جوامع، سلامت اجتماعی محسوب می‌شود (صابری و رضانی، ۱۳۹۵: ۱۶۵) و در کنار سلامت جسمانی و سلامت روان، به عنوان جزء لاینفک سلامت افراد تعریف می‌شود؛ به علاوه، یکی از ملاک‌های اساسی گذار از جوامع سنتی به مدرن برای تمامی گروه‌های اجتماعی است (هزارجریبی و مهری، ۱۳۹۱: ۴۲).

به این ترتیب، مفهوم سلامت اجتماعی در چند دهه اخیر در تمام مسائل و پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی حوزه زندگی انسان، ریشه دوانیده و با مفاهیم اجتماعی مختلف، پیوندی معنادار پیدا کرده است. یکی از این مفاهیم اجتماعی، سرمایه اجتماعی است که در حوزه سلامت، مشخصه‌ای خاص دارد که به توانمندی اجتماعی، سازمان‌دهی جمعی، مشارکت داوطلبانه برای حل مشکلات گروهی یا عمومی در حد اکثریت، اشاره می‌کند. بر این اساس، در شرایطی که سرمایه اجتماعی؛ یعنی توانایی استفاده جمعی توأم با همکاری از منابع برای اهداف عمومی وجود نداشته باشد، بعید است که فقط سرمایه مالی و افزایش سرمایه انسانی بتواند نتایج مثبتی را به دنبال داشته باشد (شربتیان، ۱۳۹۱: ۱۵۰-۱۵۱). در واقع، سلامت اساسی‌ترین جزء رفاه اجتماعی به شمار می‌رود و بیش از مداخلات پزشکی، به عوامل اجتماعی و اقتصادی وابسته است و یکی از مفاهیم محوری توسعه پایدار می‌باشد. بدین منظور میزان سرمایه اجتماعی و ابعاد مختلف آن، یکی از متغیرهای مهم تأثیرگذار بر موفقیت برنامه‌های توسعه، رفاه و بهزیستی جامعه است (سیدان و عبدالصمدی، ۱۳۹۰: ۲۲۹). به این ترتیب، رابطه سرمایه اجتماعی از لحاظ ارتقا بخشیدن به سلامت اجتماعی در چند دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران مطالعات جامعه‌شناسی قرار گرفته است (صابری و رضانی، ۱۳۹۵: ۱۶۶).

پژوهش‌های درباره سلامتی، نشان می‌دهد که وجود سرمایه اجتماعی، حافظ سلامتی است. افرادی که در شبکه‌ای از حمایت، اعتماد عمومی، اطلاعات و هنجارها زندگی می‌کنند، منابعی در اختیار دارند که بر سلامت آن‌ها اثر مثبت می‌گذارد (نکونام، احمدی و عباسی چری، ۱۳۹۴: ۱۶۴). در واقع، اعتقاد بر این است که بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی به چند شکل

ارتباط وجود دارد: نخست، تأثیری است که سرمایه اجتماعی از طریق انجمن‌ها و تشکل‌های مدنی بر سیاست‌های سلامت می‌گذارد و بستر رفع نابرابری‌های این حوزه را فراهم می‌کند. دوم، تأثیر مستقیم سرمایه اجتماعی بر سلامت فیزیکی و روانی فرد از طریق ایجاد تحرک و پویایی اجتماعی و ایجاد ارتباط و عزت نفس در فرد است. سوم، تأثیر سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی و رفتارهای سلامت شهروندان مانند تغذیه، عدم مصرف سیگار و الکل، ورزش کردن و... است (موسوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱۲). یک وجه مشترک مهم و اساسی سرمایه و سلامت اجتماعی و نقطه تمرکز هر دو متغیر، کیفیت و چگونگی ارتباط فرد با جامعه است. هر ارتباطی که فرد در زندگی خود برقرار می‌کند، شامل حمایت‌هایی است که از خانواده، دوستان و یا جامعه دریافت می‌کند و همه این‌ها مستقیماً سلامت او را تحت تأثیر قرار می‌دهند (همان: ۱۱۵).

پژوهش‌ها در ایران نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر دور باطلی از تحولات توسعه‌ای منفی در ایران شکل گرفته که به صورت ضعف حکمرانی، افزایش احساس ناامنی و تبعیض، افول سرمایه اجتماعی، مهاجرت و فرار مغزها (افول سرمایه انسانی)، نارضایتی عمومی در عرصه‌های مختلف و افول بهره‌وری سرمایه فیزیکی و عملکرد اقتصادی به وجود آورده است (دینی ترکمانی، ۱۳۸۵: ۱۵۵). این کاهش سرمایه اجتماعی با بی‌اعتمادی همراه بوده و پاسخ مردم به عدم کارایی دولت‌ها و نهادهاست و فشارها و بیماری‌های روانی مانند افسردگی را افزایش داده‌است (سیدان و عبدالصمدی، ۱۳۹۰: ۲۳۰)؛ چنان‌که دیده شده است افراد در لاک خود فرو رفته به هم اعتماد ندارند و از تنهایی خود رنج می‌برند (نظری، ۱۳۹۵). مفهوم ضمنی این پژوهش‌ها این است که کاهش سرمایه اجتماعی، سلامت افراد را به خطر انداخته و تا حد زیادی آن‌ها را در معرض بیماری‌های جسمی و روانی و اجتماعی قرار داده است. به این ترتیب، سرمایه اجتماعی سطح همکاری اعضای یک گروه را بالا برده و به این صورت زمینه سلامت اجتماعی را فراهم می‌کند. از آن‌جا که سرمایه اجتماعی شامل روابط و شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای متقابل و اعتماد است که هماهنگی و همکاری را برای منافع متقابل تسهیل می‌کند، به طور سنتی، سرمایه اجتماعی در محلات، اجتماعات، جوامع و حتی ملل مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما اخیراً محققان سرمایه

اجتماعی را در محل‌های کار نیز مورد بررسی قرار داده‌اند (Oksanen, et al., 2013: 23). این بررسی در محل کار به این دلیل قابل توجه است که بنابر تعریف، سرمایه اجتماعی، محدود به هیچ نهاد اجتماعی خاص یا شبکه‌های اجتماعی در اندازه خاص نیست؛ به‌علاوه افراد معمولاً در محل کار در معرض مقدار معقولی از روابط اجتماعی و تعاملات روزانه قرار می‌گیرند؛ پس محیط کار ممکن است بستر اجتماعی مهمی برای سرمایه اجتماعی و همچنین یک عامل تعیین‌کننده سلامت اجتماعی کارکنان باشد؛ بنابراین اگرچه شواهد زیادی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی را حمایت می‌کنند؛ مطالعات کمتری رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی را در یک نهاد خاص مانند اداره پست سنجیده‌اند. فقدان و کاستی پژوهش در این زمینه در ایران، اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر را ایجاب کرد. بدین منظور کارکنان اداره پست مد نظر قرار گرفتند؛ زیرا آن‌ها با توجه به ماهیت پست و بحث ارتباطات، هم متأثر از سرمایه اجتماعی که جامعه ایجاد کرده است، هستند و هم نقش کلیدی در ارتباط و اعتماد اجتماعی دارند. برقراری ارتباطات چندوجهی است، زیرا ارتباط مردم با مردم، ارتباط مردم با سازمان‌ها و ادارات و ارتباط سازمان‌ها و ادارات با مردم را مورد توجه قرار می‌دهد. به این ترتیب، به بهبود امنیت اجتماعی و روانی و کاهش سفرهای غیرضروری درون و برون‌شهری می‌انجامد. از این‌رو، اداره پست خراسان جنوبی به‌عنوان یک نهاد اجتماعی که سرمایه اجتماعی موجود در آن هم می‌تواند کارکنان آن اداره و هم مردم دیگر را متأثر سازد، مد نظر قرار گرفت. با نظر به این امر، پژوهش حاضر به این سؤال مهم می‌پردازد که آیا سرمایه اجتماعی کارکنان اداره‌های پست استان خراسان جنوبی، پیش‌بینی‌کننده سلامت اجتماعی است؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی در زمینه رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی انجام گرفته است که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود. موسوی و دیگران (۱۳۹۴) در پژوهش کمی (پیمایشی و همبستگی) "بسط مفهومی سرمایه اجتماعی با رویکرد سلامت اجتماعی" دریافتند که سه رویکرد

متفاوت به سلامت اجتماعی وجود دارد: (۱). رویکرد تعیین‌کننده‌های سلامت، (۲). سلامت اجتماعی جامعه و (۳). سلامت اجتماعی فردی. تعیین‌کننده‌های سلامت در پی شناسایی و تعیین متغیرهایی است که شرایط و زمینه‌های اثرگذار بر سلامت اجتماعی را فراهم می‌کند. سلامت اجتماعی در سطح فردی فرایند درگیرشدن شهروندان در امور اجتماعی است. در واقع هر چه سطح درگیری و مشارکت اجتماعی شهروندان در جامعه بالاتر برود، نه تنها سلامت اجتماعی فرد افزایش پیدا می‌کند؛ بلکه این فرایند، پیامدهایی دارد که شاخص‌های سلامت اجتماعی جامعه را تقویت می‌کند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت این سه رویکرد یک الگوی سلامت اجتماعی است که از سطح راهبردی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و حصول و ارزیابی، نتیجه را در خود دارد. امینی رارانی، موسوی و رفیعی (۱۳۹۰) در پژوهش کمی (پیمایشی و همبستگی) "رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی در ایران" دریافتند که بین سرمایه اجتماعی و متغیرهای فقر، رشد طبیعی جمعیت، خشونت، میزان باسوادی، میزان بیکاری و پوشش بیمه به عنوان بیانگرهای سلامت اجتماعی رابطه آماری معنی‌داری وجود دارد. همچنین جهت رابطه در مورد متغیرهای فقر، رشد جمعیت و میزان بیکاری مثبت است. در مجموع پس از انجام تحلیل عاملی اکتشافی و محاسبه نمره سلامت اجتماعی کل، رابطه بین سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی کل در ایران، با مقدار همبستگی 0.54 - تأیید شد و با توجه به ضریب تعیین 0.30 ٪، می‌توان اذعان داشت 0.30 ٪ تغییرات سلامت اجتماعی با تغییرات سرمایه اجتماعی قابل توضیح است. سیل، هاو و کاواناگ (Shiell, Hawe & Kavanagh, 2020: 257) در پژوهش کیفی (بررسی سیستماتیک نه پایگاه داده و ۴۹۴۱ چکیده و مطالعه ۱۸۷ مقاله مروری) با عنوان "شواهد نشان‌دهنده نیاز به بازنگری مداخلات سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی" دریافتند که یک عامل مهم، روش نامناسبی است که محتوا در تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است و بویژه چگونه محتوا با تلاش‌هایی برای ارتقای سلامت به یک روش پویا در تعامل است. از بین روش‌های مختلف مداخله یکی از آن‌ها می‌تواند در بهبود سلامت عمومی به کار گرفته شود. مداخله سرمایه اجتماعی به احتمال زیاد خاص‌ترین زمینه است و بویژه تحت تأثیر مرزهای پیرامون آن زمینه قرار می‌گیرد.

روشی که پیشنهاد می‌شود این است که به ترکیبی از بینش‌های به دست آمده از سیستم تفکر، تحقیق مشارکتی مبتنی بر اجتماع و مداخله و ارتقای علوم نیاز است که خود این، به تمرکز مجدد بر روی عناصر خاص سرمایه اجتماعی نیاز دارد؛ فهمی از این که چگونه زمینه به صورت پویایی با تلاش برای بهبود سلامت تعامل می‌یابد و این در توسعه روش‌های بهتر برای به رسمیت شناختن و طبقه‌بندی دانش تولیدشده توسط مداخلات پیچیده مهم است و نقش بزرگی در طراحی، به کارگیری، انطباق و ارزشیابی مداخلات و حمایت از پژوهش‌ها برای عمل دارد. زانگ و جیانگ (Zhang & Jiang, 2019: 411) در پژوهش کمی (پیمایشی) "سرمایه و سلامت اجتماعی در چین؛ شواهدی از زمینه‌یابی اجتماعی عمومی چینی در سال ۲۰۱۰" اعلام کردند. که هدف تحقیق بررسی تأثیر انواع مختلف سرمایه اجتماعی شامل سرمایه‌های پیوند، اتصال و ارتباط^۱ بر سلامت جسمی، روانی و عمومی ساکنان چینی بود. نتایج نشان داد که در سطح فردی، سرمایه‌های اجتماعی پیوند و اتصال به طور مثبتی با سلامت روانی جمعیت شهری، روستایی و جهانی چین مرتبط است؛ اما با سلامت عمومی فقط در جمعیت‌های شهری و جهانی چین مرتبط بود؛ سرمایه اجتماعی ارتباطی که به وسیله مشارکت سیاسی و اثربخشی سیاسی در چین برای نخستین بار اندازه‌گیری شده بود اثر مثبت معناداری روی سلامت روانی در جمعیت شهر، روستا و جهانی چینی داشت. در سطح شهرستانی، سرمایه اجتماعی پیوندی تنها می‌توانست سلامت فیزیکی و عمومی را در جمعیت‌های روستایی و جهانی چین بهبود بخشد؛ در حالی که سرمایه اجتماعی اتصالی به سلامت روانی جمعیت شهری و جهانی چین ضربه خواهد زد؛ بنابراین، سرمایه اجتماعی پیوندی یک تعامل سطح متقاطع منفعل را نشان داد که روی سلامت فیزیکی جمعیت شهری و جهانی چین و سلامت عمومی در جمعیت جهانی چین اثر می‌گذارد. نتایج هم‌چنین نشان می‌دهد که برای اعمال اثرات مثبت سرمایه اجتماعی بر سلامت باید تلاش شود تا سرمایه‌های اجتماعی خاص در محلی خاص پرورش داده شود و توزیع مساوی منابع مرتبط در سطح کشور گسترش یابد.

احسان و دیگران (Ehsan, et al., 2019: 1) در پژوهش کیفی (بررسی سیستماتیک ۹ پایگاه داده و ۴۹۴۱ چکیده و مطالعه ۱۸۷ مقاله مروری) با عنوان "سرمایه و سلامت اجتماعی؛ یک بررسی سیستماتیک از مرورهای سیستماتیک" نشان داده‌اند که شواهد خوبی وجود دارد که نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی، سلامت فیزیکی و روانی بهتری را پیش‌بینی می‌کند و شاخص‌های سرمایه اجتماعی در برابر مرگ‌ومیر محافظت‌کننده هستند. در عین حال هم‌چنین بسیاری از مرورها ارتباط‌های منفی و غیر معناداری را یافتند که باید به آن‌ها توجه شود. مشخص نبود که آیا مداخلات سرمایه اجتماعی درباره سلامت واقعاً سرمایه اجتماعی را بهبود می‌بخشد یا جنبه‌های دیگر محیط اجتماعی باعث ارتقای آن می‌شود. به‌طور کلی این تحقیق نشان می‌دهد که شواهد درباره این‌که چگونه جنبه‌های مختلف سرمایه اجتماعی روی نتایج مختلف سلامتی برای افراد مختلف اثر می‌گذارد، نامشخص مانده است. دیدگاه‌های بین گروهی و طول زندگی می‌تواند به روشن‌شدن این ارتباط کمک کند. تحقیقات آینده می‌توانند از مفهوم‌سازی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و سلامت در چهارچوب چه چیزی، چه کسی، کجا، چه وقت، چرا و چگونه بهره ببرند.

آلوارز، کاواچی و رومانی (Alvarez, Kawachi & Romani, 2017: 5) در پژوهش کیفی (مروری) "سرمایه اجتماعی خانواده و سلامت؛ یک بررسی و جهت‌گیری مجدد سیستماتیک" اظهار کرده‌اند یافته‌های آن‌ها با این مفهوم که سرمایه اجتماعی خانواده چندبعدی است و این‌که اجزای آن تأثیرات متفاوتی بر نتایج سلامتی دارد، مطابقت دارد. برای فهم مکانیسم‌هایی که از طریق آن سرمایه اجتماعی خانواده با سلامتی مرتبط می‌شود و هم‌چنین برای تعیین معتبرترین روش‌های اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی خانواده به تحقیقاتی در آینده نیاز است.

مورایاما، فوجی وارا و کاواچی (Murayama, Fujiwara & Kawachi, 2012: 1) در پژوهش کیفی (بررسی سیستماتیک ادبیات و انتخاب ۱۳ مقاله) با عنوان "سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی؛ مروری بر مطالعات چند سطحی آینده‌نگر" دریافتند که به‌طور کلی هم سرمایه فردی و هم سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی محل کار/ منطقه، تأثیرات مثبتی بر نتایج

سلامت دارند. مطالعات آینده‌نگر که از رویکرد چند سطحی استفاده می‌کردند، عمدتاً در کشورهای غربی انجام شده است.

هورتادو، کاواچی و سودارسکای (Hurtado, Kawachi & Sudarsky, 2011: 588) در پژوهش کمی (نظرسنجی از ۳۰۲۵ در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵) با عنوان "سرمایه اجتماعی و سلامت خودارزیابی‌شده در کلمبیا؛ خوب، بد و زشت" دریافتند که هیچ تغییری از خودارزیابی سلامت در سطح منطقه، معنادار نبوده است. پس از تطبیق متغیرهای دموگرافیک اجتماعی، اعتماد درون-فردی به طور آماری با شانس سلامت ضعیف/نسبتاً خوب و همچنین با مؤلفه سرمایه اجتماعی شناختی همبسته است. در نتیجه سرمایه اجتماعی شناختی و عضویت در انجمن با سلامت بیشتر مرتبط است و می‌تواند ادراک مهم‌تری از ارتقای سلامت را ارائه دهد. سرمایه اجتماعی موجود حاصل اثرات مثبت اعتماد و مشارکت سیاسی بر خودارزیابی سلامت است.

دی هاومبرس و دیگران (D'Hombres, et al., 2010: 56) در پژوهش کمی (استفاده از تخمین‌های متغیر ابزاری) با عنوان "آیا سرمایه اجتماعی سلامت را تعیین می‌کند؟ شواهدی از هشت کشور در حال گذار" با تکیه بر تاثیر سه شاخص سرمایه اجتماعی در سطح فردی (اعتماد، مشارکت در سازمان‌های محلی و انزوای اجتماعی) بر سلامت اجتماعی، اظهار کردند که میزان فردی اعتماد به طور مثبت و معنی‌داری با سلامت همبستگی دارد. به طور مشابه، صرف‌نظر از روش تخمین، انزوای اجتماعی به‌طور منفی و معناداری با سلامت مرتبط است؛ اما از طرف دیگر عضویت در یک سازمان مبهم‌تر است و معمولاً با سلامت ارتباط چندانی ندارد.

با وجود مطالعات زیادی که در مورد رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی انجام شده، به مسئله پیش‌بینی سلامت اجتماعی بر اساس سرمایه اجتماعی در محل کار کمتر توجه شده است. چنان‌که با مطالعه پیشینه مشخص شد که بیشتر رابطه این دو، مورد توجه قرار گرفته است و نتایج اکثر تحقیقات نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با سلامت اجتماعی رابطه‌ای معنادار وجود دارد. بیشترین بُعد اثرگذار سرمایه اجتماعی بر سلامت، بُعد ارتباطی، اعتماد و مشارکت اجتماعی است. هر چه سطح درگیری و مشارکت اجتماعی شهروندان در جامعه بالاتر

برود، نه تنها سلامت اجتماعی فرد افزایش پیدا می‌کند؛ بلکه این فرایند، پیامدهایی دارد که شاخص‌های سلامت اجتماعی جامعه را نیز تقویت می‌کند. در واقع، بخشی از تغییرات سلامت اجتماعی با تغییرات سرمایه اجتماعی قابل توضیح است. در این میان، سرمایه اجتماعی سطح اجتماعی سلامت را بهتر از سرمایه اجتماعی فردی پیش‌بینی می‌کند. آن‌چه در پیشینه مشخص شد این بود که در بین پژوهش‌های داخلی، پژوهشی که به بررسی پیش‌بینی‌کنندگی سلامت اجتماعی توسط سرمایه اجتماعی در محل کار بپردازد وجود نداشت. اخیراً در کشورهای خارجی این مسئله مورد توجه قرار گرفته است؛ چنان‌که نشان داده شد سرمایه اجتماعی محل کار/ منطقه، تأثیرات مثبتی بر نتایج سلامت دارد. با جستجوهای نگارندگان و البته با محدودیت دسترسی به برخی مقالات خارجی، پژوهشی که به بررسی پیش‌بینی‌کنندگی سلامت اجتماعی توسط سرمایه اجتماعی در محل کار پرداخته باشد، یافت نشد. به همین جهت این امر هدف این پژوهش قرار گرفت. در واقع، اگرچه پژوهش‌های زیادی رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ آنچه در این پژوهش دنبال می‌شود و در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است، پیش‌بینی سلامت اجتماعی یک نهاد بر اساس سرمایه اجتماعی که در همان نهاد اجتماعی وجود دارد، است.

چارچوب نظری

به عقیده برخی محققان، سرمایه اجتماعی از دو کلمه سرمایه و جامعه تشکیل شده است؛ یعنی این نوع سرمایه، شخصی نیست و در اجتماع شکل می‌گیرد (زارعی متین، شمسی و ادیب‌زاده، ۱۳۹۶: ۳۱). در رابطه با سرمایه اجتماعی نظریه‌پردازان متعددی به بحث پرداخته‌اند. کلمن^۱ از جامعه‌شناسان مشهوری است که رواج سرمایه اجتماعی بیشتر مدیون اوست. او از سرمایه اجتماعی برای تبیین تفاوت‌ها در زندگی افراد استفاده می‌کند. به اعتقاد وی، سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منافع

خود دست یابد. این بُعد از ساختار اجتماعی شامل تکالیف و انتظارات، مجاری اطلاع‌رسانی، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی است که انواع خاصی از رفتار را تشویق کرده یا مانع می‌شوند. نظریه‌پرداز دیگر بوردیو^۱ است که به تحلیل سیستماتیک ویژگی‌های سرمایه اجتماعی پرداخته است. سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده میان افراد و به عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه است. از نظر او سرمایه اجتماعی از الزامات اجتماعی شبکه پیوندها ساخته شده است. بدین منظور پیوندهای شبکه‌ای باید از نوع خاصی باشند؛ یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد. به تعبیر بوردیو سرمایه اجتماعی محصول نوعی سرمایه‌گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه است که به دنبال تثبیت و بازتولید روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه‌مدت یا بلندمدت قابل استفاده هستند. نظریه‌پرداز دیگر پوتنام^۲ است که با بررسی نواحی ایتالیا و طرح سؤالاتی پیرامون شرایط ضروری برای شکل‌گیری جامعه مدنی، جایگاه تازه‌ای به تئوری سرمایه اجتماعی داد و موقعیت این تئوری را در ادبیات اجتماعی به نحو محسوسی ارتقا بخشید. به نظر او سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هماهنگی و همکاری را برای منفعت متقابل تسهیل می‌کند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی. از دیدگاه پوتنام شبکه‌های تمدن مدنی (انجمن‌های همسایگی، انجمن‌های تعاونی، کلوپ‌های ورزشی و احزاب) عناصر اصلی سرمایه اجتماعی هستند؛ چراکه آن‌ها تقویت‌کننده مؤثر هنجارهای عمل متقابل می‌باشند. فوکویاما^۳ نظریه‌پرداز دیگری است که در این پژوهش مبنای تحلیل و پرداختن به این موضوع است؛ زیرا بیشتر از دیگر نظریه‌پردازان به بحث گروه‌ها می‌پردازد. از دیدگاه او سرمایه اجتماعی عبارت است از هنجارهای غیررسمی جافتاده‌ای که همکاری میان دو یا چند نفر را تشویق می‌کند. دامنه هنجارهایی که سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورند، می‌تواند از

1. Bourdieu

2. Putnam

3. Fukuyama

هنجارهای متقابل بین دو دوست تا تمام آموزه‌های پیچیده و کاملاً جزءبه‌جزء ادیان مانند مسیحیت و یا آیین کنفوسیوس را در برگیرد؛ آن‌ها باید در رابطه انسانی واقعی جا افتاده باشند. هنجار متقابل به هنگام سروکار داشتن با تمام مردم به‌طور بالقوه وجود دارد؛ اما تنها به هنگام برخورد با دوستان بالفعل می‌شود. با این تعریف، اعتماد، شبکه‌ها، جامعه مدنی و موارد دیگری که با سرمایه اجتماعی همراه‌اند، تماماً آثار و نتایج سرمایه اجتماعی را تشکیل نمی‌دهند. آن‌ها باید به همکاری در گروه‌ها منجر شوند و بنابراین با ارزش‌های معنوی سنتی چون صداقت، پایبندی به تعهدات، عملکرد قابلیت اطمینان در انجام وظایف (وظیفه‌شناسی)، رابطه متقابل و نظیر آن مرتبط هستند. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند، تقسیم‌پذیرند؛ یعنی می‌توانند تنها در میان گروه محدودی از مردم همان اجتماع مشترک باشند و نه در میان دیگران. از این دیدگاه، سرمایه اجتماعی متعلق به گروه‌هاست. هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند در صورتی معنا دارند که بیش از یک نفر در آن سهیم باشند (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۰-۱۴).

هم‌زمان با اوج‌گیری بحث سرمایه اجتماعی در میان جامعه‌شناسان در دهه ۹۰ میلادی، توجه صاحب‌نظران و محققان بهداشتی-درمانی نیز به‌طور فزاینده‌ای به رابطه سلامتی یک جامعه و عوامل اجتماعی نظیر نابرابری، اعتماد عمومی و وفاق ملی معطوف شد. در این زمینه، مطالعات مربوط به سرمایه اجتماعی و سلامت، اغلب با کار دورکیم^۱ (۱۸۹۷) مرتبط هستند که نشان داد همبستگی اجتماعی به‌طور معکوسی با خودکشی مرتبط است. بحث محوری او در این مطالعه این بود که نیروی تعیین‌کننده خودکشی، روان‌شناختی نیست؛ بلکه نیروی اجتماعی می‌باشد. وی نتیجه می‌گیرد به هراندازه همبستگی اجتماعی سست شود و ارتباط و تعلق سنتی فرد به گروه کاسته شود او آمادگی بیشتری برای پایان دادن به حیات خود پیدا می‌کند (امینی رارانی، موسوی و رفیعی، ۱۳۹۰: ۲۰۶-۲۰۷)؛ اما مفهوم سرمایه اجتماعی توسط ویلکنسون^۲ در سال ۱۹۹۶ م. وارد حوزه سلامت عمومی شد.

وی و همکارانش دریافتند که ارتباط تنگاتنگی بین اعتماد اجتماعی و مرگ‌ومیر در ایالات متحده وجود دارد (Wilkinson, Kawachi & Kennedy, 1998: 580). در این زمینه تحقیقات زیادی نشان داده است در شرایطی که کشورها به سطح معینی از درآمد سرانه برسند، آستانه امید به زندگی ثابت مانده و روند ارتقای آن ادامه نیافته و هرگونه افزایش درآمد سرانه پس از آن، با افزایش امید به زندگی همراه نشده است. به عبارت دیگر، عوامل دیگری غیر از رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه ملی، درصد افزایش امید به زندگی را توضیح می‌دهند. عوامل روانی-اجتماعی به احتمال زیاد نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند. در جوامع توسعه‌یافته، شاخص‌هایی نظیر اختلاف درآمدی، میزان اعتماد عمومی، میزان وفاق ملی و همبستگی اجتماعی و بالاخره در یک کلام سرمایه اجتماعی نقش مهم‌تری در تعیین سطح سلامت جامعه نسبت به سایر عوامل زیستی و محیطی دارند (امینی رارانی، موسوی و رفیعی، ۱۳۹۰: ۲۱۳-۲۱۴). با نظر به دیدگاه فوکویاما، سلامت اجتماعی در خلأ شکل نمی‌گیرد؛ زیرا سلامت اجتماعی به نوعی، بهداشت روانی، فردی و اجتماعی گفته می‌شود که در صورت تحقق آن، شهروندان دارای انگیزه و روحیه شاد است و درنهایت، جامعه شاداب و سلامت خواهد بود. درواقع زندگی سالم محصول تعامل اجتماعی بین انتخاب‌های فردی از یک‌سو و محیط اجتماعی و اقتصادی احاطه‌کننده افراد از سوی دیگر است.

کییز^۱ معتقد است بهزیستی، اساس و بنیانی اجتماعی دارد و بدین ترتیب سلامت اجتماعی را ارزیابی شرایط و عملکرد فرد در جامعه تعریف می‌کند (Callaghan, 2008: 2) و عملکرد اجتماعی خوب در زندگی چیزی بیش از سلامت جسمی و روانی است و چالش‌های اجتماعی را در برمی‌گیرد. هم‌چنین وی معتقد است که بین سلامت اجتماعی با رفتارهای اجتماع‌پسند و مسئولیت‌پذیری در جامعه و جایگاه اجتماعی رابطه مثبتی وجود دارد. کییز در یک تحلیل عاملی گسترده پیشنهاد می‌دهد که سلامت اجتماعی افراد از پنج جزء زیر تشکیل شده است:

۱- انسجام اجتماعی: به معنی ارزیابی فرد از کیفیت روابط متقابلش در جامعه و گروه‌های اجتماعی است. افراد سالم احساس می‌کنند که بخشی از جامعه هستند؛ بنابراین یکپارچگی اجتماعی گسترده‌ای است که مردم احساس می‌کنند با دیگران وجه مشترکی دارند و به جامعه و گروه‌های اجتماعی تعلق دارند. این مفهوم در برابر بیگانگی و انزوای اجتماعی سیمن^۱ و آگاهی طبقاتی مارکس^۲ قرار می‌گیرد (Keyse, 1998: 122).

۲- مشارکت اجتماعی: بیانگر ارزیابی فرد از ارزش اجتماعی خود است. کسانی که سطح مطلوبی از این بُعد را دارا هستند، اعتقاد دارند که عضو مهمی در اجتماع هستند و چیزهای ارزشمندی برای ارائه به دیگران دارند. مشارکت اجتماعی نشان‌دهنده آن است که چگونه و تا چه حد مردم احساس می‌کنند که آن‌چه آن‌ها در جهان انجام می‌دهند، برای جامعه مهم و ارزشمند است و به‌عنوان کمک اجتماعی تلقی می‌شود (Shapiro & Keyes, 2008:340-345).

۳- پذیرش اجتماعی: تفسیر فرد از جامعه و ویژگی‌های دیگران است. افرادی که دارای این بُعد از سلامت اجتماعی هستند، اجتماع را به صورت مجموعه‌ای از افراد مختلف درک می‌کنند و دیگران را با همه نقص‌ها و جنبه‌های مثبت و منفی‌ای که دارند، می‌پذیرند و به دیگران به‌عنوان افراد با ظرفیت و مهربان، اعتماد و اطمینان دارند.

۴- همبستگی اجتماعی: اعتقاد به این‌که اجتماع قابل فهم، منطقی و قابل پیش‌بینی است. افرادی که از نظر اجتماعی سالم‌اند نه‌تنها درباره نوع جهانی که در آن زندگی می‌کنند؛ بلکه هم‌چنین راجع به آن‌چه اطرافشان رخ می‌دهد علاقه‌مند بوده و احساس می‌کنند قادر به فهم وقایع اطرافشان هستند. این مفهوم در مقابل بی‌معنایی در زندگی است و در حقیقت درکی است که فرد نسبت به کیفیت، سازمان‌دهی و اداره دنیای اجتماعی اطراف خود دارد.

۵- شکوفایی اجتماعی: عبارت است از ارزیابی پتانسیل‌ها و مسیر تکامل جامعه و باور به این‌که اجتماع در حال یک تکامل تدریجی است و توانمندی‌های بالقوه‌ای برای تحول مثبت دارد. این

افراد به آینده جامعه امیدوارند و معتقدند که خود و دیگران از پتانسیل‌هایی برای رشد اجتماعی بهره‌مند هستند و جهان می‌تواند برای آن‌ها و دیگران بهتر شود (شریتیان، ۱۳۹۱: ۱۵۸).

گلد اسمیت^۱ سلامت اجتماعی را ارزیابی رفتارهای معنی‌دار مثبت و منفی فرد در ارتباط با دیگران تعریف می‌کند و آن را یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های سلامت هر جامعه‌ای معرفی می‌نماید که منجر به کارایی فرد در جامعه خواهد شد. از این‌رو، داشتن تفکرات اجتماعی صحیح و برخورداری فرد از ذهنیت مثبت نسبت به جامعه برای داشتن زندگی اجتماعی بهتر، اولین و مهم‌ترین مرحله از سلامت اجتماعی است که متأسفانه در جامعه به آن، توجه کافی نمی‌شود؛ بنابراین با توجه به ماهیت اجتماعی زندگی بشر و چالش‌هایی که این جنبه از زندگی می‌تواند با خود برای فرد به وجود آورد، نمی‌توان از توجه به جنبه‌های اجتماعی سلامت در کنار جنبه‌های عینی، عاطفی، روان‌شناختی و معنوی آن غافل شد (همان: ۱۵۰). از این‌رو، فرضیه‌های این پژوهش به ترتیب عبارت‌اند از:

- سرمایه اجتماعی کارکنان اداره کل پست استان خراسان جنوبی، پیش‌بینی‌کننده سلامت اجتماعی آن‌هاست.
- متغیر شبکه‌ها در کارکنان اداره کل پست استان خراسان جنوبی، پیش‌بینی‌کننده سلامت اجتماعی آن‌هاست.
- متغیر روابط در کارکنان اداره کل پست استان خراسان جنوبی، پیش‌بینی‌کننده سلامت اجتماعی آن‌هاست.
- متغیر همکاری کارکنان اداره کل پست استان خراسان جنوبی، پیش‌بینی‌کننده سلامت اجتماعی آن‌هاست.
- متغیر ارزش‌ها در کارکنان اداره کل پست استان خراسان جنوبی، پیش‌بینی‌کننده سلامت اجتماعی آن‌هاست.

- متغیر فهم متقابل در کارکنان اداره کل پست استان خراسان جنوبی، پیش‌بینی‌کننده سلامت اجتماعی آن‌هاست.
- متغیر اعتماد در کارکنان اداره کل پست استان خراسان جنوبی، پیش‌بینی‌کننده سلامت اجتماعی آن‌هاست.
- متغیر تعهد در کارکنان اداره کل پست استان خراسان جنوبی، پیش‌بینی‌کننده سلامت اجتماعی آن‌هاست.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است و جامعه آماری شامل تمام کارکنان اداره کل پست استان خراسان جنوبی می‌باشد. تعیین حداقل حجم نمونه لازم برای گردآوری داده‌های مربوط به مدل‌یابی ساختاری بسیار بااهمیت است. با وجود آن‌که در مورد حجم نمونه لازم برای تحلیل عاملی و مدل‌های ساختاری توافق کلی وجود ندارد (Schreiber, 2006)، نقل در حبیبی، (۱۳۹۱: ۵۷)؛ اما به‌زعم (Kline, 2015) برای هر متغیر ۱۰ یا ۲۰ نمونه لازم است. بدین منظور شهرستان‌های بیرجند، قاین، طبس و فردوس به‌صورت خوشه‌ای انتخاب شدند. به دلیل تعداد محدود کارکنان در اداره پست این شهرستان‌ها، همه ۱۲۰ کارکن به‌صورت تمام‌شماری، به‌عنوان نمونه وارد فرایند نظرخواهی شدند.

در این پژوهش سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیر پیش‌بین و سلامت اجتماعی به‌عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد. برای انجام این پژوهش از دو پرسشنامه سرمایه اجتماعی ناهاپیت و گوشال (Nahapiet & Ghoshal, 1998) دارای سه شاخص ارتباطی با مؤلفه‌های (فهم متقابل- اعتماد- تعهد)، شاخص ارتباطی با مؤلفه‌های (همکاری و ارزش‌ها) شاخص ساختاری با مؤلفه‌های (شبکه‌ها و روابط) و پرسش‌نامه سلامت اجتماعی کییز (Likert, 1998) با مؤلفه‌های (شکوفایی اجتماعی، همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی) استفاده شد که هر دو در قالب مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت (خیلی موافقم = ۵، موافقم = ۴، نظری ندارم =

۳، مخالفم = ۲ و خیلی مخالفم = ۱) ساخته شده‌اند. در پژوهش شربتیان (۱۳۹۱) که بر روی دانشجویان دانشگاه پیام‌نور مشهد انجام شده‌است، ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه سلامت اجتماعی ۰/۹۰ و سرمایه اجتماعی ۰/۸۵ را گزارش کرده است. با توجه به ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای بررسی شده در این تحقیق، جدول ۱ ضریب پایایی و روایی متغیرهای مورد سنجش را به تصویر کشیده است؛ هم‌چنین در این جدول از مقادیر متغیرها و مؤلفه‌های آن جهت کفایت نمونه از آماره استنباطی تحلیلی عامل اکتشافی استفاده شده است که می‌توان نتایج آن را مشاهده کرد.

جدول ۱) ضریب پایایی و روایی متغیر سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی

متغیر / مؤلفه	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	KMO	آزمون بارتلت	درجه آزادی	سطح معناداری	مقدار ورایانس تبیین یافته
بعد ارتباطی (فهم متقابل - اعتماد - تعهد)	۱۳	۰/۹۰۵	۰/۸۴۶	۸۶۵/۸۳۹	۷۸	۰/۰۰۰	۷۰/۳۵۵
بعد شناختی (همکاری و ارزش‌ها)	۷	۰/۸۸۷	۰/۸۱۹	۴۵۱/۳۴۹	۲۱	۰/۰۰۰	
بعد ساختاری (شبکه‌ها و روابط)	۸	۰/۸۵۴	۰/۸۰۸	۴۰۶/۱۵۸	۲۸	۰/۰۰۰	
سرمایه اجتماعی	۲۸	۰/۹۵۲	۰/۸۵۴	۲۵۱۴/۱۳۳	۳۷۸	۰/۰۰۰	
شکوفایی اجتماعی	۴	۰/۷۲۶	۰/۶۵۰	۴۷/۹۰۹	۶	۰/۰۰۰	۷۸/۰۶۹
همبستگی اجتماعی	۳	۰/۷۱۳	۰/۶۴۳	۶۱/۳۷۵	۳	۰/۰۰۰	
انسجام اجتماعی	۳	۰/۷۳۵	۰/۵۹۳	۸۰/۳۳۴	۳	۰/۰۰۰	
پذیرش اجتماعی	۵	۰/۷۴۴	۰/۶۹۶	۵۶/۶۶۴	۱۰	۰/۰۰۰	
مشارکت اجتماعی	۵	۰/۷۳۱	۰/۷۲۵	۱۷۳/۴۲۱	۱۰	۰/۰۰۰	
سلامت اجتماعی	۲۰	۰/۷۲۴	۰/۶۴۶	۷۸۹/۰۶۹	۱۹۰	۰/۰۰۰	

براساس داده‌های جدول ۱، مقدار آلفای سرمایه اجتماعی ۰/۹۵۲ و برای سلامت اجتماعی ۰/۶۴۶ به‌دست آمده است که نشان از پایایی و اعتماد بالای گویه‌هاست؛ به‌عبارت دیگر بین

گویه‌های یک عامل با گویه‌های عامل دیگر هیچ‌گونه همبستگی مشاهده نمی‌شود که نشان از اعتبار سازه است. همچنین از آلفای کرونباخ جهت پایایی و همسازی درونی سؤالات استفاده شده است که همه گویه‌های مؤلفه‌های سواد سلامت از همسازی درونی خوبی برخوردار است.

براساس نتایج آزمون KMO برای سازه سرمایه اجتماعی برابر با $0/854$ به‌دست آمده است؛ بنابراین داده‌های تحقیق قابل تقلیل به تعدادی عامل زیربنایی و بنیادی بوده است. همچنین نتیجه آزمون بارتلت برای مؤلفه‌های سازه در سطح خطای کوچک‌تر از $0/05$ معنی‌دار به‌دست آمده که نشان می‌دهد ماتریس همبستگی بین گویه‌ها، ماتریس همانی و واحد نیست. در نتیجه آزمون بارتلت $2514/133$ متغیر یاد شده در سطح خطای $0/05$ بوده است. در نهایت می‌توان گفت ۵ عامل از ۲۸ عامل سرمایه اجتماعی توانسته‌اند در این تحقیق در حدود $70/355\%$ از واریانس ۲۸ گویه‌ای مرتبط با سازه سرمایه اجتماعی را تبیین کنند. همچنین نتایج آزمون KMO برای سازه سلامت اجتماعی برابر با $0/646$ به‌دست آمده است؛ بنابراین داده‌های تحقیق قابل تقلیل به تعدادی عامل زیربنایی و بنیادی بوده است. همچنین نتیجه آزمون بارتلت برای مؤلفه‌های سازه در سطح خطای کوچک‌تر از $0/05$ معنی‌دار به‌دست آمده که نشان می‌دهد ماتریس همبستگی بین گویه‌ها، ماتریس همانی و واحد نیست. در نتیجه آزمون بارتلت $2514/133$ متغیر یاد شده در سطح خطای $0/05$ بوده است. در نهایت می‌توان گفت ۷ عامل از ۲۰ عامل سلامت اجتماعی توانسته‌اند در این تحقیق در حدود $78/069\%$ از واریانس ۲۰ گویه‌ای مرتبط با سازه سرمایه اجتماعی را تبیین کنند.

جدول ۲) تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیر پیش‌بین/ ملاک	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی	گویه
سلامت اجتماعی	از بعد مفهومی، سلامت اجتماعی مؤلفه‌ای از مفهوم سلامتی می‌باشد که به معنی توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی است، بدون این‌که به‌طور عینی یا ذهنی قصد آسیب‌رساندن به دیگری در کار باشد (باباپور خیرالدین، طوسی و حکمتی، ۱۳۸۸: ۲۴).	سلامت اجتماعی نمره‌ای است که کارکنان از پرسشنامه ۲۰ سؤالی سلامت اجتماعی می‌گیرند.	پرسشنامه ۲۰ گویه‌ای سلامت اجتماعی کبیر دارای ۵ متغیر می‌باشد که گویه‌های ۵، ۶ و ۷ متغیر "همبستگی اجتماعی"، گویه‌های ۸، ۹ و ۱۰ متغیر "انسجام اجتماعی"، گویه‌های ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۵ متغیر "مشارکت اجتماعی"، گویه‌های ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ متغیر "پذیرش اجتماعی" را می‌سنجند.
برای جامعه	به طور کلی سرمایه اجتماعی، منبع کنش‌های جمعی است که عامل پیونددهنده عوامل اجتماعی است و موجب استفاده حداکثری از منابع فیزیکی و انسانی در جهت رشد و توسعه و تعالی جامعه خواهد شد. سرمایه اجتماعی با شاخص‌هایی هم‌چون، اعتماد، آگاهی، مشارکت، شبکه‌ها و هنجارها سنجیده می‌شود و جامعه‌ای که هر یک از شاخص‌های یاد شده در آن زیاد باشد از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار است (رهبر و حیدری، ۱۳۹۰: ۲۲۰).	سرمایه اجتماعی نمره‌ای است که کارکنان از پاسخ به سؤالات پرسش‌نامه ناهاپیت و گوشال کسب کرده‌اند.	پرسش‌نامه سرمایه اجتماعی ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸) هفت متغیر شبکه‌ها، اعتماد، همکاری، فهم متقابل، روابط، ارزش‌ها، تعهد را مورد بررسی قرار می‌دهد و در ۲۸ گویه تنظیم شده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، از شاخص‌های آماری توصیفی (میانگین، انحراف معیار، کجی، کشیدگی)، همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شد. از آن‌جاکه در تحلیل مسیر، شاخص‌های زیادی برای سنجش برازندگی مدل وجود دارد، در این پژوهش از روش حداکثر احتمال برای برآورد مدل و از پنج شاخص مطلق یعنی مجذور خی (X^2)، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی (X^2/DF)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده (AGFI) و ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA)، و سه شاخص نسبی یعنی شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص توکر-لویس (TLI) و برازندگی هنجار شده

بنتلر- بانت (NFI) استفاده شد. ملاک‌های CFI, GFI, TLI و NFI شاخص‌هایی هستند که بین صفر تا یک گسترده‌اند و هرچه به یک نزدیک‌تر باشند بهتر است و مطلوب است تا بزرگ‌تر از ۰/۹۰ باشند. ملاک X^2 عدم معنی‌داری می‌باشد؛ ولی به دلیل حساسیت زیاد به حجم نمونه، معنی‌داری آن قابل انتظار است و در صورت معنی‌داری بهتر است به شاخص X^2/DF رجوع شود. مطلوب است این شاخص زیر ۳ باشد. ملاک RMSEA که مهم‌ترین شاخص برازش محسوب می‌شود در سه سطح در نظر گرفته شده است: ۰/۰۸ تا ۰/۱۰ قابل قبول، ۰/۰۶ تا ۰/۰۸ مطلوب و زیر ۰/۰۶ عالی محسوب می‌شود (Kline, 2015: 19). تمام تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای بسته آماری برای علوم اجتماعی SPSS ویراست ۲۲ و نرم‌افزار آموس (AMOS) ویراست ۲۴ انجام شدند.

یافته‌های تحقیق

جدول ۳) توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای نمونه مورد مطالعه

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۱۱۳	۹۴/۲
زن	۷	۵/۸
جمع	۱۲۰	۱۰۰
سن	فراوانی	درصد
۲۰-۳۰ سال	۲۰	۱۶/۲۶
۳۰-۴۰ سال	۵۳	۴۴/۱
۴۰-۵۰ سال	۳۴	۲۸/۳
۵۰ سال به بالا	۹	۷/۵
بی‌پاسخ	۴	۳/۳
جمع	۱۲۰	۱۰۰
وضعیت تأهل	فراوانی	درصد
مجرد	۲	۱/۹

جنسیت	فراوانی	درصد
متاهل	۱۰۶	۹۸/۱
بی پاسخ	۱۲	۱۰۰
جمع	۱۲۰	۱۰۰
تحصیلات	فراوانی	درصد
دیپلم	۴۹	۴۰/۸
فوق دیپلم	۳۵	۲۹/۱
لیسانس	۳۲	۲۶/۶
فوق لیسانس	۳	۲/۵
بی پاسخ	۱	۰/۸۳
جمع	۱۲۰	۱۰۰
سابقه خدمت	فراوانی	درصد
۱-۵ سال	۱۰	۸/۳
۵-۱۰ سال	۱۸	۱۵
۱۰-۱۵ سال	۸۳	۶۹/۱
۱۵-۲۰ سال	۲۱	۱۷/۵
۲۰ سال به بالا	۲۳	۱۹/۱
بی پاسخ	۱۰	۸/۳
جمع	۱۲۰	۱۰۰

جدول ۳ نشان می دهد اکثریت افراد پاسخگو مرد بوده اند و میانگین سنی پاسخگویان ۳۵ سال به دست آمده است که تقریباً همه اعضای جامعه متاهل بوده اند و میانگین خدمت افراد جامعه مورد مطالعه بالای ۱۳ سال به دست آمده است.

جدول ۴) توزیع فراوانی پاسخگویان در بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی

شاخص	کم	متوسط	زیاد	میانگین	انحراف معیار	واریانس
بُعد ارتباطی (فهم متقابل - اعتماد - تعهد)	۹	۷۲	۳۹	۳/۴۱۶	۰/۶۴۳۰۱	۰/۴۱۳
	۷/۵	۶۰/۵	۳۲			
بُعد ساختاری (همکاری و ارزش‌ها)	۱۹	۵۵	۴۶	۳/۳۴۷	۰/۷۷۰۵۸	۰/۴۵۵
	۱۶	۴۶/۲	۳۷/۸			
بُعد شناختی (شبکه‌ها و روابط)	۱۷	۳۴	۶۸	۳/۵۱۶	۰/۶۷۴۶۱	۰/۵۹۴
	۱۴/۳	۲۸/۶	۵۷/۱			
سرمایه اجتماعی	۲۰	۶۱	۳۹	۳/۴۲۰	۰/۶۳۴۶۷	۰/۴۰۳
	۱۶/۷	۵۰/۸	۳۲/۵			
انسجام اجتماعی	۶	۳۳	۸۱	۴/۰۳۶۱	۰/۷۶۱۳۸	۰/۵۸۰
	۵	۲۷/۵	۶۷/۵			
پذیرش اجتماعی	۳۲	۷۲	۱۶	۲/۹۳۶۷	۰/۶۰۵۲۹	۰/۳۶۶
	۲۶/۷	۶۰	۱۳/۳			
مشارکت اجتماعی	۱۲	۷۲	۳۶	۳/۴۶۱۷	۰/۶۴۴۹۸	۰/۴۱۶
	۱۰	۶۰	۳۰			
همبستگی اجتماعی	۳۴	۶۳	۲۳	۳/۱۴۷۲	۰/۷۶۵۱۹	۰/۵۸۶
	۲۹/۶	۵۴/۶	۲۰			
شکوفایی اجتماعی	۹۰	۵	۶۱	۳/۷۴۳۸	۰/۶۵۴۲۲	۰/۴۲۸
	۷/۵	۴۱/۷	۵۰/۸			
سلامت اجتماعی	۱۸	۶۵	۳۷	۳/۴۲۷۷	۰/۳۴۵۴۲	۰/۱۱۹
	۱۵	۵۴/۲	۳۰/۸			

بر اساس داده‌های جدول ۴، باید اشاره کرد تقریباً در حدود ۵۱٪ پاسخگویان در حد متوسط از سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در محیط کار برخوردار بوده‌اند. هم‌چنین در بین ابعاد این متغیر در حدود ۶۰٪ پاسخگویان در بُعد ارتباطی به مؤلفه‌های فهم متقابل، اعتماد و تعهد نسبت به هم در محیط کار اهمیت زیادی می‌داده‌اند؛ بُعد ساختاری و بُعد شناختی در مرتبه‌های بعدی از سوی کارکنان قرار گرفته است. بیش از نیمی از پاسخگویان در بُعد شناختی با توجه به

مؤلفه‌های شبکه‌ها و روابط اجتماعی در محیط کار به نسبت دیگر مؤلفه‌ها اهمیت زیادی می‌داده‌اند. در بین مقادیر میانگین ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی بعد شناختی (شبکه‌ها و روابط)، ارتباطی (فهم متقابل، اعتماد و تعهد) و ساختاری (همکاری و ارزش‌ها) به ترتیب حائز اهمیت بوده‌است.

در بین داده‌های متغیر سلامت اجتماعی مؤلفه انسجام اجتماعی به نسبت دیگر مؤلفه‌های این متغیر در وضعیت گویه زیاد بیش از دو سوم حائز اهمیت بوده‌است. بیش از نیمی از پاسخگویان در اکثر مؤلفه‌های سلامت اجتماعی در حد متوسط قرار داشته‌اند. در نهایت بیش از نیمی از پاسخگویان در حد متوسط رو به بالا از سلامت اجتماعی بهره برده‌اند. میانگین مؤلفه انسجام اجتماعی بیشترین و مؤلفه پذیرش اجتماعی کمترین میانگین را در بین مؤلفه‌های متغیر وابسته داشته‌است.

در نهایت وضعیت میانگین متغیرهای سلامت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در بین کارمندان بالاتر از حد متوسط بوده‌است؛ به این معنا که برای پاسخگویان ابعاد ارتباطی، شناختی و ساختاری در حوزه کار و زندگی حائز اهمیت و رو به بالا بوده‌است. همچنین ارزیابی توانایی انجام مؤثر، کارآمدی عملکردها، مهارت‌ها و نقش‌های اجتماعی فرد در جامعه که به نوعی سلامت اجتماعی تعریف می‌شود، برای پاسخگویان بالاتر از حد متوسط حائز اهمیت بوده‌است.

بر اساس آماره‌های استنباطی، ماتریس همبستگی در جدول ۵ ارائه شده‌است.

جدول ۵) میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی صفر مرتبه بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱. سرمایه اجتماعی	۱								
۲. شبکه‌ها	**۰/۷۷	۱							
۳. روابط	**۰/۸۹	**۰/۷۰	۱						
۴. همکاری	**۰/۸۳	**۰/۶۲	**۰/۷۳	۱					
۵. ارزش‌ها	**۰/۸۳	**۰/۵۹	**۰/۶۷	**۰/۶۸	۱				
۶. فهم متقابل	**۰/۸۳	**۰/۵۴	**۰/۷۵	**۰/۵۶	**۰/۶۳	۱			
۷. اعتماد	**۰/۷۴	**۰/۴۹	**۰/۶۲	**۰/۵۱	**۰/۵۳	**۰/۵۴	۱		
۸. تعهد	**۰/۷۸	**۰/۴۸	**۰/۵۸	**۰/۶۱	**۰/۷۰	**۰/۶۳	**۰/۴۸	۱	
۹. سلامت اجتماعی	**۰/۴۵	**۰/۳۳	**۰/۴۴	**۰/۴۲	**۰/۴۵	**۰/۳۰	**۰/۳۰	**۰/۳۲	۱
میانگین	۳/۴۲	۳/۳۱	۳/۳۹	۳/۴۸	۳/۵۶	۳/۱۷	۳/۴۵	۳/۶	۳/۴۲
انحراف استاندارد	۰/۶۳۴	۰/۷۱۴	۰/۷۵۳	۰/۸۴۸	۰/۸۲۴	۰/۸۸۷	۰/۷۰۳	۰/۷۵۹	۰/۳۴۵
کجی	-۰/۵۶۱	-۰/۲۷۲	-۰/۴۸	-۱/۲۴	-۰/۸۸	-۰/۳۲	-۰/۸۴۶	-۰/۶۷۴	-۰/۵۰
کشیدگی	-۰/۲۴۹	-۰/۶۴	۰/۳۰۲	۱/۰۳	۰/۵۴	۰/۵۰۹	۰/۴۷۳	۰/۴۴۱	۰/۴۰۴

** $p < ۰/۰۱$

یافته‌ها در جدول ۵ نشان می‌دهد بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (شبکه‌ها، روابط، همکاری، ارزش‌ها، همکاری متقابل، اعتماد، تعهد) با سلامت اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار بود ($p < ۰/۰۱$)؛ به این معنا که با توجه به ضرورت بُعد شناختی، ساختاری و ارتباطی سرمایه‌های اجتماعی در محیط کار می‌تواند سلامت اجتماعی نسبت به محیطی که در آن فعالیت می‌کند را ارتقا دهد.

برای آزمون مدل فرضی، پیش‌فرض‌های آماری بررسی شد. نتایج نشان داد متغیرهای پژوهش همگی دارای قدر مطلق ضریب کجی کوچک‌تر از ۳ و قدر مطلق ضریب کشیدگی کوچک‌تر از ۱۰ بودند و در نتیجه بر اساس نظر کلاین (۲۰۱۵) تخطی از نرمال بودن داده‌ها قابل مشاهده نبود. دو شاخص آماره تحمل و عامل تورم واریانس برای تعیین میزان همپوشی متغیرهای برون‌زا

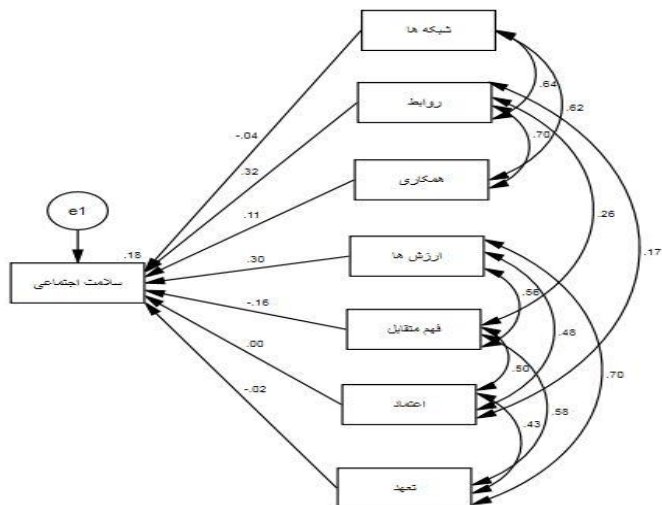
محاسبه شد که کلیه این ضرایب در سطح قابل قبولی بودند؛ به طوری که شاخص تحمل برای تمام متغیرهای پیش‌بین کوچک‌تر از ۰/۵۷۸، و شاخص تورم واریانس کوچک‌تر از ۴/۱۹ به دست آمد. اگر شاخص تحمل کوچک‌تر از ۱، شاخص تورم کوچک‌تر از ۱۰ باشد می‌توان گفت از مفروضه‌های رگرسیون تخطی صورت نگرفته است. به عبارتی می‌توان گفت سرمایه اجتماعی و ابعاد آن از وضعیت متوسط رو به پایینی برای تبیین متغیر ملاک (سلامت اجتماعی) در زمان اجرای پژوهش برخوردار بوده است.

پیش از بررسی ضرایب ساختاری، برازندگی مدل مفروض پیشنهادی مورد بررسی قرار گرفت. همان گونه که جدول ۶ نشان می‌دهد الگوی پیشنهادی اصلاح شده با توجه به شاخص‌های برازندگی، دارای برازشی خوبی با داده‌ها نیست.

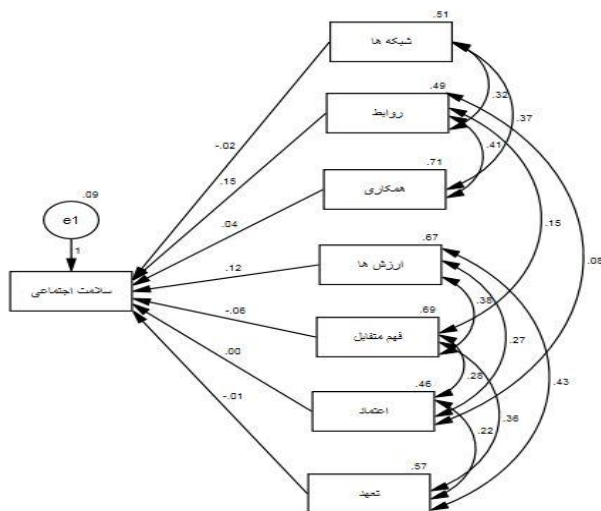
جدول ۶) شاخص‌های برازندگی مدل اصلاح شده

شاخص	χ^2	Df	P	χ^2/df	RMSEA	GFI	AGFI	CFI	NFI	IFI	TLI
اصلاح شده	۱۲۸/۲۰	۱۰	۰/۰۰۱	۱۲/۸۷	۰/۳۱۶	۰/۸۴	۰/۴۲	۰/۷۸	۰/۷۸	۰/۷۹	۰/۴۰

مدل ساختاری مورد آزمون در حالت ضرایب استاندارد و غیراستاندارد در شکل ۱ و ۲ آمده است.



شکل (۱) ضرایب استاندارد مدل مفهومی پژوهش



شکل (۲) ضرایب غیراستاندارد مدل مفهومی پژوهش

در جدول ۷ ضرایب اثر مستقیم و سطح معنی‌داری بین متغیرهای پژوهش در قالب تحلیل رگرسیون، گام به‌گام آورده شده است.

جدول (۷) برآوردهای مربوط به تأثیرات مستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب معیار نشده	ضریب استاندارد شده (Beta)	T	سطح معنی داری	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	آماره F	دورین واتسون	فرضیه
سلامت اجتماعی	شبکه‌ها	۰/۱۹۴	۰/۳۹۵	۴/۶۳۲	۰/۰۰۰	۰/۳۹۵	۰/۱۵۶	۲۱/۴۵۱	۱/۸۵۱	تأیید
	روابط	۰/۱۶۷	۰/۴۰۱	۴/۴۸۳	۰/۰۰۰	۰/۴۰۱	۰/۱۶۱	۲۰/۰۹۸	۱/۷۵۸	تأیید
	همکاری	۰/۱۷۰	۰/۴۱۷	۴/۹۸۶	۰/۰۰۰	۰/۴۱۷	۰/۱۷۴	۲۴/۸۵۸	۱/۸۹۳	تأیید
	ارزش‌ها	۰/۱۸۵	۰/۴۴۲	۵/۳۳۴	۰/۰۰۰	۰/۴۴۲	۰/۱۹۶	۲۸/۴۵۶	۱/۷۳۹	تأیید
	فهم متقابل	۰/۱۰۲	۰/۲۷۷	۳/۰۵۲	۰/۰۰۳	۰/۲۲۷	۰/۰۷۷	۹/۳۱۲	۱/۷۱۶	تأیید
	اعتماد	۰/۱۴۴	۰/۲۹۲	۳/۲۶۳	۰/۰۰۱	۰/۲۹۲	۰/۰۸۵	۱۰/۶۵۰	۱/۵۲۹	تأیید
	تعهد	۰/۱۱۴	۰/۲۷۳	۳/۰۴۷	۰/۰۰۳	۰/۲۷۳	۰/۰۷۵	۹/۲۸۶	۱/۵۳۲	تأیید
	سرمایه اجتماعی	۰/۲۴۳	۰/۴۴۷	۵/۴۲۳	۰/۰۰۰	۰/۴۴۷	۰/۲۰۰	۲۹/۴۰۹	۱/۸۳۲	تأیید

نتایج جدول ۷ حاکی از آن است که ضرایب رگرسیونی استاندارد نشده که شامل ضرایب برآورد مدل رگرسیونی است، این گونه به دست می‌آید:

$$۱/۳۱۹ = (۰/۱۹۴ + ۰/۱۶۷ + ۰/۱۷۰ + ۰/۱۸۵ + ۰/۱۰۲ + ۰/۱۴۴ + ۰/۱۱۴ + ۰/۲۴۳) = \text{سلامت اجتماعی}$$

حال در این مدل با توجه به ضرایب استاندارد شده، بتا (Beta) سهم نسبی هر مؤلفه سرمایه اجتماعی در تبیین تغییرات متغیر وابسته را نشان می‌دهد که به ترتیب براساس بیشترین بتا در این مدل مؤلفه‌های ارزش‌ها، همکاری، روابط، شبکه‌ها، اعتماد و تعهد به ترتیب، به بهترین وجه متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. می‌توان نتیجه گرفت که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در این مؤلفه‌ها میزان سلامت اجتماعی به ترتیب به میزان ۰/۴۴۲، ۰/۴۱۷، ۰/۴۰۱، ۰/۳۹۵، ۰/۲۹۲ و ۰/۲۷۳ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. مقدار t اهمیت نسبی حضور همه مؤلفه‌های مستقل را در مدل نشان می‌دهد. با توجه به این که در این تحقیق مقدار t برای همه مؤلفه‌ها در سطح خطای ۰/۰۵ معنی‌دار هستند؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که متغیرهای مورد نظر تأثیر معنی‌داری در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند.

با توجه به این که آماره دوربین واتسون بین صفر تا ۴ است، اگر بین باقیمانده‌ها همبستگی متوالی وجود نداشته باشد، مقدار این آماره باید به ۲ نزدیک باشد. اگر به صفر نزدیک باشد نشان‌دهنده همبستگی مثبت و اگر به ۴ نزدیک باشد نشان‌دهنده همبستگی منفی است. در مجموع اگر این آماره بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد جای نگرانی نیست (حبیب‌پور گنابی و صفری شالی، ۱۳۹۰: ۴۹۸) بر این اساس چون مقدار آزمون مذکور برای متغیر سرمایه اجتماعی در این تحقیق برابر با ۱/۸۳۲ به دست آمده است؛ بنابراین مفهوم مستقل بودن متغیر این پژوهش اثبات شده و به این معنی است که نتایج مشاهده تأثیری بر دیگر مشاهدات نداشته است. ضمناً آماره دوربین و واتسون تمام مؤلفه‌ها با توجه به توضیحات آماری بیان شده بالاتر از مقدار مذکور است؛ پس همبستگی مثبت بین مؤلفه‌ها برای تبیین متغیر وابسته و هم‌خط بودن وجود دارد.

مقدار ضریب همبستگی (R) سرمایه اجتماعی ۰/۴۴۷ به دست آمده است که نشان می‌دهد بین مجموعه مؤلفه‌های متغیر مستقل با وابسته، رابطه همبستگی خیلی قوی در زمان انجام پژوهش وجود ندارد؛ اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده سرمایه اجتماعی برابر با ۰/۲۰۰ است که بیانگر این است که نزدیک به ۲۰٪ از کل تغییرات میزان سلامت اجتماعی کارکنان، متأثر از سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌ها و ابعاد آن در زمان انجام پژوهش بوده است. در این معادله مقدار آماره $F_{29/409}$ است که در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنادار است. می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی پژوهش مرکب از مؤلفه‌ها و ابعاد متغیر مستقل و متغیر وابسته (سلامت اجتماعی) مدلی است که می‌تواند تا حدی متوسط رو به پایین متغیر وابسته را تبیین کند.

بحث و نتیجه‌گیری

در مقوله سلامت، بُعد سلامت اجتماعی یکی از ابعاد پراهمیت محسوب می‌شود که روزبه‌روز اهمیت و تأثیرات آن بیشتر به اثبات می‌رسد. لارسن در تعریفی، سلامت اجتماعی را به معنای ابراز فرد از کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی که عضو آن‌هاست، می‌داند. در ارزیابی جدید بین‌المللی، سلامت اجتماعی یکی از شاخص‌های مهم توسعه در نظر گرفته شده‌است. یکی از عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی، سرمایه اجتماعی است. درواقع، نتایج زیادی حاکی از تأثیرگذاری ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی بر سلامت اجتماعی است. برای نمونه نتایج تحقیقات متعددی بیانگر این است که پیدایش بیشتر افراد مبتلا به اختلالات روانی، در گروه‌ها و افرادی با حمایت‌های اجتماعی ضعیف‌تر رخ می‌دهد. یافته‌های تحقیقات دیگری حاکی از این است که نرخ مرگ‌ومیر در افرادی که تعاملات و مشارکت اجتماعی پایین‌تری دارند، ۲-۴ برابر بیشتر است (همتی‌راد، کشاورز و مومنی، ۱۳۹۷: ۹). مطالعات نشان داده‌است که در بین عوامل مؤثر بر ایجاد سلامت، سهم هر دسته از عوامل حدوداً به این قرار است: سهم سیستم ارائه سلامت (بیمارستان‌ها، کلینیک‌ها، داروها و ...) به میزان ۲۵٪، سهم عوامل ژنتیکی و بیولوژی ۱۵٪ و سهم عوامل فیزیکی، زیست‌محیطی و رفتاری ۱۰٪؛ این درحالی است که سهم عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت ۵۰٪ می‌باشد (هزارجریبی و مهری، ۱۳۹۱: ۴۳)؛ بنابراین چنین می‌توان احتمال داد که عوامل اجتماعی سلامت را متأثر می‌سازد.

با نظر به چنین اهمیتی، هدف اصلی این پژوهش، مطالعه نقش پیش‌بینی سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی بوده است. یافته‌ها نشان داد که سرمایه اجتماعی در این تحقیق با ضریب همبستگی ۰/۴۴۷٪ مبتنی بر یک رابطه متوسط توانسته است با سلامت اجتماعی ارتباط آماری معناداری داشته باشد و در حدود ۲۰٪ این متغیر به همراه ابعاد و مؤلفه‌های آن در زمان انجام پژوهش می‌تواند تغییراتی در کل سلامت اجتماعی کارکنان اداره پست استان خراسان جنوبی به‌وجود آورند که این سهم، اثر ناچیزی است و مقدار متوسط رو به پایینی بر متغیر وابسته داشته است. رابطه معنادار یافته‌های سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی این پژوهش با نتایج پژوهش موسوی و دیگران (۱۳۹۴)؛ امینی رارانی، موسوی و رفیعی

(۱۳۹۰)؛ احسان و دیگران (Ehsan, et al., 2019); زانک و جیانگ (Zhang & Jiang, 2019); آلوارز، کاواچی و رومانی (Alvarez, Kawachi & Romani, 2019); سیل، هاو و کلاوانگ (D'Hombres, et al., 2018); دی‌هاومبرس و دیگران (Shiell, Hawe & Kavanagh, 2018); مورایاما، فوجی‌وارا و کاواچی (Murayama, Fujiwara, & Kawachi, 2012) همسویی دارد. در تبیین این یافته‌ها باید اشاره کرد که برای تقویت سلامت اجتماعی کارکنان، احتمال دارد ارتباطات به عنوان مؤلفه‌ای مهم در ساختار سازمانی بر سلامت اجتماعی آن‌ها مؤثر قلمداد شود. بنابراین، منظور از ارتباطات به این معناست که درک و فهم بین اعضای یک گروه یا سازمان وجود داشته باشد که در قالب صور گوناگونی چون همکاری، مبادله، وصلت و دوستی و ... به روابط و پیوند بین اعضا منجر می‌شود. درنتیجه، استحکام این نوع از اشکال روابط متقابل بین اعضای سازمان که به نوعی شبکه روابطی را به وجود می‌آورد؛ احتمال دارد سلامت اجتماعی کارکنان را تقویت کند. از منظری دیگر باید اشاره کرد که تحکیم شبکه روابط و ارتباطات بین اعضای سازمان ممکن است عواطف و احساسات افراد را نسبت به هم تقویت کند؛ پس می‌توان احتمال داد که از طریق ارتباطات پایدار بین اعضای سازمان، ارزش‌ها و توانمندی‌های اعضا نسبت به هم، به شیوه‌های معین پاسخ داده شود و ممکن است این پاسخگویی میزان زمان و سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای گردآوری اطلاعات بین اعضا را کاهش دهد و خود سرآغازی مثبت برای تقویت سلامت اجتماعی اعضای سازمان قلمداد شود.

از سوی دیگر می‌توان گفت، بخشی از مؤلفه‌ها و ابعاد سرمایه اجتماعی به صورت یک پدیده ذهنی در افراد ایجاد می‌شود که این بخش مجموعه‌ای از ارزش‌ها و نگرش‌های مؤثر یا تعیین‌کننده افراد در مورد نحوه ایجاد ارتباط با یکدیگر است؛ به این معنا که سرمایه اجتماعی به آن دسته از ارزش‌ها و نگرش‌هایی تأکید می‌کند که افراد را به همکاری، تفاهم و همدلی با یکدیگر متمایل می‌سازد و موجب پیوند اعضای سازمان می‌شود و افراد را دارای وجدان اجتماعی و حس تعهد متقابل نسبت به هم می‌کند و بین اعضای سازمان که منافع و تصورات مشترک

دارند، حس همبستگی و پیوستگی را به وجود می آورد که این موضوع خود می تواند دلیلی برای تقویت سلامت اجتماعی درون سازمانی تلقی شود.

به معنای دیگر ارزش به عنوان پدیده اجتماعی، در شکل گیری، کنترل و پیش بینی کنش های افراد مؤثر است. ارزش های اجتماعی که به عنوان احکام وسیعی مورد پذیرش گروه قرار می گیرد، مبنای عمل، وقایع و پیامدهای اجتماعی است. هرچه این مبنا دارای منطق باشد و امور را تسهیل کند، سلامت روانی و اجتماعی نیز از آن متأثر می شود (موسوی و شیانی، ۱۳۹۴: ۱۵۸). در این ارتباط اصل تطابق با ارزش هاست که تعامل بین سازمان و انسان را تبیین می کند و درواقع عملکرد انسان در محیط سازمانی به توانایی تطابق آن ها و عامل فشارهای روانی - اجتماعی بستگی دارد. شرایط نامطلوب، انسان را به طرف بیماری یا حالت غیرتطابقی سوق می دهد. در این شرایط ارزش ها اهداف فراموقعیتی هستند که در مقام اصول راهنما در زندگی شخص یا گروه اجتماعی خدمت می کنند. به این ترتیب، سلامت اجتماعی تحت تأثیر این ارزش ها قرار می گیرد (گلابی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۴).

با توجه به آنچه بیان شد، سرمایه اجتماعی در سازمان می تواند کارآیی اجتماعی را از طریق سهولت بخشیدن به کنش های هماهنگ، بهبود بخشد و به عنوان مفهومی چندبعدی دربردارنده شاخص هایی چون شبکه ارتباطی، ارزش ها، اعتماد و مشارکت اجتماعی باشد و پایه اصلی حیات اجتماعی سازمان شود. این پدیده، در شبکه ارتباطی نسبتاً بادوام و نهادینه - شده ای، توأم با شناخت، تعهدات و اعتماد به عنوان منابعی بالقوه، موجب تسهیل کنش های فردی و جمعی از جمله سلامت اجتماعی می شود (شریتیان و ایمنی، ۱۳۹۶: ۱۳۱).

در نهایت سرمایه اجتماعی در فعالیتهای جمعی به جذب فرد در چارچوب های اجتماعی منجر می شود. در این صورت فرد احساس می کند که فصل مشترکی با ارزش های فردی و اجتماعی اش دارد و نسبت به ارزش ها و هنجارهای اجتماعی بی تفاوت و بی اعتماد نمی شود (تقویت انسجام اجتماعی و سازمانی)؛ بنابراین احساس می کند که سرنوشت سازمانی اش می تواند به اجزای تشکیل دهنده آن بستگی داشته باشد؛ پس به توان بالقوه ای در مسیر تکاملی خود قائل است

(افزایش شکوفایی اجتماعی در سازمان). با این تفکر شخص احساس می‌کند که هرچند سازمان دارای پیچیدگی است؛ اما می‌تواند آن را بفهمد و درک کند و نیز آن را پیش‌بینی کند (تقویت همبستگی اجتماعی در سازمان) و بنابراین نگرش مثبت خود را نسبت به سازمان و حتی افراد آن تقویت کند (افزایش پذیرش اجتماعی در سازمان). وقتی که نگرش‌های فوق در فرد ایجاد شد و فرد در سازمان کارآمد شد، احساس می‌کند که نقش مهمی در پیشرفت و آینده سازمان می‌تواند داشته باشد (تقویت مشارکت اجتماعی در سازمان) و در نهایت سلامت اجتماعی فرد در سازمان ارتقا می‌یابد. نتیجه این تقویت باعث می‌شود که تعارضات شخصیتی، اختلال رفتاری و گسترش فساد و ناهنجاری‌های سازمانی و... کاهش پیدا کند؛ در واقع، نهاده شدن سرمایه اجتماعی در سازمان می‌تواند نقش پیش‌بینی‌کننده‌ای در سلامت اجتماعی اعضای یک سازمان داشته باشد؛ بنابراین، اگر بتوان رابطه بین این دو پدیده را در سازمان بیشتر کرد، عامل مهمی در پذیرش هنجارهای اجتماعی خواهد بود که فرد را قادر به تعادل مثبت و اجتناب از پاسخ‌های نامطلوب می‌کند. افرادی که از سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی بالا و یا مناسبی برخوردار باشند می‌توانند با چالش‌های سازمانی مقابله نمایند و عملکرد بهتری در سازمان داشته باشند.

بر پایه یافته‌های این پژوهش و مطالعات صورت‌گرفته، پیشنهاد می‌شود که از طرق مختلف مانند استفاده از روش‌های آموزش گروهی و ایجاد شبکه‌های اجتماعی علمی، آموزشی، دوستی و تفریحی به ارتقای سلامت کارکنان توجه شود. همچنین، با توجه به نقش پیش‌بینی‌کننده سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از تعیین‌کننده‌های سلامت اجتماعی و یک متغیر غیراقتصادی برای رسیدن به جامعه‌ای سالم، سرمایه اجتماعی و به‌خصوص نوع جدید و عام آن که متضمن مشارکت گسترده‌تر و سامان‌یافته مردم همراه با احساس اعتماد اجتماعی بالاست، در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های سلامت مد نظر قرار گیرد. بدین منظور می‌توان گفت اگر قرار است یافته‌های اپیدمیولوژیک در مورد ارتباط بین سرمایه اجتماعی و سلامت مورد استفاده قرار گیرد، باید شواهد اضافی را جمع‌آوری کرد و امکان‌سنجی مداخلاتی را که باعث ایجاد سرمایه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری برای ارتقای سلامت اجتماعی می‌شود کشف کرد.

همچنین آنچه برای کارایی در سازمان ضرورت دارد، آغاز و حفظ چرخه‌های سود و منفعت است. این چرخه‌ها، چرخه‌هایی رو به ترقی هستند که به وسیله منابع شغلی و منابع فردی (روابط اجتماعی و سلامت اجتماعی) جرقه خورده و می‌توانند باعث بروز نتایج مثبت گوناگون از راه ایجاد سلامت اجتماعی شوند. با توجه به نتایج پژوهش حاضر و نقش سرمایه اجتماعی در سلامت اجتماعی و ارتباط ۰/۸۹ روابط و ۰/۸۳ ارزش‌ها، شاید بهتر باشد اداره پست برای پیشرفت کارایی سازمان خود به مؤلفه روابط و ارزش‌های کارکنان اهمیت دهد تا منجر به سلامت اجتماعی کارکنان شود و ارتقای کیفیت سازمان را در پی داشته باشد. نیز لازم است در پژوهشی دیگر و در سازمانی دیگر این پژوهش انجام شود تا نقش سایر مؤلفه‌های سلامت اجتماعی مورد ارزیابی قرار گیرد و نقش و اهمیت هر کدام از مؤلفه‌ها مشخص شود.

منابع

- امینی رارانی، مصطفی؛ موسوی، میرطاهر؛ رفیعی، حسن (۱۳۹۰). "رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی در ایران". *رفاه اجتماعی*، دوره ۱۱، ش ۴۲ (پاییز): ۲۰۳-۲۲۸.
- باباپور خیرالدین، جلیل؛ طوسی، فهیمه؛ حکمتی، عیسی (۱۳۸۸). "بررسی نقش عوامل تعیین‌کننده در سلامت اجتماعی دانشجویان دانشگاه تبریز". *فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، دوره ۴، ش ۱۶ (زمستان): ۱-۱۹.
- حبیب‌پور گتابی، کرم؛ صفری شالی، رضا (۱۳۹۰). *راهنمای جامع کاربردی SPSS در تحقیقات پیمایشی*. تهران: لویه؛ متفکران.
- حبیبی، آرش (۱۳۹۱). *کتاب الکترونیکی آموزش کاربردی نرم‌افزار لیزرل؛ مدل‌یابی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۵). "تبیین افول سرمایه اجتماعی". *رفاه اجتماعی*، دوره ۶، ش ۲۳ (زمستان): ۱۴۷-۱۷۱.
- روحانی، حسن (۱۳۹۰). "سرمایه خانواده؛ سنگ بنای سرمایه اجتماعی". *فصلنامه راهبرد*، دوره ۲۰، ش ۵۹ (تابستان): ۷-۴۶.
- رهبر، عباسعلی؛ حیدری، فاطمه (۱۳۹۰). "تأثیر سرمایه‌گذاری اجتماعی بر ارتقای سیاست‌گذاری". *مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۴، ش ۱۴ (بهار): ۲۱۹-۲۵۳.
- زارعی‌متین، حسن؛ شمسی، فاطمه؛ ادیب‌زاده، مرضیه (۱۳۹۶). "سرمایه اخلاقی مولد سرمایه اجتماعی". *مدیریت سرمایه اجتماعی*، دوره ۴، ش ۱ (بهار): ۲۷-۴۴.
- سیدان، فریبا؛ عبدالصمدی، محبوبه (۱۳۹۰). "رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روان زنان و مردان". *رفاه اجتماعی*، دوره ۱۱، ش ۴۲ (پاییز): ۲۲۹-۲۵۴.
- شجاع، محسن، و دیگران (۱۳۹۰). "تحلیل عاملی سرمایه اجتماعی و رابطه آن با سلامت روان سالمندان منطقه ۹ شهر تهران". *مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی* (ویژه‌نامه آمار زیستی و اپیدمیولوژی)، دوره ۳ (پاییز): ۸۱-۹۰.

- شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۱). "تأملی بر پیوند معنایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و میزان بهره‌مندی از سلامت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه پیام‌نور مشهد". *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، دوره ۲، ش ۵ (بهار): ۱۴۹-۱۷۴.

- شربتیان، محمدحسن؛ ایمنی، نفیسه (۱۳۹۶). "تحلیل جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی زنان (مورد مطالعه: زنان منطقه چهار شهر تهران)". *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال هشتم، ش ۳۰ (بهار): ۱۰۵-۱۴۰.

- شکریگی، عالییه؛ محمدی، حوا (۱۳۹۲). "بررسی تطبیقی رابطه میان سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی در میان زنان شاغل و خانه‌دار تهرانی". در: *مجموعه مقالات دومین کنگره ملی روان‌شناسی اجتماعی ایران*. گردآورنده انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران. تهران: انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران: ۹۳۶-۹۳۷.

- صابری، محمد؛ رضانی، آذر (۱۳۹۵). "بررسی ارتباط سلامت اجتماعی زنان روستایی با متغیرهای دموگرافیک". در: *مجموعه مقالات ششمین همایش سراسری راهکارهای ارتقای سلامت و چالش‌ها با محوریت مراقبت مبتنی بر جامعه*. گردآورنده دانشگاه علوم پزشکی مازندران. ساری: دانشگاه علوم پزشکی مازندران: ۱۶۵-۱۶۶.

- کریمی، شهرناز؛ تافته، مریم (۱۳۹۶). "بررسی رابطه بین تنوع محتوایی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با میزان سلامت اجتماعی زنان متأهل شهر تهران". در: *مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه*. گردآورنده: دانشگاه الزهرا. تهران: دانشگاه الزهرا: ۱-۱۵.

- گلابی، فاطمه، و دیگران (۱۳۹۴). "بررسی تأثیر ارزش‌ها بر سلامت اجتماعی جوانان (مورد مطالعه: جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال استان آذربایجان شرقی)". *جامعه‌شناسی سبک زندگی*، دوره ۱، ش ۲ (بهار و تابستان): ۸۷-۱۲۸.

- موسوی، میرطاهر؛ شیانی، ملیحه (۱۳۹۴). *سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی؛ مفاهیم و رویکردها*. تهران: آگاه.

- موسوی، میرطاهر، و دیگران (۱۳۹۴). "بسط مفهومی سرمایه اجتماعی با رویکرد سلامت اجتماعی". *رفاه/اجتماعی*، دوره ۱۵، ش ۵۷ (تابستان): ۱۰۹-۱۵۰.
- نظری، فهیمه (۱۳۹۵). کاهش سرمایه اجتماعی مقدمه بحران‌های اجتماعی؛ اعتمادسازی، راه برون‌رفت از مشکلات. *خبرگزاری جمهوری اسلامی*، کد خبر: ۸۲۳۷۳۵۹۷ (۵۷۵۲۶۲۱).
- نکونام، محمدصدیق؛ احمدی، آرمان؛ عباسی‌چری، رضا (۱۳۹۴). "بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی (درون‌گروهی و برون‌گروهی) بر سلامت روان دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تبریز)". *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، دوره ۵، ش ۱۷ (بهار): ۱۶۳-۱۸۴.
- هزارجریبی، جعفر؛ مهری، اسدالله (۱۳۹۱). "تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سلامت روانی و اجتماعی". *فصلنامه علوم/اجتماعی*، دوره ۱۹، ش ۵۹ (زمستان): ۴۱-۸۸.
- همتی‌راد، فرزانه؛ کشاورز، ام‌الله؛ مؤمنی، حسن (۱۳۹۷). "رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی در دانش‌آموزان متوسطه دوم". *فصلنامه مددکاری/اجتماعی*، دوره ۷، ش ۲ (تابستان): ۱۴-۷.

- Alvarez, E. C.; Kawachi, I.; Romani, J. R. (2017). "Family social capital and health—a systematic review and redirection". *Sociology of Health & Illness*, Vol. 39. No. 1: 5-29.

- Callaghan, Lisa (2008). "Social Well-Being in Extra Care Housing: An Overview of the Literature, personal social service research unit". [available] Continuously at: <http://www.ukc.ac.uk/PSSRU> [2020/2/19].

- D'Hombres, B., et al. (2010). "Does social capital determine health? Evidence from eight transition countries". *Health economics*, Vol. 19, No. 1: 56-74.

- Ehsan, A.; et al. (2019). "Social capital and health: A systematic review of systematic reviews". [available] Continuously at: <http://www.elsevier.com/locate/ssmph> [2020/3/18].

- Hurtado, D.; Kawachi, I.; Sudarsky, J. (2011). "Social capital and self-rated health in Colombia: The good, the bad and the ugly". *Social Science & Medicine*, Vol. 72, No. 4: 584-590.

- Keyes, C. L. M. (1998). "Social wellbeing". *Social Psychology Quarterly*, Vol. 61, No. 2: 121-140.

- Kline, R. B. (2015). *Principles and practice of structural equation modeling*. NewYork: Guilford publication.
- Murayama, H.; Fujiwara, Y.; Kawachi, I. (2012). "Social capital and health: A review of prospective multilevel studies". *Journal of epidemiology*. 3-9. [available] Continuously at: <http://www.elsevier.com/locate/ssmph> [2020/3/18].
- Nahapiet, J.; Ghoshal, S. (1998). "Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage". *Academy of Mangment Review*, Vol. 23, No. 2: 242-266.
- Oksanen, T.; et al. (2013). *Workplace social capital and health*. In: Global perspectives on social capital and health. Kawachi, I.; Takao, S.; & Subramanian, S. V. New York: Springer: 23-63.
- Shapiro, A.; Keyes, C. L. M. (2008). "Marital status and social well-being: Are the married always better off". *Social Indicators Research*, Vol. 88, No. 2: 329-346.
- Shiell, A.; Hawe, P.; Kavanagh, S. (2020). "Evidence suggests a need to rethink social capital and social capital interventions". *Social science & medicine*, 257-269 . [available] Continuously at: <http://www.elsevier.com/locate/ssmph> [2020/3/18].
- Song, L. (2013). "Social capital and health". In: *Medical Sociology on the move*. William, C. Cockerham Editor Dordrecht: Springer: 233-257.
- Wilkinson, R.; Kawachi, I.; Kennedy, B. P. (1998). "Mortality, the Social Environment, Crime and Violence". *Social Health Illness*, Vol. 20, No. 5: 578-597.
- Zhang, Y.; Jiang, J. (2019). "Social capital and health in China: Evidence from the Chinese general social survey 2010". *Social Indicators Research*, Vol. 142, No. 1: 411-430.

بررسی مقایسه‌ی شاخص‌های حکمروایی مطلوب روستایی (مورد مطالعه: شهرستان بیرجند)

محمود فال سلیمان^۱

مفید شاطری^۲

نرگس خسروی^۳

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

شماره صفحه: ۹۵-۱۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۰

چکیده

امروزه، موضوع حکمروایی روستایی یکی از مباحث مورد توجه محققان و سیاست‌گذاران توسعه می‌باشد. کاربرد این مفهوم در حوزه مطالعات و اقدامات در مناطق روستایی، همراه با تأکید بر ویژگی‌ها و اصولی چون ایجاد پیوند و همکاری میان بخش‌های گوناگون مؤثر بر توسعه پایدار، همکاری میان قلمروها و محدوده‌های مدیریتی و سیاسی، افزایش توجه به مشارکت پایدار روستاییان، ترسیم اهداف و چشم‌اندازهای مشارکتی، توجه به مزیت‌های محلی و رقابتی، ظرفیت‌سازی و ارتقای توانمندی روستاییان و ... بوده است. نقش حکمروایی در سطح روستاها به دلایلی از جمله عدم مشارکت ساکنان در اجرای امور، سیاست‌های بخشی‌نگر و از بالا به پایین، تکررگرایی مدیریت‌ها، موازی‌کاری ارگان‌ها و ... بسیار کم‌رنگ می‌باشد. این بررسی، یک تحقیق اسنادی و پیمایشی، با ماهیت، توصیفی-تحلیلی و هدف کاربردی است که در پی بررسی تطبیقی بین حکمروایی مطلوب در نواحی روستایی استان خراسان جنوبی کشور ایران می‌باشد. فرآیند نمونه‌گیری متمرکز بر جامعه‌ی آماری شامل همه‌ی سرپرستان خانوارهای ساکن روستاهای دارای

mfall@birjand.ac.ir

mshateri@birjand.ac.ir

narges.khosravi@birjand.ac.ir

۱. دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤول

۲. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا دانشگاه بیرجند

دهیاری بوده که بر اساس فرمول "کوکران" شامل ۴۱ روستا و ۲۰۶ سرپرست خانوار گردید؛ همچنین برای بررسی وضعیت حکمروایی مطلوب و توسعه پایدار روستایی در دهستان‌های شهرستان بیرجند، از آزمون t یک‌نمونه‌ای و در مرحله رتبه‌بندی دهستان‌ها، از روش تصمیم‌گیری چندشاخصه‌ی "تاپسیس" و "تحلیل خوشه‌ای" استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که منطقه مورد مطالعه، از لحاظ حکمروایی مطلوب و توسعه پایدار روستایی در وضعیت مطلوبی قرار نداشته؛ از این نظر دهستان‌های شهرستان بیرجند سطح متفاوتی نسبت به هم دارند.

واژگان کلیدی: حکمروایی مطلوب، توسعه پایدار روستایی، شهرستان بیرجند

درآمد

توسعه پایدار با هدف برطرف کردن نیازهای انسانی و بهبود کیفی شرایط زندگی در مکان‌های زیست، به‌عنوان الگوی مناسبی برای تعیین نحوه بهره‌برداری از منابع و ایجاد رابطه متعادل و متوازن بین انسان، اجتماع و طبیعت مورد توجه قرار می‌گیرد. این امر با تأکید بر رهیافت مشارکتی و تعامل همه‌جانبه، باعث افزایش توان اجتماعات روستایی در مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی به نیازهای‌شان و نیز شرکت مردم در جریان توسعه می‌شود و به دلیل حضور مردم در مدیریت محلی، گرایش به درون‌زایی، عدالت‌خواهی و سازگاری با محیط زیست امکان‌پذیر است (عظیمی‌آملی، و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸).

توسعه پایدار بدون توجه هم‌زمان به حکومت‌داری پایدار، عملاً اشتباه است (زاهدی، ۱۳۹۳: ۹۴).

روستا‌های شهرستان بیرجند فاقد نظام مدیریت توسعه روستایی هستند. ذهنیت وابستگی روستاییان به تصمیم‌گیری‌های دولتی و ضعف مهارت‌های رهبری و سازماندهی روستاییان، ارتباط اندک با مسئولان روستایی و عدم دخالت و توجه به اهالی در مدیریت روستا و ناآگاهی یا ناتوانی در استفاده از منابع و فرصت‌ها، از نقاط ضعف این مناطق به شمار می‌آید.

از این منظر، وضعیت حکمروایی در نواحی روستایی شهرستان بیرجند مورد واکاوی قرار گرفت و به پرسش‌های زیر پاسخ داده شد:

- ۱- حکمروایی مطلوب روستایی در منطقه‌ی مورد مطالعه در چه وضعیتی است؟
- ۲- دهستان‌های شهرستان بیرجند بر اساس سطح حکمروایی مطلوب روستایی در چه وضعیتی نسبت به یکدیگر قرار دارند؟

مبانی نظری و رویکردها

در طول دو دهه پایانی سده بیستم و در آستانه سده بیست‌ویکم، نظریه‌ها و روش‌های نوینی در عرصه شهرسازی پدید آمد که محور آن‌ها بر پایه برنامه‌ریزی محلی، توسعه مشارکت، بهبود کیفی محیط، گسترش عدالت و روش‌های دموکراتیک استوار بود (دارایی، ۱۳۸۸: ۴۶).

بررسی منابع نشان می‌دهد که توانمندسازی روستاییان برای دستیابی به نیروی جمعی و جبران ضعف‌ها، بالابردن مهارت‌ها و ظرفیت‌های برنامه‌ریزی و تحلیل بازتاب توانایی‌های مردم محلی، سازوکاری است که روستاییان تمام نیرو و قابلیت خود را در آنچه که انجام می‌دهند، به کار می‌گیرند.

در این نظریه، سه عنصر اصلی نقش کلیدی دارند: رشد و آگاهی همراه با انتقاد (یعنی انسان‌های دانا، آگاه، روشنفکر و ...); توسعه‌ی ظرفیت‌ها برای تحول کارساز و واقعیت‌گرا (جامعه‌ی واقعیت-گرا); تقویت سازمان‌ها و سازماندهی مردم (جامعه نهادساز) (عظیمی آملی، ۱۳۹۰: ۷۶).

بیش‌تر متفکرین و نظریه‌پردازان توسعه بر این عقیده‌اند که به‌کارگیری رهیافت‌های مشارکتی در توسعه‌ی پایدار نواحی روستایی برای کشورهای جهان سوم نه به صورت یک گزینه، که به صورت یک ضرورت حتمی درآمده است؛ به‌گونه‌ای که نظریه‌پردازان توسعه به این واقعیت رسیده‌اند که این مردم هستند که تعیین می‌کنند توسعه چیست، اجزای آن کدام است و برای دستیابی به نوع معینی از توسعه، چه چاره‌جویی‌هایی باید صورت گیرد (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۰: ۷۶).

بر اساس نظریه توسعه‌ی ظرفیتی، برای تحقق بخشی به رهبافت حکمروایی خوب در راستای توسعه پایدار روستایی، رعایت پنج اصل زیر ضروری است:

الف- شناخت ظرفیت‌های موجود نواحی روستایی

ب- توجه به منابع توسعه انسانی برای همه کنشگران و بازیگران روستایی

ج- تعادل و سازگاری برنامه‌ها، طراحی‌ها و مدیریت‌های اعمال شده بر نواحی روستایی، بر اساس توان و ظرفیت‌های موجود

د- مشارکت مردم محلی در جهت حل مسائل و مشکلاتشان

ه- ارزیابی و نقد مدیریت‌های محلی و سیاست‌های برنامه‌ای توسعه توسط مردم بومی و محلی (گروه‌های مختلف روستایی) (عظیمی آملی و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۳: ۹۰).

سرمایه اجتماعی را می‌توان معیاری برای سنجش قدرت اجتماعی و تعامل فعالانه بدنه جامعه مدنی با دو بخش دولتی و خصوصی دانست؛ بنابراین می‌توان آن را از زمینه‌ها و شرایط لازم برای حکمروایی خوب تلقی کرده، همسو با "فوکویاما" در سال ۱۹۹۹، مهم‌ترین اقدامات دولت‌ها را برای تقویت سرمایه اجتماعی، بدین قرار برشمرد:

- تشویق و تقویت تشکیل نهادهای مدنی
- تقویت و غنی‌سازی آموزش‌های عمومی
- تأمین امنیت شهروندان در جهت حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی
- پرهیز از تصدی‌گری بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی؛ واگذاری فعالیت‌های مربوطه به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت آن‌ها در فعالیت‌ها؛ و زمینه‌سازی ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و اعتماد عمومی میان آحاد مختلف مردم (Fukuyama, 1999: 103).

رابطه بین نظریه مدیریت محیطی و حکمروایی خوب روستایی را می‌توان به صورت زیر مطرح کرد:

- بر اساس نظریه مدیریت محیطی، می‌توان چنین استنباط کرد که بی‌توجهی به محیط (فضای زیست و سکونت‌گاه‌های انسانی) نه تنها حق توسعه‌یافتگی انسان‌ها بویژه محرومان و درحاشیه‌مانده‌ها را نادیده می‌گیرد، که حقوق این مکان‌ها را که کانون زیست و فعالیت‌های انسان است

نیز با مشکل روبه‌رو می‌سازد؛ تا جایی که تخریب و فروسایي محیطی را به همراه می‌آورد که این امر، با اصول و معیارهای حکمروایی خوب منافات دارد. بر اساس رهیافت حکمروایی خوب، اغلب مشکلات و مسائل چنین مناطقی (بویژه مناطق روستایی) از طریق مدیریت فراگیر یا حکمروایی خوب روستایی حل‌شدنی است.

- مشارکت، توانمندسازی، ظرفیت‌سازی و نهادسازی، از ارکان اصلی توسعه پایدار و مدیریت محیطی به شمار می‌آیند و بدون توجه به مردم و مشارکت آنان بویژه در سطح محلی نه‌تنها بحران‌های محیطی فروکش نخواهد کرد، که پایداری مدیریت محیطی در سطح ملی را نیز دچار آسیب جدی خواهد نمود.

- حکمروایی خوب روستایی، از طریق شبکه‌های اجتماعی روستایی، به سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع این نکته را گوشزد می‌کند که هر نوع فعالیت صنعتی در روستا و یا در محدوده‌های روستا نیاز به اخذ گواهی شفافیت زیست‌محیطی توسط مجریان و دست‌اندرکاران پروژه‌ها دارد تا بدین طریق، دستیابی به توسعه‌ی پایدار روستایی تسهیل و امکان‌پذیر گردد.

- تشکیل و تقویت نهادهای خودجوش مردمی و مشارکت آنان در حفظ و حراست از محیط زیست خودشان (عظیمی آملی و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

نتیجه بررسی نظریات مهم مطرح‌شده این بود که نظریه مدیریت محیطی همخوانی بیش‌تری با مدیریت منطقه‌ای و محلی در جهت توسعه پایدار روستایی و حکمروایی روستایی دارد.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع توصیفی-تحلیلی و از حیث هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد که به این وسیله، حکمروایی روستایی در ابعاد مختلف آن سنجیده شده است.

ضریب آلفای کرونباخ برای حکمروایی روستایی با ۶۵ گویه برابر ۰/۹۶۸ می‌باشد که این مقدار نشان می‌دهد سنجش این متغیرها از لحاظ پایایی مطلوب است. جامعه آماری شامل کلیه

سرپرستان خانوارهای روستایی ساکن در روستاهای دارای دهیاری شهرستان بیرجند است که بر اساس آمار سال ۱۳۹۰ تعداد این روستاها ۱۴۱ و تعداد خانوار ساکن در آنها ۱۳۰۲۷ می‌باشد. در این تحقیق ابتدا از جامعه روستاها و سپس از سرپرستان خانوارهای ساکن در روستاها نمونه‌گیری تصادفی به روش طبقه‌ای دومرحله‌ای به عمل آمده است، که از میان آنها ۴۱ روستا انتخاب و حجم نمونه ۲۰۶ سرپرست خانوار بر اساس فرمول "کوکرن" تعیین شد. از آنجا که سطح حکمروایی مطلوب روستایی ابعاد مختلفی دارد، جهت رتبه‌بندی دهستان‌ها از روش‌های "تصمیم‌گیری چندشاخصه" استفاده شد و نتایج حاصله با استفاده از نرم‌افزار ArcGis روی نقشه تصویرسازی گردید.

لازم به ذکر است برای دستیابی به فرآیند بومی‌سازی شاخص‌ها و سنجش‌پذیری نمونه‌ها، نخست لازم بود پس از مطالعه و بررسی متون، گویه‌هایی در مورد این متغیرها مطرح شود. بر اساس بررسی‌های (عظیمی آملی و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۳: ۲۴۶) جهت عملیاتی‌نمودن متغیرهای حکمروایی خوب در جامعه‌ی روستایی ایران بر مبنای تعریف عملیاتی آن و با برداشت و استفاده از منابع (جاودان و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۹: ۷۵)؛ (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۱۰)؛ (میسرا و سوندارام، ۱۳۷۱: ۹۵)؛ (موسی کاظمی، ۱۳۸۷: ۷۳)؛ (عظیمی آملی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۹)؛ (رکن‌الدین افتخاری و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۲)؛ (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۳۹۰)؛ دیگر و کمپن (Dekker and Kempen, 2004: 35)؛ دیویس (Davis, 2004: 49) و به استناد نظرات ۳۰ نفر از صاحب‌نظران خبره در امر توسعه‌ی روستایی با استفاده از ارزیابی روایی محتوایی (محاسبه CVI و CVR) تعداد ۱۵ گویه جهت سنجش مشارکت؛ هفت گویه جهت سنجش قانون‌مندی، هفت گویه جهت سنجش پاسخ‌گویی، هفت گویه جهت سنجش مسئولیت‌پذیری، چهار گویه جهت سنجش عدالت‌محوری، شش گویه جهت سنجش توافق جمعی، پنج گویه جهت سنجش شفافیت، ۱۴ گویه جهت سنجش کارایی و اثربخشی تعیین شده است؛ نیز برای تعیین پایایی (قابلیت اعتماد) پرسشنامه، تعداد ۳۰ پرسشنامه تکمیل‌شده به روش پیش‌آزمون و به صورت تصادفی در چند روستا تکمیل، و ضریب آلفای کرونباخ برای سؤالات مربوط به مؤلفه‌های پژوهش

به شرح ذیل محاسبه گردید.

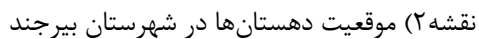
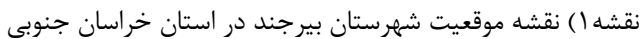
نتایج حاصل از محاسبه ضرایب آلفای کرونباخ در جدول ۱ ارائه شده است. بر اساس مقادیر محاسبه‌شده، می‌توان نتیجه گرفت تمامی متغیرهای پایایی تحقیق در حد مطلوب هستند.

جدول (۱) ضریب آلفای کرونباخ سؤالات مربوط به مؤلفه‌های پژوهش

مقدار ضریب آلفای کرونباخ	تعداد سؤالات	
۰/۹۱۳	۱۵	مشارکت روستایی
۰/۷۹۷	۷	قانونمندی
۰/۸۶۷	۷	پاسخگویی
۰/۸۶۵	۷	مسئولیت‌پذیری
۰/۷۸۶	۴	عدالت‌محوری
۰/۷۸۰	۶	توافق جمعی
۰/۸۶۷	۵	شفافیت
۰/۹۴۳	۱۴	کارایی و اثربخشی

شهرستان بیرجند با مرکزیت شهر بیرجند با وسعت ۶۸۸۸ کیلومترمربع، در شرق کشور و در مرکز استان واقع شده است. این شهرستان بین مدار ۵۸ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه و ۳۸ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۳۵ دقیقه عرض شمالی استقرار یافته و ارتفاع ۱۴۹۱ متری از سطح دریا دارد. فاصله‌ی شهر بیرجند تا مرکز استان خراسان رضوی ۴۸۶ کیلومتر؛ تا مرکز استان سیستان و بلوچستان ۴۵۸ کیلومتر؛ تا مرکز استان کرمان ۵۸۶ کیلومتر و تا مرکز استان تهران ۱۳۲۰ کیلومتر می‌باشد.

نقشه ۱ موقعیت شهرستان بیرجند در استان خراسان جنوبی و نقشه ۲ موقعیت دهستان‌های این شهرستان را نشان می‌دهد.



یافته‌ها

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از ویژگی‌های فردی، میانگین سن افراد مورد بررسی در این ۴۱ روستا برابر ۴۶ سال است که کم‌ترین سن در میان آن‌ها ۲۰ و بیش‌ترین آن ۸۷ سال بوده است؛ همچنین ۶۶٪ افراد نمونه مورد بررسی مرد، و ۳۴٪ آن‌ها زن، و ۱۱٪ افراد نمونه مجرد و ۸۹٪ متأهل بوده‌اند. ۳۰٪ سرپرستان خانوارهای مورد بررسی بی‌سواد، ۳۰٪ دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۱٪ با مدرک سیکل، ۲۰٪ دیپلمه، ۳٪ بالاتر از دیپلم و ۲٪ دارای مدرک لیسانس بوده‌اند. حرفه‌ی ۶۵٪ افراد نمونه کشاورز و دامدار، ۲۰٪ سایر موارد، ۹٪ بیکار و ۵٪ ازکارافتاده بوده است.

جدول ۲) نتایج حاصل از نظرسنجی از خانوارهای ۴۱ روستای انتخابی
در مورد حکمروایی و توسعه روستایی

نام دهستان		القورات	باقران	شاخن	شاخنا	فشارود	کاهشنگ	جمع
مشارکت روستایی	میانگین	۲/۵۲	۲/۶۷	۲/۳۵	۲/۷۷	۲/۸۷	۱/۹۷	۲/۵۶
	انحراف معیار	۰/۷۳	۰/۷۶	۰/۵۷	۰/۵۷	۰/۷۲	۰/۴۳	۰/۷۲
	ضریب تغییرات	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۲۵	۰/۲۲	۰/۲۸
قانون‌مندی	میانگین	۳/۳۱	۳/۳۱	۲/۹۰	۳/۴۳	۳/۵۴	۲/۵۹	۳/۲۳
	انحراف معیار	۰/۴۲	۰/۵۷	۰/۴۸	۰/۴۲	۰/۷۷	۰/۴۴	۰/۵۸
	ضریب تغییرات	۰/۱۳	۰/۱۷	۰/۱۷	۰/۱۲	۰/۲۲	۰/۱۷	۰/۱۷
پاسخگویی	میانگین	۳/۰۶	۲/۸۰	۲/۹۵	۳/۰۸	۳/۹۳	۲/۲۳	۲/۹۴
	انحراف معیار	۰/۶۴	۰/۶۳	۰/۶۱	۰/۵۳	۰/۶۷	۰/۵۱	۰/۷۳
	ضریب تغییرات	۰/۲۱	۰/۲۲	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۱۷	۰/۲۳	۰/۲۴
مسئولیت‌پذیری	میانگین	۳/۰۶	۳/۴۲	۲/۹۷	۳/۱۷	۳/۳۰	۲/۵۳	۳/۱۵
	انحراف معیار	۰/۶۸	۰/۶۰	۰/۶۶	۰/۵۷	۰/۶۸	۰/۵۳	۰/۶۷
	ضریب تغییرات	۰/۲۲	۰/۱۸	۰/۲۲	۰/۱۸	۰/۲۱	۰/۲۱	۰/۲۱
عدالت‌محوری	میانگین	۳/۷۲	۳/۶۰	۳/۷۲	۳/۷۹	۳/۹۷	۳/۵۳	۳/۶۹
	انحراف معیار	۰/۵۰	۰/۸۹	۰/۴۱	۰/۴۸	۰/۴۴	۰/۵۳	۰/۶۶
	ضریب تغییرات	۰/۱۴	۰/۲۵	۰/۱۱	۰/۱۳	۰/۱۱	۰/۱۵	۰/۱۷
توافق جمعی	میانگین	۳/۲۰	۳/۳۲	۲/۹۰	۳/۴۳	۳/۶۴	۲/۹۷	۳/۲۷
	انحراف معیار	۰/۴۸	۰/۶۷	۰/۵۵	۰/۴۵	۰/۵۲	۰/۳۷	۰/۵۷
	ضریب تغییرات	۰/۱۵	۰/۲۰	۰/۱۹	۰/۱۳	۰/۱۵	۰/۱۳	۰/۱۷

۲/۴۶	۱/۶۷	۳/۵۳	۲/۵۵	۲/۴۶	۲/۵۵	۲/۲۸	میانگین	شفافیت
۰/۹۰	۰/۵۰	۰/۶۹	۰/۷۶	۰/۹۷	۰/۸۴	۰/۸۷	انحراف معیار	
۰/۳۶	۰/۳۰	۰/۲۰	۰/۳۰	۰/۴۰	۰/۳۳	۰/۳۸	ضریب تغییرات	
۲/۴۱	۱/۹۴	۲/۴۹	۲/۸۵	۲/۴۶	۲/۶۹	۱/۹۷	میانگین	کارایی و اثربخشی
۰/۷۶	۰/۵۲	۰/۶۶	۰/۸۰	۰/۵۹	۰/۷۴	۰/۵۸	انحراف معیار	
۰/۳۱	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۲۸	۰/۲۴	۰/۲۸	۰/۳۰	ضریب تغییرات	
۲/۸۴	۲/۲۹	۳/۲۱	۳/۰۴	۲/۷۱	۲/۹۵	۲/۷۲	میانگین	حکمرانی روستایی
۰/۵۶	۰/۳۷	۰/۵۲	۰/۴۹	۰/۵۲	۰/۵۴	۰/۵۰	انحراف معیار	
۰/۱۹	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۱۹	۰/۱۸	۰/۱۹	ضریب تغییرات	

جدول ۲ مقدار میانگین و ضریب تغییرات نظرسنجی انجام شده از خانوارهای ۴۱ روستای انتخابی در مورد حکمرانی و توسعه پایدار روستایی به این نتیجه منجر می گردد که:

الف) در بعد مشارکت روستایی: میانگین به دست آمده در همه دهستان ها کمتر از سه یعنی کمتر از حد متوسط است؛ که از این میان، مقدار میانگین در دهستان فشارود کمترین و در دهستان کاهشنگ بیشترین است. ضریب تغییرات نیز نشان می دهد تغییرات نظر خانوار در این خصوص در دهستان های کاهشنگ کمتر از دیگر دهستان ها است.

ب) در بعد قانونمندی روستاییان: میانگین به دست آمده در دهستان های القورات، باقران، شاخن و فشارود بیش از سه یعنی بیش از حد متوسط و در دهستان های شاخن و کاهشنگ کمتر از سه یعنی کمتر از حد متوسط است؛ که این میانگین در دهستان کاهشنگ کمترین و در دهستان فشارود بیشترین است. ضریب تغییرات نیز نشان می دهد تغییرات نظر خانوارها در دهستان های القورات کمتر از دیگر دهستان ها است.

ج) در بعد پاسخ گویی از ابعاد حکمرانی روستایی: میانگین به دست آمده در دهستان های القورات، شاخنات و فشارود بیش تر از سه یعنی بیش از حد متوسط است و در دهستان های باقران، شاخن و کاهشنگ کمتر از سه یعنی کمتر از حد متوسط؛ که این میانگین در دهستان کاهشنگ کمترین و در دهستان فشارود بیشترین می باشد. ضریب تغییرات نیز نشان می دهد تغییرات نظر خانوارها در دهستان های شاخنات و فشارود کمتر از نظر دیگر دهستان ها است.

د) در بعد مسئولیت‌پذیری از ابعاد حکمروایی روستایی: میانگین به‌دست‌آمده در دهستان‌های القورات، باقران، شاخات و فشارود بیش از سه یعنی بیش‌تر از حد متوسط و در دهستان‌های شاخن و کاهشنگ کم‌تر از سه یعنی کم‌تر از حد متوسط است؛ که این میانگین در دهستان کاهشنگ کم‌ترین و در دهستان فشارود بیش‌ترین می‌باشد. همچنین ضریب تغییرات نیز نشان می‌دهد تغییرات نظر خانوارها در دهستان‌های باقران و شاخات کم‌تر از نظر دیگر دهستان‌ها است.

ه) در بعد عدالت محوری از ابعاد حکمروایی روستایی: میانگین به‌دست‌آمده در همه‌ی دهستان‌ها بیش از سه یعنی بیش‌تر از حد متوسط است؛ که میانگین آن در دهستان کاهشنگ کم‌ترین و در دهستان فشارود بیش‌ترین می‌باشد. مقادیر ضریب تغییرات نیز نشان می‌دهد تغییرات نظر خانوارها در دهستان فشارود و شاخن کم‌تر از دیگر دهستان‌ها است.

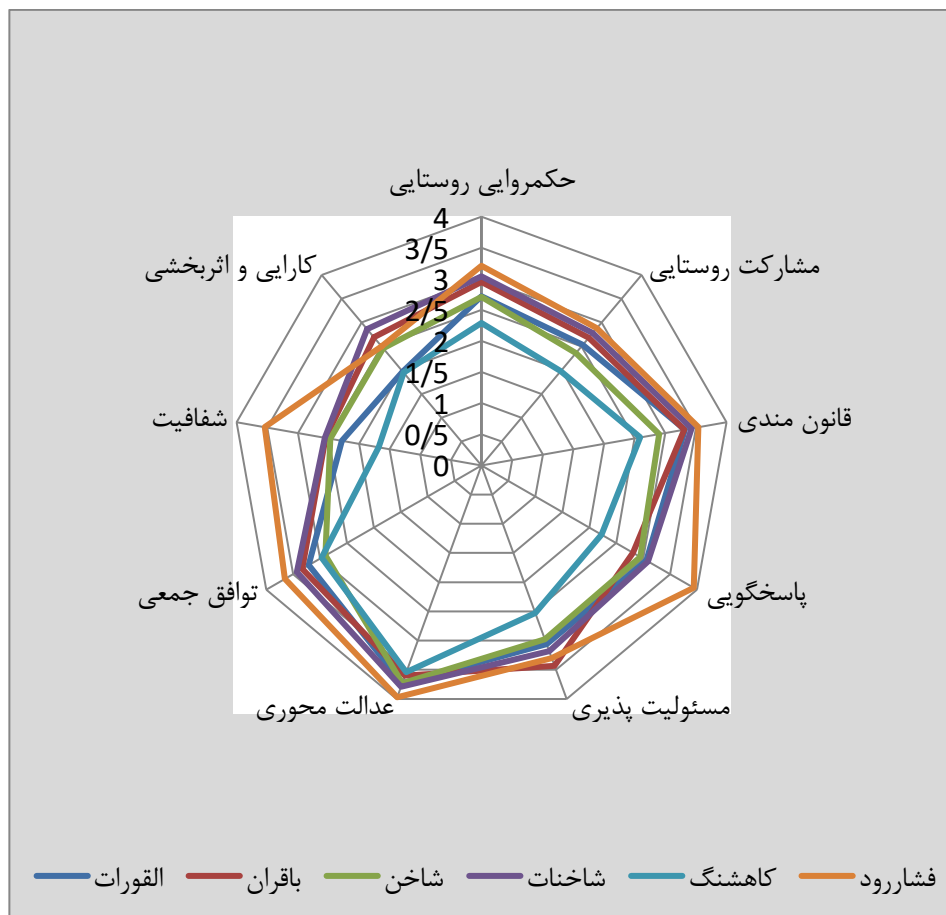
و) در بعد توافق جمعی از ابعاد حکمروایی روستایی: میانگین به‌دست‌آمده در دهستان‌های القورات، باقران، شاخات و فشارود بیش از سه یعنی بیش‌تر از حد متوسط و در دهستان‌های شاخن و کاهشنگ کم‌تر از سه یعنی کم‌تر از حد متوسط است؛ که این میانگین در دهستان کاهشنگ کم‌ترین و در دهستان فشارود بیش‌ترین است. ضریب تغییرات نیز نشان می‌دهد تغییرات نظر خانوارها در دهستان‌های شاخات و کاهشنگ کم‌تر از دیگر دهستان‌ها است.

ز) در بعد شفافیت از ابعاد حکمروایی روستایی: میانگین به‌دست‌آمده نشان از این دارد که جز دهستان فشارود با میانگین بیش از سه یعنی بیش‌تر از حد متوسط، دیگر دهستان‌ها دارای میانگین کم‌تر از سه یعنی کم‌تر از حد متوسط هستند؛ این میانگین در دهستان کاهشنگ کم‌ترین و در دهستان فشارود بیش‌ترین است. ضریب تغییرات نیز نشان‌دهنده کم‌ترین تغییرات نظر خانوارها در همین دهستان نسبت به دیگر دهستان‌ها است.

ح) در بعد کارایی و اثربخشی از ابعاد حکمروایی روستایی: میانگین به‌دست‌آمده در همه‌ی دهستان‌ها کم‌تر از سه یعنی کم‌تر از حد متوسط است؛ که این میانگین در دهستان کاهشنگ کم‌ترین و در دهستان شاخات بیش‌ترین می‌باشد. ضریب تغییرات نیز نشان می‌دهد تغییرات نظر خانوارها در دهستان شاخن کم‌تر از دیگر دهستان‌ها است.

به‌طورکلی در واکاوی حکمروایی روستایی، میانگین به‌دست‌آمده در دهستان‌های القورات، باقران، شاخن و کاهشنگ کم‌تر از سه یعنی کم‌تر از حد متوسط و در دهستان‌های شاخات و فشارود بیش‌تر از سه یعنی بیش از حد متوسط است؛ که این میانگین در دهستان کاهشنگ کم‌ترین و در دهستان فشارود بیش‌ترین است. همچنین ضریب تغییرات نشان می‌دهد تغییرات نظر خانوارها در دهستان‌های کاهشنگ کم‌تر از دیگر دهستان‌ها است.

بر اساس نمودار ۱ نمرات به‌دست‌آمده از نظرسنجی ابعاد حکمروایی روستایی، دهستان فشارود در ابعاد مشارکت روستایی، قانون‌مندی، پاسخگویی، عدالت‌محوری، توافق جمعی و شفافیت؛ دهستان باقران در مسئولیت‌پذیری، و دهستان شاخات در کارایی و اثربخشی، دارای میانگینی بهتر از سایر دهستان‌ها هستند.



نمودار (۱) نمودار عنکبوتی حکمروایی روستایی در دهستان‌های مورد مطالعه بر اساس نظرات خانوارها

جدول ۳) نتایج حاصل از آزمون t یک نمونه‌ای مربوط بررسی وضعیت حکمروایی روستایی در دهستان - های شهرستان بیرجند بر اساس نظرسنجی انجام شده از خانوارها

نام دهستان								متغیر
جمع	کاهشنگ	فشارود	شاخانات	شاخن	باقران	القورات	میانگین	مشارکت روستایی
۲/۵۶	۱/۹۷	۲/۸۷	۲/۷۷	۲/۳۵	۲/۶۷	۲/۵۲	sig	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۶۲	۰/۰۴۵	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	میانگین	قانون‌مندی
۳/۲۳	۲/۵۹	۳/۵۴	۳/۴۳	۲/۹۰	۳/۳۱	۳/۳۱	sig	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	۰/۵۰۷	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰	میانگین	پاسخگویی
۲/۹۴	۲/۲۳	۳/۹۳	۳/۰۸	۲/۹۵	۲/۸۰	۳/۰۶	sig	
۰/۳۱۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۸۲	۰/۷۹۴	۰/۰۰۰	۰/۴۸۷	میانگین	مسئولیت‌پذیری
۳/۱۵	۲/۵۳	۳/۳۰	۳/۱۷	۲/۹۷	۳/۴۲	۳/۰۶	sig	
۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۷۰	۰/۱۰۱	۰/۹۰۴	۰/۰۰۰	۰/۵۲۴	میانگین	عدالت‌محوری
۳/۶۹	۳/۵۳	۳/۹۷	۳/۷۹	۳/۷۲	۳/۶۰	۳/۷۲	sig	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	میانگین	توافق جمعی
۳/۲۷	۲/۹۷	۳/۶۴	۳/۴۳	۲/۹۰	۳/۳۲	۳/۲۰	sig	
۰/۰۰۰	۰/۷۳۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۵۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	میانگین	شفافیت
۲/۴۶	۱/۶۷	۳/۵۳	۲/۵۵	۲/۴۶	۲/۵۵	۲/۲۸	sig	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۸۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	میانگین	کارایی و اثربخشی
۲/۴۱	۱/۹۴	۲/۴۹	۲/۸۵	۲/۴۶	۲/۶۹	۱/۹۷	sig	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۳۵۰	۰/۰۰۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	میانگین	حکمروایی روستایی
۲/۸۴	۲/۲۹	۳/۲۱	۳/۰۴	۲/۷۱	۲/۹۵	۲/۷۲	sig	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۹۱	۰/۶۱۰	۰/۰۸۵	۰/۴۸۷	۰/۰۰۰		

جدول ۳ نتیجه‌ی آزمون t یک‌نمونه‌ای بررسی وضعیت حکمروایی مطلوب روستایی در منطقه مورد مطالعه بر اساس نظر خانوارهای روستایی می‌باشد.

بر اساس نتایج این آزمون و مقدارهای sig می‌توان به این نتیجه رسید که:

- در دهستان القورات بر اساس نظر خانوارهای روستایی نیز وضعیت حکمروایی مطلوب روستایی در ابعاد مشارکت روستایی، شفافیت و کارایی و اثربخشی کم‌تر از حد متوسط و در حد کم؛ در ابعاد پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در حد متوسط و در ابعاد قانون‌مندی، عدالت‌محوری

و توافق جمعی بیش از حد متوسط و در حد زیاد است. به‌طور کلی وضعیت حکمروایی مطلوب روستایی در این دهستان‌ها بر اساس نظر خانوارهای روستایی در حد متوسط استنباط می‌شود. - در دهستان باقران بر اساس نظر خانوارهای روستایی نیز وضعیت حکمروایی مطلوب روستایی در ابعاد مشارکت روستایی، پاسخگویی، شفافیت، کارایی و اثربخشی کم‌تر از حد متوسط و در حد کم و در ابعاد قانون‌مندی، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌محوری و توافق جمعی بیش از حد متوسط و در حد زیاد می‌باشد؛ به‌طور کلی وضعیت حکمروایی مطلوب روستایی در این دهستان بر اساس نظر خانوارهای روستایی در حد متوسط استنباط می‌شود.

- در دهستان شاخن بر اساس نظر خانوارهای روستایی نیز وضعیت حکمروایی مطلوب روستایی در ابعاد مشارکت روستایی و کارایی و اثربخشی کم‌تر از حد متوسط؛ در ابعاد قانون‌مندی، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، توافق جمعی، شفافیت در حد متوسط و در بعد عدالت‌محوری بیش از حد متوسط و در حد زیاد می‌باشد. به‌طور کلی وضعیت حکمروایی مطلوب روستایی در این دهستان بر اساس نظر خانوارهای روستایی در حد متوسط استنباط می‌شود.

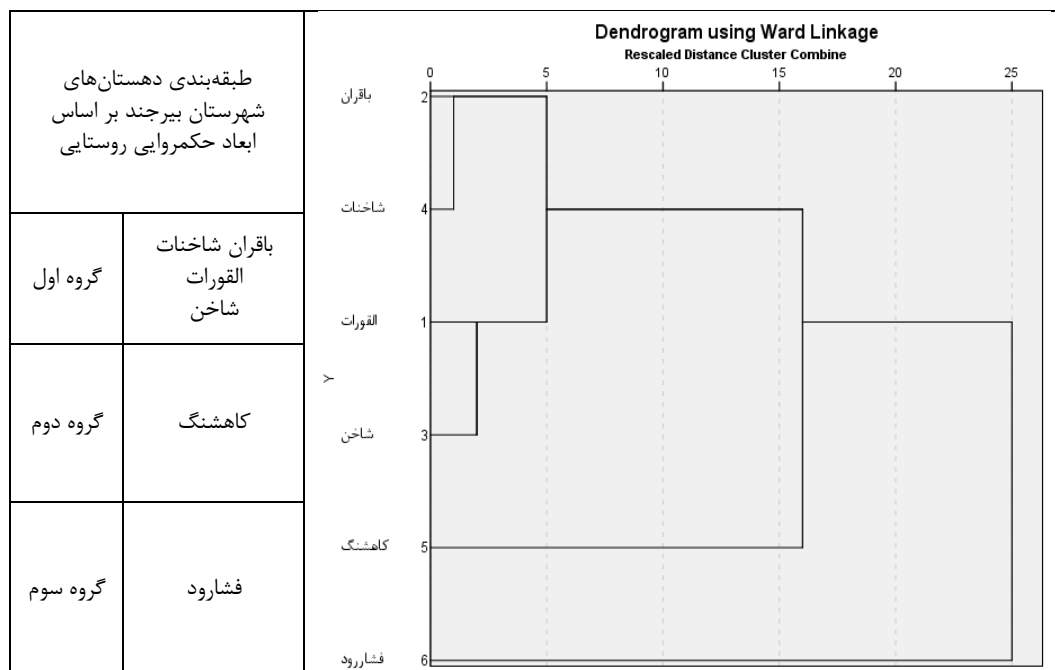
- در دهستان شاخات بر اساس نظر خانوارهای روستایی وضعیت حکمروایی مطلوب روستایی در ابعاد مشارکت روستایی و شفافیت کم‌تر از حد متوسط و در حد کم؛ در ابعاد پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، کارایی و اثربخشی در حد متوسط و در ابعاد قانون‌مندی، عدالت‌محوری، توافق جمعی بیش از حد متوسط و در حد زیاد می‌باشد. به‌طور کلی وضعیت حکمروایی مطلوب روستایی در این دهستان نیز بر اساس نظر خانوارهای روستایی در حد متوسط استنباط می‌شود.

- در دهستان کاهشنگ بر اساس نظر خانوارهای روستایی وضعیت حکمروایی مطلوب روستایی در ابعاد مشارکت روستایی، قانون‌مندی، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، شفافیت و کارایی و اثربخشی کم‌تر از حد متوسط و در حد کم؛ در بعد توافق جمعی در حد متوسط و در بعد عدالت-محوری بیش‌تر از حد متوسط و در حد زیاد می‌باشد. به‌طور کلی وضعیت حکمروایی مطلوب روستایی در این دهستان بر اساس نظر خانوارهای روستایی در حد کم‌تر از متوسط و کم استنباط می‌شود.

- در دهستان فشارود بر اساس نظر خانوارهای روستایی وضعیت حکمروایی مطلوب روستایی در ابعاد مشارکت روستایی، مسئولیت‌پذیری در حد متوسط؛ در بعد کارایی و اثربخشی کم‌تر از حد متوسط و در حد کم و در ابعاد قانون‌مندی، پاسخگویی، عدالت‌محوری، توافق جمعی، شفافیت و بیش از حد متوسط و در حد زیاد می‌باشد. به‌طور کلی وضعیت حکمروایی مطلوب روستایی در این دهستان نیز بر اساس نظر خانوارهای روستایی در حد متوسط استنباط می‌شود.

در یک جمع‌بندی نهایی، وضعیت حکمروایی مطلوب روستایی در دهستان‌های شهرستان بیرجند در ابعاد مشارکت روستایی، شفافیت و کارایی و اثربخشی کم‌تر از حد متوسط و در حد کم؛ در بعد پاسخگویی در حد متوسط و در ابعاد قانون‌مندی، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌محوری و توافق جمعی بیش از حد متوسط و در حد زیاد می‌باشد. به‌طور کلی وضعیت حکمروایی مطلوب روستایی در دهستان‌های این شهرستان بر اساس نظر خانوارهای روستایی کم‌تر از حد متوسط و در حد کم استنباط می‌شود.

نمودار ۲، نمودار "دندروگرام" با روش "وارد" مربوط به گروه‌بندی دهستان‌های شهرستان بیرجند بر اساس ابعاد حکمروایی و با استفاده از داده‌های مربوط به نظرسنجی از خانوارها است که بر پایه این نمودار، دهستان‌های شهرستان بیرجند از نظر ابعاد حکمروایی روستایی در سه گروه، تقسیم‌بندی می‌شوند. بر پایه این گروه‌بندی، دهستان‌های باقران، شاخات، القورات و شاخن با یکدیگر هم‌گروه می‌باشند؛ زیرا از لحاظ تحقق اصول حکمروایی مطلوب روستایی شباهت بیش‌تری به هم دارند. دهستان‌های کاهشنگ و فشارود نیز در گروه جداگانه قرار می‌گیرند.



نمودار ۲) نمودار دندروگرام با روش وارد مربوط به سطح بندی دهستان‌های شهرستان بیرجند بر اساس ابعاد حکمروایی روستایی و براساس نظر خانوارها

- به منظور رتبه‌بندی دهستان‌ها به لحاظ وضعیت حکمروایی مطلوب روستایی تعداد هشت شاخص حکمروایی مطلوب روستایی، میان شش دهستان شهرستان بیرجند به روش تاپ‌سیس مورد ارزیابی قرار گرفت که با توجه به وضعیت شاخص‌های مشارکت، پاسخگویی، مسئولیت-پذیری، توافق جمعی، شفافیت، قانونمندی، عدالت و کارایی بر پایه اولویت‌های حاصل‌شده، دهستان‌های دارای حکمروایی مطلوب مشخص می‌شود. تأثیر شاخص‌های مذکور در تعیین حکمروایی روستایی به صورت زیر است:

- شاخص ۱: مشارکت روستایی مثبت
- شاخص ۲: قانونمندی مثبت
- شاخص ۳: پاسخگویی مثبت
- شاخص ۴: مسئولیت‌پذیری مثبت

شاخص ۵: کارایی و اثربخشی مثبت

شاخص ۶: توافق جمعی مثبت

شاخص ۷: شفافیت مثبت

شاخص ۸: عدالت و برابری مثبت

جدول ۴) ماتریس تصمیم‌گیری شاخص‌های حکمروایی مطلوب روستایی بر اساس داده‌های نظرسنجی

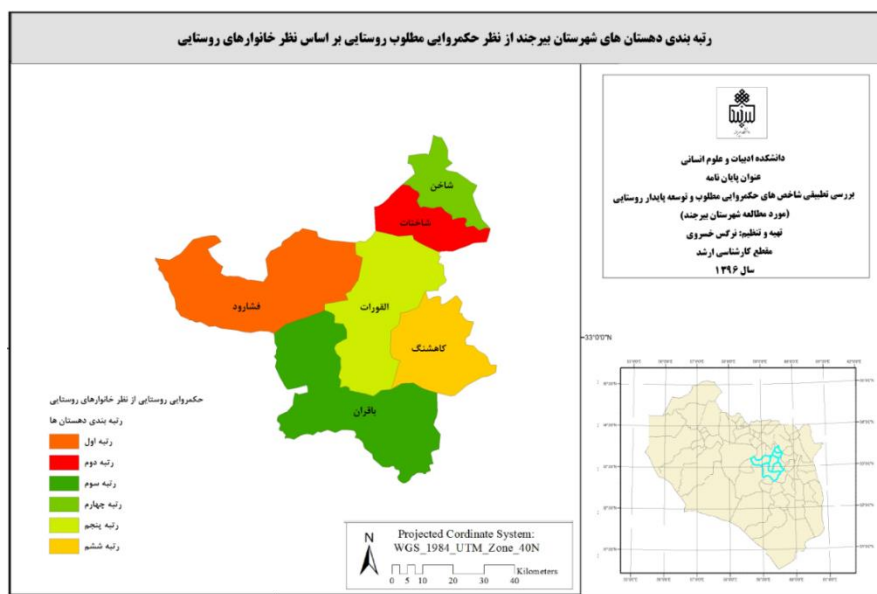
شاخص	نام دهستان	القورات	باقران	شاخن	شاخات	کاهشنگ	فشارود
مشارکت روستایی (شاخص ۱)	۲/۵۲	۲/۶۷	۲/۳۵	۲/۷۷	۲/۸۷	۱/۹۷	
قانون‌مندی (شاخص ۲)	۳/۳۱	۳/۳۱	۲/۹۰	۳/۴۳	۳/۵۴	۲/۵۹	
پاسخگویی (شاخص ۳)	۳/۰۶	۲/۸۰	۲/۹۵	۳/۰۸	۳/۹۳	۲/۲۳	
مسئولیت‌پذیر (شاخص ۴)	۳/۰۶	۳/۴۲	۲/۹۷	۳/۱۷	۳/۳۰	۲/۵۳	
کارایی و اثربخشی (شاخص ۵)	۳/۷۲	۳/۶۰	۳/۷۲	۳/۷۹	۳/۹۷	۳/۵۳	
توافق جمعی (شاخص ۶)	۳/۲۰	۳/۳۲	۲/۹۰	۳/۴۳	۳/۶۴	۲/۹۷	
شفافیت (شاخص ۷)	۲/۲۸	۲/۵۵	۲/۴۶	۲/۵۵	۳/۵۳	۱/۶۷	
عدالت‌محوری (شاخص ۸)	۱/۹۷	۲/۶۹	۲/۴۶	۲/۸۵	۲/۴۹	۱/۹۴	

جدول ۴ ماتریس تصمیم‌گیری شاخص‌های حکمروایی مطلوب روستایی را برای دهستان‌های شهرستان بیرجند بر اساس نظر خانوارها نشان می‌دهد. این ماتریس از هشت شاخص و شش دهستان تشکیل شده است.

جدول ۵) رتبه دهستان‌های شهرستان بیرجند از نظر حکمروایی مطلوب روستایی بر اساس نظرسنجی

نتیجه	نام دهستان	القورات	باقران	شاخن	شاخات	کاهشنگ	فشارود
مقدار CL	۰/۳۵	۰/۴۷	۰/۴۲	۰/۵۰	۰/۰۳	۰/۹۲	
رتبه	۵	۳	۴	۲	۶	۱	

جدول ۵ رتبه هر یک از دهستان‌های شهرستان بیرجند از نظر حکمروایی مطلوب روستایی را بر اساس نظر خانوارها نشان می‌دهد که براساس آن، نتیجه می‌شود که دهستان فشارود از حکمروایی مطلوب‌تری نسبت به بقیه دهستان‌ها برخوردار است.



نقشه ۳) دهستان‌های شهرستان بیرجند از نظر حکمروایی مطلوب بر اساس نظر خانوارهای روستایی

بحث و نتیجه‌گیری

وجود حکمروایی مطلوب در جامعه روستایی گویای تحقق مفاهیمی چون مشارکت، قانونمندی، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌محوری، توافق جمعی، شفافیت، کارایی و اثربخشی در بین روستاییان و مسئولان روستایی می‌باشد. در این رهیافت، پذیرش تعدد منابع قدرت و گروه‌های اجتماعی موجود در نواحی روستایی، توزیع قدرت در سطوح مختلف جامعه روستایی و در نتیجه، رسیدن به توسعه پایدار، تشکیل شبکه‌های انبوه اجتماعی و انجمن‌های محلی در مسیر دستیابی به کنش جمعی و توجه به سرمایه‌های اجتماعی در کنار سرمایه‌های اقتصادی زیست محیطی و غیره مورد تأکید است.

افزون بر این، مشارکت فعال تمام گروه‌ها و مردم مناطق روستایی، فقرا و در حاشیه‌مانده‌ها و ... در امر برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و نظارت بر عملکرد مدیران و مسئولان روستایی؛ همچنین مشارکت در منابع خودشان برای تحقق و به‌واقعیت‌رسیدن توسعه‌ی پایدار، امری ضروری و حتمی است.

حکمروایی مطلوب و توسعه پایدار روستایی، دارای ارتباط متقابل است. از سویی توسعه و حرکت به سوی آن به تقویت مبانی حکمروایی مطلوب روستایی و در نتیجه افزایش کیفیت زندگی می‌انجامد و از سوی دیگر ایجاد و تقویت حکمروایی مطلوب روستایی، بسترهای مناسب را برای پایداری روستاها در ابعاد سه‌گانه‌ی "اکولوژیکی"، "اجتماعی" و "اقتصادی" فراهم می‌سازد. نتایج تحقیق در منطقه مورد مطالعه نشان‌داد که به‌طورکلی این نواحی روستایی از نظر حکمروایی مطلوب روستایی در وضعیت مطلوبی قرار ندارند. وجود حکمروایی مطلوب در جامعه روستایی گویای تحقق مفاهیمی چون مشارکت، قانونمندی، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌محوری، توافق جمعی، شفافیت، کارایی و اثربخشی در بین روستاییان و مسئولان روستایی می‌باشد.

در این رهیافت، پذیرش تعدد منابع قدرت و گروه‌های اجتماعی موجود در نواحی روستایی، توزیع قدرت در سطوح مختلف جامعه روستایی و در نتیجه، رسیدن به توسعه‌ی پایدار، تشکیل شبکه‌های انبوه اجتماعی و انجمن‌های محلی در جهت دستیابی به کنش جمعی و توجه به سرمایه‌های اجتماعی در کنار سرمایه‌های اقتصادی زیست محیطی و غیره مورد تأکید است. افزون بر این، مشارکت فعال تمام گروه‌ها و مردم مناطق روستایی، فقرا و در حاشیه‌مانده‌ها و ... در امر برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و نظارت بر عملکرد مدیران و مسئولان روستایی و همچنین مشارکت در منابع خود برای تحقق و به‌واقعیت‌رسیدن توسعه پایدار روستایی، امری ضروری و حتمی است.

همان‌طور که بررسی فرضیه‌های تحقیق نشان داد، منطقه مورد مطالعه از لحاظ حکمروایی مطلوب روستایی در وضعیت مطلوبی قرار نداشته؛ دهستان‌های شهرستان بیرجند از این نظر همسطح نیستند و در رتبه‌های متفاوتی نسبت به هم قرار دارند.

منابع

- جاودان، مجتبی؛ رکن الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۹). "اندازه‌گیری شاخص‌های توسعه پایدار اجتماعی در حوزه‌های روستایی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (مورد مطالعه: بخش سربند شهرستان شازند استان مرکزی)". *مجله کاربرد GIS, RS در برنامه‌ریزی*، سال اول، ش ۱ (پاییز): ۶۵-۷۸.
- دارابی، حسن (۱۳۸۸). *مروری بر تئوری‌های برنامه‌ریزی کالبدی*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی.
- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، و دیگران (۱۳۹۰). "تبیین رابطه رهیافت حکمروایی خوب و توسعه پایدار روستایی". *پژوهش‌های روستایی*، سال دوم، ش ۴ (زمستان): ۱-۳۴.
- زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۹۳). *توسعه پایدار*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- عظیمی‌آملی، جلال (۱۳۹۰). "تحلیل حکمروایی خوب در پایداری روستاها (مورد مطالعه: روستاهای استان مازندران)". *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی*، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- عظیمی‌آملی، جلال، و دیگران (۱۳۹۱). "ارائه الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران". *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال هشتم، ش ۲۶ (تابستان): ۱-۲۸.
- عظیمی‌آملی، جلال؛ رکن الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۹۳). *حکمروایی خوب روستایی (مدیریت توسعه پایدار)*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- مهندسین مشاور دی. اچ. وی. (۱۳۷۱). *رهنمودهایی برای مراکز روستایی*. ترجمه جوادمیر و دیگران. تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی؛ روستا و توسعه.
- موسی‌کاظمی، سیدمهدی (۱۳۸۷). "ارزیابی توسعه پایدار در توسعه شهری (پژوهش موردی: شهر قم)". *رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری*، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

- میدری، احمد؛ خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳). *حکمرانی خوب*. تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها، بنیان توسعه.

- میسرا، آر. پی؛ سوندارام، کی. وی. (۱۳۷۱). *گزینه‌های توسعه روستایی*. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۰). "جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت". مدیریت شهری، سال دوم، ش ۵ (بهار): ۶-۱۵.

- Davis, H. (2004). "Future Role and Organization of Local Government, policy making". *Local Government Studies*, Vol. 14, No. 1: 41-55.

- Dekker, K.; Kempen, R. (2004). "Urban governance within the big cities policy". *Journal Cities*, Vol. 21, No. 1: 21-54.

- Fukuyama, Francis (1999). "Social Capital and Civil Society Conference on Second Generation Reform Hediger, werner (1997)". *Towards and ecological economics of sustanble development*, Vol, 5, No, 1: 101-109.

مسائل فرهنگ عمومی با تأکید بر موضوع شهروندی و اخلاق اجتماعی شهروندان شهر سبزوار^۱

حسین قدرتی^۲

شفیعه قدرتی^۳

مهرداد زیدی^۴

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

شماره صفحه: ۱۱۹-۱۵۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۲۰

چکیده

حقوق شهروندی، مجموعه‌ای از قواعد حاکم بر روابط اشخاص و گروه‌ها در جامعه شهری و اخلاق اجتماعی، میزان احترام و پایبندی این اصول در ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. هدف این پژوهش بررسی جامعه‌شناختی مسائل فرهنگ عمومی (با تأکید بر حوزه شهروندی و اخلاق اجتماعی شهروندان شهر سبزوار) است؛ مسائلی که جامعه‌شناسانی چون پارسونز، اینگلهارت به‌عنوان بزرگ‌ترین کارشناسان این دانش تأکید زیادی بر شناخت و اولویت‌بندی آن‌ها برای پیشگیری و حل معضلات داشته‌اند.

بدین‌منظور سه‌نمونه (مجموعاً ۲۸۰ نفر) شامل ۷۰ نفر از مسئولان و افراد تأثیرگذار فرهنگی به روش مصاحبه نیمه‌باز، ۲۰۰ نفر از مردم اجتماع به روش تصادفی ساده و ۱۰ نفر از کارشناسان

۱. این مقاله برگرفته از طرحی است با عنوان "شناسایی و اولویت‌بندی مسائل فرهنگی - اجتماعی شهرستان سبزوار" که با حمایت مالی مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی انجام شده است.

hosseineghodrat@gmail.com

۲. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه حکیم سبزواری، نویسنده مسؤول

S.ghodrat@hsu.ac.ir

۳. استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه حکیم سبزواری

Merdadzeydi@gmail.com

۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه حکیم سبزواری

فرهنگی با روش ANP مورد مطالعه قرار گرفتند. پس روش تحقیق این پژوهش تلفیقی از روش‌های ANP کیفی و روش کمی پرسش‌نامه‌ای نیمه‌ساختار یافته بوده و داده‌ها به روش تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که از نظر مسئولان و اثرگذاران فرهنگی، بیکاری با ۴۱/۰۱٪، فرهنگ نامناسب رانندگی با ۳۶/۹۹٪ و اعتیاد با ۳۱/۵۱٪ مهم‌ترین تهدیدهای فرهنگی حوزه عمومی (شهروندی و اخلاق اجتماعی) در شهر سبزوار هستند. از نظر مردم، کم‌توجهی به حقوق عمومی توسط موتورسواران با ۵۳/۰۱٪ و اعتیاد با ۲۷/۰۸٪ مهم‌ترین آسیب‌ها محسوب می‌شوند. نقطه مشترک نظرات این دو دسته اعتیاد است که در حال حاضر یکی از سه معضل مهم و جدی مردم سبزوار می‌باشد. در نهایت با مقایسه دوبه‌دویی معضلات در قالب مدل ANP به ترتیب بیکاری با ۰/۳۱، اعتیاد ۲۷/۸، ضعف فرهنگ کار جمعی و گروهی ۰/۱۱ سه معضل مهم از نظر آن دو گروه محسوب می‌گردد. مهم‌ترین عامل مؤثر بر بیکاری به عنوان اولویت اول نیز، نبود برنامه‌های مناسب فرهنگی با ضریب تأثیر ۰/۰۸۹٪ است. پیشنهاد مردم و مسئولان فرهنگی نیز با توجه به اولویت‌های نخست معضلات اجتماعی به ترتیب، جذب صحیح سرمایه جهت کاهش بیکاری، برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و نظارت بر اجرای صحیح آن‌ها، تقویت روحیه همکاری و نیز معرفی الگوهای موفق اجتماعی و اقتصادی در شهر سبزوار است. یافته‌های تحقیق با نظریات پارسونز به عنوان نظریه اصلی و مورد استفاده در این پژوهش مطابقت دارد.

واژگان کلیدی: فرهنگ عمومی، مسائل فرهنگی، سبزوار، حقوق شهروندی

مقدمه

یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار در جوامع کنونی تغییرات سریع و روزافزون در نگرش‌ها و تفکرات و شیوه زندگی افراد در جوامع مختلف است. این دگرگونی‌ها می‌تواند فرهنگی یا اجتماعی باشد که ممکن است به عواقب و پیامدهای گوناگون همراه با آسیب‌های متعددی برای این جوامع بینجامد.

با میزان خدمات اجتماعی موجود برای گروه‌های گوناگون انسانی در شهرهای ایران با بیش‌ترین گروه جمعیتی قشر جوان، می‌توان گفت آن‌ها مستعدترین زیست‌گاه‌ها برای پرورش مسائل فرهنگی و اجتماعی هستند. بی‌شک با افزایش روند جهانی شدن در دهه‌های گذشته نیازها و خواسته‌های تازه‌ای بین شهروندان شکل گرفته که در بسیاری موارد یا در رویارویی با فرهنگ‌های بومی بوده یا مسؤولان نهادهای اجتماعی و فرهنگی نتوانسته‌اند خود و برنامه‌های‌شان را با این فرآیند سازگار سازند. این ناهمگونی باعث ایجاد انواع گوناگونی از گرهِای فرهنگی-اجتماعی بویژه میان شهروندان شده تا جایی که می‌توان مسائل فرهنگی عمومی و اجتماعی را از مهم‌ترین موضوعات شهروندان شهرهای کنونی دانست. فرهنگ عمومی^۱ یعنی فرهنگی که نسبت به افراد جامعه همه‌گیری و فراگیری داشته؛ همه لایه‌های اجتماعی را دربرگیرد. برای فرهنگ عمومی تعاریف متعددی ارائه شده که رایج‌ترین آن‌ها عبارت‌است از:

۱- بخشی از فرهنگ که از شیوه‌های رفتار عمومی مردم (عرف جامعه) ساخته شده یا از آن تأثیرپذیری مشهود دارد.

۲- بخش‌هایی از فرهنگ است که بیش‌تر مردم در کیفیت آن نقش دارند.

۳- گستره‌هایی از فرهنگ است که بیش‌تر گوشه‌ها و ساحت‌های زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اگر بخواهیم به اصل سادگی و جامعیت در تعریف فرهنگ عمومی پای‌بند باشیم، شاید بتوان فرهنگ عمومی را به رفتارهای رایج فرهنگی در جامعه یا رفتار مرسوم مردم آن جامعه تعریف کرد (خاشعی، ۱۳۸۳: ۲۳).

برای ترسیم تصویری روشن‌تر از فرهنگ عمومی بد نیست به توصیفی که شهروندی استرالیایی از کشورمان داشته، توجه کنیم: «مردم ایران فوق‌العاده خون‌گرم، مهربان، پُرجنب‌وجوش و میهمان‌نوازند ولی با وجود تعداد زیاد اتومبیل، از قواعد و فنون رانندگی پیروی نمی‌کنند. به‌نظر می‌رسد که مردم از قواعد و مقررات تعیین‌شده‌ای در زندگی اجتماعی پیروی نمی‌کنند ...».

ناگفته پیداست همواره داوری رفتار و منش دیگران ساده‌تر از قضاوت کارکرد خودمان است. الگوهای رفتاری دیگران به نظرمان عجیب یا ناشایست می‌نماید و به‌سادگی نسبت به آن‌ها حساس می‌شویم و به داوری می‌نشینیم، ولی آن‌چه به عرف و عادت رفتار و منش جامعه‌ی خودمان مربوط می‌شود به همان‌سادگی نقد نمی‌شود (همانجا). مقوله‌ی شهروندی با احساس وابستگی اجتماعی، منش ملی، دینی، فرهنگی و تا حدی با چگونگی نظام سیاسی و اقتصادی ارتباط دارد. شهرها طبیعت خاص خود را دارند؛ مکانی که به پیدایش خلاقیت‌ها، دستیابی به سطح مطلوبی از زندگی و ایجاد بسترهای رشد اخلاق اجتماعی به‌منزله‌ی عنصری اساسی می‌انجامد تا حیات اجتماعی مردم بهبود یابد (زلفعلی‌فام و آقائی، ۱۳۹۳: ۷۷). شهروندی عضویت فعال و غیرفعال افراد در ملت-دولت با حقوق و تکالیف رایج و مشخص از برابری است (Janoski, 1997: 9). شهروند کسی است که حقوق فردی و جمعی خود را می‌شناسد و از آن‌ها دفاع می‌کند. او قانون را می‌شناسد و به آن عمل می‌کند، از طریق آن حق‌جویی می‌کند و حق و حقوق دیگران را نیز به بدترین نحو رعایت می‌نماید. برای حقوق دیگران احترام می‌گذارد و در امور شهر مشارکت دارد.

شهروندی سکونت فرد در شهری برای مدتی مشخص نیست؛ که مجموعه‌ای از آگاهی‌های حقوقی، فرهنگی، فردی و نیز اجتماعی است. روند بهبود کیفیت فرهنگ عمومی و حقوق شهروندی و اخلاق اجتماعی نیازمند بهبود شرایط اجتماعی و توسعه اقتصادی است، چرا که روند باروری اخلاقی و انسانی و فرهنگی هر شخصی و هر گروهی در گرو رشد ارزش‌های اجتماعی و جمعی است.

در حالی که حقوق شهروندی در ادبیات حقوقی کشور ما اصطلاحی جدید و تازه‌وارد محسوب می‌شود، در تمامی این‌عصر آگاهی از حقوق شهروندی نیاز اساسی همه ملت‌ها بوده است. رشد گرایش دولت‌های دموکراتیک و ملت‌ها به شناخت اجتماعی و شهروندی‌شان ناگهانی نبوده؛ که همواره نوعی احساس نیاز، جوامع نوین را به سوی این آگاهی هدایت کرده است. امیل دورکیم^۱

جامعه‌شناس معروف را می‌توان نماد بارز این تفکر دانست که می‌گوید جامعه یک کل به هم پیوسته و تجزیه‌ناپذیر است (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۰: ۱۰۱). شهروند به تک‌تک افراد جامعه در مفهومی فراتر از تابعیت اطلاق می‌شود. این مفهوم به سلسله‌مراتب یا جایگاه افراد، شرایط به رسمیت شناخته شدن، حاکمان خاص و حکومت‌شوندگان خاص اعتنایی ندارد؛ که مبتنی بر رابطه‌ای چندسویه بین دولت، جامعه و شهروندان و وجود یک اخلاق مشارکتی و موقعیتی فعالانه است. به عبارت دیگر در نظام حقوقی هر کشور مجموعه حقوق و امتیازاتی را برای ایجاد بستر رشد شخصیت فردی و اجتماعی با رعایت دو اصل کرامت انسانی و منع نابرابری به شهروندان، حقوق شهروندی می‌گویند (قاضی‌پور، ۱۳۹۶: ۷).

اخلاق اجتماعی که بیش‌تر برپایه جستارهای روانشناسی است، در زبان جامعه‌شناسی همان جامعه‌پذیری در فرآیند درونی‌شدن عقاید، ارزش‌ها و یگانگی فرد با فرهنگ و جامعه می‌باشد. در فرهنگ، اخلاق اجتماعی به عنوان ارزش‌ها و قواعد رفتاری در جامعه بررسی می‌شود؛ پس این قواعد رفتاری مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها و هنجارهایی است که امور بیرونی و مستقل فرد تلقی گشته، در جریان جامعه‌پذیری او درونی می‌شوند و به صورت قسمتی از منش او درمی‌آیند (رجب‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۵).

امروزه یکی از نگرانی‌های مهم مدیریت شهرها، چالش‌های فرهنگی و اجتماعی است که تمامی پیکره‌ی شهرها و حقوق شهروندی را تحت تأثیر قرار داده و روزه‌روز نیز با گسترش مسائل اجتماعی و اقتصادی سطح وسیع‌تری پیدا می‌کند که می‌تواند سلامت اجتماعی و اخلاقی شهروندان را بر هم زند و موجب بی‌نظمی و پایداری حقوق شهروندی شود. بدین ترتیب مسأله فرهنگی را می‌توان وضعیت نمودیافته‌ای دانست که با ارزش‌های شمار زیاد و مهمی از مردم همسویی ندارد و آنان خواهان تغییر یا اصلاح آن‌اند (رایبینگتن و واینبرگ، ۱۳۹۳: ۱۳-۱۲). برای حفظ تعادل اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی شهرها و ایجاد فضای فرهنگی سالم بین شهروندان هر شهر باید ابتدا مهم‌ترین قوت‌ها و مسائل فرهنگی و شهروندی را از زبان خود مردم و دریچه دید آن‌ها شناخت؛ همان‌ها که مردم و نخبگان شهر با آن درگیر هستند. بدین گونه مدیران و مسؤولان

مربوطه نیز می‌توانند صحیح‌تر و با برنامه‌ای هم‌سو با نیازهای فرهنگی جامعه برای گسترش آن نقاط قوت و کاهش مسائل فرهنگی و اخلاق عمومی برنامه‌ریزی نمایند. ضرورت اولویت‌بندی مسائل اجتماعی-فرهنگی بویژه هنگام ارتباط با مدیران اجرایی و سیاست‌گزاران بروز می‌کند. محققان اجتماعی اغلب در رویارویی با مدیرانی که نگرانی مدیریت بر اساس رویکرد علمی دارند، با این سؤال مواجه می‌شوند که از کدام مسأله باید آغاز کنیم. علوم اجتماعی اگر بخواهد رابطه اندام‌واری با سایر اجزای نظام اجتماعی داشته باشد و به جایگاه مطلوب خود در جامعه برسد، ضرورت دارد که در چارچوب نیازهای ملموس جامعه خود به تحقیق بپردازد.

بنا بر پژوهش‌های کلان‌کسوری و استانی، با توجه به برجستگی این استان در زمینه رشد جمعیت و موقعیت ژئوپلیتیکی و فرهنگی، خراسان رضوی و شهرهای بزرگ آن از جایگاه ویژه‌ای در تحقیقات اجتماعی و فرهنگی برخوردار بوده است؛ آن‌سان که بنا به راهبردهای توسعه، این استان در سال ۱۳۹۰ رتبه اول حاشیه‌نشینی، در سال ۱۳۹۵ رتبه ۲۸ سرمایه اجتماعی و فرهنگی در سطح کلان ملی و میانگین ۱۳/۳ نسبت به میانگین کشوری با ۱۲/۳ از شاخص "میزان اعمال بر ضد فرهنگ و اخلاق عمومی توسط شهروندان" در کشور را به خود اختصاص داده است. ناگزیر سبزواری نیز به‌عنوان یکی از شهرهای بزرگ استان از این قاعده جدا نبوده است (پاک سرشت و دیگران، ۱۳۹۵). براساس نتایج پیمایش طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی استان خراسان رضوی در بخش ارزش‌ها و ویژگی‌های اخلاقی (کریمی، ۱۳۹۴: ۲۳۹) پاسخ‌گویی مردم به پرسش‌هایی که با متغیرهای تحقیق حاضر نزدیکی محتوایی دارند، به شرح جدول ۱ می‌باشد.

جدول (۱) میزان ارزش و ویژگی‌های طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی (خراسان رضوی)

ارزش و ویژگی	کم و خیلی کم	متوسط	زیاد و خیلی زیاد	نسبت زیاد به کم از ۱۰۰
رعایت حقوق دیگران	۵۱/۸	۳۹/۳	۸/۸	۵۳/۴۱
قانون‌گریزی	۱۰/۹	۳۲/۲	۵۶/۹	۳۵/۴۴
تعاون‌گرایی	۵۳/۵	۳۵/۹	۱۰/۵	۳۶/۳۷

پس مقاله حاضر نیز در پی پاسخ به این پرسش می‌باشد که باتوجه به سابقه و موقعیت فرهنگی و اجتماعی شهر سبزوار از دید مردم و مسؤولان فرهنگی این شهر مهم‌ترین نقاط قوت حوزه فرهنگی و اساسی‌ترین مسائل فرهنگی و شهروندی کدام‌اند؟ طبیعی است که پاسخ جامعه‌شناسانه و متناسب با جامعه هدف به این پرسش و پرسش‌های همانند، به ارایه راهکارهای درست و جلوگیری از نهادینگی هر چه بیش‌تر این مسائل منجر خواهد شد.

بنا به آن‌چه گفته شد هدف کلی و اصلی این پژوهش "مطالعه‌ی جامعه‌شناختی مسائل فرهنگ عمومی شهر سبزوار (با تأکید بر حوزه شهروندی و اخلاق اجتماعی شهروندان)" است و اهداف جزئی عبارت‌اند از: شناخت و اولویت‌بندی مهم‌ترین مسائل فرهنگ عمومی شهر، ظرفیت‌ها و نقاط قوت در حوزه فرهنگ عمومی و تهدیدها و آسیب‌ها در این حوزه از دید مردم، مسؤولان و افراد تأثیرگذار فرهنگی شهر سبزوار و نیز بررسی علل و میزان تأثیر آن‌ها بر مهم‌ترین آسیب فرهنگی که اولویت نخست را در شهر سبزوار دارد.

پیشینه پژوهش

مسأله‌ی فرهنگی یکی از اصطلاحاتی است که به تازگی به علوم اجتماعی وارد شده است، این پدیده تقریباً بعد از انقلاب صنعتی و تغییرات آن و به دلیل تأثیراتی که بر باورها، نگرش‌ها، طرز تفکر و رفتار مردم با فرهنگ‌های گوناگون داشت، اهمیت پیدا کرد. امروزه نیز خود مسائل و چالش‌های فرهنگی تحت تأثیر شرایط و عوامل گوناگونی رخ می‌دهد و همین امر باعث توجه ویژه‌ی جامعه‌شناسان و مردم‌نگاران و سایر علوم مرتبط با فرهنگ گردیده که در ادامه به پاره‌ای از آن‌ها اشاره خواهیم نمود.

جدول ۲) ادبیات تجربی پژوهش

نام محقق	نام پژوهش	نوع پژوهش	نتایج پژوهش
امینی	بررسی وضعیت فرهنگی جامعه از نظر مسؤولان فرهنگی استان همدان	کیفی	دیدگاه‌های مختلفی بین مسؤولان فرهنگی وجود دارد که غالباً کیفیت برنامه‌های فرهنگی را مطلوب ارزیابی نمی‌کنند. این دیدگاه‌ها حاکی از آن است که اقدامات و برنامه‌های فرهنگی، مورد ارزیابی و نتیجه‌سنجی کارشناسانه قرار نمی‌گیرند و بنابراین فرهنگ جامعه را دچار آسیب‌های جدی مانند نسبی‌گرایی دینی، اقدامات فرهنگی غیرمتخصصانه و غیرمحققانه، ضعف در هم‌پاری مسؤولین فرهنگی، تردید در اعتقادات دینی، تجمل‌گرایی و ظاهرگرایی و ... نموده است (۱۳۹۵: ۲۳۵).
کریمی	وضعیت مسائل و آسیب‌های اجتماعی خراسان رضوی	کمی	در این پژوهش نشان می‌دهد که شهروندان استان خراسان رضوی، معضل بیکاری را مهم‌ترین معضل در جامعه می‌دانند (۱۳۹۴: ۲۳۹).
کمریگی و رشیدی	مسئله‌شناسی و اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل فرهنگی در شهر ایلام	کمی	پس از شناسایی و اولویت‌بندی ۹۲ مسأله حوزه فرهنگی و اجتماعی آن‌ها را در معرض قضاوت جامعه آماری گذاشته و به این نتایج دست یافتند که: مهم‌ترین مسأله فرهنگی حاکم بر فضای استان، بیکاری در رتبه نخست با میانگین (۶۸/۲۲) پایین‌بودن فرهنگ کار و تلاش با میانگین (۶۴/۸۱) در رتبه دوم و کاهش احساس مسؤولیت اجتماعی نیز با میانگین (۶۳/۳۳) در رتبه سوم مسائل و آسیب‌های فرهنگی استان ایلام است (۱۳۹۴: ۱۶۵).
زلفعلی‌فام و آقایی	بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر تعهد اجتماعی شهروندان به مسائل شهری در شهر تبریز	کمی	به این نتایج رسیدند که: سرمایه فرهنگی با میزان تعهد اجتماعی شهروندان رابطه مستقیم و مثبت دارد، هم‌چنین تحلیل رگرسیونی تأثیر متغیر سرمایه فرهنگی بر تعهد اجتماعی معنادار است، یعنی تعهد اجتماعی قابلیت پیش‌بینی با ابعاد سرمایه فرهنگی را دارد و سایر نتایج از ابعاد متغیرها نیز بیانگر تأثیرات چشمگیر سرمایه فرهنگی بر تعهد اجتماعی شهروندان است (۱۳۹۳: ۷۷).
وثوقی، آرام، سلمانی	بررسی موانع ساختاری در جهت شکل‌گیری و ارتقای توسعه فرهنگی در ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها	اسنادی	به این یافته‌ها دست پیدا کردند که وضعیت شاخص‌های فرهنگی و به عبارتی وضعیت توسعه فرهنگی ایران در شرایط مساعد و مطلوبی نیست و از جمله عوامل تأثیرگذار بر این وضعیت مقولات فرهنگ سنتی، سنت ایرانی، فرهنگ استبداد و تأخر فرهنگی است. نتایج به‌دست‌آمده حاکی است فرهنگ برآمده از نظام ناموزون و ناهمگون جامعه ایران، به‌عنوان مانع ساختاری روند و فرایند توسعه و توسعه فرهنگی در جامعه ایران بوده است (۱۳۹۱: ۱).
رشیدپور و مرادی	شناخت چالش‌ها و آسیب‌های فراروی فرهنگ و مدیریت فرهنگی، کشور و آرایه راهکارهایی در خصوص رفع این آسیب‌ها	کیفی	یافته‌ها نشان داد که: فقدان تعامل پویا و منطقی میان نظام برنامه‌ریزی فرهنگی با برنامه‌ریزی راهبردی و کلان کشور، فقدان دیدگاه مشترک درباره چشم‌اندازها، وجود مراجع متعدد سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ و نبود شاخص‌های و استانداردهای لازم برای ارزیابی برنامه‌های فرهنگی از جمله مهم‌ترین تهدیدهای فراروی حوزه فرهنگ است. از طرف دیگر مهم‌ترین مانع در شکل‌گیری پویایی فرهنگ کشور ناکارآمدی سازمان‌های فرهنگی در دو سطح کلان (خط مشی‌گذاری فرهنگی) و خرد (مدیریت سازمان‌های فرهنگی) است. فقدان استراتژی و کادر تخصصی فرهنگی، تأثیرپذیری شدید حوزه فرهنگ از نظام سیاسی، اقدامات موازی فرهنگی، ساختار معیوب اداری در نهادهای فرهنگی و فقدان نگرش بلندمدت و نبود مدل‌های مطلوب فرهنگی از مهم‌ترین چالش‌ها در سطح کلان بوده و در سطح خرد نیز می‌توان به ناکارآمدی ساختاری و عدم پویایی و تحول‌پذیری، ضعف آموزش، تداخل وظایف نهادهای فرهنگی، انجماد و انفعال فرهنگی اشاره کرد (۱۳۸۹: ۶۷).
کاووسی و حسن‌پور	بررسی عوامل مؤثر در ارتقای سطح فرهنگ عمومی از دیدگاه مدیران فرهنگ و ارشاد اسلامی	کمی	از بین عوامل چندگانه اقتصادی، سیاسی و مذهبی خانواده و ... بیش‌ترین تأثیر و همای‌های فرهنگی و هنری کم‌ترین تأثیر را داشته‌اند هم‌چنین در میان عوامل مذهبی بعد اعتقادی و بعد عملی بیش‌ترین تأثیر و مساجد کم‌ترین تأثیر را در ارتقای فرهنگی دارند، در میان متغیرهای سیاسی نیز رهبری، هیأت دولت و قانون اساسی بیش‌ترین و احزاب و روابط بین‌الملل کم‌ترین تأثیر را داشته‌اند. در بین عوامل اقتصادی نیز میزان درآمد و تورم بیش‌ترین تأثیر و بورس و بانک‌ها و بازار کم‌ترین تأثیر را در ارتقای فرهنگ عمومی داشته‌اند (۱۳۸۶: ۱۳).

چنانچه در بخش ادبیات تجربی تحقیق جدول ۲ مشاهده می‌شود در جامعه امروزی و با توجه به تغییرات فرهنگی و اجتماعی آن، مسائل فرهنگی و عمومی به اولییتی میان صاحب‌نظران و پژوهشگران اجتماعی تبدیل شده است. گستردگی این مسائل سبب شده است هر محقق تنها به بررسی بخشی از این مسائل بپردازد و هنوز فضای کافی برای تحقیق در این حوزه وجود دارد. بررسی‌های طی این پژوهش در بخش ادبیات تجربی نشان داد که هنوز تحقیقی جامع و کامل با ریشه‌یابی کلی و مشترک از مسائل فرهنگ عمومی جامعه صورت نگرفته و بیش‌تر پژوهش‌های پیشین تنها بررسی یک‌طرفه، بویژه از طرف گروهی از جامعه (مردم یا مسئولان فرهنگی) بوده است. زاویه نگاه و ارایه راهکار از بالا به مانند سایر تحقیقات اجتماعی است و جایی برای راهکارهای پیشنهادی مردم درگیر با آن مسائل ندارد. شاید نقطه قوت و برتری این پژوهش و پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه‌های اجتماعی نسبت به سایر بررسی‌ها نیز همین باشد که نظریات کارشناسان مسائل اجتماعی و فرهنگی در کنار نظرات عموم مردم استفاده شده؛ هم‌چنین بنا به برتری جایگاه مسائل فرهنگی در جامعه هدف، از خود مردم خواسته شده که راهکارهایی عملی و اجرایی متناسب با نوع آسیب ارایه دهند.

مبانی نظری

به طور کلی می‌توان گفت عوامل متعددی در جهت‌دادن مسائل فرهنگی در جوامع مختلف و در طول دوره‌های گوناگون تأثیرگذار بوده است. در این میان طی سده‌های گذشته با شدت‌گرفتن فرآیند جهانی‌شدن و تحولات به وجود آمده در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی یا همه مسائل و معضلات تازه‌اش، جامعه‌شناسان بر آن شده‌اند تا توجه و دیدی ویژه به عرصه مسائل فرهنگی و اجتماعی داشته باشند. در نظریات پیش رو، سعی شده آن دسته از نظریاتی آورده شود که مستقیم به مقوله فرهنگ و مسائل مرتبط پرداخته است. پارسونز^۱ مسائل فرهنگی را به صورت وابسته در نظر گرفته، به گونه‌ای که حل‌نشدن یک مسأله می‌تواند به بروز مسائل دیگری نیز منجر شود.

اینگلهارت^۱ مسائل فرهنگی را فرآیندی می‌داند و ویلیام اگبرن^۲ تأخر فرهنگی را عامل مؤثر در شکل‌گیری مسائل فرهنگی پنداشته است. در این پژوهش سعی شده ضمن شناخت مسائل فرهنگی در شهر سبزوار، بررسی ریشه‌ها را بنا بر نظریات پارسونز و پایش عوامل مؤثر دسته دوم و تأخر فرهنگی اگبرن را بنا بر نظریات اینگلهارت طرح کنیم؛ پس برای آشنایی بهتر با مسائل فرهنگی شهر سبزوار، این نظریات و البته برخی نظریات دیگر مبنای نظری ما خواهد بود.

روشه^۳ (۱۳۷۶: ۸۳-۸۱) به طرح نظام‌های فرعی کنش از دیدگاه پارسونز می‌پردازد و می‌گوید: «در نگاه پارسونز، میان چهار نظام فرعی (ارگانیسم زیستی، شخصیت، فرهنگ و نظام اجتماعی) روابط بسیار پیچیده‌ای وجود دارد؛ بدین گونه این چهار نظام فرعی در عین مستقل بودن به یکدیگر وابسته‌اند و از هم کمک می‌گیرند. به هم متکی‌اند و یکدیگر را متقابلاً تحمیل می‌کنند. بنا به نظریات پارسونز اختلال در سیستم فرهنگی و یا هرکدام از نظام‌های یادشده می‌تواند باعث اختلال در سایر نظام‌ها شود و آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار دهد؛ این امر بدان دلیل است که مسائل فرهنگی، تک‌بعدی نیستند و تحت تأثیر مسائل و موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوتی تشکیل می‌شوند.

اینگلهارت از کارشناسان دیگری است که مسائل ایجادشده فرهنگی را به صورت اموری فرآیندی می‌بیند. او همانند بسیاری از دیگر کارشناسان معتقد است که شکل‌گیری مسائل فرهنگی، تدریجی و بازتاب دگرگونی و تغییر در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های مختلف شکل داده است. از این رو دگرگونی‌ها و مسائل فرهنگی از موضوعاتی هستند که فقط در درازمدت قابل درک‌اند؛ لذا برای بررسی شخص باید این رخدادها را در طول دهه‌ها یا حتی سده‌های مختلف و در زمینه‌های گوناگون واکاوی کرد. به عقیده وی از بارزترین نوع ناهمگونی‌ها و مسائل فرهنگی، تفاوت ارزش‌ها و هنجارهای بین نسل‌ها است که می‌توان آن را فاصله فرهنگی بین‌نسلی تلقی کرد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۸-۲۰).

1. Ingelhart

2. William Fielding Ogburn

3. rocher

مارگارت آرچر^۱ جامعه‌شناس انگلیسی در نظریات خود پایه‌ای اساسی را در فرهنگ نقش آفرینندگی، بازتولید یا گسترش فرهنگ می‌داند. او سطحی از کنش متقابل فرهنگی-اجتماعی را با استفاده از اصطلاح روابط اتفاقی مورد توجه قرار می‌دهد؛ جایی که در آن افراد با رجوع به چنین باورها و دانشی بر هم تأثیر می‌گذارند. آرچر تأکید می‌کند که این سطوح به لحاظ تحلیلی از هم متمایزند و به شکلی مستقل دارای تنوع هستند. یکپارچگی در سطح فرهنگ شامل سازگاری منطقی و پیوستگی است؛ در حالی که یکپارچگی در سطح کنش متقابل فرهنگی - اجتماعی متشکل از همدلی اجتماعی می‌باشد (ریتزر، ۱۳۸۹؛ ۶۶۷-۶۷۱).

آرچر بر این نکته پافشاری می‌کند که فکریایی که نظام‌های فرهنگی مشخصی را می‌سازند، ممکن است منطقاً ناسازگار باشند اما هم‌چنان از همبستگی اجتماعی پشتیبانی کنند. اگر در پذیرش مردم از این باورها درجه بالایی از وفاق وجود داشته باشد، ناسازگاری منطقی آن‌ها لزوماً منجر به شکست در همبستگی یا همگنی فرهنگی نمی‌شود؛ زیرا این همگنی فرهنگی همیشه همبستگی اجتماعی را تضمین می‌کند. حتی در یک جامعه با نظام فرهنگی یک‌رنگ و یگانه، تنوعات موجود در علایق مادی و غیرمادی افراد، فضایی برای نوآوری فرهنگی و تفاوت دیدگاهی فراهم می‌کند (Johnson, 2008: 521-523).

او رویکردهای مختلف به فرهنگ را در سه دسته تفکیک می‌کند. نخستین جهت‌گیری، ترکیب بالا به پایین است. از این دیدگاه فرهنگ پدیده‌ای کلان است که بر کنشگران تأثیر می‌گذارد بدون آن‌که خودشان از این تأثیر آگاه باشند. جهت‌گیری دوم، ترکیب پایین به بالا است؛ به این معنا که گروهی جهان‌بینی‌اش را بر دیگران تحمیل می‌کند. جهت‌گیری سوم ترکیب مرکزی است که آرچر آن را با ره‌یافت‌گیدنز مرتبط می‌سازد. گیدنز موضع برتر خود را بدین‌سان توضیح می‌دهد: فرهنگ محصول رفتاری انسانی است، اما در ضمن هر صورتی از کنش متقابل اجتماعی در بستر آن رخ می‌دهد (ریتزر، ۱۳۸۹؛ ۷۱۳).

تأخر فرهنگی، در نظریات ویلیام اگبرن با مفهوم همسویی با شرایط تازه همراه است. سازش و هماهنگی اجتماعی به دو شکل قابل تصور است: سازش و تطابق انسان با فرهنگ و هماهنگی و سازش میان قسمت‌های مختلف یک فرهنگ. نظریه تأخر فرهنگی اگبرن، مربوط به حالت دوم یعنی مشکل هماهنگی قسمت‌های مختلف یک فرهنگ است که به علت سرعت دگرگونی و تحول از یکدیگر جدا شده‌اند. قسمت‌های مختلف یک فرهنگ (عناصر مادی و معنوی فرهنگ) به یک روش و آهنگ تغییر نمی‌کنند (قلی‌زاده، ۱۳۷۴: ۷۴).

همان‌طور که ذکر شد عناصر فرهنگی و وقوع تأخر فرهنگی در هر فرهنگ دو زمینه جدا از هم هستند: یکی فرهنگ مادی و دیگری فرهنگ غیرمادی یا فرهنگ معنوی. فرهنگ مادی آن بخش از عناصر فرهنگی قابل لمس، اندازه‌گیری، ارزیابی و مقایسه است. فرهنگ معنوی دربرگیرنده موضوعاتی با جنبه کیفی است که پذیرای هم‌سنجی و اندازه‌گیری نیست. می‌توان گفت آن چه را که مادی نیست، فرهنگ غیرمادی گویند (وژوقی و نیک‌خلق، ۱۳۷۶: ۱۲۵-۱۲۷). تأخر فرهنگی ناشی از تأخر یا جاماندگی فرهنگ معنوی از فرهنگ مادی است؛ زیرا فرهنگ معنوی ریشه‌دارتر، ژرف‌تر و گسترده‌تر است و نمی‌تواند به همان سرعت فرهنگ مادی تغییر کند. در برخی جوامع، تغییرات در فرهنگ مادی زودتر از فرهنگ معنوی شکل می‌گیرد؛ بنابراین باعث ایجاد یک‌سری مسائل اجتماعی-فرهنگی می‌گردد. این ناهماهنگی در تغییرات می‌تواند در فرهنگ‌های گوناگون همراه با تغییرات گوناگون و یا حتی مسائل و معضلات اجتماعی و فرهنگی مختلف بزرگ یا کوچک باشد (قرائی‌مقدم، ۱۳۷۴: ۱۶۲).

رابرت مرتن^۱ از پیش‌گامان نظریه‌های فشار، نظریه‌ی خود را در اصل بر پایه نظریه ناهنجاری یا آنومی دورکیم بنا نهاد. او مفهوم بی‌هنجاری را تعدیل کرده، به فشاری اطلاق می‌کند که تقابل هنجارها و ارزش‌های مورد پذیرش فرد با واقعیت‌ها و روش‌های مشروع ایجاد می‌کنند؛ یعنی افراد ممکن است برای رسیدن به اهداف‌شان روش‌هایی را برای رسیدن به موقعیت مطلوب فرهنگی و اجتماعی انتخاب نمایند که با فرهنگ عمومی جامعه و یا اخلاق عمومی و اجتماعی

در تضاد باشد. مرتون در تشریح این قضیه می‌گوید که: «جوامع صنعتی جدید بر موفقیت‌های مادی در زندگی تأکید دارند؛ توفیقاتی که به شکل انباشت ثروت و یا تحصیلات علمی به‌عنوان مهم‌ترین اهداف زندگی و معیارهای منزلتی شخص تجلی می‌یابند. دستیابی به این اهداف مقبول اجتماعی و یا فرهنگی نیاز به ابزارهای مقبولى هم دارد که البته از دسترس گروهی از افراد جامعه خارج است، یعنی ساختار جامعه به نوعی است که طبقات فرودست، فرصت‌های کم‌تری برای تحقق آرزوهای خود دارند. در نتیجه چون این اهداف به آرمان‌های اصلی زندگی همه افراد (فقیر و غنی) تبدیل شده، آن‌کسی هم که دسترسی به ابزار مشروع ندارد، تحت فشار جامعه برای دستیابی به آن‌ها از ابزار نامشروع استفاده می‌کند. از دید عموم این فرآیند به‌عنوان نوعی پدیده اجتماعی و فرهنگی شناخته می‌شود که می‌تواند در تضاد با منافع فرهنگی و اجتماعی جمعی باشد؛ پس ناگزیر با این فرد به‌عنوان مجرم یا منحرف برخورد اجتماعی می‌شود زیرا اخلاق و حقوق دیگران را نیز ضایع می‌نماید (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۴۴).

روش تحقیق

در این پژوهش به‌صورتی آمیخته و بسته به موضوع از روش‌های کمی و کیفی استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه و مصاحبه است. داده‌های مورد نیاز برای شناسایی مهم‌ترین مسائل فرهنگی در حوزه عمومی در سبزواری چند مرحله به‌دست آمده است. نخست مصاحبه با ۷۰ نفر از مسؤولان و افراد تأثیرگذار فرهنگی با استفاده از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند برای یادداشت دیدگاه‌ها، طبقه‌بندی آن‌ها و سپس تقلیل آن‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌باز؛ سپس پرسش‌نامه‌ی نیمه‌بسته با مردم و سوم تحلیل نهایی از طریق پرسش‌نامه‌ای که در اختیار مردم و کارشناسان و نخبگان قرار گرفته است. با توجه به تفاوت روش تحقیق، ابزار جمع‌آوری و جامعه آماری در هر کدام از مراحل مذکور، در پایان هر مرحله به‌صورت جداگانه توضیح داده می‌شود.

- مصاحبه با مسؤولان و افراد تأثیرگذار فرهنگی

جامعه آماری مورد رجوع در این مرحله مسؤولان و افراد تأثیرگذار فرهنگی شهر سبزوار بوده‌اند. مسؤولان فرهنگی به افرادی اطلاق می‌شود که در شکل دولتی یا غیردولتی مسؤولیتی را در نهادهای فرهنگی و یا هر نهاد مرتبط با مسائل فرهنگی برعهده دارند. افراد تأثیرگذار فرهنگی نیز به اشخاصی اطلاق می‌شود که فارغ از مسؤولیت‌های رسمی دولتی و غیردولتی، بر فضای فرهنگی جامعه مؤثرند. بدین تعبیر، حجم نمونه آماری در شهر سبزوار ۷۰ نفر بوده است. روش نمونه‌گیری در این بخش، نمونه‌گیری غیراحتمالی^۱ هدفمند است، این نوع نمونه‌گیری برای آزمون مقدماتی پرسش‌نامه یا تحقیقات اکتشافی برای اطلاع از دیدگاه‌های مختلف و طبقه‌بندی انواع آن‌ها تناسب دارد (دواس، ۱۳۹۲: ۸۵-۸۶). مناسب‌ترین روش گردآوری داده‌ها مصاحبه است. در این مطالعه از مصاحبه نیمه‌باز^۲ استفاده شده که باید در عین باز بودن فضای مصاحبه برای ابراز عقاید و نظرات مصاحبه‌شوندگان، مراقب خارج‌نشدن مصاحبه‌شوندگان از حیطه اصلی موضوع مورد بحث نیز بود. مصاحبه‌شوندگان همانند مخزنی از دانشی پیچیده درباره موضوع مورد مطالعه هستند که فقط پرسش‌های بسته برای کشف آن‌ها اکتفا نمی‌کند. در واقع این نوع مصاحبه کمک می‌کند تا دانش ضمنی مصاحبه‌شوندگان صورتی صحیح‌تر بیابد (فیلیک، ۱۳۹۳: ۱۷۲).

پس از انجام مصاحبه و پیاده‌سازی آن‌ها به‌صورت مکتوب مرحله تحلیل داده‌ها آغاز می‌شود. در این مرحله بر اساس متون، مسائل فرهنگی مورد نظر مسؤولان و افراد تأثیرگذار فرهنگی استخراج می‌شود که مناسب‌ترین راه آن، تحلیل محتوا^۳ است. این روش با هدف خلاصه‌کردن از داده‌ها، روشی کلاسیک در تحلیل آن‌ها بدون اعتنا به منبع هر یک از آن‌هاست (همان: ۳۴۷). پژوهش حاضر در حالی که روش کیفی را به‌عنوان روش غالب تحقیق هم در زمینه جمع‌آوری اطلاعات و هم در زمینه تحلیل داده‌ها برگزیده؛ با بهره‌گیری از اصل "چندبعدی‌کردن"، جهت تکمیل اطلاعات، روش‌های کمی را نیز در مراحل مختلف مورد استفاده قرار داده است. پیوند بین

-
1. Non-probabilistic sampling
 2. Semi-open interview
 3. Content analysis

روش‌های تحلیل محتوای کمی و کیفی، در قالب یکی از روش‌های تحلیل محتوای کیفی به نام "تحلیل محتوای تلخیصی"^۱ صورت گرفته است. تحلیل محتوای تلخیصی یکی از انواع تحلیل محتوای کیفی می‌باشد. این نوع از تحلیل را می‌توان پیونددهنده تحلیل کمی و کیفی دانست. در این روش می‌توان با کنار گذاشتن عبارت‌هایی که در سطحی تحلیلی با یکدیگر هم‌پوشانی دارند، متن اصلی را تقلیل داد. به عبارتی این روش، عبارت‌های پرطول و تفصیل، مبهم یا ضد و نقیض را از طریق وارد کردن داده‌های زمینه‌ای، روشن و قابل فهم می‌کند (همان: ۳۴۸). مبنای این پژوهش توجه به محتوای آشکار می‌باشد. وارد شدن به حوزه محتوای پنهان ممکن بود منجر به تفسیر ناخواسته بیانات و نظرات مصاحبه‌کنندگان شده، موجب فاصله گرفتن از واقعیت گردد؛ بنابراین هر آنچه مصاحبه‌کنندگان بیان نموده‌اند ملاک و معیار استخراج مسائل فرهنگی قرار گرفته است.

– اولویت‌بندی مسائل فرهنگی از سوی مردم

در این مرحله، ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه می‌باشد که شامل پرسش‌های بسته و باز است. در پرسش‌های بسته، سؤالاتی در مورد مسائل فرهنگی در حوزه عمومی و در قالب طیف لیکرت طرح شده و پاسخ‌دهنده باید گزینه‌ای را انتخاب می‌نمود. بر اساس یافته‌هایی که در مرحله قبل (مرحله مصاحبه و کار کیفی) به دست آمد سؤالات بسته پرسش‌نامه تدوین گردید. علاوه بر پرسش‌های بسته، پرسش‌های باز نیز مطرح شد که از شهروندان می‌خواست علاوه بر مسائلی که در قالب سؤالات بسته طرح شده، سایر نکات را در فضای فرهنگی شهر سبزواری بیان کنند. درواقع طی فرایندی اکتشافی مسائل جدیدی نیز از دیدگاه مردم شناسایی و کشف شده است. در این بخش علاوه بر شناسایی مسائل فرهنگی و اجتماعی که با استفاده از دو گروه پرسش‌های باز و بسته انجام شده، شناسایی ظرفیت‌ها (نقاط قوت) فرهنگی نیز تنها در قالب پرسش‌های باز انجام پذیرفته است.

جامعه آماری این مرحله، جمعیت ساکن در شهر سبزوار است که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ حدود ۲۳۱۰۰۰ نفر می‌باشد. حجم نمونه ۲۱۰ نفر از شهروندان سبزواری می‌باشد که به صورت تصادفی در نواحی مختلف شهر انتخاب شده است. روش تجزیه و تحلیل در این بخش از تحقیق، برای یافته‌های اکتشافی استفاده از فراوانی‌های مطلق و نسبی و برای سؤالات بسته استفاده از مقایسه میانگین رتبه‌ها می‌باشد. نیز در پایان، اولویت‌های مسائل فرهنگی در حوزه عمومی بر پایه مدل فریدمن^۱ شناسایی شده‌اند.

اولویت‌بندی نهایی مسائل و ظرفیت‌های فرهنگی در حوزه عمومی شهر سبزوار از

سوی نخبگان

در هر مرحله از کار و تحلیل داده‌ها از روش خاص و متناسب با موضوع استفاده شده است، اما در مرحله اولویت‌بندی‌های نهایی با استفاده از روش ANP^۲ (در روش تحلیل شبکه‌ای ANP) هر موضوع و مسأله را به عنوان شبکه‌ای از معیارها، زیرمعیارها و گزینه‌ها که با یکدیگر در خوشه‌هایی جمع شده‌اند، در نظر می‌گیرد (این شبکه از این پس با نام عناصر شناخته می‌شود) (زبردست، ۱۳۸۸: ۷۹) برای تحلیل ANP از نرم‌افزار Super decicion استفاده گردید که امکان تحلیل مقایسه‌ای زوجی را فراهم می‌سازد؛ هم‌چنین تکنیک Dematel^۳ (تکنیک دیمتل نیز با بهره‌گیری از قضاوت خبرگان در استخراج عوامل یک سیستم و ساختاردهی نظام‌مند به آن‌ها از انواع روش‌های تصمیم‌گیری بر اساس مقایسه زوجی است)، برای اولویت‌بندی نهایی مسائل، ظرفیت‌ها و پیشنهادها تعیین گردید. ۱۰ تن از افراد کارشناس و آشنا به اوضاع فرهنگی شهرستان سبزوار، پرسش‌نامه‌های طراحی شده ANP و Dematel را تکمیل کردند.

1. Friedman model

3. Analytical Network Process

3. Decision Making Trial and Evaluation

یافته‌ها

یافته‌های تحقیق در قالب نظرات مسؤولان و افراد تأثیرگذار فرهنگی، دیدگاه شهروندان و نظرات کارشناسان بیان می‌شود. پس از آن اولویت‌بندی نهایی از مسائل فرهنگ عمومی به دست می‌آید و عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر بر اولین مسأله و آسیب فرهنگی بررسی می‌شود.

جدول ۳) ظرفیت‌ها و نقاط قوت در حوزه فرهنگ عمومی از منظر مسؤولان

و افراد تأثیرگذار فرهنگی

درصد	فراوانی	حوزه عمومی: فرصت و قوت
۱۹/۱۸	۱۴	دانشگاه‌ها
۶/۸۵	۵	حاکمیت فرهنگ دینی
۶/۸۵	۵	تعلقات مذهبی
۴/۱۱	۳	تحصیلات بالای مردم
۴/۱۱	۳	افراد خیر
۴/۱۱	۳	علاقه به آب و خاک و عرق محلی
۴/۱۱	۳	سخت‌کوشی
۲/۷۴	۲	حق الناس دانستن حقوق شهروندی در سن میان سال‌ها به بالا
۲/۷۴	۲	فرهنگ ریش‌سفیدی
۲/۷۴	۲	ایثار و فداکاری
۲/۷۴	۲	طایفه‌ای بودن
۲/۷۴	۲	رعایت حدی از حقوق شهروندی در اجتماع
۲/۷۴	۲	فرهنگ دوستی و علم‌دوستی
۲/۷۴	۲	خانواده‌های اصیل و درستکار
۲/۷۴	۲	جلسات و مجالس مذهبی و دینی
۲/۷۴	۲	خانواده نهاد قوی اجتماع
۱/۳۷	۱	کم‌توقعی مردم کویر
۱/۳۷	۱	علاقه به میراث فرهنگی تاریخی
۱/۳۷	۱	رشد عقلانیت فردی و حسابگری
۱/۳۷	۱	قدرت حل و جذب فرهنگی

در جدول ۳ توزیع درصدی مهم‌ترین قوت‌ها در حوزه عمومی (شهروندی و اخلاق اجتماعی) از منظر مسؤولان و افراد تأثیرگذار فرهنگی سبزوار آمده است. نتایج این جدول نشان می‌دهد که وجود دانشگاه‌های متعدد در سطح شهر، وجود حاکمیت فرهنگ دینی، تعلقات مذهبی و ... به ترتیب مهم‌ترین ظرفیت در حوزه فرهنگ عمومی است که توسط ۱۹/۱۸٪، ۶/۸۵٪، ۶/۸۵٪ افراد مطرح شده و از مهم‌ترین قوت‌ها از منظر مسؤولان و افراد تأثیرگذار فرهنگی سبزوار در حوزه عمومی (شهروندی و اخلاق اجتماعی) می‌باشد. این امر به‌عنوان نقطه‌ای مثبت و تأثیرگذار در نوع رفتار و گرایش مردم و نیز ابزاری برای گره‌گشایی از مسائل فرهنگی شهر سبزوار با پیشینه دینی و فرهنگی طولانی کارایی دارد؛ زیرا وجود دانشگاه‌ها و دل‌بستگی‌های دینی همیشه به‌عنوان دو عامل تأثیرگذار و جهت‌دهنده به رفتار اجتماعی در اولویت و مورد تأیید مسؤولان فرهنگی بوده است.

جدول ۴) تهدیدها و آسیب‌ها در حوزه حقوق شهروندی و اخلاق اجتماعی

از دید مسؤولان و افراد تأثیرگذار فرهنگی

درصد	فراوانی	آسیب
۴۱/۱	۳۰	بیکاری
۳۶/۹۹	۲۷	فرهنگ رانندگی نامناسب
۳۱/۵۱	۲۳	اعتیاد
۳۱/۵۱	۲۳	روابط نامشروع جنسی
۲۳/۲۹	۱۷	ضعف رعایت فرهنگ شهروندی
۲۰/۵۵	۱۵	قانون‌گریزی
۲۰/۵۵	۱۵	دروغ
۱۷/۸۱	۱۳	کاهش آستانه‌ی تحمل و عصبانیت
۱۷/۸۱	۱۳	ضعف آگاهی از فرهنگ شهروندی
۱۳/۷	۱۰	نزاع جمعی
۱۲/۳۳	۹	ضعف وجدان کاری
۱۲/۳۳	۹	خشونت و پرخاش‌گری
۱۰/۹۶	۸	ضعف فرهنگ کار گروهی و جمعی

۹/۵۹	۷	ضعف عفت کلام
۸/۲۲	۶	منفعت‌گرایی
۸/۲۲	۶	فرهنگ نامناسب رانندگی موتورسواران
۸/۲۲	۶	ضعف فرهنگ مطالعه
۸/۲۲	۶	بی‌اعتمادی اجتماعی
۸/۲۲	۶	عافیت‌طلبی و راحت‌طلبی
۸/۲۲	۶	فقر

در جدول ۴ توزیع درصدی مهم‌ترین تهدیدها و آسیب‌ها در حوزه عمومی (حقوق شهروندی و اخلاق اجتماعی) از دید مسؤولان و افراد تأثیرگذار فرهنگی سبزوار نشان داده شده است. در پاسخ مسؤولان و افراد تأثیرگذار فرهنگی به پرسش در مورد مهم‌ترین تهدیدها و آسیب‌های حوزه عمومی شهر سبزوار، بیکاری با ۴۱/۱٪، ضعف در فرهنگ رانندگی با ۳۶/۹٪ و اعتیاد و روابط نامشروع جنسی هرکدام با ۳۱/۵۱٪، به‌ترتیب رتبه ۱ تا ۳ مشکلات حوزه عمومی را از نظر آنان به خود اختصاص داده است. اعتیاد نیز با فاصله کمی در رتبه ۴ مهم‌ترین آسیب‌ها قرار گرفته است. با نگاهی به یافته‌های این جدول که نمایانگر نظرات بیش‌تر متفکران حوزه مسائل اجتماعی در رابطه با فرایندی و سیستماتیک‌بودن علت و معلول معضلات اجتماعی است، می‌توان گفت که بیکاری به‌عنوان مهم‌ترین تهدید و آسیب، می‌تواند خود به مسائلی چون اعتیاد، روابط نامشروع جنسی و ... دامن زده و چاره‌اندیشی برای حل این معضل می‌تواند به کاهش دیگر مشکلات بینجامد.

چونان بخش قبل، در بخش دوم یافته‌ها بر اساس نظر مردم و افراد درگیر با مشکلات شهر سبزوار گردآوری و پیونددهی شد که مهم‌ترین نقاط قوت حوزه فرهنگی و تهدیدهای فرهنگی شهر سبزوار از دریچه دید آنان واکاوی و رتبه‌بندی گردید که نتایج در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵) قوت‌ها و ظرفیت‌های موجود در حوزه حقوق شهروندی و

اخلاق اجتماعی از منظر مردم سبزوار

ردیف	ظرفیت‌ها و قوت‌ها	فراوانی	درصد (نسبت به ۲۱۰ نفر پاسخگو)
۱	مهمان‌نوازی	۸	۳/۸۱
۲	احترام به بزرگ‌ترها	۶	۲/۸۶
۳	علاقه به شهر	۵	۲/۳۸
۴	احترام به یکدیگر	۵	۲/۳۸
۵	همبستگی و روابط اجتماعی بالا	۵	۲/۳۸
۶	همکاری همسایگان	۴	۱/۹
۷	همبستگی سبزواری‌ها در شهرهای دیگر	۳	۱/۴۳
۸	تحصیلات بالا	۳	۱/۴۳
۹	همبستگی قومی و فامیلی	۲	۰/۹۵
۱۰	۱- سطح بالای علمی مدارس و دانشگاه‌ها ۲- وجود سرمایه‌داران بسیار در شهر ۳- برقراری نظم توسط نیروهای نظامی و انتظامی ۴- کلاس مشاوره در مدارس	هر کدام ۱ مورد	هر کدام ۰/۴۸ درصد

در جدول ۵ پاسخ‌دهندگان (مردم) به مهم‌ترین نکات مثبت و ظرفیت‌های موجود در حوزه فرهنگ عمومی شهر سبزوار اشاره کرده‌اند. با توجه به این یافته‌ها در میان موارد عنوان‌شده، میهمان‌نوازی سبزواری‌ها با ۳/۸۱٪ مهم‌ترین نکته مثبت فرهنگ عمومی در سبزوار بیان شده، در رتبه‌های بعد نیز احترام به بزرگ‌ترها و علاقه به شهر نیز با ۲/۸۶٪ و ۲/۳۸٪ رتبه‌های ۲ و ۳ را به خود اختصاص داده است.

در گفت‌وگوهای عامیانه و یا تعریف و تمجیدهای دوستانه و روزانه و مقایسه‌های زوجی شهرهای مختلف، اصل میهمان‌نوازی به عنوان خصلتی مهم و شاخصه‌ای فرهنگی انگار می‌شود. سبزواری‌ها نیز باتوجه به جایگاه فرهنگی ویژه و تاریخ دراز شهر طی اعصار، همیشه پذیرای میهمانان این خطه بوده و هستند. این ویژگی مؤثر بر سایر ویژگی‌ها مانند احترام به دیگران و یا میزان علاقه

به شهر می‌باشد و نیز متأثر از سطح سواد و تحصیلات ساکنان این شهر؛ پس تأکید و تقویت این ویژگی و موارد دیگر ذکر شده در جدول فوق به‌عنوان نقاط قوت این شهر تأثیر به‌سزایی بر کاهش و یا رفع مشکلات فرهنگی و اجتماعی آن خواهد داشت.

جدول ۶) آسیب‌های حوزه فرهنگ عمومی (حقوق شهروندی و اخلاق اجتماعی) از دید مردم سبزوار

ترتیب اولویت	شاخص‌های حوزه عمومی	میانگین رتبه‌ها	خیلی کم	کم	تا حدی کم	تا حدی زیاد	زیاد	خیلی زیاد	جمع
۱	کم‌توجهی به حقوق عمومی توسط موتورسواران	۱۲/۵۱	۱/۴	۲/۹	۳/۹	۱۶/۹	۲۱/۷	۵۳/۱	۱۰۰
۲	اعتیاد	۱۰/۵۵	۰/۵	۲/۴	۱۰/۷	۲۷/۸	۳۰/۷	۲۷/۸	۱۰۰
۳	نزاع خیابانی	۹/۹۵	۳/۵	۵	۱۲/۹	۳۰/۲	۲۶/۷	۳۱/۸	۱۰۰
۴	نامطلوب بودن فرهنگ رانندگی	۹/۶۷	۲/۴	۴/۹	۱۷/۱	۳۰/۲	۲۲	۲۳/۴	۱۰۰
۵	ناامیدی جوانان	۹/۵۴	۱/۴	۷/۷	۱۵/۵	۳۰	۲۰/۳	۲۵/۱	۱۰۰
۶	آگاهی کم از حقوق شهروندی	۹/۰۸	۱/۴	۴/۸	۱۵/۸	۴۰/۷	۱۶/۷	۲۰/۶	۱۰۰
۷	رواج دروغ	۹/۰۴	۱/۹	۵/۸	۱۷/۸	۲۶	۲۶/۴	۲۲/۱	۱۰۰
۸	روابط نامشروع جنسی	۸/۳۷	۷/۵	۷	۱۸/۱	۲۸/۱	۱۸/۶	۲۰/۶	۱۰۰
۹	کم‌توجهی به رعایت قانون	۸/۰۲	۲	۴/۴	۲۰/۵	۴۲/۴	۱۷/۶	۱۳/۲	۱۰۰
۱۰	ضعف عفت کلام	۸/۱۳	۳/۸	۱۱/۵	۲۰/۱	۳۳/۵	۱۵/۳	۱۵/۸	۱۰۰
۱۱	کم‌توجهی به رعایت فرهنگ شهروندی	۸/۱۲	۱	۹/۵	۱۹/۵	۳۵/۷	۲۰/۵	۱۳/۸	۱۰۰
۱۲	علاقه کم به کارهای سخت	۷/۷۴	۴/۴	۸/۴	۱۹/۲	۳۵/۵	۱۸/۷	۱۳/۸	۱۰۰
۱۳	ضعف وجدان کاری	۷/۵۷	۴/۸	۷/۷	۲۶/۸	۳۳	۱۴/۸	۱۲/۹	۱۰۰
۱۴	تخریب اموال عمومی	۶/۹۳	۱۰/۹	۹/۹	۲۴/۳	۲۴/۸	۱۹/۸	۱۰/۴	۱۰۰
۱۵	فاصله گرفتن از کارهای گروهی	۶/۶۱	۲/۹	۱۸/۳	۲۳/۶	۳۰/۳	۱۵/۴	۹/۶	۱۰۰
۱۶	تناسب کم بین شغل و مدرک تحصیلی	۳/۹۹	۲۵/۵	۳۲/۲	۱۶/۸	۱۵/۴	۷/۲	۲/۹	۱۰۰
مقدار خي دو									۴۵۵/۶۹
سطح معناداری									.

در جدول ۶ و بر اساس نتایج نظرسنجی مردمی در مورد آسیب‌های حوزه فرهنگ عمومی، یافته‌ها از کم‌توجهی به رعایت حقوق دیگران توسط موتورسواران با میانگین ۱۲/۵۱ اولویت اول، اعتیاد، با میانگین ۱۰/۵۵ اولویت دوم و نزاع‌های خیابانی، با میانگین ۹/۹۵ در اولویت سوم مهم‌ترین آسیب‌های این حوزه حکایت دارد. در مقابل تخریب اموال عمومی با میانگین ۶/۹۳٪ فاصله گرفتن از کارهای گروهی با میانگین ۶/۶۱٪ و تناسب کم بین شغل و مدرک تحصیلی با

میانگین ۶۱/۶٪، شدت کمتری نسبت به سایر آسیب‌های این حوزه دارد. گویا در بسیاری شهرهای دیگر نیز رانندگی نامتعارف و استفاده ناصحیح از وسایل سواری هم‌چون موتورسیکلت در کنار نادیده گرفتن حقوق دیگران، ایجاد آلودگی، مزاحمت‌های خیابانی و بی‌احترامی به قوانین و سایر رانندگان از بزرگ‌ترین معضلات شهری است. در شهر سبزوار از دید قشر جوان این شهر مهم است و نیازمند توجه که وجود پتانسیل‌های اقتصادی و اجتماعی می‌تواند با مدیریت صحیح و ایجاد بسترهای مناسب برای پرکردن اوقات فراغت توسط مدیران فرهنگی و اجتماعی به یک نقطه قوت تبدیل شود؛ این‌گونه علاوه بر این معضل از بروز مشکلات بسیاری مشکلات دیگر چون اعتیاد، حس نومی‌دی، تخریب اموال عمومی و .. نیز جلوگیری می‌شود. شاید گرایش به همه مشکلات یادشده ناشی از نبود فضای کافی برای گذران اوقات فراغت و برنامه‌ریزی صحیح برای این گروه است.

جدول (۷) اولویت‌بندی نهایی مهم‌ترین معضلات فرهنگ عمومی بر اساس مدل تحلیل فریدمن

فرهنگ شهروندی و اخلاق اجتماعی	امتیاز/رتبه
بیکاری	۰/۳۱
اعتیاد	۰/۱۴
ضعف فرهنگ کار گروهی و جمعی	۰/۱۱
گسترش روابط نامشروع جنسی	۰/۱
ضعف آگاهی از فرهنگ شهروندی و رعایت آن	۰/۱
دروغ	۰/۱
ضعف وجدان کاری	۰/۰۸
ضعف فرهنگ رانندگی (بویژه موتورسواران)	۰/۰۶

در پایان با استفاده از مدل تحلیل شبکه ANP مهم‌ترین معضلات و آسیب‌های فرهنگ عمومی (اخلاق اجتماعی و حقوق شهروندی) در شهر سبزوار اولویت‌بندی شد که در قالب جدول ۷ قابل مشاهده است. برای اولویت‌بندی، معضلات دو به دو با هم مقایسه شدند و باتوجه به اهمیت در قالب مقیاس ۹ کمیتی ال. ساعتی مورد ارزیابی قرار گرفت. بر این اساس مهم‌ترین معضل و مسأله

فرهنگی بیکاری با میانگین ۰/۳۱٪ و در رتبه دوم و سوم نیز اعتیاد با ۰/۱۴٪ و ضعف فرهنگ کار گروهی با ۰/۱۱٪ قرار گرفته‌اند. چنانچه در این جدول و بر اساس مقایسه و خروجی تمام مصاحبه‌ها مشاهده می‌گردد بیکاری کماکان رتبه اول و عامل اصلی و اساسی ایجاد و افزایش معضلات فرهنگی در شهر سبزوار است که به سایر معضلات نیز دامن می‌زند و حل ریشه‌ای این معضل منجر به کاهش و درمان خیلی از مسائل فرهنگی و اجتماعی در این شهر می‌گردد.

جدول ۸) دسته‌بندی عوامل فرهنگی موثر بر و تأثیرپذیر از مهم‌ترین معضلات

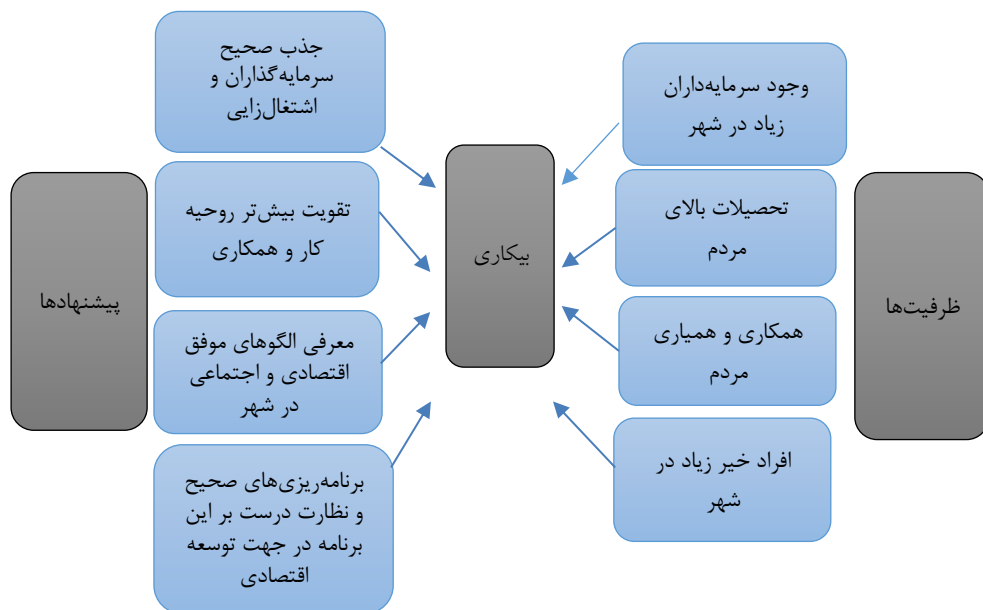
فرهنگی - اجتماعی شهر سبزوار

ردیف	مسئله فرهنگی	مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مسئله	درجه تأثیرگذاری	مهم‌ترین عوامل تأثیرپذیر از مسئله	درجه تأثیرپذیری
۱	بیکاری	نبود برنامه‌های مناسب فرهنگی	۰/۰۸۹	اعتیاد	۰/۰۹۵
		فقدان برنامه و بی‌برنامگی	۰/۰۸۵	نامیدی جوانان	۰/۰۹۴
		سیاست‌زدگی و نگاه غیرفرهنگی برخی مدیران فرهنگی	۰/۰۸۴	تضعیف دینداری مردم	۰/۰۹۳
		کم‌توجهی به شایسته‌سالاری	۰/۰۸۳	طلاق	۰/۰۹۱
		نامیدی جوانان	۰/۰۸۱	استفاده غیر صحیح از شبکه‌های اجتماعی	۰/۰۸۸
۲	اعتیاد	نبود برنامه‌های مناسب فرهنگی	۰/۱۰۷	طلاق	۰/۰۹۴
		تضعیف دینداری مردم	۰/۰۹۹	تضعیف دینداری مردم	۰/۰۹۱
		نامیدی جوانان	۰/۰۹۷	نامیدی جوانان	۰/۰۹۰
		بیکاری	۰/۰۹۵	کاهش روابط عاطفی بین اعضای خانواده	۰/۰۸۹
		فقدان برنامه و بی‌برنامگی	۰/۰۹۴	قانون‌گریزی	۰/۰۸۷
۳	ضعف فرهنگ کار گروهی و جمعی	نبود برنامه‌های مناسب فرهنگی	۰/۰۸۴	بر متغیری تأثیر نداشته	
		فقدان برنامه و بی‌برنامگی	۰/۰۷۸	""	
		سیاست‌زدگی و نگاه غیرفرهنگی برخی مدیران فرهنگی	۰/۰۷۷	""	
		کم‌توجهی به شایسته‌سالاری	۰/۰۷۶	""	
		تضعیف دینداری مردم	۰/۰۷۵	""	
۴	گسترش روابط نامشروع جنسی	تضعیف دینداری مردم	۰/۱۰۵	تضعیف دینداری مردم	۰/۱۰۳
		نبود برنامه‌های مناسب فرهنگی	۰/۱۰۴	طلاق	۰/۱۰۱
		ضعف توجه به آموزش مهارت‌های خانواده	۰/۰۹۴	استفاده غیر صحیح از شبکه‌های اجتماعی	۰/۰۹۷
		کاهش روابط عاطفی بین اعضای خانواده	۰/۰۹۳	افزایش انحرافات عقیدتی	۰/۰۹۵

۰/۰۹۳	ماهواره	۰/۰۹۲	استفاده غیر صحیح از شبکه های اجتماعی		
		۰/۰۹۱	ماهواره		
۰/۰۷۳	تضعیف دینداری مردم	۰/۰۷۷	نبود برنامه های مناسب فرهنگی	ضعف آگاهی از فرهنگ شهروندی و رعایت آن	۵
۰/۰۷۶	نبود برنامه های مناسب فرهنگی	۰/۰۷۱	سیاست زدگی و نگاه غیر فرهنگی برخی مدیران فرهنگی		
۰/۰۷۲	قانون گریزی	۰/۰۷۰	تضعیف دینداری مردم		
۰/۰۷۱	ناامیدی جوانان	۰	فقدان برنامه و بی برنامه گی		
۰/۰۷۰	استفاده غیر صحیح از اینترنت				

در جدول ۸ ضمن ارایه مهم ترین مسائل و معضلات فرهنگی شهر سبزوار از دید مسؤولان فرهنگی و مردم، مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر اولویت های نخست این معضلات و همچنین مهم ترین عوامل تأثیرپذیر از این معضلات با ضرایب مشخص اولویت بندی شده اند؛ برای مثال مهم ترین عوامل تأثیرگذار فرهنگی بر معضل بیکاری (به عنوان اولویت اول فرهنگ عمومی) عبارت است از: نبود برنامه های مناسب فرهنگی ۰/۰۸۹، فقدان برنامه و بی برنامه گی ۰/۰۸۵، سیاست زدگی و نگاه غیر فرهنگی برخی مدیران فرهنگی ۰/۰۸۴، کم توجهی به شایسته سالاری ۰/۰۸۳ و ناامیدی جوانان ۰/۰۸۱ هستند. همچنین بیکاری خود بر برخی معضلات اجتماعی - فرهنگی تأثیرگذار است که مهم ترین آن ها عبارت است از: اعتیاد ۰/۰۹۵، ناامیدی جوانان ۰/۰۹۴، تضعیف دینداری مردم ۰/۰۹۳، طلاق ۰/۰۹۱. استفاده غیر صحیح از شبکه های اجتماعی با میزان تأثیرپذیری ۰/۰۸۸ است. در بخش نظرات و چارچوب نظری تحقیق ذکر گردید که اکثر مسائل فرهنگی و اجتماعی حالت فرایندی دارند یعنی خود عامل ایجاد و ایجاد شده از طریق یک سری مسائل دیگر و بنیادی هستند. معضل بیکاری نیز به عنوان مهم ترین مسأله شهر سبزوار هم عامل و ایجادکننده مسائل اجتماعی است. اولین تأثیر منفی بیکاری در درون خود فرد به وجود می آید و آن، زمانی است که فرد با احساس بی ارزشی، ناامیدی و ... به سوی گوشه گیری، اعتیاد، تخریب اموال عمومی، کاهش همبستگی اجتماعی و در پایان بی اعتنایی به اخلاق و فرهنگ عمومی می گراید. چنان چه از نظرات اجتماعی، دیدگاه مسؤولان فرهنگی شهر سبزوار و مردم این شهر برداشت می شود اصلاح وضعیت اشتغال به عنوان عامل اصلی ایجاد مسائل فرهنگی در سبزوار می تواند به کاهش

سایر معضلات فرهنگی حوزه عمومی منجر شود که این امر نیازمند داشتن برنامه صحیح، به روز و مناسب فرهنگ مردم این شهر برای حل این معضل است.



شکل ۱) مهم‌ترین ظرفیت‌ها و راهکارها برای رفع معضل بیکاری به عنوان اولویت نخست مسائل

فرهنگ عمومی در شهر سبزوار

با توجه به ماتریس ظرفیت - آسیب و پیشنهاد - نموداری به شکل ۱ ترسیم شده که نشان می‌دهد برای حل و یا کاهش آسیب اول از دید مردم و مسئولان فرهنگی شهر چه پیشنهادات و یا ظرفیت‌هایی وجود دارد. اولویت اول مسائل اجتماعی - فرهنگی در شهر سبزوار عامل بیکاری است، این عامل خود باعث ایجاد یک‌سری مسائل دیگر شده و نیازمند آن است که توجه ویژه‌ای به حل این معضل اجتماعی صرف شود. برای همین باید نقاط قوت مرتبط و پیشنهادات و راهکارهای شهر و مردم درگیر با این معضل را شناسایی کرد. هم مسئولان فرهنگی و هم مردم سبزوار به یک‌سری نقاط قوت و پتانسیل‌های اجتماعی در این شهر اشاره نموده‌اند

که می‌تواند راه‌گشای حل این معضل باشد، در شکل ۱ به اهم این پیشنهادات و راهکارها اشاره شده است.

بحث و نتیجه گیری

فرهنگ عمومی شامل همه رفتارهای مبتنی بر اندیشه و عادت است که در جهت برآوردن نیازهای بشری بسته به انواع جوامع از نظر تاریخی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی، کنش عمومی مردم را شکل می‌دهد. همه انسان‌هایی که از گذشته‌های دور تاکنون در گوشه‌گوشه گیتی زیسته‌اند؛ دارای فرهنگ بوده‌اند. پس فرهنگ یک پدیده عام است و هیچ گروه یا فردی در جامعه انسانی بدون آن نیست؛ اما از آن جایی که اقوام و جوامع مختلف در برآوردن نیازها برخورد یک‌سان نداشته‌اند، طبیعتاً فرهنگ خاص خود را ساخته‌اند و به همین خاطر شاهد تنوع فرهنگی در جوامع گوناگون هستیم. در جهان امروز روز به روز مفهوم فرهنگ پیچیدگی، حساسیت و اهمیت خاص خود را نمایان‌تر می‌سازد و رفتار و زندگی روزمره جوامع نیز هر چه بیش‌تر زیر نفوذ و تأثیر این مهم قرار می‌گیرد. امروزه تحولات اجتماعی، تغییرات سریع ناشی از پدیده جهانی‌شدن، پیشرفت روزافزون ابزار و منابع الکترونیکی و ارتباطی و سایر پدیده‌های مرتبط با تغییرات اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند دگرگونی‌های اساسی و بی‌وقفه‌ای در فرهنگ ایجاد نماید آن‌سان که بسیاری از مباحث و سطوح زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی رنگ و بوی فرهنگی به خود گرفته‌اند (گرانپایه، ۱۳۷۷: ۷۱-۸۳). فرهنگ عمومی نیز خود تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی، آموزشی، ارتباطی و اطلاعاتی است و از این عوامل نیز در جهت تغییر و یا تکامل خود تأثیر می‌پذیرد (مرادی، ۱۳۸۳: ۶۳). بدین ترتیب و بنا به اهمیت مقوله فرهنگ به‌خصوص در بحث عام آن لازم است به شناخت و اولویت‌بندی مهم‌ترین مسائل و مشکلات پیش روی همه‌ی فرهنگ‌های عمومی پرداخته شود تا بتوان با ارایه راهکارهای مناسب در جهت تقویت، جلوگیری از انحطاط و گسترش آن گام برداشت. از این‌رو هدف اصلی این مقاله نیز شناسایی مهم‌ترین مسائل فرهنگی حوزه عمومی در شهرستان سبزوار می‌باشد زیرا یکی از الزامات اولیه

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه فرهنگی و چه‌بسا اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌آید. این امر می‌تواند زمینه را برای تدوین سندی جامع در زمینه آسیب و معضلات فرهنگی شهرستان و استان فراهم نماید. جدای از سایر یافته‌های فرهنگی نتایج این پژوهش را می‌توان در سایر فرهنگ‌ها دور از جامعه هدف با ارایه راهکارهای عملی‌تر و شناخته‌شده از دید مردم درگیر برای تدوین سندی معتبر و لازم‌الاجرا به دستگاه‌های فرهنگی اجتماعی شهرستان ارجاع داد تا مسؤولان ضمن شناخت مهم‌ترین معضلات فرهنگی بتوانند در ترسیم برنامه‌ریزی‌های درست و عملی‌تر گام بردارند.

آمار و اطلاعات استخراجی از نتایج این پژوهش به سه روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با مسؤولان و افراد تأثیرگذار فرهنگی، مردم با روش پرسش‌نامه و هم‌چنین روش پرسش‌نامه از کارشناسان جمع‌آوری گردیده و تلفیقی از روش‌های کیفی، کمی و روش ANP است. بنا به این آمار و اطلاعات از نظر کارشناسان و مسؤولان فرهنگی شهر سبزوار مهم‌ترین ظرفیت‌ها در حوزه فرهنگ عمومی که ۱۹/۱۸٪ افراد نیز به آن اشاره نموده‌اند، وجود دانشگاه‌های متعدد در سطح شهرستان است که سبزوار را در جایگاه یک شهر علمی و فرهنگی مطرح نموده است. هم‌چنین از دید مسؤولان و افراد تأثیرگذار فرهنگی حاکمیت فرهنگ دینی و تعلقات مذهبی در بین مردم سبزوار با ۶/۸۵٪ فراوانی به‌عنوان نقطه قوت بعدی و در درجات پایین‌تر تحصیلات بالای مردم، وجود خیرین فراوان، تعلق مکانی به شهر سبزوار و ... از دیگر قوت‌های شهر به شمار می‌آید. در این میان مسؤولان و افراد تأثیرگذار فرهنگی در شهر سبزوار مهم‌ترین تهدیدها و آسیب‌ها در حوزه عمومی را نیز به ترتیب بیکاری با ۴۱/۱٪، فرهنگ رانندگی نامناسب ۳۶/۹۹٪ و اعتیاد و روابط نامشروع با ۳۱/۵۱٪ در رتبه اول تا سوم تهدیدها دسته‌بندی نموده‌اند. در مراحل بعد نیز ضعف رعایت فرهنگ شهروندی، قانون‌گریزی، دروغ و ... بیش‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. در مرحله دوم که پرسش‌نامه‌هایی با پرسش محوری مهم‌ترین نقاط ضعف و قوت فرهنگی شهر سبزوار به‌صورت تصادفی در بین مردم پخش شد، پاسخ‌دهندگان به نکات مثبت و ظرفیت‌های موجود در حوزه عمومی (شهروندی و اخلاق اجتماعی شهروندان) اشاره نموده‌اند که

مهمان‌نوازی مردم سبزوار با ۳/۸۱، احترام به بزرگ‌ترها ۲/۸۶، علاقه به شهر و احترام به دیگران با ۲/۳۸، رتبه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند. در مرحله بعد همبستگی و روابط اجتماعی، همکاری همسایگان و ... رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند.

اما مهم‌ترین آسیب‌های حوزه فرهنگ عمومی بنا بر یافته‌های این پرسش‌نامه‌ها و از دید مردم، کم‌توجهی به حقوق عمومی توسط موتورسواران با میزان ۱۲/۵۱٪، اعتیاد با ۱۰/۵۵٪، نزاع خیابانی با ۹/۹۵٪ و در مراحل بعد فرهنگ بد رانندگی، ناامیدی جوانان، کم‌آگاهی از حقوق شهروندی و ... مهم‌ترین آسیب‌های این حوزه معرفی شده‌اند. علاوه بر این موارد در قالب پرسش‌های بسته از مردم در مورد دیگر آسیب‌ها خواسته شد که یافته‌ها برتری روابط غیرسازمانی در امور مختلف اداری و استخدامی با ۵/۷٪، کم‌توجهی به رعایت حقوق دیگران و بهداشت شهری با ۵/۲۴٪، افزایش جرائم خیابانی، بی‌احترامی و بی‌اعتمادی و ... را در پاسخ‌های آنان ثبت نموده است.

در مرحله سوم بنا به یافته‌های پرسش‌نامه که توسط کارشناسان تکمیل و به روش مدل تحلیل شبکه استخراج گردیده، رتبه‌بندی نهایی معضلات فرهنگ عمومی بدین قرار بوده است: بیکاری با ۰/۳۱٪، اعتیاد با ۰/۱۴٪، ضعف فرهنگ کار گروهی با ۰/۱۱٪، رتبه‌های اول تا سوم و رتبه‌های بعدی را ضعف آگاهی از فرهنگ شهروندی، دروغ، ضعف وجدان کاری، ضعف فرهنگ کاری بویژه موتورسواران به خود اختصاص داده است.

اینک با توجه به یافته و بنابر نظریات معتبر حوزه جامعه‌شناسی به‌خصوص نظریات پارسونز، مرتون و نظریه تأخر فرهنگی اگبرن، بحث کلیدی پژوهش این است که مسائل و موضوعات فرهنگی و اجتماعی اموری فرایندی هستند که طی زمان بر مسائلی دیگر تأثیرگذار یا تأثیرپذیر خواهند بود. هریک از یافته‌ها که طی پژوهش از سوی مردم، مسؤولان و نخبگان فرهنگی شهر سبزوار مطرح شده، تاییدی بود بر مضمون نظریات طرح‌شده و نیز فرایندی‌بودن مسائل در شهر سبزوار که مسأله‌ای چون بیکاری را به‌عنوان عاملی کلیدی و تأثیرگذار بر دیگر مسائل فرهنگی شهر ارایه نموده است. اعتیاد، ضعف فرهنگ کار گروهی و ... که از اولویت‌های مهم فرهنگی شهر

هستند، هم خود تحت تأثیر مسائلی اجتماعی هستند و هم ایجادکننده و مؤثر بر مسائلی اجتماعی که ناشی از وجود این معضلات می‌باشند.

در این پژوهش اصلی‌ترین معضل و مسأله فرهنگی بیکاری شناخته‌شده است که نه تنها در جامعه هدف و مورد بررسی، که در کل کشور یک معضل مهم و کلان محسوب می‌گردد و ریشه‌های بسیاری دارد. عامل بیکاری تحت تأثیر مجموعه‌ای عوامل با ضرایب متفاوت است که اهم آن‌ها به ترتیب؛ نبود برنامه‌های مناسب فرهنگی با درجه تأثیرگذاری ۰/۰۸۹، فقدان برنامه و بی‌برنامگی با ۰/۰۸۵، سیاست‌زدگی و نگاه غیرفرهنگی برخی مدیران فرهنگی با ۰/۰۸۴، کم-توجهی به شایسته‌سالاری با ۰/۰۸۳ و ناامیدی جوانان با ۰/۰۸۱ رتبه‌های اول تا پنجم میزان تأثیرگذاری بر بیکاری را به خود اختصاص داده‌اند. اما مسائل دیگری نیز تحت تأثیر همین معضل اصلی یعنی بیکاری شکل گرفته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها اعتیاد با میزان تأثیرپذیری ۰/۰۹۵، ناامیدی جوانان ۰/۰۹۶، ضعف دین‌داری مردم ۰/۰۹۳، طلاق ۰/۰۹۱ و استفاده غیرصحیح از شبکه‌های اجتماعی با میزان تأثیرپذیری ۰/۰۸۸ رتبه‌های اول تا پنجم تأثیرپذیری را دارند.

پس بنا به یافته‌های این پژوهش سه معضل اصلی فرهنگی عمومی در شهر سبزوار که به مسائل اجتماعی دیگری نیز منجر شده‌اند به ترتیب بیکاری، اعتیاد، ضعف کارهای گروهی است. بنا به نظریات به کار گرفته شده در این پژوهش هر معضل یا مسأله فرهنگی می‌تواند ریشه‌ای چندبعدی داشته باشد. طبق یافته‌ها ازجمله ریشه‌های اصلی بیکاری به‌عنوان معضل اصلی این پژوهش، وجود پارتی‌بازی در ادارات و ناامیدی و بدبینی جوانان از دست‌یابی به شغل است که دقیقاً با نظریات مرتون برابری می‌کند. این موضوعات خود می‌تواند بحران‌ها و مسائل اجتماعی - فرهنگی زیادی چون اعتیاد، ضعف در دین‌داری، طلاق، نزاع و مزاحمت‌های خیابانی و ... را به همراه داشته باشد. طبق نظریات پارسونز اختلال در یک نظام (فرهنگی، شخصیتی، اجتماعی، زیستی) می‌تواند باعث بی‌نظمی و یا ایجاد مسأله در سایر نظام‌ها گردد. در اینجا اصلی‌ترین اختلالات که هم مسؤولان فرهنگی و هم مردم به آن اشاره کرده‌اند، بیکاری است. بیکاری خود بر نوع روابط،

ارزش‌ها و رفتار و اخلاق عمومی و اجتماعی در بین شهروندان به‌خصوص قشر جوان تأثیر منفی بر جای می‌گذارد.

هم‌چنین یافته‌های پژوهش با تحقیقات زلفعلی‌فام، کمریگی و رشیدی، امینی، رشیدپور، مرادی، کاووسی و حسین‌پور که در بخش پیشنهادها تحقیقات این پژوهش آورده شد، هم‌خوانی دارد. اختلاف اساسی این پژوهش با پژوهش‌های ذکرشده این است که به‌صورتی تک‌بعدی به بررسی و شناخت مسائل فرهنگی نپرداخته. این پژوهش هم در روش و هم در ارایه راهکار صرفاً از بالا به پایین (چه در بعد شناختی و چه در بعد سلسله‌مراتب اجتماعی) یعنی از نگاه محققان و مسؤولان تعریف نشده؛ که نوع بررسی و نگاه به مسائل و ارایه راهکار در آن، بیش‌تر از دریچه دید مردم درگیر با این مسائل بوده است. یافته‌های این تحقیق با تأیید مشابهت مسائل فرهنگی در سطح کلان ملی و بین‌شهری‌های کشور به این نکته منجر شد که می‌توان با درک ارتباط سیستمی نهادهای مرتبط در سایر نقاط کشور با ایجاد برنامه‌ای منسجم و استفاده آگاهانه از این یافته‌ها، برای کاهش یا رفع این معضلات فرهنگی و تقویت وجوه مشترک فرهنگ‌ها گام‌های اساسی برداشت.

پیشنهاد و راهکارهای نهایی

در مجموع با عنایت به یافته‌های این پژوهش و تحقیقات مشابه داخلی، مسائلی چون بیکاری، اعتیاد، ضعف فرهنگ کار گروهی و جمعی، گسترش روابط نامشروع جنسی و ضعف آگاهی از فرهنگ شهروندی به‌عنوان مهم‌ترین مسائل فرهنگی در شهر سبزوار شناخته شده‌اند. این مسائل نه‌تنها در شهر سبزوار، که بنا به یافته‌های دیگر محققان در سایر شهرها و استان‌های کشور نیز به‌عنوان اولویت‌های مهم و معضل اجتماعی-فرهنگی شناخته شده‌اند. این امر حاکی از ریشه مشترک این مسائل است و باید برای کاهش آن نه‌تنها در سطح خرد، که در سطح کلان و ملی راه‌کارها و برنامه‌ریزی‌هایی شکل گیرد که البته نیازمند همکاری و هم‌یاری مردم و نیز مسؤولان فرهنگی است.

بنا به یافته‌ها و از دید مردمی که به‌عنوان جامعه هدف باید پذیرای راه‌حل‌ها باشند از رهیافت‌هایی که این پژوهش به آن‌ها اشاره می‌کند و می‌تواند بهره‌گشا باشد:

۱- پژوهشگران این حوزه گام‌های جدی‌تر، نوآورانه‌تر و فراگیرتری به‌خصوص در سطح شناسایی و ارایه راه‌حل‌های اساسی در کشور بردارند و از یافته‌ها و راهکارهای مشابه دیگر پژوهشگران نیز غافل نباشند.

۲- مسؤولان و برنامه‌ریزان فرهنگ به‌خصوص در شهر سبزوار به‌عنوان جامعه مورد بررسی هنگام مواجه با این پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی ابتدا نگرش و دیدگاهی صحیح و جامعه‌نگر کسب نموده، سپس اقدام نمایند. این اقدامات می‌تواند دربردارنده این موضوعات باشد: آموزش و نهادینه‌سازی فرهنگ شهروندی، جذب سرمایه‌گذاری برای افزایش اشتغال، معرفی و ارایه الگوهای موفق در حوزه شهروندی، تقویت روحیه کار جمعی و همکاری، اجرای قانون و نظارت دقیق، استفاده صحیح از ظرفیت رسانه‌های اجتماعی و گروهی و نیز اجرای برنامه‌های فرهنگی در سطح شهر، استفاده از پتانسیل‌های فرهنگی شهرستان، برخورد قاطع با هنجارشکنان و مزاحمان خیابانی، آموزش عمومی قوانین اجتماعی و حقوقی، توسعه امکانات رفاهی، برخورد درست در ادارات و نهادهای وابسته به دولت، ایجاد NGO های مستقل فرهنگی و اجتماعی، هماهنگی و همکاری بین دستگاه‌های مرتبط با فرهنگ و مسائل اجتماعی و ...

۳- مهم‌ترین عامل و شاید اصلی‌ترین مورد مؤثر و هم‌تأثیرپذیر از سایر مسائل که در نظرات مسؤولان فرهنگی و مردم مشترک بود، عامل بیکاری است. مردم و مسؤولان یکی از نقاط قوت شهر سبزوار را داشتن سرمایه‌های مادی و انسانی می‌دانند؛ پس مسؤولان مربوطه با تدوین و طراحی برنامه‌های صحیح و روش‌هایی بومی می‌توانند با استفاده از این منابع، گام بلندی در کاهش بیکاری و مسائل فرهنگی بردارند.

۴- از دیگر موارد و پیشنهاداتی که از سوی مردم برای کاهش بیکاری و آسیب‌های فرهنگی در شهر سبزوار ارایه شده، سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران بومی بسیاری است که تنها به دلیل نبود شرایط و زمینه‌های لازم، مجبور به مهاجرت و سرمایه‌گذاری در شهرهای مجاور و دورتر شده‌اند.

طبیعی است که جلب توجه و جذب سرمایه‌های آنان نیازمند تدوین و تمهید شرایط لازم است که باید ابتدا توسط مدیران شهری و سپس همکاری مردم صورت گیرد.

۵- در مرحله شناسایی مسائل فرهنگی نباید صرفاً به منابع مکتوب و غیرقابل انعطاف اکتفا کرد. نظریه‌پردازان حوزه مسائل فرهنگی نوع فرهنگ‌ها و ریشه مسائل فرهنگی را در جوامع مختلف متفاوت می‌دانند؛ پس در بررسی و شناخت مسائل باید اولویت اصلی و اساسی به گروه یا گروه‌های درگیر با مسائل و جامعه مورد بررسی داده شود؛ زیرا نه‌تنها در بحث شناخت، که در برنامه‌ریزی و پیشنهادات نیز می‌توان به راهکاری اجرایی و قابل‌پذیرش رسید، یعنی برنامه‌ریزی، شناخت و ارایه راهکار باید از پایین به بالا باشد.

منابع

- امینی، محمد (۱۳۹۵). "وضعیت فرهنگی جامعه از منظر مسؤولان فرهنگ (مورد مطالعه: مدیران و فعالان شهر همدان)". *راهبرد فرهنگ*، دوره سی، ش ۳۵ (پاییز): ۲۳۵-۲۶۶.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته*. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر.
- پاک‌سرشت، سلیمان، و دیگران (۱۳۹۵). "مسأله‌شناسی راهبرد توسعه در استان خراسان رضوی". *مطالعات راهبردی*، دوره ششم، ش ۲۱ (زمستان): ۱۲۱-۱۵۲.
- خاشعی، رضا (۱۳۸۳). "مرزبندی‌های نامرئی در حوزه فرهنگ عامه و فرهنگ عمومی". *فرهنگ مردم/ایران*، دوره سوم، ش ۲ (بهار): ۱۵-۳۵.
- دواس، دی. ای. (۱۳۹۲). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: نشر نی.
- رایبینگتن، ارل؛ واینبرگ، مارتین (۱۳۹۳). *رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی*. ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی. تهران: دانشگاه تهران.
- رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۹). "درآمدی بر فرهنگ عمومی". *آزما*، دوره دهم، ش ۱۰ (بهمن و اسفند): ۲۲-۲۵.
- رشیدپور، علی؛ مرادی، علیرضا (۱۳۸۹). "چالش‌ها و آسیب‌های فراروی فرهنگ و مدیریت فرهنگی". *مهندسی فرهنگی*، سال پنجم، ش ۴۷ و ۴۸ (آذر و دی): ۶۷-۷۳.
- روشه، گی (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی تبیان.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۹). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۸). "کاربرد فرآیندهای تحلیل شبکه‌ای (ANP) در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای". *هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، دوره دوم، ش ۴۱ (بهار): ۷۹-۹۰.

- زلفعلی فام، جعفر؛ آقایی، هادی (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر تعهد اجتماعی شهروندان به مسائل شهری". *بررسی مسائل اجتماعی/ایران*، دوره پنجم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۷۷-۱۱۲.

- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۷). *آسیب شناسی اجتماعی*. تهران: سمت.
- فتاحی، سروش؛ مختارپور، مهدی (۱۳۹۰). "توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی". *مطالعات توسعه اجتماعی/ایران*، سال سوم، ش ۴ (پاییز): ۹۰-۱۰۵.

- فیلیک، اووه (۱۳۹۳). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- قاضی پور، سجاد (۱۳۹۶). "درآمدی بر حقوق شهروندی". [پیوسته] قابل دسترس در:
<http://mehrbaranhp.blogfa.com/> [۱۳۹۸/۷/۱۲]

- قلی زاده، آذر (۱۳۷۴). *مبانی جامعه شناسی*. کاشان: محتشم.
- قرائی مقدم، امان الله (۱۳۷۴). *مبانی جامعه شناسی*. تهران: ابجد.
- کاووسی، اسماعیل؛ حسن پور، محمد (۱۳۸۶). "بررسی عوامل مؤثر در ارتقای سطح فرهنگ عمومی از دیدگاه مدیران فرهنگ و ارشاد اسلامی". *مدیریت فرهنگی*، دوره یک، ش ۱ (زمستان): ۱۳-۳۰.

- کریمی، علیرضا (۱۳۹۴). *وضعیت مسائل و آسیب های اجتماعی خراسان رضوی بر پایه سه پیمایش ملی، دفتر طرح های ملی، مرکز رصد اجتماعی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

- کمربگی، خلیل؛ رشیدی، مجتبی (۱۳۹۴). "مسأله شناسی و اولویت بندی آسیب ها و مسائل فرهنگی در استان ایلام". *فرهنگ ایلام*، دوره ۱۶، ش ۴۸ و ۴۹ (پاییز و زمستان): ۱۶۵-۱۸۶.
- گرانیپایه، بهروز (۱۳۷۷). *فرهنگ و جامعه؛ چند دیدگاه تحلیلی درباره فرهنگ عمومی*، ج ۱. تهران: شریف.

- مرادی، مهدی (۱۳۸۳). "بررسی موانع توسعه فرهنگ عمومی در ایران بعد از انقلاب اسلامی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

- وثوقی، منصور؛ آرام، هاشم؛ سلمانی، گودرز (۱۳۹۱). "بررسی موانع ساختاری در جهت شکل‌گیری و ارتقای توسعه فرهنگی در ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها". *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال چهارم، ش ۳ (تابستان): ۸۱-۹۶.

- وثوقی، منصور؛ نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۷۶). *مبانی جامعه‌شناسی*. تهران: خردمند.

- Janoski, T. (1997). *Citizenship and civil society A Framework of and obligations In Liberal Traditional And Social Democratic Regimes*. London: Cambridge University Press.

- Johnson, Doyle Paul (2008). *Contemporary sociological theory*. New York: Springer.

تأثیر پذیری نظام فعلی گویش عربی شهرستان درمیان از گویش فارسی (بررسی موردی: فعل مرکب)

کلثوم قربانی جویباری^۱

زینب صالحی^۲

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

شماره صفحه: ۱۵۵-۱۷۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۵

چکیده

گویش عربی شهرستان درمیان (رایج در روستاهای سراب، خلف، دره چرم، محمدیه (چشمه شاه سابق) و رود رباط) در استان خراسان جنوبی قرن‌هاست که مانند جزیره‌ای میان گویش‌های فارسی این شهرستان به بقای خود ادامه داده و با این حال به دلیل مجاورت با گویش‌های فارسی، بسیاری از ویژگی‌های این زبان را نیز پذیرفته است. از تأثیرهای مهمی که گویش‌های عربی این منطقه از زبان فارسی پذیرفته، ورود فعل مرکب به نظام فعلی عربی است. در مقاله حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته، داده‌های میدانی از طریق مصاحبه با حدود ۳۰ گویشور جمع‌آوری شده؛ سپس ساختار فعل مرکب در گویش عربی درمیان مورد واکاوی قرار گرفته است. آن‌گاه پس از بررسی داده‌ها اثبات شده که در گویش عربی درمیان فعل‌هایی هستند که ساختاری کاملاً یک‌سان با فعل‌های مرکب فارسی دارند؛ یعنی مانند زبان فارسی از یک فعلیار (با مقوله واژگانی اسم یا صفت) و یک همکرد (با مقوله واژگانی فعل) ساخته شده‌اند. فعلیارها در افعال

kolsoomghorbani@birjand.ac.ir

zeinabsalehi@yahoo.com

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤول

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه فردوسی مشهد

مرکبِ عربی یا فارسی هستند یا ترجمه عربی اسم‌ها و صفت‌های فارسی. همکردهای افعال مرکب عربی همگی همان ترجمه همکردهای فارسی (مانند کردن، زدن، آوردن، آمدن، کشیدن و غیره) به گویش عربی درمیان هستند. افعال مرکبی که در گویش عربی درمیان با همکرد ساخته می‌شوند، به دو دسته تقسیم می‌گردند: فعل‌های مرکبی که ساخت بسیط آن‌ها هم استعمال می‌شود و فعل‌های مرکبی که تنها به صورت مرکب کاربرد دارند. اما تمام افعال مرکبی که در فارسی با همکرد به کار می‌روند، با ساختار فارسی خود در گویش عربی کاربرد ندارند؛ بلکه برخی موارد در گویش عربی درمیان، فعلی بسیط در مقابل فعل مرکب فارسی به کار می‌رود.

واژگان کلیدی: فعل مرکب، درمیان، خراسان جنوبی، گویش، عربی، فارسی

مقدمه

فرایند ترکیب یکی از رایج‌ترین فرایندهای واژه‌سازی در زبان فارسی نو است؛ با این حال فعل مرکب، تعریف و مصادیق آن از نکات مورد اختلاف و چالش برانگیز در زمینه دستور زبان فارسی می‌باشد. در زبان‌شناسی عمومی فعل مرکب (compound verb/phrasal verb) نوعی فعل متشکل از زنجیره‌ای از یک عنصر واژگانی به اضافه یک یا چند ادات (particle) است (چگنی، ۱۳۸۲: ۳۵۰). در این تعریف ادات «عنصری غیرقابل تغییر است که نقش دستوری معین دارد. این اصطلاح بویژه برای صورت‌هایی به کار می‌رود که به سهولت در طبقه‌بندی معمول اجزای کلام نمی‌گنجند» (همان: ۳۳۸). گستردگی این تعریف موجب می‌شود بسیاری از زنجیره‌های زبانی در آن بگنجد. برای مثال مک‌کارتی و اُدل (McCarthy & O'Dell; 2004: 3) فعل مرکب را فعلی می‌دانند که حداقل از دو عنصر (element) تشکیل شده باشد: یک فعل و یک ادات که ادات شامل حرف اضافه (preposition) و قید (adverb) می‌شود. البته فعل مرکب می‌تواند شامل یک فعل، یک ادات و یک قید نیز باشد. مک‌آرتور (McArthur, 1992: 772) نیز تعریفی مشابه برای فعل مرکب دارد؛ با این تفاوت که به جای عنصر، از واژه (word) استفاده کرده است؛ سوان و والتر (Swan & Walter, 2001: 138)؛ نیز فعل مرکب را ترکیبی از یک

فعل با یک حرف اضافه یا قید می‌دانند اما کریستال (Crystal, 1985: 232) فعل مرکب را مجموعه‌ای از عناصر واژگانی (lexical element) به علاوه یک یا دو ادات می‌داند. پژوهشگرانی مانند کلن و فانک (Kolln & Funk, 1998: 35) علاوه بر ویژگی‌های ساختاری، به این نکته نیز اشاره کرده‌اند که فعل مرکب باید معنای اصطلاحی یا مجازی داشته باشد؛ یعنی معنی جزء واژگانی آن تغییر کرده باشد. البته پژوهشگرانی مانند سوان و والتر معنای اصطلاحی را شرط ضروری برای فعل مرکب ندانسته‌اند (Swan & Walter, 2001: 138).

اگر چنین تعاریفی را برای فعل مرکب بپذیریم، می‌توانیم قبول کنیم که در زبان عربی نیز فعل مرکب وجود دارد. پژوهشگرانی نظیر حلیمی (۱۹۹۳: ۴۱۶) در کتاب *المقارنه بین النحو العربی و النحو/الفارسی و ناظمیان* (۱۳۸۶: ۷۹-۸۰) در کتاب *فن ترجمه* وجود فعل مرکب در زبان عربی را تأیید کرده‌اند. وجود فعل مرکب در زبان عربی را منوط به استفاده از افعالی چون "تم" و "قام" می‌داند: "قام بتوزیع الکتاب" و "تم بناء هذا البيت". حلیمی نیز ترکیب‌هایی چون "یسفک الدماء" را فعل مرکب می‌شمارد. رضایی و دیگران (۱۳۹۶: ۱۴۹-۱۵۸) نیز در مقاله «گامی در اثبات فرضیه وجود فعل مرکب در زبان عربی» اقسامی برای آن برشمرده‌اند. مبارک (Mubarak, 2015: 1, 9) نیز فعل‌هایی نظیر *يعش عن*، *يرغب عن*، *دخل من*، *اطلق من* و *حجب عن* را فعل مرکب دانسته‌اند. اغلب این زنجیره‌های واژگانی از یک عنصر واژگانی و یک حرف اضافه یا ادات تشکیل شده و به‌ندرت ساخت دیگری دارند. اگر بپذیریم که این ساخت‌ها فعل مرکبی تشکیل می‌دهند، می‌توان نتیجه گرفت که در گویش عربی معیار، فعل مرکب وجود دارد.

در عین حال باید پذیرفت که ساخت افعالی که بررسی شد، با تعریف‌های رایج در زبان فارسی در خصوص فعل مرکب، متفاوت هستند. در زبان فارسی فعل مرکب، فعلی است که از ترکیب یک اسم یا صفت با یک فعل ساخته می‌شود؛^۱ اما در برخی گویش‌های عربی رایج در ایران فعل‌های مرکبی به کار می‌رود که نه‌تنها ساخت فعل مرکب عربی معیار را ندارند، که به ساختار

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: ناتل خانلری، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۶۸؛ احمدی گیوی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۸۶۹.

فعل مرکب فارسی نیز بسیار نزدیک می‌شوند. از مهم‌ترین این گویش‌ها، گویش‌های عربی خراسان جنوبی است. در این گویش‌ها، فعل‌های مرکبی وجود دارد که برخلاف نمونه‌های بالا از دو تکواژ آزاد، یعنی دو عنصر واژگانی (یک اسم یا صفت به اضافه یک همکرد) تشکیل شده است؛ مانند "جوابِ إنتِ" /jovab ente/ (به معنی "جواب داد") و "عُگْدِه اِچَل" /ogde ečal/ (به معنی "گره خورد"). چنین ساخت‌هایی در گویش عربی معیار قابل مشاهده نیست. به همین دلیل به نظر می‌رسد ساخت چنین افعالی بر پایه ساختار فعل مرکب در فارسی شکل گرفته است. این تأثیرپذیری بر اثر مجاورت زبان عربی و زبان فارسی در این مناطق ایجاد شده است. در این مقاله بر آنیم تا ساخت فعل مرکب در گویش عربی درمیان را واکاوی نموده؛ تأثیر ساخت فعل مرکب زبان فارسی را بر آن‌ها بررسی کنیم. البته همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، ممکن است افعال مرکبی با ساخت عربی فصیح نیز در گویش عربی درمیان وجود داشته باشد که بررسی یا انطباق آن با ساخت افعال مرکب برگرفته از فارسی، موضوع این مقاله نیست و پژوهش مستقلی می‌طلبد. با توجه به گستردگی کاربرد فعل مرکب در گویش عربی درمیان و عدم انجام هرگونه تحقیقی در این بستر، این پژوهش می‌تواند آغازگر مطالعاتی در این زمینه از رویکردهای مختلف باشد. مقاله حاضر بر اساس رویکرد "زبان‌شناسی تطبیقی" به نگارش درآمده است.

پیشینه پژوهش

درباره وجود فعل مرکب در زبان عربی پژوهش‌گران بسیاری تحقیقاتی انجام داده‌اند؛ مانند: ناصر (Nasir, 2015) در مقاله "افعال مرکب در عربی و انگلیسی در سه داستان کوتاه منتخب"، مبارک (Mubarak, 2015) در مقاله "افعال مرکب در انگلیسی و عربی: پژوهشی ساختاری بر پایه متون علمی"، حلیمی (۱۹۹۳) در کتاب *المقارنه بین النحو العربی والنحو الفارسی*، ناظمیان (۱۳۸۶) در کتاب *فن ترجمه*، رضایی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله "گامی در اثبات فرضیه وجود فعل مرکب در زبان عربی". در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به گویش‌های غیرمعیار عربی از جمله

گویش عربی درمیان و امکان تأثیرپذیری ساخت فعل مرکب در این گویش از زبان فارسی اشاره‌ای نشده است.

پژوهش‌های اندکی درباره گویش عربی عربخانه و درمیان انجام گرفته است. از جمله ایوانف به گویش عربخانه اشاره کرده و اعتقاد دارد واژگان این زبان تقریباً فارسی، اما دستور زبان (نحو) آن عربی است؛ در صورتی که برخلاف این عقیده، گویش عربخانه تأثیرهای فراوانی از نحو زبان فارسی گرفته است. پایان‌نامه آموزگار (۱۳۸۰) و مقاله مستخرج از آن، بیش‌تر به تاریخچه عرب-های این منطقه و تطبیق زبان عربی آن با عربی معیار پرداخته و به تأثیرپذیری این گویش از زبان فارسی توجهی نشده است. جانی (۱۳۸۷) نیز در پایان‌نامه‌اش بیش‌تر به مقایسه گویش عربی درمیان با عربخانه پرداخته است. دالگن (Dahlgenn, 2005) در مقاله خود معتقد است که زبان فارسی تأثیر فراوانی بر گویش عربی عربخانه داشته است. در کتاب کاظمی (۱۳۹۳) و مقاله عباسی (۱۳۷۷) توضیحات مفصلی در مورد تاریخچه مهاجرت عرب‌های خراسان جنوبی به این منطقه آمده است. مقاله سیدی و جانی (۱۳۸۷) نیز به شباهت آوایی گویش عربی جنوب عراق با جنوب خراسان پرداخته است. پایان‌نامه امیرآبادی‌زاده (۱۳۸۸) تنها به حوزه ساخت واژه توجه داشته و به موضوع نحو نپرداخته است. مقاله نوروزی و قربانی جویباری (۱۳۹۴) درباره تأثیر فعل اسنادی فارسی بر ساختمان فعل گویش عربی عربخانه تنها به تأثیرپذیری واژگانی بخش فعل در دو زبان توجه داشته. مقاله دیگر نوروزی و قربانی جویباری (۱۳۹۵) نیز که برخی از وام‌گیری‌های گویش عربی عربخانه از زبان فارسی را مورد بررسی قرار داده، از فعل مرکب غافل شده است.

فعل مرکب در زبان فارسی

فعل مرکب از جمله مباحثی است که دستوردانان درباره آن اتفاق نظر ندارند. البته فعل مرکب مسأله تنها دستوردانان نیست؛ که زبان‌شناسان و فرهنگ‌نویسان را نیز به خود مشغول داشته و هر یک از منظر و دید خویش به آن نگریسته‌اند. هرکدام از این گروه‌ها در پی آنند تا به تعریفی

جامع و مانع، و نظری منسجم و دقیق درباره فعل مرکب دست یابند؛ و به همین دلیل در کتاب‌ها و مقاله‌های دستوری تعاریف گوناگونی از فعل مرکب ارایه کرده‌اند که به ذکر نمونه‌هایی از این تعاریف بسنده می‌کنیم:

فعل مرکب فعلی است که از ترکیب یک اسم یا صفت با یک فعل ساخته می‌شود. بخش اول فعل مرکب را فعلیار و بخش دوم آن را همکرد می‌نامند (ناتل خانلری، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۶۸؛ احمدی گیوی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۸۶۹). برخی نیز این تعریف را قدری توسعه داده و فعلیار را شامل هر تکواژ مستقلى دانسته‌اند (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۴: ۵۹). در برخی از تعاریف نیز هر دو کلمه را مستقل دانسته و بر این نکته تأکید کرده‌اند که از مجموع همه‌ی آن‌ها باید معنی یگانه‌ای دریافت شود (خطیب‌رهبر، ۱۳۸۱: ۲۳۹).

در مجموع، جز برخی موارد که دست‌نویسان با برشمردن افعال پیشوندی به‌عنوان فعل مرکب، دایره فراگیری گسترده‌تری به آن بخشیده‌اند^۱، تمامی این تعاریف حتی با وجود اختلاف میان آن‌ها، تقریباً تصویر واحدی از این گونه فعلی نشان می‌دهد. در این مقاله فعلی مرکب در نظر گرفته می‌شود که اولاً بسط‌پذیر نباشد؛ ثانیاً نتوان به فعلیار آن نقش دستوری خاصی اختصاص داد؛ ثالثاً از ترکیب فعلیار و همکرد معنای مجازی جدیدی ایجاد شود^۲.

فعل مرکب در گویش عربی درمیان

شهرستان درمیان، یکی از یازده شهرستان استان خراسان جنوبی است که با وسعتی معادل ۵۷۹۷ کیلومتر مربع در موقعیت جغرافیائی ۵۹ درجه و ۲۸ دقیقه تا ۶۰ درجه و ۴۷ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه و ۳۲ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۲۱ دقیقه عرض شمالی قرار دارد. این شهرستان از سمت شمال به شهرستان زیرکوه، از جنوب به شهرستان سربیشه، از غرب به شهرستان بیرجند و از شرق با مرزی به درازای ۷۰ کیلومتر به شهرستان (ولسوالی) اناردره از ولایت فراه

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: خیام‌پور، ۱۳۷۵: ۶۹.

۲. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۴: ۶۰-۶۳.

افغانستان متصل است. درمیان از سه بخش به نام گزیک در شرق، مرکزی در مرکز و قهستان در غرب تشکیل شده و ۶ دهستان را در بر می‌گیرد که عبارتند از دهستان درمیان، میاندشت، قهستان، فخرود، گزیک و طبس مسینا. در این شهرستان چیرگی زبانی با گویش‌های فارسی است؛ اما قبایل عرب نیز در آن‌جا ساکن هستند که به گویش‌های عربی تکلم می‌کنند. محدوده جغرافیایی این گویش‌ها، روستاهای خلف، دره چرم، سراب، محمدیه و رودرباط است. از این میان بیش‌ترین تأکید ما بر روستاهای سراب و خلف بوده است.

در گویش عربی درمیان افعال بسیاری هستند که با صرف در باب‌های مختلف معانی جدیدی به خود گرفته‌اند. افزون بر افعال عربی این گویش، قاعده تصریف را در افعالی با ریشه فارسی نیز می‌توان دید. این دسته از افعال که در فارسی به‌صورت اسم به کار می‌روند، در این گویش در طبقه دستوری فعل صرف می‌شوند. به‌طور مثال "غرغر کرد" به‌صورت "غَرَّغَر" که البته با دایره معنایی گسترده‌تری به کار می‌رود. در برخی از افعال مرکب این گویش نه فعلیار فارسی است و نه همکرد. اما در برخی افعال دیگر، فعلیارها فارسی هستند و همکردها نیز ترجمه همان فعل فارسی در عربی؛ مانند "لخش إچل". برخی از این فعلیارها، برگرفته از گویش فارسی رایج در این منطقه است و برخی دیگر نیز فعلیارهای فارسی معیار می‌باشند.

آن‌چه که امروزه می‌بینیم کاربرد رو به گسترش این گونه فعل‌ها در این گویش است. در نگاهی گذرا در گذشته کاربران، بیش‌تر از طریق تصریف دایره فعلی این گویش را گسترش داده‌اند. اما اینک نه‌تنها افعال مرکب فارسی در این گویش نیز به‌صورت مرکب به کار می‌رود، که گویشوران کنونی دسته افعالی را که پیش‌تر گونه بسیط آن‌ها کاربرد داشته، در ساختار گونه‌ای مرکب به کار گرفته‌اند. مانند "حرکه سو" ترجمه لفظ‌به‌لفظ "حرکت کرد" به جای "اتحرَّج" و "لخش إچل" ترجمه لفظ‌به‌لفظ "سُرْخورد" به جای "لُخَش".

فعل مرکب با همکرد (=save)

"کردن" فعال‌ترین همکرد در ساختمان فعل مرکب فارسی به شمار می‌رود. هرگاه یک صفت، فعلیاری این فعل باشد تغییر از حالتی به حالت دیگر را می‌رساند؛ مانند ناراحت کردن. زمانی فعل "کردن" با فعلیاری صفت خود فعل مرکب به شمار می‌آید که معنایی غیرترکیبی از هم‌نشینی آن‌ها حاصل شود (مهیار، ۱۳۷۶: ۱۷۷).

این همکرد در گویش عربی شرق درمیان نیز پربسامدترین و فعال‌ترین همکرد در ساختمان افعال مرکب است. ماضی این همکرد در گویش مذکور "save" و در معنای "کردن و انجام دادن" است. برخی گویشوران مصوت پایانی e را به صورت (ā) ی کشیده /â/ به کار می‌برند. مضارع آن به صورت "yesæy" به معنای "می‌کند" و امر آن به صورت "sav" در معنای "کن" و نهی آن به صورت lā-sav در معنای "نکن و انجام‌نده" کاربرد دارد. برای مجهول این فعل، از فعل "este" گونه تحول یافته "است" فارسی^۱ به کار می‌رود. به عنوان مثال، مجهول "maoattal save" (= معطل است) "maoattal este" (= معطل شد) است. در ساختن امر، ماضی نقلی، بعید و استمراری نیز تغییرات لازم در همکرد معمول می‌شود. شیوه ساخت آن‌ها کاملاً مانند فعل ساده در این گویش است.

افعال مرکب با همکرد "save" به دو دسته تقسیم می‌شود: فعل‌های مرکبی که ساخت بسیط آن‌ها هم استعمال می‌شود و فعل‌های مرکبی که تنها به صورت مرکب کاربرد دارند:

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر. ک. به: نوروزی و قربانی جویباری، ۱۳۹۴: ۱۴۵-۱۹۴.

گویش عربی		گویش فارسی	
بسیط	مرکب	مرکب	
-	šoruo save	شروع کرد	افعال تک‌ساختی
-	solh save	آشتی کرد	
-	gēbe save	غیبت کرد	
etharrač	harke save	حرکت کرد	افعال دوساختی
etfaččar	fečer save	فکر کرد	
oattal	maoattal save	معطل کرد، منتظر گذاشت	
etmaoacan	degge save	دقت کرد	

باید توجه داشت که تمام افعال مرکبی که در فارسی با همکرد "کردن" به کار می‌روند، به همان صورت در گویش عربی کاربرد ندارند؛ بلکه در بسیاری موارد در گویش عربی فعلی بسیط در مقابل فعل مرکب فارسی به کار می‌روند. از جمله: oxtâš (به معنی قهر کرد)؛ bečče (به معنی گریه کرد)؛ bādal (به معنی عوض کرد، مبادله کرد).

فعل مرکب با همکرد (ente=دادن)

همکرد دیگری که در گویش عربی درمیان کاربرد زیادی دارد همکرد /ente/ به معنی "دادن" است. از این فعل، گونه‌های مضارع، امر، مجهول و اسم فاعل و مفعول به ترتیب به اشکال زیر رایج است: /yenti/ به معنی "می‌دهد"، /ente/ به معنی "بده"، /enote/ به معنی "داده شد"، /menti/ به معنی "داده است" و /menote/ به معنی "داده شده است". مانند ساخت همکردی قبلی (save) در این مورد نیز دو گونه فعل در گویش عربی شرق درمیان رایج است: نخست افعالی که مانند فارسی تنها گونه مرکب دارند و دوم افعالی که هم گونه مرکب و هم بسیط آن کاربرد دارد. البته باید توجه داشت که گونه اول بسیار پرکاربردتر است. در ادامه نمونه‌هایی از فعل مرکب با همکرد /ente/ آمده است:

گویش عربی		گویش فارسی	
بسیط	مرکب	مرکب	
-	oogde ente	گره داد	افعال تک‌ساختی
-	jovab ente	جواب داد/پاسخ داد	
-	rihe ente	بو داد	
-	darb ente	راه داد	
-	hamiye ente	اهمیت داد	
-	dud ente	دود داد	
-	tahvil ente	تحويل داد	
-	hue ente	باد داد	
-		ا	
-	ejāre ente	اجاره داد	
-	id ente	دست داد	
xēbar	xobar ente	خبر داد/اطلاع داد	افعال دو ساختی
oallam	dars ente	درس داد	
hammar	taff ente	تفت داد	

نکته مهم اینکه در گویش عربی شرق درمیان گاهی در مقابل فعل‌های مرکب فارسی با همکرد "دادن" تنها گونه ساده آن فعل کاربرد دارد:

گویش فارسی		گویش عربی	
مرکب		مرکب	بسیط
دشنام داد		-	šattam
تعلیم داد		-	ɔallam
رضایت داد		-	roʒe
پیشنهاد داد		-	gâl
سلام داد		-	Sallam
خاتمه داد/ پایان داد		-	tammam
شفاداد		-	yešaffi
پرورش داد		-	čabbar
تغییر داد		-	bādal
طول داد		-	towval
قرار داد		-	xalle
تکیه داد		-	entač
توسعه داد		-	vassao
عبور داد		-	ɔabbar
قسم داد/ سوگند داد		-	hallaf
وعده داد		-	vâoal
حرکت داد		-	Harrač
طلاق داد		-	Tallaj

افعال تک‌ساختی

نکته دیگر اینکه شکل مجهول این همکرد به صورت /enɔete/ به کار می‌رود؛ بنابراین صورت مجهول فعل‌های مرکب با همکرد ente نیز به همین ترتیب به کار می‌رود؛ برای مثال فعل "اجاره داده شد" به صورت ejāre enɔete دیده می‌شود.

نکته دیگر اینکه در گویش عربی شرق درمیان گاهی در مقابل فعل‌هایی که در فارسی معیار با همکرد "دادن" ساخته می‌شود، به جای همکرد /ente/ (دادن) از همکردهای دیگر استفاده می‌گردد:

گوش فارسی		گوش عربی
مرکب	مرکب	بسیط
تخفیف داد	kam save (کم کرد)	-
آزار داد	ašye save (اذیت کرد)	-

همان گونه که در جدول فوق می بینیم، معادل فعل "تخفیف دادن" در این گوش فعل «kam save» است. این کاربرد متأثر از گوش فارسی رایج در منطقه درمیان است که به جای "تخفیف دادن" فعل "کم کردن" را به کار می برند. در مورد فعل هایی نظیر "آزار دادن" نیز همین نکته صدق می کند.

فعل مرکب با همکرد (Sorab = زدن)

همکرد دیگری که کاربرد فراوانی در گوش عربی درمیان دارد، همکرد "ضَرَبَ" /Sorab/ در معنای "زدن" است. شیوه ساخت مضارع، امر، مجهول، ماضی نقلی، بعید و استمراری آن ها مانند افعال بسیط این گوش است. در گوش عربی شرق درمیان مانند فعل های همکردی پیش، در این مورد نیز دو گونه فعل رایج است: نخست افعالی که مانند فارسی تنها گونه مرکب دارند و دوم افعالی که گونه مرکب و نیز بسیط آن کاربرد دارد.

گوش فارسی		گوش عربی
مرکب	مرکب	بسیط
افعال تک ساختی	تشر زد	hēbē Sorab
	زور زد	šur Sorab
	ورق زد	varaq Sorab
	خط زد	xat Sorab
	م	-
	ل	-
	ب	baxye Sorab
افعال دو ساختی	قدم زد	jedam Sorab
	یخ زد	yax Sorab: šāddu (al-ommā)

باید توجه داشت که در گویش عربی درمیان مانند موارد پیش، تمامی افعال مرکب فارسی با همکرد مذکور به صورت مرکب به کار نمی‌روند؛ بلکه برخی از افعال به صورت بسیط و نزدیک به معادل عربی اصیل خود به کار می‌روند. برخی نیز در این گویش به صورت تعریب شده برجای مانده‌اند. از این افعال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

گویش عربی		گویش فارسی	افعال تک‌ساخته
بسیط	مرکب	مرکب	
tācan	-	طعن زدن	
sorax	-	فریاد زدن / جیغ زدن	
horas	-	شخم زدن	
yebas	-	خشک (م، ت، ش و ...) زدن	
gotao	-	نیش زدن	
maššat	-	شانه زدن	
yenud	-	چرت زدن	
ʕohak	-	لبخند زدن	
yaqarqor	-	غر زدن	
ʕotas	-	عطسه زدن	
hanjam	-	حرف زدن	
tolao	-	بیرون زدن	

همان‌گونه که در جدول بالا می‌بینیم برخی از افعال، صورت معرب کلمات فارسی هستند؛ نظیر yaqarqor (غر زدن) و hanjam (حرف زدن).

نکته دیگر اینکه در گویش عربی شرق درمیان گاهی در مقابل فعل‌هایی که در فارسی معیار با همکرد "زدن" ساخته می‌شود، به جای همکرد "ضَرَبَ" / ʕorab/ از همکردهای دیگر استفاده می‌شود: دانسته نیست این کاربرد از گذشته‌های دور در این گویش برجای مانده یا از گویش خاصی وارد این گویش شده است؛ برای مثال rās jarre (در معنای سر زدن) در جمله "او امروز به من سر زد": ohu alyōm menni rās jarre. کاربرد فعل jarre (کشیدن) به دلیل این است که در منطقه درمیان، گویشوران فارسی از فعل "سر کشیدن" به جای "سر زدن" استفاده می‌کنند.

فعل مرکب با همکرد (ečal = خوردن)

همکرد دیگری که در افعال مرکب گویش عربی درمیان وجود دارد /ečall/ در معنای "خوردن" یا همان "أَكَلَ" در عربی معیار است. دیگر ساخت‌های این فعل از جمله مجهول، امر و ماضی بعید و ... مانند دیگر همکردها و فعل ساده این گویش ساخته می‌شوند. مانند ساخت‌های همکردی قبلی در این مورد نیز دو گونه فعل در گویش عربی شرق درمیان رایج است: نخست افعالی که مانند فارسی تنها گونه مرکب دارند و دوم افعالی که هر دو گونه مرکب ساده آن کاربرد دارد. باید توجه داشت که گونه اول بسیار پرکاربردتر است. نمونه‌ای از افعال مرکب با این همکرد در گویش عربی شرق درمیان این‌جا آمده است:

گویش عربی		گویش فارسی	
بسیط	مرکب	مرکب	افعال تک‌ساختی
-	hue ečal	باد خورد	
-	tow ečal	تاب خورد	
-	Jald ečal	سرما خورد	
-	tāl ečal	تا خورد	
-	takkân ečal	تکان خورد	
-	gal ečal	غلت خورد	
-	latme ečal	لطمه خورد	
-	oogde ečal	گره خورد	
-	tapp ečal	کتنک خورد	
loxaš	laxš ečal	سر خورد، لیز خورد	افعال دوساختی

همان‌گونه که مشاهده می‌شود اغلب فعلیاریهای این همکرد برگرفته از گونه یا لهجه فارسی خراسان جنوبی رایج در منطقه سراب است. روشن نیست که به چه دلیل وام‌گیری در این همکرد خاص تا بدین اندازه زیاد است؛ به گونه‌ای که فعل "لیز خورد"، laxš (لَخَشِ فارسی) حتی در گونه بسیط به باب‌های عربی رفته است. لَخَشِ همان لَغَز از ریشه لغزیدن است. نکته مهم اینکه در گویش عربی شرق درمیان گاهی در مقابل فعل‌های مرکب فارسی با همکرد "خوردن" تنها گونه ساده آن فعل کاربرد دارد:

گویش عربی		فارسی
بسیط	مرکب	مرکب
ethallaf	-	سوگند خورد، قسم خورد
eltaff	-	پیچ خورد

در این موارد هم گاهی مشاهده می‌شود که واژه فارسی به باب‌های عربی رفته، معرب شده و به‌صورت فعل بسیط به کار رفته است:

گویش عربی		فارسی
بسیط	مرکب	مرکب
jāš	-	جوش خورد

فعل مرکب با همکرد (jarre = کشیدن)

/jarre/ به معنی "کشیدن" همکرد دیگری است که در افعال مرکب گویش عربی درمیان رواج دارد. ماضی این همکرد /jarre/ (کشید) مضارع و امر به‌ترتیب /yejerr/ (می‌کشید) و /jerr/ (بکش) است. اسم فاعل آن از ثلاثی مجرد و مزید باب انفعال به‌شیوه زیر است: /jārr/ به‌معنی "کشیده است" و /menjarr/ به معنی "کشیده شده است". در گویش عربی شرق درمیان مانند ساخت‌های همکردی قبلی در این مورد نیز دو گونه فعل رایج است: نخست افعالی که مانند فارسی تنها گونه مرکب دارند و دوم افعالی که هم گونه مرکب و هم بسیط آن کاربرد دارد. باید توجه داشت که گونه اول بسیار پرکاربردتر است. نمونه‌هایی از افعال همکردی با همکرد فوق در ادامه آمده است:

گویش فارسی		گویش عربی	
مرکب		مرکب	بسیط
گرسنگی کشید	juo jarre	-	-
دست کشید	id jarre	-	-
		-	-
دم کشید	dam jarre	-	-
کیسه کشید	čise jarre	-	-
زحمت کشید	šahme jarre	-	-
عذاب کشید	æšab jarre	-	-
		-	-
		-	-
انتظار کشید	entešar jarre	-	-
بو کشید	rihe jarre	-	-
قد کشید	qad jarre	etvoval	
خجالت کشید	xejale jarre	exteðe	
طول کشید	tul jarre	ettowol	

افعال تک‌ساختی

افعال دوساختی

نکته مهم اینکه در گویش عربی شرق درمیان گاهی در مقابل فعل‌های مرکب فارسی با همکرد "کشیدن" تنها گونه ساده آن فعل کاربرد دارد:

گویش فارسی		گویش عربی	
مرکب		مرکب	بسیط
دراز کشید	-	enšelax	
بالا کشید (معنای کنایی)	-	ečal	
جارو کشید	-	gašše	
بالا کشید (معنای اصلی)	-	šohar	

فعل مرکب با همکرد (je = آمدن)

همکرد دیگری که در گویش عربی درمیان کاربرد دارد، همکرد /je/ به معنی "آمدن" است. صیغه‌های دیگری که از این فعل کاربرد دارد عبارتند از: مضارع /yeji/ (می‌آید) و اسم فاعل (در

معنای ماضی نقلی) /jāy/ (آمده است). تعداد افعالی که با این همکرد ساخته می‌شوند بسیار کم است. برای نمونه چند فعل مرکب با همکرد /je/ در ادامه آمده است:

گویش فارسی		گویش عربی	
مرکب		مرکب	بسیط
افعال تک‌ساختی	خواب (هم، ست، شش و ...) آمد ^۱	nōm je	-
	خوشد (هم، ست، شش و ...) آمد	xoš je	-
افعال دوساختی	بند آمد	band je	vejaf

در این قسم از افعال مرکب نیز چون دیگر افعالی که تاکنون بررسی شد، گاهی فعلیار چون "بند" در /band je/ فارسی است و گاهی چون /nōm/ در فعل مرکب /nōm je/ عربی است. نکته دیگر اینکه در گویش عربی شرق درمیان گاهی در مقابل فعل‌های مرکب فارسی با همکرد "آمدن" تنها گونه ساده آن فعل کاربرد دارد:

گویش فارسی		گویش عربی	
مرکب		مرکب	بسیط
بیرون آمد		-	tolao
پایین آمد		-	ensal

فعل مرکب با همکرد /jāb=آوردن/

همکرد /jāb/ به معنی "آوردن" فعل دیگری است که در ساخت فعل‌های مرکب گویش عربی درمیان کاربرد دارد. این همکرد در اصل همان "جاء ب" در عربی معیار است. این فعل در ساخت مضارع، امر و اسم فاعل (در معنای ماضی نقلی) آن نیز رواج دارد: /yejib/ به معنی "می‌آورد"؛ /jib/ به معنی "بیاور"؛ /jāy/ به معنی "آورده است".

برای مثال چند نمونه فعل مرکب با همکرد فوق در پی می‌آید:

۱. این گونه افعال را می‌توان به عنوان افعال تک‌شخصه نیز دانست.

گوشی فارسی		گوشی عربی	
مرکب		مرکب	بسیط
کم آورد	kam jāb	-	-
طاقت آورد	tāge jāb	-	-
اضافه آورد	eṣāf jāb	-	-
بچه آورد	reṣiā jābat	voledat	
افعال تک‌ساختی		افعال دوساختی	

هرگاه به جای همکرد "آوردن" در فارسی از فعل پیشوندی "درآوردن" استفاده شده باشد، در گویش عربی از /tola/ استفاده می‌شود. برای مثال: // rās tola/ به معنی "سر در آورد".

فعل مرکب با همکردهای دیگر

در گویش عربی درمیان افزون بر همکردهایی که تاکنون به آن‌ها اشاره شد، همکردهای دیگری نیز به کار می‌رود که البته کاربرد محدودتری دارند. این همکردها عبارتند از:

۱- برداشتن = $\text{logat}^1/\text{tow logat}$ (تاب برداشتن)، jedam logat (قدم برداشتن)، id logat (دست برداشتن).

۲- افتادن = $\text{veja}/\text{:lakke veja}$ (لک افتادن).

۳- بردن = $\text{vadde}/\text{:ers vadde}$ (ارث بردن)، darb vadde (راه بردن).

۴- کندن = $\text{gota}/\text{:galob gota}$ (دل کندن).

۵- بستن = $\text{šadde}/\text{:yax šadde}$ (یخ بستن).

۶- ماندن = $\text{tele}/\text{:has tele}$ (بیدار ماندن)، fi nōmtele (خواب ماندن)، rad tele (عقب ماندن).

۷- داشتن = $\text{cendâ}/\text{:cen cendâ}$ (چشم داشتن، انتظار داشتن)، xoš cendâ (خوش داشتن)، niyaṣ cendâ (نیاز داشتن).

۱. اصل آن در عربی معیار «لقط» است: لقط شیناً؛ آن چیز را بدون زحمت از روی زمین برداشت.

زنجیره‌های زبانی

در گویش عربی درمیان در برخی از زنجیره‌های زبانی فارسی نیز که نمی‌توان به قطعیت آن‌ها را فعل مرکب نامید، فعل مرکب شکل گرفته است. برخی از این زنجیره‌های زبانی عبارتند از:

۱- گذاشتن یا نهادن = *xalle/: esem xalle/* (نام گذاشتن، نام نهادن)؛ *farq xalle* (فرق گذاشتن)؛ *jedam xalle* (قدم گذاشتن).

۲- گفتن = *gâl/: tabrik gâl/* (تبریک گفتن).

۳- خواندن = *gore/: šeor gore/* (شعر خواندن)؛ *fâtehe gore* (فاتحه خواندن).

۴- دیدن = *šâf/: helm šâf/* (خواب دیدن)؛ *salâh šâf* (صلاح دیدن).

۵- رسیدن یا رساندن = *nehe/: fâyde nehe/* (فایده رسیدن؛ رسانیدن).

فعلیار در گویش عربی درمیان

آنچه گفته شد شامل مباحثی درباره کاربرد همکردها در گویش عربی درمیان بود؛ اما فعل مرکب جزء مهم دیگری نیز دارد به نام فعلیار. فعلیارها در فارسی معمولاً اسم‌ها یا صفت‌هایی هستند که قبل از همکرد قرار می‌گیرند. در ادامه توضیحاتی درباره فعلیارهای فعل مرکب در گویش عربی درمیان ارائه می‌گردد:

۱- همان‌گونه که تاکنون دیدیم فعلیارهای فعل مرکب در این گویش می‌تواند واژه‌ای عربی باشد. این واژه عربی در برخی موارد ترجمه فعلیار فارسی در آن فعل مرکب است: */id ente/* (دست دادن) و */rihe jarre/* (بو کشید). در این فعل‌های مرکب، */id/* («ید» در عربی معیار ترجمه "دست" و */rihe/* ("ریح" در عربی معیار) ترجمه "بو" است. گاهی نیز واژه فارسی عیناً به‌عنوان فعلیار، وارد فعل مرکب گویش عربی می‌شود: */lakke vejao/* (لک افتادن) و */jiq jarre/* (جیق کشید) و */dam jarre/* (دم کشید). در این فعل‌های مرکب واژه‌های "لکه"، "جیق" و "دم" عیناً وام‌گیری شده است. باید توجه داشت که بسیاری از این فعلیارها از گویش فارسی رایج در منطقه درمیان وارد فعل‌های مرکب عربی شده‌اند: *tal ečal* (تا خوردن)؛ *tap ečal* (کتک خورد)؛

tow logat (تاب برداشتن)، laxš ečal (سُر خوردن)؛ tow ečal (تاب خوردن)؛ jald ečal (سرما خوردن)؛ e8âf jâb (اضافه آوردن).

۲- مقوله واژگانی فعلیاریها در افعال مرکب گویش عربی درمیان، اغلب "اسم" هستند: /xejale /jarre (خجالت کشید)؛ اما گاهی صفت نیز به عنوان فعلیاری استفاده می شود: /kam save/ (کم کردن).

۳- در این گویش اغلب فعلیاری و همکرد بدون هیچ فاصله‌ای از یکدیگر قرار می گیرند. در موارد اندکی ضمیر متصل مفعولی به جای پیوستن به همکرد به فعلیاری می پیوندد. به عنوان مثال: «eseme xalle» نام او را ... گذاشت؛ «xōšj je» خوشم آمد؛ «jovabi ente» به من پاسخ داد.

نتیجه گیری

گویش عربی شهرستان درمیان قرن هاست که مانند جزیره‌ای میان گویش‌های فارسی این شهرستان به بقای خود ادامه داده و بسیاری از ویژگی‌های زبان عربی را در خود حفظ کرده است؛ اما همسایگی و مجاورت با گویش‌های فارسی سبب شده است که بسیاری از ویژگی‌های گویش - های فارسی را نیز بپذیرد. یکی از تأثیرات مهمی که گویش‌های عربی از فارسی پذیرفته‌اند، کاربرد فعل مرکب است. آن گونه که در مقاله بررسی شد، در گویش عربی درمیان فعل‌هایی وجود دارد که ساختاری کاملاً یکسان با فعل‌های مرکب فارسی دارند. در عربی معیار ساختار این فعل‌ها قابل بازیابی نیست؛ پس قطعاً از زبان فارسی وام گرفته شده‌اند. از بررسی این افعال به نتایج زیر دست یافتیم:

۱- در ساختار افعال مرکب گویش عربی درمیان، مانند فارسی، فعل مرکب از یک فعلیاری و یک همکرد فعلی ساخته می شود.

۲- همکردهای گویش عربی که همگی از فارسی وام گرفته شده‌اند عبارتند از: save (کردن)؛ مانند solh save به معنی صلح کردن)، ente (دادن)؛ مانند darb ente به معنی راه دادن)،

8orab (زدن؛ مانند hēbē 8orab به معنی تشر زدن)، ečal (خوردن؛ مانند tāl ečal به معنی تا خوردن)، jarre (کشیدن؛ مانند id jarre به معنی دست کشیدن)، je (آمدن؛ مانند band je بند آمدن)، jāb (آوردن؛ مانند kam jāb به معنی کم آورد)، logat (برداشتن؛ مانند tow logat به معنی تاب برداشتن)، vejao (افتادن؛ lakke vejao به معنی لک افتادن)، vadde (بردن؛ مانند darb vadde به معنی راه بردن)، gotao (کندن؛ مانند galob gotao به معنی دل کندن)، šadde (بستن؛ مانند yax šadde به معنی یخ بستن)، tele (ماندن؛ مانند rad tele به معنی عقب ماندن)، ɔendâ (داشتن، مانند ɔen ɔendâ به معنی چشم داشتن، انتظار داشتن).

۳- تمامی افعالی که در فارسی با همکرد و به صورت مرکب به کار می‌روند، به همان صورت در گویش عربی درمیان کاربرد ندارند؛ بلکه در گویش عربی در بسیاری موارد فعلی بسیط در مقابل فعل مرکب فارسی به کار می‌روند. از جمله: oxtâ (به معنی قهر کرد)؛ bečče (به معنی گریه کرد).

۴- در گویش عربی درمیان گاهی در مقابل فعل‌هایی که در فارسی معیار با همکرد و به صورت مرکب ساخته می‌شود، به جای همکرد فارسی از همکردهای دیگر استفاده می‌شود؛ برای مثال "تخفیف داد" در گویش عربی به صورت kam save به معنی "کم کرد" (با همکرد save) و "سر زدن" به صورت rās jarre به معنی "سر کشیدن" (با همکرد jarre) به کار می‌رود. این افعال احتمالاً یا از گذشته‌های دور در این گویش برجای مانده یا از گویش منطقه وارد آن شده است.

۵- در گویش عربی درمیان افعال مرکبی که با همکرد ساخته می‌شوند، به دو دسته تقسیم می‌گردند: فعل‌های مرکبی که ساخت بسیط آن‌ها هم استعمال می‌شود و فعل‌های مرکبی که تنها به صورت مرکب کاربرد دارند. این اصل در مورد تمامی همکردهایی که فعل مرکب می‌سازند صادق است.

۶- در این گویش فعلی‌ارهای فعل مرکب می‌تواند واژه‌ای عربی باشد. این واژه عربی در برخی موارد ترجمه فعلی‌ار فارسی در آن فعل مرکب است؛ مانند id ente (دست دادن). گاهی نیز واژه

فارسی عیناً به عنوان فعلیاری، وارد فعل مرکب گویش عربی می‌شود؛ مانند lakke vejao (به معنی لک افتادن).

۷- بسیاری از فعلیارهای عربی از گویش فارسی رایج در منطقه درمیان وارد فعل‌های مرکب عربی شده اند؛ مانند tal ēčal (تا خوردن)

۸- در گویش عربی درمیان فعلیارها در افعال مرکب، اغلب "اسم" هستند؛ مانند xejale jarre (به معنی خجالت کشید)؛ اما گاهی صفت نیز به عنوان فعلیاری استفاده می‌شود؛ مانند kam save (به معنی کم کردن).

۹- در این گویش اغلب فعلیاری و همکرد بدون هیچ فاصله‌ای از یکدیگر قرار می‌گیرند. در موارد اندکی نیز ضمیر متصل مفعولی به جای پیوستن به همکرد، به فعلیاری می‌پیوندد.

منابع

- احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۰). *دستور زبان فارسی*. تهران: نشر فاطمی.
- امیرآبادی زاده، مرجان (۱۳۸۸). "توصیف ساخت‌واژه اسم و فعل ثلاثی در منطقه عربخانه بیرجند". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ایوانف، ولادیمیر الکسی (۱۳۹۲). *فارسی در گویش بیرجند*. ترجمه محمود رفیعی. تهران: هیرمند.
- آموزگار، یوسف (۱۳۸۰). "بررسی گویش عربی منطقه عربخانه و مقایسه آن با عربی کلاسیک". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- جانی، اسماعیل (۱۳۸۷). "بررسی و توصیف گویش عربی شهرستان درمیان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- چگنی، ابراهیم (۱۳۸۲). *فرهنگ دایره‌المعارفی زبان و زبان‌ها*. خرم‌آباد: دانشگاه لرستان.
- حلیمی، احمد کمال‌الدین (۱۹۹۳). *مقارنه بین النحو العربی والنحو الفارسی*. الکویت: جامعه الکویت.
- خانلری‌ناتل، پرویز (۱۳۸۰). *دستور زبان*. تهران: توس.
- خطیب‌رهبر، خلیل (۱۳۸۱). *دستور زبان فارسی*. تهران: مهتاب.
- خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۷۵). *دستور زبان فارسی*. تهران: ستوده.
- رضایی، سارا، و دیگران (۱۳۹۶). "گامی در اثبات فرضیه وجود فعل مرکب در زبان عربی". *فصلنامه انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، دوره ۱۳، ش ۴۵ (زمستان): ۱۴۱-۱۶۴.
- سیدی، سیدحسین؛ جانی، اسماعیل (۱۳۸۷). "بررسی گویش عربی جنوب خراسان". *فصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، دوره ۴۱، ش ۴، پیاپی ۱۶۳ (زمستان): ۱۴۱-۱۵۴.

- عباسی، حبیب‌الله (۱۳۷۷). *پیشینه تاریخی اعراب جنوب خراسان*، در: *دیار آفتاب (خراسان‌شناسی)*. تهران: روزگار.
- کاظمی، محمدایوب (۱۳۹۳). *تاریخ عربخانه*. تهران: سیمای دوست.
- مهیار، محمد (۱۳۷۶). *فرهنگ دستوری*. تهران: میترا.
- ناظمیان، رضا (۱۳۸۶). *فن ترجمه (عربی-فارسی)*. تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- نوروزی، حامد؛ قربانی‌جویباری، کلثوم (۱۳۹۴). "تأثیر فعل اسنادی فارسی بر ساختمان فعل در گویش عربی عربخانه". *پژوهش‌های ادبی*، دوره ۱۲، ش ۵۰ (زمستان): ۱۴۵-۱۹۴.
- ----- (۱۳۹۵). "قرض‌گیری‌های گویش عربی عربخانه از زبان فارسی". *مطالعات تطبیقی فارسی و عربی*، دوره ۱، ش ۱ (بهار و تابستان): ۱۶۹-۱۹۱.
- وحیدیان کامیار، تقی؛ عمرانی، غلامرضا (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- Crystal, David (1985). *Cambridge Encyclopedia of the English Language*. Cambridge; New York: Cambridge University Press.
- Dahlgenn, Sven-Olof (2005). "On the Arabic of Arabkhane in eastern Iran". In: *Linguistic Convergence and Areal Diffusion, Case Studies from Iranian, Semitic and Turkic*. Ed. Eva Agnes Csato, Bo Isaksson and Carina Jahani. London: Routledge Curzon: 161-172.
- Kolln, Martha; Funk, Robert (1998). *Understanding English Grammar*. 5th ed. Boston: Allyn and Boston and Bacon.
- McArthur, Tom, ed. (1992). *The Oxford Companion to the English Language*. Oxford; New York: Oxford University Press.
- McCarthy, Michael; O'Dell, Felicity (2004). *English Phrasal Verbs in Use*. New York: Cambridge University Press.
- Mubarak, Lahhaz Abd al-Amir (2015). "Phrasal Verbs in English and Arabic: A Contrastive Study With Reference to Some Scientific Texts". *Journal of Babylon Center for Humanities Studies, University of Babylon Babylon Center for Civilization and Historical Studies*, Vol. 5, No. 1: 1-22.
- Nasir, Kamal Gatta (2015). "English and Arabic phrasal verbs in four selected short stories". *Journal of The Thi Qar Arts, University of Thi-Qar College of Arts*, Vol. 4, No. 16: 320-341.
- Swan, M.; Walter, C. (2001). *The Good Grammar Book*. Oxford: O.U.P.

Typology of contemporary rural housing patterns and its relationship with climate A case study of Kang village

Farzane Bimakr¹, Reza Mirzaie², Mahdi Madahi³, Ahmad Heydari⁴

Abstract

Today, it is important to know the rural housing architecture, because their architectural spatial patterns are formed in interaction with the climate and environment and are closely related to the cultural, social and economic characteristics of their inhabitants. This study intends to study the housing of Kang village located in Mashhad, as a complex mixed with nature, because the differences in the sub-climates of this region have led to the emergence of different types of housing that have a structure. They are also valuable in energy optimization architecture. The study method of this article is qualitative and the information is obtained based on theories derived from data, case and documentary study, interview and observation. In this regard, this article considers various factors such as climate, materials and construction techniques, etc., Examines what gave rise to this type of architecture. The results show that there are five different species in the texture of houses due to the cold climate of the region, which results from the effect of architectural patterns compatible with environmental climatic criteria, and one of the most important factors affecting the housing pattern is the yard space. It appears 5 different structural patterns (indoor yard, Independent yard (semi-open), roof yard (staircase), common yard, no yard) . Also, from the structural similarity of the houses and the performance of the architectural elements used in them, it can be concluded that the fixed principles of thermal systems have been very effective in providing thermal comfort by using natural and solar energy.

Keywords: Climate, Habitat pattern, Kang (village), Heating system, Mashhad

1. PhD Student in the department, Islamic Azad University, Birjand branch, Iran
farzanehbimakr@gmail.com

2. Assistant, Professor of Art and Architecture, Islamic Azad University, Birjand branch, Iran,
Correspondent Author ucjkts@gmail.com

3. Assistant architecture department, Khavari Institute of Higher Education, Mashhad, Iran
sm.madahi@gmail.com

4. Assistant, Professor of Art and Architecture, Islamic Azad University, Birjand branch, Iran
ahmadheydari15@gmail.com

A study of the characteristics of Khorasani's style historiography in the Ghaznavid period

Mojtaba Khalifeh¹, Setareh Ghaffaribijar²

Abstract

Iranian historiography is of special importance in the first period of Ghaznavid rule (351-431 AH). Because great historians emerged in this era. Historians who changed historiography and historiographical trends. Until now, Iranian and Islamic historiography has been dominated by Muhaddithan, but during the fourth and fifth centuries, with the emergence of writers and scribes in the role of historians, history was introduced as an independent science. Most of these historians, such as Tha'libi, Beyhaqi and Gardizi, were from Khorasan or like Utbi in Khorasan, they had gone through the stages of growth and learning science. Therefore, the presence in Khorasan as the scientific-cultural center of their time had a fundamental role in the formation of a new method of historiography. For this reason, Ghaznavid historiography in the present article is considered as Khorasani's style historiography. In this research, the historiographical works of Ghaznavid era will be studied descriptively-analytically. This article tries to examine the characteristics of historiography of Khorasanian historians who have left the greatest impact on the course of historiography in this era. During this study, three salient features can be found in Ghaznavid historiography: First, the growth of cultural and social attitudes in historiography, Second, the emergence of historical explanations and the rationalization of historiography; and third, increasing the critical view of historical sources, individuals, and political practices in the view of historians of the period.

Keywords: Ghaznavid historiography, Khorasani's Style, Socio-cultural attitude, Historical explanation.

1. Assitant Professor, History Department, University of Birjand, Correspondent Author
mkhalifeh@birjand.ac.ir

2. Master in history, History Department, University of Birjand setareh.ghaffaribijar@gmail.com

Prediction social health of employees based on social capital role (the case of post offices in South Khorasan province)

Fateme Zeynoldini Meymand¹, Afsaneh Abdoli²

Abstract

The existence of social capital preserve health. People who live in a network of support, public trust, information, and norms have resources that have a positive effect on their health. In this regard, the purpose of this study was the role of social capital in predicting social health, which used Fukuyama (social capital) and Keys (social health) views as a theoretical basis. The approach of this research has been quantitative (survey-descriptive-correlation). The statistical population and sample size of all employees of post offices in South Khorasan was; that all employees have been selected for the sample size. The data collection tools were standardized questionnaires of social capital of Nahapit and Pushal (1998) and Keys social health (1998). Cronbach's alpha coefficient for social capital and social health is 0.952 and 0.646, respectively. All analyzes were performed using SPSS software version 22 and AMOS software 24. Findings of descriptive statistics indicate that the average of social health (54.2%) and average social capital (50.8%) were obtained from the respondents.

Based on the hypotheses, there has been a positive and significant relationship between social capital and its dimensions (structural, cognitive and communication) to achieve and strengthen social health ($p < 0.01$). Based on the beta results of the regression model, the components (values, cooperation, relationships, networks, trust and commitment) are best explained by the criterion variable, respectively; and the value of correlation coefficient (R) of social capital was 0.447 which indicates the variable components of the relationship of not so strong correlation with social health. Finally, nearly 20% of the total changes in social health have been affected by the predictive role of social capital and its organizational components.

Keywords: social capital, social health, general post office of South Khorasan

1. Educational science tutor, Payame Noor University fatete_z@yahoo.com

2. Assistant Professor in social sciences, Lorestan University abdoli.a@lu.ac.ir

Comparative Study of Key Factors in Good Rural Governance Case of study: Birjand County

Mahmoud Fallsoleyman¹, Mofid Shateri², Narges Khosravi³

Abstract

The issue of rural governance has recently assumed major prominence by researchers and development policymakers. The use of “rural governance” concept in the field of studies and actions in rural areas has always been accompanied by emphasis on some characteristics and principles, including the establishment of link and cooperation between different sectors affecting sustainable development, cooperation between administrative and political territories, increasing attention to sustainable participation of villagers, drawing goals and perspectives for participation, focusing on local and competitive advantages, capacity building and improving villagers' capabilities, etc. Due to some reasons such as the lack of participation of local residents in public affairs, partial and top-down policies, plurality of managements, task parallelism in organizations, etc, the role of governance at the village level has weakened and faded away. The methods covered in this survey-, documentary-based research are descriptive, correlational, causal-comparative with a developmental-applied nature. This study aimed at determining the current status of the good rural governance in Birjand County, and ranking the villages accordingly. The population of this study was consisting of all villages having rural municipality in Birjand County and all rural households in these villages. The sample of 41 villages and 206 households were selected based on Cochran's sample size formula. To examine the good rural governance in Birjand rural districts, a sample T-test was used. In addition, to rank the villages based on the good rural governance level and sustainable rural development, Topsis multi-criteria decision making approach and cluster analysis were used. The results of the study indicated that the intended area had no good condition in terms of good rural governance and sustainable rural development, and different rural districts of Birjand County were not in the same level in terms of good rural governance and sustainable rural development, hence had different rankings

Keywords: Good governance, Sustainable rural development, Birjand County

1. Associate professor, Geography department, Univesity of Birjand, Correspondent Author
mfall@birjand.ac.ir

2. Associate professor, Geography department, Univesity of Birjand mshateri@birjand.ac.ir

3. Master in geography, University of Birjand narges.khosravi@birjand.ac.ir

Assessment and Prioritization of the Most Important Problems and Culture of Culture in the Public Area (Citizenship and Social Ethics)

Hossein Ghodrati¹, Shafieh Ghodrati², Mehrdad Zeydi³

Abstract

Experts in different areas of social issues try to describe, explain and prioritize the most important cultural issues and issues and prioritize them based on their prioritization and treatment. The main purpose of this article is to evaluate and prioritize the most important issues and damages of culture in the public sphere (citizenship and social ethics) in Sabzevar. In addition, the causes and consequences of these issues have been prioritized from the point of view of cultural officials and the people themselves, and solutions have been provided to address them. For this purpose, three samples, including administrators and practitioners of cultural affairs, were studied by semi-structured interview, questionnaire and experts by questionnaire. Research Method This research was a combination of qualitative, quantitative and ANP methods. The results show that for the authorities and cultural influencers of unemployment, inappropriate driving culture and addiction are the three most important priorities of cultural threats (citizenship and social ethics) in Sabzevar, respectively. From the people's point of view, disregard for public rights by motorcyclists, drug addiction and street fighting are the most important problems. The common point of this view is that addiction is currently one of the three major problems in Sabzevar. Finally, by comparing pairs of problems in the ANP model with unemployment, addiction, weaknesses in group and collective culture, expansion of illicit relationships and weaknesses in citizenship culture awareness and observance are the most important cultural issues in Sabzevar. The most important factor affecting unemployment as a top priority is the lack of culturally appropriate programs with an impact factor of 0/089.

Keywords: Public Culture, Cultural Issues, Sabzevar, Citizenship Rights.

1. Associate professor in Sociology, Hakim Sabzevari University, Correspondent Author
hosseineghodrati@gmail.com

2. Assitant professor in demography, Hakim Sabzevari university S.ghodrati@hsu.ac.ir

3. Master of research in social sciences, Hakim Sabzevari University Merdadzeydi@gmail.com

The Influence of the Verbal System of Arabic Dialect of Darmian from Persian Dialect (Case Study: Compound Verb)

Kolsoom Qorbani Jouybari¹, Zeinab Salehi²

Abstract

Arabic dialect of Darmian, in south Khorasan, for centuries has survived like an island among Persian dialects of this district and has accepted among Persian languages properties for its proximity to it. One of the most important effects which this area's Arabic dialect has accepted from Persian is to enter compound verb in Arabic verbal system. In this article that has done in analytical-descriptive method, field data are collected by interviewing with the speakers and then the structure of compound verb in Darmian's Arabic dialect is studied. After reviewing data it is proven that there are some verbs in Arabic dialect which have the same structure with Persian compound verbs That's mean it has made by a hamyar (with the vocabulary category of noun or adjective) or a hamkard (with the vocabulary of verb) like persian language. The hamyars are Arabic or persian in compound verbs or Arabic translation of Persian nouns and adjectives. All hamkards of Arabic compound verbs are the translation of Persian hamkard (like kardan, zadan, 'âvardan, 'âmadan, kašidan, etc.). The compound verbs are made in Darmian Arabic dialect by hamkard are divided into two groups: The compound verbs which their comprehensive structure are used too and the compound verbs which only are used in Persian with hamkard. But all the compound verbs that are used in Persian with hamkard, are not used in Arabic dialect with the same way; but also in some cases in Darmian Arabic dialect. The comprehensive verb are used against Persian compound verb.

Key words: Compound Verb, Darmian, South Khorasan, Dialect, Arabic, Persian.

1. Assistant professor, Persian language and literature department, Correspondent author
kolsoomghorbani@birjand.ac.ir

2. PhD student in arabic literature, Ferdowsi University of Mashhad zeinabsalehi@yahoo.com

Table and content

Typology of contemporary rural housing patterns and its relationship with climate: A case study of Kang village/ Fateme Bimakr, Frazane Mirzaie, Mahdi Madahi, Ahmad Heydari	7
A study of the characteristics of Khorasani's style historiography in the Ghaznavid period/ Mojtaba Khalifeh, Setareh Ghaffaribijar	31
Prediction social health of employees based on social capital role (the case of post offices in South Khorasan province)/ Fateme Zeynoldini Meymand, Afsaneh Abdoli	57
Comparative Study of Key Factors in Good Rural Governance , Case of study: Birjand County/ Mahmoud Fallsoleyman, Mofid Shateri, Narges Khosravi	95
Assessment and Prioritization of the Most Important Problems and Culture of Culture in the Public Area (Citizenship and Social Ethics)/ Hossein Ghodrati, Shafieh Ghodrati, Mehrdad Zeydi	119
The Influence of the Verbal System of Arabic Dialect of Darmian from Persian Dialect (Case Study: Compound Verb)/ Kolsoum Qorbani Jouybari, Zeinab Salehi	155

Referees of This Period. (Alphabetical Order)



Mohammad Bagher Akhoondi/ Assistant Professor, University of Birjand
Morteza Esmail Nezhad/ Associate Professor, University of Birjand
Hadi Pourshafeie/ Associate Professor, University of Birjand
Mohammad Hajipour/ Assistant Professor, University of Birjand
Shirzad Khazaie/ Assistant Professor, University of Birjand
Hossein Farzanepour/ Associate Professor, University of Birjand
Hamed Norouzi/ Associate Professor, University of Birjand
Mohammadreza Azizi/ Assistant Professor, University of Birjand
Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
Javad Mekaniki/ Associate Professor, University of Birjand
Mohammadhassan Sharbatian/ Tutor, Payame Noor University, Birjand branch

In The Name Of God

Scientific Quarterly of Social-Cultural Studies of Khorasan

Serial: 57

ISBN 1735-8256

Autumn 2021 ,1st Number ,15th year

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Nabizadeh, Naser

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Ramezani, Mahmoud

Executive manager: Zerang, Mahin

The Editorial Committee

1. Mohammad Bagher Akhoundi/ Assistant Professor, University of Birjand
 2. Habib Allah Ahmadi/ Professor, University of Shiraz
 3. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
 4. Mohammad Behnamfar/ Professor of Persian language and literature, University of Birjand
 5. Bibi Aghdas Asghari/ Assistant Professor, Islamic Azad University, Gonabad
 6. Alexander Chulukhadze/ Associate Professor of Persian Language and Literature, University of Georgia
 7. Mohammad Ali Beidokhti/ Assistant Professor, University of Birjand
 8. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
 9. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
 10. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
 11. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
 12. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
 13. Mofid Shateri/ Associate Professor, University of Birjand
 14. willem floor/ Professor Iranologist and historian University of Leiden
-

Editors: Nasrollahi, Seyyed Noorollah

Editors: KhaliliTanha, Alireza

Translator and English Editor: Dehghani, Shahrzad

Technical affairs: Dastgerdi, Faezeh

Lithography & Press: Ofogh Hezareh sevom kavir institution

Circulation: 100

Price: 350000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction.

Research Society Office

Tel: 056-32323393

Fax: 056-32323277

Email: pazhoheshkhorasanj@farhangmail.ir

http://Farhangekhorasan.ir

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.



فرآیند دریافت وجه جهت پذیرش نهایی مقالات

نگارندگان محترمی که مقاله ایشان پس از طی مراحل داوری و بررسی نهایی مورد پذیرش قرار گرفته است، می‌بایست مبلغ ۲۰۰ هزار تومان بابت پذیرش نهایی به شماره حساب ۳۶۱۱۷۱۰۰۴۳۴۴۹۳۷ بانک قرض الحسنه مهر ایران مؤسسه فرهنگی - هنری افق هزاره سوم کویر واریز و تصویر فیش پرداختی را از طریق سامانه ارسال فرمایند.

(مقالاتی که فاقد فیش واریزی هستند در اولویت چاپ قرار نخواهند گرفت.)